



بنیاد خط آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

آشنایی با مبانی دفاع مقدس

جزوه شماره ۲

سال تحصیلی ۹۰-۹۱

تدوین: علی مهدیخانی

گرامی باد یاد و خاطره امام راحل عظیم الشان و شهدای هشت سال دفاع مقدس به ویژه

سردار سرافراز سپاه اسلام سرتیپ دکتر احمد سوداگر، از فرماندهان و جانبازان دوران دفاع مقدس، رئیس پژوهشگاه علوم و

معارف دفاع مقدس و بنیانگذار تدریس علمی دفاع مقدس در دانشگاهها



که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۱ به یاران شهیدش پیوست.

فهرست مطالب

مقدمه	۷	توقف سراسری دشمن	۵۱
شکست و پیروزی	۸	فصل پنجم -----	
فصل اول -----		رهبری حضرت امام (ره) در جنگ	۵۳
تعریف جنگ	۱۰	اصول رهبری حضرت امام خمینی (ره)	۵۴
مشخصات جنگ در اسلام	۱۰	فصل ششم -----	
علل و زمینه های آغاز جنگ تحمیلی	۱۰	توقف و تثبیت متجاوز	۶۴
اختلافات و مناقشات مرزی	۱۱	زمان بنی صدر	۶۴
جنگ چالدران	۱۲	زمان بعد از بنی صدر	۷۰
عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر	۱۵	عملیات فرمانده کل قوا	۷۰
انسداد استراتژیک و ژئوپلیتیک عراق	۱۷	فصل هفتم -----	
از بین رفتن قدرت بازدارندگی ایران	۱۸	استراتژی دفع تجاوز	۷۱
پیروزی انقلاب اسلامی	۱۹	عملیات ثامن الائمه	۷۱
جاه طلبی های شخص صدام	۲۰	عملیات طریق القدس	۷۳
نگرانی های کشورهای منطقه از خیزش های مردمی	۲۱	عملیات فتح المبین	۷۶
تلاش نظام سلطه برای احیای منافع از دست رفته	۲۲	عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر)	۷۸
تحریک گروههای مخالف نظام	۲۲	فصل هشتم -----	
فصل دوم -----		تعقیب و تنبیه متجاوز	۸۵
وضعیت ایران و عراق در آستانه جنگ	۲۴	علل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر	۹۳
عراق	۲۴	عملیات رمضان	۹۶
ایران	۲۷	عملیات والفجر مقدماتی	۹۸
فصل سوم -----		عملیات والفجر یک	۹۹
زمینه سازی های عراق قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی	۳۱	عملیات خیبر	۱۰۰
فصل چهارم -----		عملیات بدر	۱۰۴
تهاجم سراسری	۳۶	عملیات والفجر ۸	۱۰۶
اهداف عراق از حمله همه جانبه	۳۶	خاطره ای از عملیات والفجر ۸	۱۱۱
آرایش نیروهای دشمن	۳۷	دفاع متحرک	۱۱۵
آرایش نیروهای خودی	۳۸	ماجرای مک فارلین	۱۱۶
محورهای پیشروی عراق	۳۸	عملیات کربلای ۴	۱۱۷
حماسه کوی ذوالفقاری	۴۰	عملیات بزرگ کربلای ۵	۱۱۹
حماسه آزاد سازی سوسنگرد	۴۱	جنگ پس از عملیات کربلای ۵	۱۲۴
واکنش نیروهای خودی	۴۴	تصویب قطعنامه ۵۹۸	۱۲۵
حماسه خرمشهر	۴۵	علل تصویب قطعنامه ۵۹۸	۱۲۷
نتیجه حماسه خرمشهر	۵۱	عملیات والفجر ۱۰	۱۳۰
جنگ شهرها			۱۳۰

۱۳۲	جنگ شیمیایی
۱۳۵	جنگ نفتکشها
	فصل نهم
۱۴۰	تحولات آخر جنگ
۱۴۱	حمله عراق به فاو
۱۴۳	پذیرش قطعنامه ۵۹۸
۱۴۳	تصمیم گیری نهایی در مورد قطعنامه ۵۹۸
۱۴۶	علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸
۱۴۸	جنگ پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸
۱۴۸	عملیات مرصاد
۱۵۰	پایان جنگ تحمیلی
	فصل دهم
۱۵۱	عملکرد کشورهای مختلف در جنگ تحمیلی
۱۵۱	آمریکا
۱۵۳	فرانسه
۱۵۴	انگلیس
۱۵۴	آلمان
۱۵۵	شوروی
۱۵۶	عربستان
۱۵۶	کویت
۱۵۷	اردن
۱۵۷	مصر
۱۵۸	سوریه
	فصل یازدهم
۱۶۰	دستاوردهای دفاع مقدس
۱۶۱	دستاوردهای دفاع مقدس از منظر روابط بین الملل
۱۶۳	دستاوردهای دفاع مقدس از نگاه حضرت امام خمینی
۱۶۴	جدول خسارات مادی جنگ
۱۶۴	آمار شهدا و جانبازان
۱۶۷	منابع
۱۶۸	عناوین تحقیق درسی

دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران چنان حماسه ای آفرید که علاوه بر نسلهای حال و آینده ملت ایران، ملت‌های دیگر دنیا نیز علاقمند به شناخت ابعاد مختلف این حماسه شدند. بسیاری از قشرهای مختلف به ویژه جوانان و پژوهشگران حوزه های مختلف، مثل علوم اجتماعی علاقمندند بدانند که چه چیزی شاکله اصلی این حماسه را تشکیل میدهد و اینکه چه عناصری از این رویداد بزرگ سیاسی و نظامی و اجتماعی را می‌توان بعنوان ذخیره برای مهندسی آینده جوامع مورد بهره برداری قرار داد.

در پرداختن به این موضوع سؤالهای متعددی مطرح می‌شود این سؤالها برای اقشار مختلف ممکن است متنوع و بسیار زیاد باشد ولی اهم سؤالات به ویژه برای قشر جوان و نسلهای آینده که هر یک به نوعی تحت تأثیر آثار و عوارض مثبت و منفی دفاع مقدس هشت ساله قرار می‌گیرند می‌تواند به شکل ذیل جمع بندی گردد.

چرا جنگ شروع شد؟ یا علل آغاز جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ چه بود؟

آیا این جنگ قابل پیشگیری بود؟ و کلیه اقدامات لازم برای پیشگیری از جنگ و یا تحت تأثیر قرار دادن طرفهای مؤثر در شروع جنگ صورت گرفت ؟

آیا نمی شد بر شدت و میزان جنگ، زمان شروع و اهداف کمی و کیفی شروع کنندگان آن تأثیر گذاشت. مثلاً جنگ کم شدت تری با دامنه و وسعت کمتر آغاز شود؟

اگر ما ناگزیر از تن دادن به جنگی بودیم که بر ما تحمیل شد ، راههای مقابله ما با دشمن مفید و مؤثر بود؟ آیا از اتمام امکانات و مؤلفه های قدرت ملی برای مقابله با دشمن استفاده شد؟

چرا جنگ تحمیلی، هشت سال طول کشید و یکی از طولانی ترین جنگهای عصر حاضر شد و ضایعه و تلفات سنگین انسانی و اقتصادی را بر طرفین تحمیل نمود؟

آیا در برهه های مختلف جنگ که زمینه مساعدی برای پایان جنگ و دستیابی به حداقل مطالبات مردم ایران فراهم بود (مثلاً بعد از عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر و رسیدن به مرزهای بین المللی)، اقدامات لازم و کافی برای پایان جنگ و جلوگیری از بروز خسارات بیشتر در عرصه های مختلف سیاسی و نظامی صورت گرفت؟

چرا بعد از هشت سال دفاع مقدس و تحمل سخت‌ترین شرایط و لحظات تلخ و شیرین و پیروزی ها و ناکامی ها در طول این مدت، هشت سال جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ با آتش بس خاتمه یافت؟

دشمنان و حامیان منطقه ای و بین المللی آنان در چه شرایطی در قالب قطعنامه ۵۹۸ حداقل خواسته های ایران را به رسمیت شناختند؟

دفاع مقدس هشت ساله ایرانیان چه دستاوردهایی داشت؟ آیا در مقابل ضایعه عظیم انسانی و اجتماعی و اقتصادی، دستاوردهای آن برای مردم ایران قابل توجه و ملموس بوده و هست؟

نوع نگاه و مدیریت حضرت امام خمینی(ره) در دفاع مقدس بعنوان رهبر و فرمانده کل نیروهای مسلح و هدایت کننده جنگ چگونه بود؟ آیا نقش ایشان در فرماندهی دفاع مقدس را می توان بعنوان یک الگو و سرمشق برای جوانان و آیندگان مورد توجه قرار داد؟

شاخصهای فرهنگی هشت سال دفاع مقدس چیست؟ و چگونه می تواند بعنوان موتور محرک حرکت فرهنگی و اجتماعی ملت ایران و ملت‌های مسلمان و آزادیخواه منطقه و جهان قرار گیرد؟ و ...

اینها تنها بخشی از سؤالات موجود در بین قشر جوان و بسیاری از علاقمندان به فرهنگ اسلام و ایران در خصوص دفاع مقدس است.

قطعاً در تألیفات متعددی که در خصوص دفاع مقدس وجود دارد به بسیاری از سؤالات موجود پاسخ داده شده است ولی آنچه که ضرورت وجود این مکتوب را ایجاب می کند پرداختن به این سؤالات بصورت تحلیلی و مشروع در قالب یک کتاب درسی می‌باشد. نگارنده سعی نموده است در وسیع بضاعت فکری خود با توسل به منابع مختلف مکتوب، اظهارات شفاهی فرماندهان عالی دوران دفاع مقدس و سایر عناصر مسئول و اندیشمندان عرصه های سیاسی و نظامی و بین الملل و برداشت خود از واقعیات میدانی به سؤالات فوق در چارچوب سرفصل ابلاغی درس "آشنایی با دفاع مقدس" بپردازد. لذا فصول مختلف و متن کتاب به منظور قابل استفاده بودن برای دانشجویان درس مذکور تدوین گردیده است .

امید است مطالعه کنندگان محترم، نگارنده را از نظرات و انتقادات و پیشنهادات خود محروم ننمایند.

طول تاریخ بشر همواره با جنگهای خونین همراه بوده است و صلح وامنیت (نبودن جنگ) یکی از آرزوهای دیرین بشر می باشد که برای دستیابی به آن بخش اعظم سرمایه انسانها در طول تاریخ اعم از سرمایه انسانی، اقتصادی و اجتماعی، صرف گردیده است.

مدت جنگهای مهم بین المللی در قرن بیستم					
روز	ماه	سال	پایان	شروع	
۱۵۵۸	۵۱	۴	۱۱ نوامبر ۱۹۱۸	۴ اوت ۱۹۱۴	جنگ جهانی اول
۲۱۹۱	۷۲	۶	۷ مه ۱۹۴۵	۱ سپتامبر ۱۹۳۹	جنگ جهانی دوم
۱۱۲۷	۳۷	۳	۱۰ ژوئیه ۱۹۵۴	۲۵ ژوئن ۱۹۵۰	جنگ کره
۴۰۵۰	۱۳۳	۱۱	۲۷ ژوئیه ۱۹۷۳	۲۲ دسامبر ۱۹۶۱	جنگ ویتنام
۶			۱۱ ژوئن ۱۹۶۷	۵ ژوئن ۱۹۶۷	جنگ عرب و اسرائیل
۲۰			۲۴ اکتبر ۱۹۷۳	۱۶ اکتبر ۱۹۷۳	جنگ اعراب و اسرائیل
۲۸۸۷	۹۵	۸	۲۰ اوت ۱۹۸۸	۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰	جنگ ایران و عراق

ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» وقتی که از جنگ صحبت میکند، می گوید: " تاریخ سکه ای است با دو روی همسان، یک طرف آن وقایع واقعی و یک طرف آن نوع نگاه مورخ به آن رویدادهای تاریخی"^۱

و می گوید:جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است از ازل بوده و تا ابد هم ادامه خواهد داشت.از ۳۴۵۰ سال پیش تا کنون که خط ابداع شده فقط ۲۶۸ سال بدون جنگ بوده است .

جنگها علل و عوامل مختلفی داشته اند که عواملی مثل توسعه طلبی و چشمداشت ارضی و جغرافیایی، چشمداشت مالی به منافع دیگران، انتقام گیری و ... از آن جمله اند که هر ملتی در تاریخ خود نمونه های متعددی را از این جنگها تجربه کرده است.

• تعریف شکست یا پیروزی^۲

- پیروزی در تهاجم : آنست که مهاجم به اهداف اصلی و یا فرعی بطور (قطعی، نسبی، جزئی) دست یابد.
- شکست در تهاجم : آنست که مهاجم به هیچ یک از اهداف اصلی و یا فرعی به صورت (قطعی، نسبی، جزئی) دست نیابد.
- پیروزی در دفاع: آنست که مدافع مانع از دستیابی مهاجم به اهداف اصلی و یا فرعی بطور(قطعی، نسبی، جزئی) گردد.
- شکست در دفاع: آنست که مدافع نتواند مانع از دستیابی مهاجم به اهداف اصلی و یا فرعی به صورت (قطعی، نسبی، جزئی) بشود.

^۱

^۲ سودا گر.....

-سطح استراتژیک : شکست و پیروزی در کلیت نظام سیاسی، نظامی و اجتماعی در جنگ (تهاجم و دفاع) ، این پیروزی یا شکست اساسی، در کل جامعه (ملی و داخلی) حس می شود.

-سطح عملیاتی: شکست و پیروزی در صحنه و منطقه عملیات و برای محدوده خاص زمانی و جغرافیایی و سازمان نظامی محدود، قابل تعریف است.

-شکست تاکتیکی: شکست و پیروزی در این سطح بیشتر جنبه تاکتیکی داشته و در مقیاس بسیار کوچک سازماندهی و فردی قابل تعریف است و بیشتر جنبه ضعف و قوت، آموزشها و استفاده از فرصتها و بهره برداری از خلاقیتها و ظرفیتهای تاکتیکی خواهد بود.

تاریخ کشور ما نیز تجربه گر بسیاری از جنگها بوده است که در گروههای مختلف دسته بندی می شوند ولی دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع شد و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پایان یافت با همه موارد ذکر شده متفاوت است. بخشی از این تفاوت ها را می توان در موارد ذیل شرح داد.

شروع : در شروع جنگ (به استناد اظهار نظر دبیر کل وقت سازمان ملل در آذر سال ۱۳۶۹ آقای خاویر پرز دکوئیار)، ایران هیچ نقشی نداشت و عراق آغازگر رسمی جنگ معرفی شد. لذا می توان گفت که ما در خانه نشسته بودیم که به ما حمله شد و ناگزیر از دفاع بودیم.

علل شروع جنگ : جنگ ما از نگاه مفهومی و انگیزه اعتقادی " جنگ بین حق و باطل بود و این جنگ تمام شدنی نیست " لذا ما بعنوان حلقه ای از حلقه مدافعان حق در یک برهه تاریخی با باطل درگیر شدیم. اگر چه در نگاه کلاسیک دلایل متعددی برای شروع جنگ ذکر میشود.

نتیجه جنگ : نتیجه تمام جنگها با ابزار کمی و دستاوردهای مادی مقایسه می شود ولی نتیجه جنگ ما بیش از آنکه در روی زمین بر دستاوردهای کمی و مادی تکیه داشته باشد جنگ معنا گرا و تکلیف گرا بود لذا بخش اعظم دستاوردهای آن نیز در حوزه فرهنگ و ایدئولوژی بود.

دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران با تکیه بر مفاهیم معنوی و تأسی از هدایت و رهبری الهی حضرت امام خمینی (ره) و سرمشق گیری از حماسه های اعتقادی اسلام و تشیع به ویژه واقعه عاشورا چنان حماسه ای آفرید که نه تنها دشمن بلکه تمام تحلیلگران دنیا را انگشت به دهان گذاشت و دستاوردهای فرهنگی و معنوی آن، چنان طوفان عظیمی در منطقه و جهان آفرید که معادلات قدرت را در سطح جهان به هم زده است، همانگونه که حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: " اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد." یا " جنگ ما فتح فلسطین و افغانستان را به دنبال خواهد داشت."

^۱ سوداگر.....

مدت نبرد فعال ایران و عراق

طول جنگ	نبرد فعال	آفند خودی	آفند دشمن
۲۸۸۷	۱۱۰۲	۷۹۳	۳۰۹

نوع مبيلات	تعداد	آفند خودى	اسراء	گشته و زخمى	غنائم و تانك و نفر بر	توب	خودرو	اندامى و تانك و نفر بر	توب	خودرو	هواپيما
بزرگ	۱۹	۴۶۰	۵۶۸۲۸	۳۹۸۰۰	۱۳۵۵	۴۰۱	۲۸۲۰	۴۱۳۱	۵۲۲	۳۵۶۵	۳۱۴
موجك	۲۱	۱۹۱	۷۲۴۱	۴۷۰۷۰	۲۴۰	۵۹	۵۱۰	۸۹۹	۱۰	۸۹۳	۳۰
متوسط	۱۲۴	۱۴۲	۸۳۹۴	۵۰۳۷۸	۱۰۰۵	۲۱	۳۲	۷۲۸	—	۶۹۴	۲۲
جمع كل	۱۶۴	۷۹۳	۷۲۳۶۶ ۲	۳۹۵۱۴ ۸	۱۷۰	۴۸۱	۳۳۶۳	۵۷۵۸	۵۳۲	۵۱۵۲	۲۶۶

دشمن که طبق شواهد و قرائن موجود تصور طولانی شدن جنگ به مدت ۸ سال را در محاسبات خود نگنجانده بود و به یک جنگ کوتاه مدت و برق آسا با دسترسی به حداکثر اهداف فکر می‌کرد که در همان روز های اول به برخی از اشتباهات خود پی برد. دفاع مقدس با همه ابعاد آن گنجینه ای تمام نشدنی است و هر چه قدر هم به این موضوع پرداخته شود باز زوایای پنهان و قابل ذکر فراوان وجود خواهد داشت.

دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران تنها جنگ تاریخ دویست ساله ایران بود که در آن حتی یک وجب از خاک کشور به بیگانگان واگذار نشد.



فصل اول

علل و زمینه های آغاز جنگ تحمیلی

تعریف جنگ

"پیتر می یر" جامعه شناس آلمانی جنگ را نوعی نزاع می داند که بین دو گروه سازمان یافته در جریان باشد.^۱

جنگ: استفاده از ابزار نظامی برای رسیدن به هدف.^۲

انواع جنگ در اسلام (جهاد ابتدایی - دفاعی)

جهاد دفاعی: اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان (زن، مرد، پیر، جوان)

دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد: از بذل جان و مال. و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.

(رساله عملیه امام خمینی (ره) شماره ۲۸۲۶)

جهاد ابتدایی: آزادسازی مردم تحت ستم و رساندن پیام توحید به مردم با حضور پیامبر (ص) یا امام معصوم (ع)

مشخصات جنگ در اسلام^۳

۱- جنگ در اسلام برای طغیان و خودکامگی نیست. (نساء ۷۶)

۲- برای نزدیکی به خدا و عبادت است در غیر اینصورت شرک و گناه است. (بقره ۲۷۶)

۳- جنگ برای غارت و طمع به جان و مال دیگران نیست. (انفال ۴۷)

۴- اذیت و آزار دیگران و کشتن و غارت اموال دیگران به بهانه جهاد، ممنوع است. (نساء ۹۶)

۵- تجاوز و تعدی از حدود اعتقادی جایز نیست. (بنی اسرائیل ۸۰)

۶- انجام جهاد در چارچوب خاصی است که خداوند اعلام نموده است. (بقره ۱۹۴)

۷- در بحبوحه جنگ به تقوا و عدالت و فضیلت سفارش شده است. (مائده ۸)

۸- هر نوع انتقامجویی و شکنجه دادن و اسراف و آزار کودکان، زنان، از بین بردن درختان و کشتار احشام ممنوع است (عنکبوت

۸۳)

پایه جنگ در اسلام براساس جهاد و شهادت استوار است.

علل و زمینه های آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

^۱ ترجمه علیرضا ازغدی ص ۳۱- تهران ۱۳۷۴- دفتر نشر فرهنگ اسلامی- از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر به نقل از پیتر می یر - جامعه شناس

جنگ و ارتش

^۲ پرسشهای جنگ ص ۲۷۴

^۳ از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر ص ۲۷

در بررسی علل و زمینه های آغاز جنگ تحمیلی به عوامل متعددی برخورد می کنیم. وزن هریک از این عوامل از دیدگاههای مختلف متفاوت است. مثلاً در نگاه کلاسیک بیشترین وزن را به کاهش و از بین رفتن قدرت بازدارندگی ایران به ویژه در عرصه نظامی می دهند و در نگاه انقلابی به موضوع، وزن بیشتر را به پیروزی انقلاب اسلامی و نگرانی کشورهای منطقه و غرب از به خطر افتادن منافع نا مشروع آنها در ایران و منطقه والهام بخشی والگو بودن آن برای سایر ملتها، اثرات و عواقب صدور تفکر انقلاب اسلامی و به خطر افتادن رژیمهای وابسته به غرب، داده می شود و در نگاههای دیگر علل دیگر برجسته می گردد. اگر چه هر یک از این علل در جایگاه خود در تهییج دشمن به آغاز جنگ مؤثر بوده است ولی تعیین نقش و میزان تأثیرگذاری هر یک نیازمند تحقیق و بررسی بیشتر می باشد. اگر این علل را به لحاظ تقدم زمانی دسته بندی کنیم باید به شرح ذیل عمل نمائیم.

۱- سوابق تاریخی و اختلافات و مناقشات مرزی بین ایران و عراق

از دیرباز کشمکش ها و درگیریهای بین کشورها و ملت های همسایه به دلایل مختلف وجود داشته است. معمولاً بنا بر ذات زیاده خواهی انسانها هر کشوری که از قدرت ملی بالاتر برخوردار بوده است در پی دستیابی و استیلا بر منابع و ثروتهای کشورها و ملت های همسایه بوده است. بزرگترین جنگهای تاریخ بشر به ویژه در عصر حاضر نیز (جنگهای اول و دوم جهانی) بر سر توسعه طلبی یک یا چند کشور صورت گرفته است صرف نظر از اینکه در پایان جنگها متعرضین به اهداف خود دست یافته باشند یا نه ولی ادعاهای ارضی یکی از علل و یا حداقل بهانه شروع جنگها بوده است.

اختلافات مرزی بین جغرافیای عراق امروزی با ایران از دیرباز ادامه داشته است و جنگهای مختلفی بین این دو کشور اتفاق افتاده است. در کتب تاریخی یونانی مثل هرودوت نام عراق فعلی "مزا پوتامیا"^۱ ذکر شده است که بعد ها در دوره تسلط اسلام "بین النهرین" نامیده می شد. علت این نامگذاری استقرار عمده تمدن عراق در اطراف و بین دو رودخانه بزرگ دجله و فرات است که از کوههای ترکیه سرچشمه می گیرد و با عبور از عراق در قسمت جنوب شرقی این کشور بهم پیوسته و شط العرب را تشکیل می دهد. شط العرب نیز در منتهی الیه جنوب شرقی عراق در نزدیک خرمشهر با الحاق به رودخانه کارون اروندرود را تشکیل داده و بعنوان رودخانه مرزی ایران و عراق تا شمال خلیج فارس ادامه می یابد.

عراق فعلی در ۱۱ اوت ۱۹۲۰ بعد از فروپاشی دولت عثمانی و تصمیم دولتهای پیروز جنگ اول جهانی (تحت قیومیت انگلیس) تشکیل شد و به نام دولت عراق در جغرافیای شناخته شده کنونی تثبیت گردید.

با نگاهی اجمالی به جغرافیای عراق این نکته جلب توجه می کند که سرزمین عراق بخشی از فلات ایران و حوزه آبریز آن است. در سال ۵۴۰ ق.م کوروش پادشاه هخامنشی ایران، بابل (عراق امروز شامل تمدنهای کلد، آشور، سومر و...) را فتح کرد و عراق امروزی ۱۱۰۲ سال تحت سیطره حکومت ایران بود. شهر مدائن (تیسفون) پایتخت وقت ایران در شمال بغداد امروزی

^۱ مفید، سخنرانی جلسه اساتید

واقع شده بود. تا اینکه با ظهور اسلام و قدرت گرفتن مسلمانان در سال ۶۴۲ م اعراب مسلمان امپراطوری ایران را فتح کردند و ایران ۹۰۰ سال تحت سیطره حکومت اعراب و مسلمین اداره می شد و حکومت مرکزی مقتدری نداشت. و هر دو کشور ایران و عراق امروزی بخشی از امپراطوری مسلمین بود تا اینکه بغداد بدست نیروهای مغول سقوط کرد. پس از آن دولت ایرانی آق قویونلو بر عراق حکومت می کرد. در سال ۱۴۵۳ م امپراطوری عثمانی با شکست امپراطوری روم شرقی تشکیل گردید و عملاً بعنوان بزرگترین مرکز حکومت اسلامی با مبنای اعتقادی سنی، داعیه دار خلافت مسلمین گردید. در سال ۹۰۷ ه. ش شاه اسماعیل صفوی پس از ۱۳ سال جنگ داخلی و غلبه بر مخالفین، حکومت مرکزی مقتدری را با عنوان صفویه با مبنای اعتقادی شیعه (به کمک ایلات هفت گانه قزلباش آذربایجان) بنیانگذاری نمود.

با تشکیل حکومت مرکزی مقتدر صفویه با ایدئولوژی اسلامی و اعتقاد به مبنای شیعه در ایران، حکومت عثمانی در مرزهای شرقی خود احساس خطر نمود که البته تحریک و زمینه سازی کشورهای قدرتمند اروپائی آن زمان که انگلیس از مهمترین آنها بود در این احساس، بی تأثیر نبود. اگر ابرقدرت مسلمان عثمانی به جای توجه به اروپا و کشورگشایی در این قاره مشغول مرزهای شرقی خود گشته و توان خود را در مبارزه با هم کیشان مسلمان (ولو شیعه) خود در ایران صرف نماید، کشورهای اروپایی خوشحال می شدند. جرج وسترن می گوید: "امپراطوری صوفی (صفوی) در این زمان افساری به ترک ها زده و مانع از آن شده بود که دنیای مسیحیت بیش از این متحمل زیان شود." (منصوری لاریجانی، ۱۸، به نقل از نوایی تهران ۱۳۶۴)

این احساس خطر عثمانی باعث گردید حدود ۴۰۰ سال درگیریها، جنگها و کشمکش ها، بین ایران و عثمانی ادامه داشته باشد که در این مدت بیش از ۲۰ قرارداد آتش بس و صلح بین ایران و عثمانی منعقد گردید. (قرارداد آماسیه ۱۵۵۵، ذهاب ۱۶۳۹، کردان ۱۷۴۶، قرارداد اول ارزروم ۱۸۲۳، عهدنامه دوم ارزروم ۱۸۴۷، پروتکل تهران ۱۹۱۲، پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳، کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ از آن جمله اند). شاه اسماعیل تا زمانیکه زنده بود قرارداد صلحی را با عثمانی ها امضاء نکرد.

در سال ۹۱۴ ه. ش شاه اسماعیل صفوی سرزمین عراق را از عثمانی ها باز پس گرفت و پس از آن که بارها بین ایران و عثمانی ها دست به دست شد. "سلطان مراد چهارم در سال ۱۶۳۸ م سرزمین عراق را که تا آن موقع بخشی از خاک ایران بود و خاندان آق قویونلو بر آن حکمرانی داشت، طی قرارداد ذهاب (۱۰۴۸ ه. ق) برای همیشه از ایران جدا کرد." (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ۱۸)

اولین جنگ بین ایران و عثمانی بنام جنگ چالدران شهرت یافت. به این جنگ به لحاظ برخی ویژگیها از جمله رشادت و شهامت و جنگجویی مثال زدنی سربازان ایرانی به طور محدود اشاره می شود.

جنگ چالدران

پس از به قدرت رسیدن تشیع در ایران و اختلاف ایدئولوژیک آن با دولت عثمانی سنی مذهب، سلطان سلیم ایلدریم (رعد و برق) فتوایی داد که خون شیعیان را مباح اعلام کرد. (در یکروز در دیاربکر ۴۰۰۰۰ نفر شیعه قتل عام شد). قبل از آن حدود ۹۰۰ سال بین ایران و همسایه غربی جنگ مهمی درنگرفته بود. در جنگ چالدران ارتش منظم و یونیفورم پوش ۲۲۰ هزار نفری عثمانی مسلح به سلاح گرم و توپخانه در مقابل ایران با ارتش عشیره ای و قبیله ای قرار می گیرد. سلطان سلیم پس از

تجمع قوا ابتدا به سمت اروپا حرکت می کند و بعد از مدتی دستور چرخش به سمت ایران و حرکت سریع می دهد و اجازه نمی دهد کسی جلوتر از لشکر عثمانی حرکت کند. ایران در یک غافلگیری و بی خبری می ماند. وقتی خبر به شاه اسماعیل می رسد که وی عازم سرکوب شورشیان در لرستان بود، وی به سرعت برگشته و با فراخوان لشکر بین ۳۰-۲۵ هزار نفر را جمع آوری می کند.

دو لشکر در سه راهی ایوا و عکی در چالدران به هم می رسند. یک جنگ ۴۸ ساعته در می گیرد و جنگجویان ایرانی دلاورانه و قهرمانانه می جنگند و سپاه عثمانی (با آنکه ۱۰ برابر سپاه ایران نیرو داشت) در آستانه شکست قرار می گیرد ولی با بکارگیری توپخانه که تا آن زمان برای لشکر ایران ناشناخته بود سپاه ایران کپ کرده و شکست می خورد سپاه عثمانی وارد تبریز شده و پس از قتل عام علما و روحانیون و تخریب مساجد و سوزاندن کتابهای شیعه، شهر را ترک می نمایند. علت ترک زودهنگام شهر پس از دو روز توسط سلطان سلیم، مقاومت دلیرانه رزمندگان ایرانی و ترس عثمانی ها از مقابله مجدد با این لشکر بود. ضمن اینکه در مراجعت سپاه عثمانی که به قصد تصرف ایران آمده بود باقیمانده لشکریان صفوی با جنگ و گریز آنها را تعقیب نموده و سپاه عثمانی را دچار مشکل می نمایند. از این تاریخ ۴۰۰ سال (تا فروپاشی عثمانی) اختلافات مرزی و جنگها ادامه می یابد. هر وقت عثمانی در جنگها پیروز می شد مناطق سنی نشین ایران را ضمیمه خاک خود می کردند، ارمنستان، کردستان، لرستان) و هر وقت ایران در جنگها پیروز می شد مناطق شیعه نشین مثل دیاربکر، عتبات عالیات و ... ضمیمه ایران می شد.

نکات مشترک اکثر این قراردادها شامل موارد ذیل بود.

۱-مدارا و رعایت حال پیروان مذاهب کشور متقابل (تقابل ایدئولوژیک)

۲-عدم اجازه فعالیت و پناهندگی مخالفین به کشور مقابل

۳-رعایت مرزها و حدود و سرحدات

۴-آزادی تردد زوار

ادامه اختلافات ایران و عراق

بعد از شکست دولت ایران از روسیه حاکم وقت بغداد که زیر سلطه و حکومت عثمانی بود تحریک شده و خرمشهر را اشغال می نماید.عباس میرزا سلیمانیه را در مقابل خرمشهر اشغال نمود(۱۸۴۲ م) و دولت ایران اعلام کرد تنها در صورتی از سلیمانیه عقب نشینی می کند که دولت عثمانی از خرمشهر عقب نشینی نماید.که با میانجیگری روس و انگلیس که نگران قدرت گرفتن یکی از دو کشور مسلمان در صورت پیروزی در جنگ و تهدید منافع آنها در هندوستان و شمال اروپا بودند ، مذاکرات صلح ۷-۱۸۴۲ در ارزنه الروم نزدیک شهر دیاربکر ترکیه آغاز و ادامه می یابد شخص مذاکره کننده ایرانی "امیرکبیر" بود که با مهارت و تسلط بر فنون دیپلماسی، امتیازات مطالبه شده عثمانی ها را (که با همراهی و حمایت روسیه و انگلیس بود

(قبول نمی نماید. در این مذاکرات مرزها و حدود تردد قبایل مرزی مشخص می شود که ۲۰ کیلومتر جلوتر از مرزهای امروزی ایران و عراق بوده است.

در جغرافیای عراق علاوه بر دو رودخانه بزرگ دجله و فرات که از ترکیه و سوریه سرچشمه می گیرد ۱۶ رودخانه مرزی از فلات ایران وارد عراق می شود (مثل الوند، زاب، گاوی، دویرج، کنجان چم و ...) دو رودخانه دجله و فرات در القرنه به هم متصل شده و شط العرب را تشکیل می دهد و شط العرب در مرز خین در جنوب خرمشهر با رودخانه کارون ایران بهم پیوسته و اروندرود را تشکیل داده و پس از طی حدود ۱۰۰ کیلومتر که مرز آبی ایران و عراق را تشکیل می دهد در رأس البیشه به خلیج فارس می ریزد.

پس از توافق بر سر معاهده ۱۸۴۷، معاهده جهت امضاء رؤسای طرفین ارسال می شود که در آنجا با شیطنت انگلیس و تهدید و تطمیع نماینده ایران که بعنوان پیک ارسال معاهده بود (میرزا علی خان ایلچی) ساحل شرقی اروندرود مرز مشترک ایران و عثمانی قلمداد می شود ولی دولت ایران از امضاء این الحاقیه خودداری می نماید.

قرارداد ارزنه الروم در سال ۱۸۴۷ بین ایران و عثمانی بسته شد. و ایران در قبال تسلط و حاکمیت مطلق بر بنادر خرمشهر و آبادان و ساحل شرقی اروندرود (شط العرب) از ادعای خود در مورد شهر و ولایت سلیمانیه چشم پوشی نمود.

در سال ۱۹۱۲ عثمانی پیشنهاد و حل اختلاف بر مبنای قرارداد ۱۸۴۷ را به ایران می دهد در این مذاکرات ایران قبول می کند که ساحل شرقی اروندرود مرز باشد در حالیکه ۶۰٪ آب آن از ایران تأمین می شود. این امتیاز با فشار دول انگلیس و روس که ایران را تحت نفوذ داشتند، داده می شود. این قرار داد را نیز مجلس ایران تصویب نمی نماید لذا اعتبار نمی یابد و شاه عثمانی نیز به لحاظ درگیر شدن در جنگ جهانی اول فرصت امضاء آن را پیدا نمی کند. پس از پایان جنگ جهانی اول و شکست عثمانی و تشکیل ۱۶ کشور از آن، عراق در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ تشکیل می شود. مساحت عراق در حدود ۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع بوده و در لغت به معنی: کناره آب، صخره های سنگی (ارتفاعات موجود در شمال عراق و کردستان) می باشد.

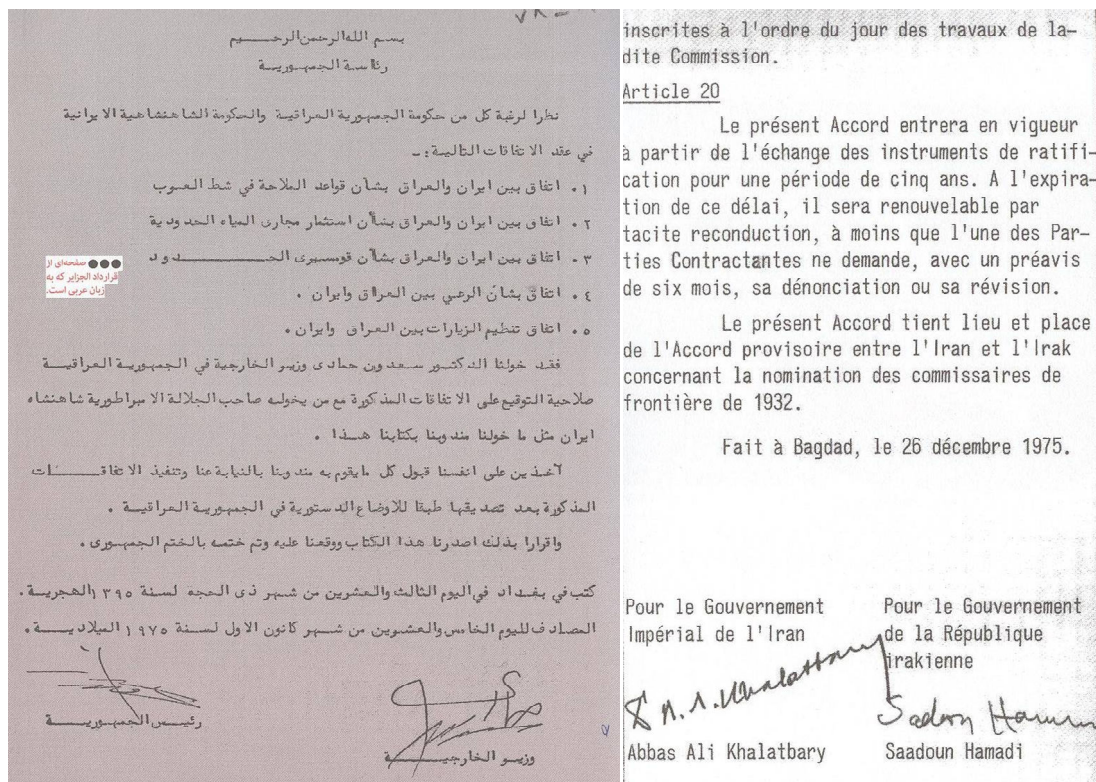
پس از استقلال عراق از دولت عثمانی و خودداری ایران از به رسمیت شناختن استقلال عراق و منوط کردن آن به حل اختلافات مرزی، دولت انگلیس با وعده و وعید و اطمینان به ایران که در صورت به رسمیت شناختن استقلال عراق توسط ایران، در مقابل عراق نیز معاهدات مرزی را به رسمیت خواهد شناخت. ایران دولت عراق را به رسمیت شناخت و اولین سفارتخانه خود را در تیرماه ۱۳۰۸ ه. ش (ژوئیه ۱۹۲۹م) در عراق افتتاح کرد در حالیکه دول عراق و انگلیس به قول های خود عمل ننمودند.

عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ با فشار انگلیس براساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ بین ایران و عراق امضاء شد. در این قرارداد خط تالوگ در اروندرود فقط در مقابل آبادان بعنوان مرز به رسمیت شناخته شد و در بقیه موارد، دو کشور توافق نمودند که کشتی های تجاری تمام کشورها به طور مساوی از اروندرود استفاده نمایند ولی در مورد کشتی های جنگی، فقط کشتی های جنگی دو طرف می توانند وارد اروندرود شوند. در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ عراق با فراخوانی سفیر ایران در آن

کشور به وزارت خارجه خود به وی اعلام نمود: "دولت عراق شط العرب را جزیی از قلمرو خود می داند و دولت ایران باید به کشتی هایی که پرچم ایران را برافراشته اند دستور دهد تا پرچم های خود را پائین آورند و.." (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸، ۴۱) ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۴۸ عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ را باطل اعلام کرد و در ۷ اردیبهشت ۱۳۴۸ رسماً آنرا لغو نمود.

عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر:

در اسفند ماه ۱۳۵۳ (مارس ۱۹۷۵) جلسه سالانه اوپک در الجزایر تشکیل شد. در این اجلاس صدام حسین معاون رئیس جمهور عراق به نمایندگی از حسن البکر رئیس جمهور وقت عراق و از ایران نیز شاه وقت (محمدرضا پهلوی) شرکت نموده بودند. در این زمان کردهای عراق با حمایت ایران شورش کرده و یک سوم خاک عراق را از تسلط دولت مرکزی خارج نموده بودند و دولت عراق شدیداً تحت فشار کردها بود. رئیس جمهور وقت الجزایر "هواری بومدین" بعنوان میانجی تلاش کرد دو کشور مشکلات خود را حل نمایند پس از دو روز مذاکره بالاخره رؤسای هر دو کشور به توافق رسیدند در پایان اجلاس "هواری بومدین" مراتب اعلام توافق دو رئیس کشور ایران و عراق را اعلام نمود.



متن این توافقنامه که به "اعلامیه الجزایر" مشهور شد و در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ (۶ مارس ۱۹۷۵) انتشار یافت به شرح ذیل است:

- ۱- طرفین مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می کنند.
- ۲- دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط "تالوگ" تعیین می کنند.
- ۳- طرفین متعهد می شوند که در مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هر گونه رخنه و نفوذ که جنبه «خرابکارانه» داشته باشد اعمال کنند.

۴- مقررات فوق، عوامل تجزیه ناپذیر برای یک راه حل کلی بوده، در نتیجه، نقش هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است.

پس از صدور این اعلامیه، وزرای خارجه دو کشور پس از جلسات متعدد عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ را منتشر کردند که دارای ۳ پروتکل ضمیمه و یک الحاقیه بود.

- بررسی و تجزیه و تحلیل این اعلامیه بیانگر آن است که در بند اول اختلافات مرزی به سود عراق حل شده است، زیرا برخی از نقاط مرزی مورد اختلاف در تصرف ایران بود که باید به عراق برگردانده می شد.

- در ماده دوم، یکی از ریشه های عمده اختلاف مرزی در رودخانه بود که خط تالوگ (خط القعر) بعنوان خط مرزی در اروندرود و به نفع ایران تعیین گردید.

- در بند ۳ عدم حمایت از گروههای مخالف همدیگر به نفع عراق حل می شود زیرا عراق توانایی ویژه ای در آن زمان در حمایت از گروههای مخالف ایرانی نداشت، فقط ایران بود که با حمایت از کردهای بارزانی دولت عراق را دچار چالش جدی امنیتی و در خطر تجزیه قرار داده بود.

البته نکته ای که باید به آن توجه نمود اینست که دولت وقت ایران در بهترین زمان از این مسئله بهره برداری نمود زیرا در صورت توسعه وضعیت کردهای مخالف در عراق و ایجاد دولت خودمختار یا مستقل کردی در کردستان عراق به لحاظ وضعیت ژئوپلیتیک منطقه، کردستان ایران نیز با تأثیر پذیری از رویدادهای کردستان، عراق ناامن می شد و به نوعی این تهدید ولو بعد از مدتی متوجه امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران نیز می شد، لذا خاتمه وضعیت در کردستان عراق در دراز مدت به نفع ایران نیز بود.

- در بند ۴ کل بندهای بیانیه در یک قالب و بصورت واحد دیده شده است و آن نیز به این معنی است که هیچ یک از طرفین نمی تواند یک یا دو بند را اجرا و دیگری را اجرا ننماید یا باید همه را اجرا نماید و یا هیچ یک را. در پایان نیز مراجع حل اختلاف های احتمالی، مراجعه به الجزایر، سازمان ملل، دیوان لاهه و یا کشور ثالث مورد اعتماد طرفین پیش بینی شده است. پس از توافق ایران و عراق بر سر این بیانیه و اطمینان عراق از عدم حمایت ایران از کردهای بارزانی عراق در حمله ای همه جانبه به کردستان عراق، جنبش خودمختاری بارزانی ها را سرکوب کرد. آنان پس از شکست به سوی ایران فرار کردند، علاوه بر سران کردهای بارزانی تعداد زیادی از مردم عادی نیز به ایران پناهنده شدند که تا مدتها در ایران زندگی می کردند.

پس از حل اختلافات از طریق مذاکره و بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر روابط دو کشور گرم شده و صدام در ۴ اردیبهشت ۱۳۵۵ برای دیدار رسمی وارد ایران می شود.

در طی فاصله سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ تقریباً دو بند قطعنامه اجرا شد ولی ایران در اجرای بند اول بیانیه از برخی مناطق مورد اختلاف مرز زمینی که بر اساس قرارداد ۱۹۱۳ حل شده بود عقب نشینی نکرد و عراق نیز قدرت بیرون راندن ایران را نداشت و دولت عراق که سرگرم تثبیت قدرت داخلی خود بود به سرکوب کردها راضی بود و علاقه ای به ایجاد تنش دیگر با ایران نداشت. حزب بعث پس از تثبیت وضعیت داخلی دچار تحولاتی گردید که قدرت گرفتن صدام و حذف مخالفان وی از برجسته

ترین این تحولات بود. پس از مرگ جمال عبدالناصر، صدام به شدت به دنبال جانشینی وی در جهان عرب بود و از طرفی از این که بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر را امضا کرده و به زعم خودش و بنابر سرزنش برخی از ناسیونالیست های افراطی عرب در منطقه، بخشی از سرزمین عربی را دراروندروود به ایران واگذار کرده، احساس حقارت میکرد و به دنبال راهی برای جبران این حقارت بود. لذا جنگ با ایران در آن شرایط را برای تحقق منویات خود مناسب میدید.

۲- انسداد استراتژیک و ژئوپولتیک عراق

اگر نگاهی به نقشه جغرافیای عراق بیندازیم و مرزهای ارتباطی عراق با جهان خارج را بررسی کنیم متوجه این نکته مهم میشویم که عراق از طریق آب و دریای آزاد به خارج راه ندارد و تنها راه ارتباطی آن با آب های آزاد رودخانه اروندرود می باشد، و سواحل محدود عراق در خور عبد الله (شمال خلیج فارس) به علت عمق کم و باتلاقی بودن قابلیت تردد کشتیهای بزرگ را ندارد. باتوجه به این که حمل و نقل دریایی ارزانترین و مطمئن ترین راه حمل و نقل میباشد و یکی از بسترهای اصلی و اولیه توسعه سریع کشورها محسوب می گردد، دسترسی به آب های آزاد یک امتیاز ویژه ژئوپولتیک محسوب میگردد، لذا عدم دسترسی عراق به این مزیت باعث گردید که حاکمان این کشور به ویژه پس از استقلال و در دهه های اخیر به دنبال رفع این نقیصه باشند. تاکید عراق در تسلط بر کل اروندرود که یکی از بهانه ها و ادعاهای اصلی عراق برای شروع جنگ محسوب می شد، در این راستا قابل ارزیابی می باشد.

اهمیت دسترسی به آب های آزاد از یک راه مطمئن برای عراق به حدی بود که پس از جنگ هشت ساله با ایران و عدم دستیابی به اهداف خود به ویژه تسلط بر اروندرود، به متحد دیروز خود، کویت لشکرکشی کرد که یکی از اهداف مهم واصلی آن دسترسی به سواحل دویست کیلومتری کویت در خلیج فارس بود. این تنگنای جغرافیایی عراق به حدی برای این کشور مشکل ساز بوده است که رئیس جمهور جدید عراق آقای جلال طالبانی در سال ۱۳۸۷ در مصاحبه با یکی از خبرگزاری ها در پاسخ به سوالی در خصوص بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر، گفته بود که این بیانیه بین صدام و شاه وقت ایران امضا شده است و چون هردو مرده اند لذا اعتبار ندارد که بلافاصله با واکنش وزارت خارجه ایران و طلب خسارات جنگ تحمیلی هشت ساله مواجه شد و از اظهارات خود عقب نشینی نمود و اظهار داشت منظورش اینگونه نبوده است. لذا به نظر می رسد این مشکل کشور عراق در محدودیت جغرافیایی دسترسی به آب های آزاد خلیج فارس ممکن است در شرایط و برهه های آینده نیز مبنای چالش و حتی جنگ بین این کشور و همسایگانش باشد.



۳- از بین رفتن قدرت بازدارندگی ایران

بر اساس اصول متعارف حاکم بر روابط بین الملل معمولاً شرایط پایداری صلح یکی از دوماورد زیر است:

الف. داشتن قدرت بازدارندگی :

هر وقت قدرت بازدارندگی یکی از طرفین معارض از بین برود و یا کاهش یابد به نحوی که طرف مقابل احساس نماید در صورت وقوع جنگ فایده ای که بدست می آورد بیش از هزینه مصروفه خواهد بود، انگیزه ی بیشتری برای شروع جنگ و توسل به زور خواهد داشت. معمولاً قدرت بازدارندگی یک کشور به قدرت ملی آن برمیگردد.

قدرت ملی عبارت است از^۱

۱- تواناییهای یک کشور از نظر قابلیت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، اراده ملی و رهبری و جغرافیایی و نظامی

۲- مجموع تواناییهای یک کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشور ها برای نیل به منافع ملی آن کشور

امنیت ملی: توان یک ملت در حفظ ارزش های داخلی از تهدید های خارجی، یا حالتی که یک کشور فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر برد^۲

منافع ملی: حیاتی ترین ارزشهای یک کشور که ثبات سیاسی و امنیت ملی آنرا تامین می نماید^۳

در قدرت ملی مجموعه مولفه های قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جمعیت، جغرافیا و نقش دارند. توجه به مولفه های قدرت ملی بیانگر آنست که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ضعف ارتش به عنوان بزرگترین عامل قدرت نظامی ایران به لحاظ فرار مستشاران نظامی امریکایی و سران وابسته آن و تصفیه برخی از عناصر وابسته دچار از هم گسیختگی و عدم انسجام بود، در بعد سیاسی نیز مخالفت نظام سلطه و کشور های وابسته منطقه به آن ها با انقلاب اسلامی به لحاظ شعار ”نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی“، ”استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی“، تعطیلی بسیاری از کارخانجات و موسسات اقتصادی که وابسته به غرب بودند و شورش های داخلی، سوء عملکرد دولت موقت (بازرگان) و بنی صدر و غیره باعث از بین رفتن قدرت بازدارندگی ایران و تحریک و تهییج بیگانگان برای شروع یک هجمه همه جانبه نظامی به ایران شد.

ب- سلطه پذیری:

یکی از عناصر مهم و موثر در حفظ صلح و عدم وقوع جنگ، سلطه پذیری یکی از طرفین است، در حالی که عراق و طرفداران آن مدعی مالکیت بر اروندرود، جزایر سه گانه و حتی عربستان (خوزستان) بودند. نظام نوپای اسلامی با شعارهای مردمی و انقلابی طبیعتاً تن به سلطه نداده و راضی به واگذاری تمامیت ارضی خود به بیگانگان نبود. در نتیجه عدم سلطه پذیری انقلاب اسلامی و ندادن امتیاز، دشمن را در شروع جنگ مصمم می نمود.

^۱ شبانی ناصر. دافوس سپاه پاسداران

^۲ سبجانی فر. دافوس سپاه پاسداران

^۳ همان

۴- پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه حساس خاورمیانه که در ادبیات سیاسی و امنیتی جهان به قلب دنیا (Hart land) مشهور است، باعث بر هم خوردن توازن قوا و وجه الهام بخشی انقلاب اسلامی باعث ایجاد انگیزه در ملت های منطقه برای وقوع انقلاب و پیروزی بر حاکمان مستبد شد. از دست رفتن پایگاه بلوک غرب و سقوط رژیم وابسته به آن ها که حافظ منافع غرب در خاور میانه و منابع انرژی آن بود، باعث شد نظام سلطه و کشورهای منطقه هر کدام از منفذ منافع خود، در پی کنترل این انقلاب و نظام برآیند که در مرحله اول با هدف سقوط نظام و در مرحله دوم کنترل و تغییر رفتار آن وارد عرصه برخورد سخت با انقلاب اسلامی شدند.

حضرت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت ایران در این باره اظهار می دارد :

((این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد.^۱))

در همین زمینه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی میگوید: ((شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود))^۲.

جیمزبیل یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در مورد دلیل واقعی جنگ در کتاب خود مینویسد: ((دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و سلطه یافتن بر خلیج فارس بود، در این بین عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در منطقه خفه کند و نابود سازد که این برای کشورهای منطقه نظیر عربستان و شیخ نشینهای خلیج فارس، هدف خوشایندی بود))^۳.

عراق در نهمین کنگره حزب بعث علت تجاوز را اینگونه بیان میکند: ((در برابر رهبران عراق تنها یک راه وجود داشت یا مقاومت و جلوگیری از تجاوزات دشمن و یا اینکه تسلیم شدن به برنامه های (امام خمینی))^۴.

در حالیکه ایران به دلیل وضعیت انقلابی خود و هرج و مرج و منازعات داخلی و تضعیف قدرت ملی هرگز امکان اینکه تهدیدی برای کشور عراق ایجاد نماید، نبود. آقای هاشمی رفسنجانی در همین زمینه میگوید: "ما ترورها و انفجار های روزانه داشتیم. کودتای نوژه چند هفته قبل از آغاز جنگ اتفاق افتاد و در کل تصور این که ایران این همه بر خود مسلط باشد که به این زودی عراق را تحریک کند از نظر آشنایان به تاریخ و سیاست محال است ... بنابراین ادعای عراق که ما قصد تحریک این کشور را داشتیم پذیرفتنی نیست"^۵ البته مسلم و محرز است که ایران توان تهدید سخت وفیزیکی برای عراق را نداشت ولی مواضع

^۱ سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان ص ۱۶)

^۲ همان

^۳ سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان ص ۱۶)

^۴ همان ص ۱۸

انقلابی آن و نفس پیروزی مردم بر حکومت شاه، برای عراق که ۶۰٪ جمعیت آن شیعه بودند به عنوان یک الگو بود و می توانست تهدیدی برای رژیم عراق باشد.

مروری بر موارد فوق بیانگر آن است که پیروزی انقلاب اسلامی، استخوان در گلو و خار در چشم رژیمهای وابسته منطقه به ویژه صدام و همین طور نظام سلطه بین الملل بود که با شعار ((استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی)) و ((نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی)) ضمن سرنگون کردن رژیم وابسته شاه، انگیزه لازم را به مردم منطقه برای خیزش علیه حاکمان مستبد و وابسته ایجاد نموده بود.

۵- جاه طلبی های شخصی صدام حسین رئیس جمهور وقت عراق

اگر فرایند تشکیل حزب بعث و همینطور زندگی شخصی صدام حسین را مرور کنیم شاخصه برجسته آن روحیات شدیدا جاه طلبانه صدام حسین می باشد. فرایند رشد سیاسی وی که طبق اطلاعات موجود با برخی از سرویس های اطلاعاتی خارجی همکاری و همراهی داشته است، با یک شیب تند به سمت کسب قدرت و شهرت بوده است.

مصطفی طلاس وزیر دفاع وقت سوریه: "وقتی که ما در مصر درس می خواندیم ، صدام هم فرار کرده بود وبا هم در قاهره درس می خواند ولی از نظر وضعیت مالی (خانه ای که گرفته بود، خرج و مخارج او، درس هم نمی خواند) ما را بیشتر دچار ظن می کرد که ایشان تحت حمایت CIA بود".^۱

پس از به قدرت رسیدن حزب بعث، تصفیه مخالفان حزبی و نهایتا برکنارنمودن حسن البکر رئیس جمهور وقت عراق بصورت ظاهرا داوطلبانه و سپس مرگ مشکوک وی توسط صدام حسین باعث تحکیم پایه های قدرت حزبی وی گردید. سپس صدام حسین اقدام به ایجاد یک قدرت مرکزی مقتدر و سرکوبگر نمود که هزاران نفر از مخالفان خود را قتل عام نموده و قدرت بلامنازع خود را در عراق تثبیت کرد. رویکرد بعدی صدام رهبری جهان عرب و تسلط بر منطقه و ژاندارمی خلیج فارس بود.

صدام حسین در سال ۱۹۷۵ با امضا بیانیه الجزایر اگر چه خود را از تنگنای کردها رها کرد و قدرت داخلی خود را تحکیم نمود ولی توأم با سرزنش برخی از چهره ها و رسانه های ناسیونالیست عرب یک احساس ضعف، حقارت و خودکم بینی می نمود از اینکه چرا در این بیانیه امتیاز "خط القعر" را در رودخانه اروند به ایران واگذار نموده است. لذا به دنبال فرصتی برای رفع این مشکل و کسب وجهه و محبوبیت به ویژه در جهان عرب بود. اشتباهی صدام برای توسعه قدرت و شهرت خود محدود به این نبود و ادعای وی در عربی بودن جزایر سه گانه خلیج فارس و الزام وی مبنی بر تخلیه آن توسط ایران نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. صدام از لحاظ روانشناسی سیاسی فردی بود که همیشه خواسته های شخصی و فردی خود را به عنوان خواست ملت عراق و امت عربی معرفی می نمود و آن را به عنوان منافع ملی یا منافع امت عرب تفسیر می کرد. تحلیل صدام از وضعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این تصور را برای او ایجاد کرد که با همراهی و همکاری کشورهای قدرتمند بین المللی و منطقه ای میتواند با جداسازی خوزستان یا بخش های مهمی از آن، دسترسی به آب های آزاد خلیج فارس، به قدرت مسلط منطقه ای و رهبر جهان عرب تبدیل شده و نظام جمهوری اسلامی را تضعیف یا ساقط نماید.

عمرعلی سفیر سابق عراق در سازمان ملل : صدام یک سال قبل از تاریخی که به ایران حمله کرد تصمیم خود را گرفته بود . به او گفتم به ایران حمله نکن . گفت : “ فرصتی به دست آمده که شاید تا ۱۰۰ سال دیگر به دست نیاید. “

لذا اشتباهی قدرت طلبی و برتری جویی وی به شدت برای حمله به ایران تحریک شد.

• ویژگیهای شخصیتی صدام

۱- جنگ طلبی

۲- کشتن مخالفان

۳- روحیه ناسیونالیستی

۴ - اندیشه نظامی ر حل مسائل

۵- در عرصه سیاست داخلی حکومت پلیسی و خفقان آور و سرکوب شیعیان

۶- نگرانی کشورهای منطقه از خیزش ها و انقلابهای مردمی الهام گرفته از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی که فقط به پشتوانه مردمی و رهبری حضرت امام خمینی (ره) صورت گرفت به ناگاه موج بیداری در بین ملت های منطقه پدیدار گشت. در بین کشور های منطقه نیز عراق به لحاظ اکثریت جمعیت شیعه آن (۶۰٪) در اولین خاکریز این موج قرار داشت. حمایت مرحوم شهید آیت الله محمد باقر صدر مرجع عالیقدر شیعیان عراق از انقلاب اسلامی و تاکید وی بر پیروی از راه امام خمینی و نماز جمعه مشهوریک ونیم میلیون نفری وی در عراق ، رژیم صدام را به شدت نگران نمود که منجر به دستگیری سریع وی و خواهرش بنت الهدی صدر و شکنجه و شهادت آن ها گردید.

صدام در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰م: «این جنگ تنها برای ما نیست، بلکه بیشتر برای تمام اعراب و همچنین ویژگی عربی بودن خلیج است عراق از طرف ملت عرب و شهروندان خلیج می رزمند.»^۱

این نگرانی در تمام کشور های منطقه به وضوح مشاهده می شد. کشورهای شمال افریقا مثل مصر و الجزایر و کشور های عربی حاشیه خلیج فارس در رأس این نگرانی ها بودند. این کشور ها برای رفع نگرانی خود تنها راه را در از بین بردن یا کم رنگ نمودن این الگو (انقلاب نوپای اسلامی ایران) می دیدند که داوطلب شدن صدام برای این ماموریت برای آن ها یک اتفاق ویژه و خوشایند بود. آن ها تصور می کردند با حمایت از صدام از مواجهه مستقیم با انقلاب اسلامی پرهیز نموده و با حمایت از صدام، اگر موفق به سقوط انقلاب اسلامی هم نشدند ، حداقل آنرا در مرزهای خود زمین گیر نموده و با مشکلات بیشتری درگیر خواهند نمود و با فرصت یابی، نسبت به سرکوب و تصفیه مخالفان و معارضان اقدام خواهند نمود. ، لذا اعراب منطقه در پی محدود کردن ایران در مرزهای خود بودند.

صدام در مصاحبه ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ خطاب به اعراب: ما که برادرانتان هستیم به نمایندگی از سوی شما، دفاع از سرزمین اعراب را آنگونه که در خور است، به عهده خواهیم گرفت.^۱

۷- تلاش نظام سلطه برای احیای منافع از دست رفته

نظام سلطه جهانی در آن زمان شامل بلوک غرب به رهبری امریکا و بلوک شرق به رهبری شوروی، در تلاش برای احیای منافع خود در منطقه بودند. امریکا وناتو و بلوک غرب که با سقوط شاه متحد استراتژیک خود را در منطقه از دست داده بودند، تلاش مینمودند ضمن برقراری ارتباط با رهبران ایران به ویژه دولت موقت ولیبرال ها، جای پای جدیدی در ایران باز کنند. از طرفی با تسخیر لانه جاسوسی وسقوط دولت موقت ،عملا از این ارتباط ناامید گشتند. همچنین با شکست حمله نظامی امریکا برای آزادی گروگان ها در طیس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ ، با طراحی کودتای نوژه در پی سقوط انقلاب برآمدند که آن هم به نتیجه نرسید. لذا امریکا با چراغ سبز نشان دادن به عراق و حذف نام آن از لیست کشور های حامی تروریسم و همینطور دیدار محرمانه برژینسکی (وزیر امور خارجه و مغز متفکر تصمیم گیرنده امریکا برای مقابله با ایران) در تیرماه ۱۳۵۹ در اردن با مقامات بلند پایه عراق به منزله چراغ سبزی برای حمله عراق به ایران بود. برژینسکی پس از این دیدار در مصاحبه رسمی اعلام کرد :«آمریکا در اختلافات عراق و همسایگانش دخالت نخواهد کرد.»^۲ در شروع جنگ امریکا در پی بازگرداندن ایران به دامن خود بود. وابستگی تسلیحات نظامی ایران به غرب این امیدواری را زیادتیر می کرد.

۸- تحریک گروه های مخالف نظام

گروه های مخالف و معاند نظام با ایجاد آشوب و نا امنی وجنگهای قومیتی و مصروف کردن بخش زیادی از توان نیروهای مسلح جهت آرامسازی داخلی موجب تضعیف توان نظامی کشور شدند.

اقدامات ضد انقلاب

ضایعات انسانی خودی				اقدامات ضد انقلاب							استان	تاریخ
جمع کل	اسیر	مجروح	شهید	جمع کل	اقدامات ایذایی	مین گذاری		بمب گذاری		عملیات		
						ع	خ	ع ^۲	خ ^۱			
۵۴۳	۱۹	۴۲۲	۸۲	۳۰۰	۵۱	۹	۷	۱۲۳	۳۸	۷۲	خوزستان	۵۹/۶-۵۷/۱۱
۷۸	-	۴۷	۳۱	۴۱	۱۲	۱	۳	۷	۱	۱۷	ایلام	۵۹/۶-۵۷/۱۱
۱۳۵۵	۱۸۱	۷۰۶	۴۶۸	۶۵۵	۱۳۴	۳۸	۳۷	۳۱	۱۴	۴۱۱	کرمانشاه	۵۹/۶-۵۷/۱۱
۱۵۵۵	۲۱۵	۷۵۲	۵۸۶	۴۲۱	۱۲۸	۱	۴	۷	۱	۲۸۰	کردستان	۵۹/۶-۵۷/۱۱
۱۵۹۳	۲۷۶	۸۲۸	۴۸۹	۵۳۳	۱۲۶	۲۹	۱	۱۴	-	۳۶۳	آذربایجان غربی	۵۹/۶-۵۷/۱۱
۵۱۲۲	۶۹۱	۲۷۷۵	۱۶۵۶	۱۹۶۰	۴۵۱	۷۸	۵۲	۱۸۲	۵۴	۱۱۴۳	جمع	

۱ - خ : خنثی شده

۲ - ع: عمل کرده

از طرفی با تحریک صدام برای حمله به ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی سعی در دستیابی به اهداف خود را داشتند، به شاپور بختیار آخرین نخست وزیر معزول رژیم شاه و فتحعلی اویسی ژنرال وابسته ارتش شاهنشاهی در سفری به عراق ضمن ملاقات با مسئولان عراقی و ارائه اطلاعات دقیق از وضعیت نابسامان ارتش ایران و کشمکش های سیاسی داخلی، متعهد شدند در صورت حمله عراق، نسبت به آماده سازی هواداران خود در ارتش و مردم برای حمایت از عراق اقدام نمایند و برای تشکیل دولت موقت در مناطق اشغالی اعلام آمادگی کردند.^۱

عناصرفراری کودتای نوژه که به عراق پناهنده شده بودند نیز، با تشریح وضعیت نظامی ایران و تنگناهای موجود در عرصه های نظامی اشتباهی عراق برای حمله به ایران را برانگیختند.

اسناد آرشیو ملی انگلیس نشان می دهد گروهک های ضد انقلاب نقش مهمی در تحریک صدام برای آغاز جنگ علیه ملت ایران داشته اند.

سایت ضد انقلابی رادیو زمانه با اشاره به انتشار برخی از این اسناد محرمانه که مربوط به ۳ دهه پیش است، نوشت: یک گزارش تفصیلی، نوشته کریس رندل (Rundle Chris) دیپلمات فارسی دان و رئیس بخش تحقیقات خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا تاکید دارد که یکی از دلایل یورش بی محابای حکومت عراق به خاک ایران، «اطلاعات گمراه کننده ایرانیان تبعیدی از قبیل شاپور بختیار مبنی بر این بود که احتمالاً به دلیل وجود اغتشاش در ارتش و بی ثباتی رژیم به دلیل مخالفت مردم به ویژه در خوزستان، ایران قادر به جنگ نخواهد بود و پرچم نیروهای آزادی بخش برافراشته خواهد شد.»^۲

همین گزارش تاکید می کند که حکومت عراق تصور می کرد به دلیل انزوای بین المللی جمهوری اسلامی، حمله به ایران می تواند به سروری عراق در جهان عرب منجر شود.

سایت مذکور با اشاره به یکی دیگر از اسناد نوشت: در یکی از تحقیقات که به طور مشترک توسط دو نماینده بانفوذ مجلس عوام (دنيس والترز و پيتر تمپل موريس) و سه کارشناس مشهور خاورمیانه (هارولد بيلي، پاتریک سیل و عباس کلیدار) تهیه شده و نسخه های معدودی از آن در اول آگوست ۱۹۸۰ (۱۰ مرداد ۱۳۵۹) (کمتر از دو ماه قبل از آغاز جنگ ایران و عراق) در اختیار نخست وزیری، وزارت خارجه، وزارت دفاع و وزارت بازرگانی بریتانیا قرار گرفت، راهکار فراروی حکومت عراق در مواجهه با ایران این گونه توصیه و تبیین شده است «صدام حسین اگر نتواند ایران انقلابی را شکست دهد، دست کم باید تأثیرات آن را بر کثرت مردم کشور خود که خطر مهلکی برای رژیم عراق است، خنثی کند. به نظر می رسد رژیم بعثی بغداد آشکارا درگیر تلاش هایی برای بی ثبات کردن رژیم اسلامی تهران است.»^۳

^۱ ستیز با صلح به نقل از مصاحبه مطبوعاتی صدام در تاریخ ۱۹۸۱/۷/۲۲ (۳۱/۴/۱۳۶۰) ص ۱۲۳

^۲ کیهان ۲۶ بهمن ۱۳۸۹

وضعیت ایران و عراق در آستانه جنگ

الف-عراق

۱- جغرافیا:

عراق به لحاظ جغرافیایی با مساحتی حدود ۶۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع در خاورمیانه واقع شده و از شمال با کشور های ترکیه و سوریه و از غرب با اردن و از جنوب با عربستان و کویت و از شرق با کشور ایران همسایه است .

این کشور دارای دشت های وسیع بیابانی در غرب و سرزمین کوهستانی در شمال و شمال شرق که عمدتاً مناطق کردنشین هستند و جلگه های آبرفتی رودخانه های دجله و فرات و شط العرب در قسمت های جنوبی می باشد . (عمده جمعیت عراق در حاشیه و بین دو رودخانه دجله فرات ساکن هستند و شهرهای بزرگ این کشور نیز در حاشیه این رودخانه ها واقع اند).

در زمان آغاز جنگ ،جمعیت عراق حدود ۱۳ میلیون نفر برآورد شده است که ۶۰٪ آن شیعیان (ساکن در مناطق جنوبی استانهای بصره-العماره،ميسان، نجف و کربلا و بغداد)، ۲۰٪ اعراب سنی و ۲۰٪ اکراد سنی(ساکن در استان های شمال و شمال شرق مثل سلیمانیه،اربیل، و کرکوک و ...) هستند. پایتخت عراق شهر بغدادحدود یکصد کیلومتر از مرز های ایران فاصله دارد که این فاصله نزدیک، یکی از آسیب پذیری های عراق در تعارض با ایران می باشد.

کشور عراق محصور در خشکی است و تنها از طریق اروندرودبه آب های آزاد خلیج فارس دسترسی دارد و ساحل باتلاقی عراق در شمال غرب خلیج فارس در خور عبدالله (نزدیک مرز کویت) نیز قابل اسکله سازی و کشتیرانی نمی باشد. لذا از این نظر دچار یک ضعف استراتژیک و بن بست ژئوپولتیک می باشد.



وضعیت سیاسی عراق در آستانه جنگ تحمیلی به گونه ای بود که تمام قدرت در دست حزب بعث به عنوان تنها حزب حاکم و فعال در عرصه سیاسی عراق بود.

• حزب بعث

در اواخر دهه ۱۹۳۹ در مخالفت با واگذاری سوریه به ترکیه ، میشل عفلق و صالح بيطار با شعار پان عربیسم و مقابله با استعمار و امپریالیسم ایده "بعث" را تبلیغ کردند.

میشل عفلق فردی مسیحی بود که در سال ۱۹۱۲ در دمشق متولد شد پدر وی تاجر غله بود ، وی در پاریس تحصیل می نمود. اولین کنگره حزب بعث در ۴ آوریل ۱۹۴۷ در دمشق تشکیل شد که در آن دانشجویانی از عراق، اردن ، لبنان شرکت کردند. در سال ۱۹۵۴ با حزب سوسیالیست اکرم حورانی متحد شد و "حزب سوسیالیست بعث" بوجود آمد. حزب بعث سوریه دو جناح داشت. جناح راست ضد کمونیست و مارکسیست (میشل عفلق و صلاح الدین بيطار) قائل به وحدت اعراب بود. و جنبه‌داری از مارکسیست ، تحقق وحدت عربی به هر قیمت را نمی پذیرفت.

حزب بعث عراق با اقدام عبدالرحمن خدیری و عبدالرحمن دامین (دانشجویان عراقی شاغل به تحصیل در سوریه) در عراق تشکیل شد و اولین شاخه آن در کربلا توسط "سعدون حمادی" تشکیل شد. در سال ۱۹۶۶ جناح چپ بعث در سوریه پیروز شد و میشل عفلق از سوریه اخراج و به عراق رفت و بنای مخالفت با حزب بعث سوریه را گذاشت.

به لحاظ محبوبیت نسبی حزب بعث صدام منادی و از ارکان حزب بعث در عراق شد. در کودتای ۱۹۶۸، حزب بعث در عراق به قدرت رسید. (سه ماه قبل از وقوع کودتا، شاخه طرفدار سوریه تسویه شد).

حزب بعث پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۶۸ در عراق طی یک کودتا ، حسن البکر را به عنوان رئیس جمهور برگزید و سپس صدام حسین در یک کودتای نرم در سال ۱۳۵۸ ه.ش او را برکنار و خود به عنوان رئیس حزب بعث قدرت را در دست گرفت. در سال ۱۹۷۹ (۲۵ تیر ۱۳۵۸) حسن البکر با قرائت بیانیه ای (تحت فشار صدام) داوطلبانه از قدرت کنار رفت و صدام همه کاره عراق شد. صدام نائب رئیس شورای رهبری انقلاب و معاون دبیر کل حزب شد.

تمام تصمیم گیریه‌ها در عراق به شخص صدام حسین منتهی می شد او بعنوان رهبر حزب بعث، رئیس جمهور، فرمانده کل نیروهای مسلح ، رئیس دولت و شورای انقلاب و... تنها مرجع تصمیم گیری بود و با شیوه اختناق و سرکوبی که در پیش گرفته بود کسی جرات مخالفت با او را نداشت لذا از این نظر، قدرت توتالیتر و اقتدارگرایی مطلق در عراق حاکم بود که برای تمام شئون زندگی ملت تصمیم گیری می کرد. بنابر اقوال مختلف عراقی ها، در دوران حکومت حزب بعث در عراق حدود دویلمیون نفر عراقی کشته شدند.

درخواست استعفای امام خمینی از صدام حسین باعث شد صدام در جلسه هیئت دولت عراق (فروردین ۶۱) برای شناسایی مخالفین خود چنین مطرح کند : " به نظر می رسد منظور (امام) خمینی این است که اگر من استعفا کنم ، صلح برقرار شود ، شاید حق با او باشد "

ریاض ابراهیم ، وزیر بهداری عراق در پاسخ صدام گفت : شاید اگر عالی جناب چند ماهی کنار بمانید ، بتوانیم حرف ایرانی ها را محک بزنیم . صدام در پاسخ گفت : فکر خوبی است و باید به تفضیل درباره آن صحبت کنیم . بعد به دفتر خود رفت و وزیر بهداری را به آنجا فرا خواند . لحظه ای بعد ، اعضای کابینه صدای شلیک گلوله ای را شنیدند صدام به جلسه هیات دولت بازگشت و به محافظان مسلح خود دستور داد جسد ریاض ابراهیم را بیرون ببرند . چند روز بعد ، پس از پخش خبر اعدام ریاض ابراهیم علت آنرا وارد کردن داروهای بد و آلوده کردن و کشتن سربازان عراقی عنوان کردند .

به لحاظ روابط سیاسی، رژیم عراق با گرایشات سوسیالیستی در اردوگاه کشور های بلوک شرق تعریف می شد لذا با کشورهای بلوک شرق و شوروی دارای روابط گرم و حسنه با کشورهای منطقه روابط متعادل و کشورهای بلوک غرب روابط سرد (که البته یک سال قبل از شروع جنگ صدام نسبت به ایجاد توسعه رابطه با کشور های غربی در عین حفظ رابطه با بلوک شرق اقدام نمود) و با اسرائیل رابطه خصمانه داشت. حزب بعث و صدام پس از مرگ جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر که در جهان عرب محبوبیت داشت به دنبال کسب رهبری جهان عرب و تسلط بر منطقه بود.

۳- وضعیت نظامی

ارتش عراق در سال ۱۳۵۹ دارای ۴۸ یگان شامل ۱۲ لشکر (۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه) ۱۵ تیپ مستقل (۱۰ تیپ پیاده ، یک تیپ مکانیزه، ۳ تیپ نیروی مخصوص و یک تیپ گارد ریاست جمهوری) و ۲۰ تیپ مرزی ، و تجهیزات نظامی آن شامل ۸۰۰ قبضه توپ ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک (تی ۷۶-۱۰۰ دستگاه ، تی ۵۴-۱۰۰ دستگاه ، تی ۵۵-۱۴۰۰ دستگاه ، تی ۶۲-۱۱۰۰ دستگاه ، تی ۷۲-۴۰۰ دستگاه) و نفربر (بی ام پی ۱-۵۰۰ دستگاه، VER-THP-1 ساخت فرانسه ۱۰۰ دستگاه، سایر نفر بر های زرهی ۱۷۰۰ دستگاه)، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۳۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی کوپتر میل بود^۱.

سازمان ارتش عراق به پیروی از شوروی ، ارتشی زمینی پایه (محور قدرت در نیروی زمینی متمرکز بود) و در نیروی زمینی نیز زرهی پایه بود (با توجه به اینکه عمده قسمت های حساس و حیاتی و شهر های مهم عراق در دشت و جلگه واقعند و قدرت بالای مانور نیروهای زرهی و مکانیزه در دشت، این سازماندهی مناسب وضعیت عراق بود).

در نیروی هوایی هواپیماهای شرقی (انواع میگ و سوخو) به تعداد ۳۶۶ فروند توانایی هوایی عراق را تشکیل میدادند. در نیروی دریایی عراق دارای ۱۰ فروند ناوچه اوزا بود که آن هم در بندر ام القصر در جنوب عراق مستقر بود و توانایی رزمی قابل توجهی نداشت. صنعت نظامی قابل توجهی در عراق وجود نداشت. کشور فرانسه از حدود یک سال قبل از شروع جنگ ضمن برقراری رابطه با عراق نسبت به تجهیز و توسعه توان رزم این کشور به ویژه در عرصه نیروی هوایی اقدام کرد و با واگذاری هواپیماهای میراژ و سوپراتاندارد، بمبهای لیزری و موشکهای آگوست نیروی هوایی عراق را به یک رشد کیفی صعودی ، در طول جنگ ، رساند. در نیروی زمینی با واگذاری رادارهای ضد نفر رازیت توانایی عراق را در کنترل نیرو های پیاده ایران بالا

^۱ پرسشهای جنگ ص ۵۲

برد، همچنین عراق دارای موشک های اسکاد B و C بود. عراق به کشور ایتالیا سفارش ساخت ۱۰ فروند ناو جنگی و یک فروند ناو لجستیکی اقیانوس پیما داده بود که بعد از شروع جنگ با ریزنی ایران، ایتالیا از تحویل آنها خودداری نمود.

۴-اقتصادی:

اقتصاد عراق بر پایه استخراج وصادارت نفت استوار بود لذا از این جهت اقتصادی تک محصولی است و سایر صنایع قابل توجه در عراق وجود نداشت. در بخش کشاورزی درآمد آن عمدتاً از استحصال و صادرات خرما بود، صادرات نفت عراق حدود دو نیم میلیون بشکه در روز بود که برابر ایران در اوپک سهمیه داشت ولی از آنجایی که جمعیت آن یک سوم ایران بود لذا درآمد سرانه ملی آن کشور ۳ برابر ایران بود. ذخیره ارزی عراق در آغاز جنگ حدود ۳۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

ب- ایران

۱-جغرافیا

کشور ایران به لحاظ جغرافیایی با مساحتی بالغ بر ۱,۶۰۰,۰۰۰ کیلومترمربع در غرب آسیا واقع شده، از شمال با کشور اتحاد جماهیر شوروی وقت و جمهوریهای فعلی ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان از غرب با ترکیه و عراق و از جنوب با خلیج فارس و کشورهای همسایه جنوبی آن کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و از شرق با پاکستان و افغانستان همسایه است.

جمعیت ایران در آستانه شروع جنگ بیش از ۴۰ میلیون نفر و به لحاظ ژئوپلیتیکی در منطقه حساس و نفت خیز خلیج فارس واقع است. پایتخت ایران شهر تهران بیش از هفتصد کیلومتر با مرزهای غربی (عراق) فاصله دارد که این امر آسیب پذیری آن را کاهش داده و بعنوان یک عمق استراتژیک محسوب می شود.



تسلط ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز، عمق استراتژیک بالای ۱۰۰۰ کیلومتری ایران (از هر طرف مرز ایران تا نوار مرزی مقابل بیش از یک هزار کیلومتر فاصله است) موقعیت کوهستانی (وجود رشته کوههای زاگرس و البرز که مانند دو بازو فلات ایران را محافظت می کند و با ایجاد معابر صعب العبور برای هر مهاجمی دشواریهای فوق العاده ای را ایجاد می نماید.) تنوع

اقلیم آب و هوایی، جمعیت حدود سه برابر عراق، ساحل طولانی (۱۳۵۰ کیلومتر) در خلیج فارس و دریای عمان و دسترسی سهل به آبهای آزاد و دریای خزر از ویژگیهای ممتاز جغرافیای ایران است.

۲-سیاسی:

با پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام سیاسی سابق، حاکمیت سیاسی جدید به رهبری حضرت امام خمینی(ره) در ایران شکل گرفت. پیروزی انقلاب اسلامی باعث حضور گروههای مختلف در عرصه سیاسی با گرایشهای متنوع و بعضاً متضاد سیاسی شد.

گروههای اسلامگرا به رهبری روحانیت شیعه تا گروههای لیبرال و گروههای چپ که اساساً با دیدگاه مذهب مخالف بودند. در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی نهادهای حکومتی در آستانه تشکیل بود. رهبری کشور در دست حضرت امام خمینی (ره) بود که ایشان توسط قاطبه مردم و مبارزین مسلمان و روحانی و مشخصاً حزب جمهوری اسلامی پشتیبانی می شد. دولت در دست لیبرالها به نخست وزیری مهدی بازرگان دارای اختلافات اساسی با دیدگاههای رهبری بود ولی به لحاظ پشتیبانی عمومی مردم از رهبری، جرأت مخالفت علنی با رهبری امام را نداشت. لذا تدابیر و سیاستهای خود را به صورت آرام و تدریجی و حتی المقدور در خفا پیگیری می نمود (بدست آمدن اسناد ارتباط این حزب با آمریکا پس از اشغال سفارت این کشور در تهران بر وابستگی آنها به آمریکا صحنه گذاشت).

پس از دولت موقت و انتخابات ریاست جمهوری، ابوالحسن بنی صدر با رأی بالای مردم به ریاست جمهوری انتخاب شد. ابوالحسن بنی صدر دارای سوابق مبارزاتی قابل توجه نبود ایشان ساکن پاریس بود که بعد از هجرت حضرت امام خمینی (ره) به فرانسه (۳ ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) به انقلابیون پیوست و در بازگشت حضرت امام به ایران همراه وی بود این همراهی با امام موجب کسب وجهه برای ایشان شد و در انتخابات ریاست جمهوری نیز با استفاده از همین وجهه و نبودن رقیب جدی به پیروزی قابل توجهی دست یافت. وی پس از پیروزی در انتخابات و رسیدن به ریاست جمهوری شروع به مخالفت با نیروهای انقلابی (در رأس آنها شهید مظلوم دکتر بهشتی، آیت الله خامنه ای و حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی) نمود که این مخالفتها و کشمکش های سیاسی یکی از علل تشجیع عراق برای حمله به ایران بود نتیجه این کشمکش ها منجر به عزل وی از فرماندهی کل قوا توسط حضرت امام (ره) و تصویب عدم صلاحیت سیاسی او در مجلس شورای اسلامی و عزل از ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۶۰ شد.

دوره اول مجلس شورای اسلامی متشکل از دیدگاه ها و طیفهای مختلف سیاسی بود که در آن از نمایندگان انقلابی پیرو امام تا لیبرالها، منافقین و بعضاً احزاب چپگرا حضور داشتند. چندگانگی در عرصه سیاسی و شکاف موجود در تصمیم گیری در کشور باعث گردیده بود که اعمال حاکمیت در مناطق مختلف دچار مشکل گردیده و شورهای قومی و قبیله ای که عمدتاً از سوی کشورهای خارجی حمایت می شدند، در نقاط مختلف کشور (مثل کردستان، خوزستان، ترکمنستان، آذربایجان و ...) شکل بگیرد و بخش زیادی از توان کشور معطوف به آرام سازی در این مناطق گردد. قدرتهای منطقه ای و بین المللی نیز در راستای

بدست آوردن و حفظ منافع خود، هر یک به نحوی در پی کنترل و در صورت امکان اضمحلال انقلاب نوپای اسلامی بودند و برخی از کشورهای غربی روابط خود را با ایران قطع نموده بودند.

۳- نظامی

ارتش ایران در قبل از انقلاب، مقتدرترین ارتش منطقه و ستون اصلی حافظ منافع اردوگاه غرب به رهبر امریکا در منطقه بود. ارتش رژیم شاه اساساً با سه مأموریت سازماندهی شده بود که عبارت بود از:^۱

الف- حفظ جریان انرژی در خلیج فارس

ب- سد نفوذ شوروی

ج- حمایت از رژیمهای وابسته به غرب در منطقه

لذا گسترش سازمان رزم نیروهای مسلح ایران نیز بر اساس این مأموریتها انجام گرفته بود.

بعنوان مثال برای تأمین جریان انرژی از خلیج فارس بزرگترین پایگاه هوایی ایران در ساحل شمالی خلیج فارس استقرار یافت (پایگاه کنارگ با مساحت 10 km . 10 km ، پایگاه امیدیه با طراحی استقرار ۳۰۰ فروند جنگنده F16 ، پایگاه هوایی دزفول و ...) و یگانهای دریایی ایران بعنوان ژاندارم خلیج فارس و حافظ جریان انرژی، سازماندهی شد. همچنین اعزام نیروهای مسلح ایران برای سرکوب شورشیان ظفار در عمان که از یمن جنوبی حمایت می شدند، در راستای حمایت از رژیمهای وابسته به غرب بود. در حال حاضر غرب با گسیل نیروهای نظامی به منطقه و خلیج فارس مأموریت به جای مانده ژاندارمی ایران در منطقه را، خود رأساً انجام می دهند.

با توجه به نقش تعریف شده برای ارتش ایران، امریکا با بازگرداندن پول نفت ایران به صنایع نظامی خود سیل تجهیزات پیشرفته نظامی را به ایران راه انداخته بود و برای اداره این ارتش بیش از ۵۰۰۰۰ مستشار نظامی مغز ستادی و فنی و عملیاتی و سیستم هدایت و کنترل و فرماندهی این ارتش را در دست داشتند و عملاً بدون اجازه و بکارگیری آنها ارتش ایران فاقد قدرت عملیاتی بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارتش شاهنشاهی از هم فرو پاشید این فروپاشی با خروج مستشاران نظامی، تعلیق قرارداد های نظامی و صادرات قطعات و تجهیزات نظامی از سوی آمریکا و غرب به ایران، فرار فرماندهان ارتش به غرب آغاز و محاکمه و تسویه برخی از سران ارتش که علیه مردم در انقلاب اقدام نموده و یا قادر به هماهنگی خود با جریان سیاسی جدید و انقلاب اسلامی نبودند، تشدید شد. بر اساس برخی آمارها، از ۲۰۰ امیر ارتش در حکومت پهلوی، ۲۱ تن اعدام و بقیه بازنشسته شده یا فرار کرده بودند. بیشتر افسران سرهنگ به بالا بازنشسته شده بودند و از همه مهمتر، ارتش ایران، ستون فقرات اصلی خود یعنی حدود ۵۰۰۰۰ هزار مستشار امریکایی را از دست داده بود و سیل ورود تسلیحات امریکایی و قطعات یدکی به کشور نیز قطع شده بود.

^۱ - سخنرانی دکتر حسین اعلائی در جلسه اساتید

نفوذ و دخالت سران ضد انقلاب و امریکا در ارتش موجب طراحی توطئه های مختلف مثل کودتای نوژه گردید که کشف این کودتا نیز ضربه دیگری بر پیکر نیمه جان ارتش بود.

دولت موقت همچنین در راستای ارائه تصویر مردم دوستی از خود اقدام به کاهش مدت سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه نمود که باعث تخلیه پادگانها از سرباز و کمبود شدید نیرو در ارتش گردید.

تیمسار مدنی رئیس وقت ستاد مشترک ارتش با هماهنگی بنی صدراقدام به صدور دستوری مبنی بر بومی سازی در ارتش نمود که بر خدمت هر فرد در شهر و زادگاه خود دلالت داشت ، لذا سازمان رزم ارتش از این بابت نیز دچار ضربه شدیدی گردید. مثلاً اگر کسی دوره تخصصی زرهی دیده بود و در شهری غیر از شهر خود خدمت می کرد، یگان خود را رها و به شهر خود منتقل می شد حتی اگر یگان زرهی در شهر خود نداشت در یک یگان دیگری خدمت می نمود و کسی که دوره هواپرد دیده بود وقتی به شهر خود باز می گشت مثلاً در یک یگان زرهی خدمت می کرد که هیچ گونه کارائی تخصصی نداشت.

۴- وضعیت اقتصادی

اقتصاد ایران نیز تک محصولی وابسته به نفت بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج شرکتهای نفتی غرب و تحریم آنها علیه ایران، تولید و صادرات نفت ایران به شدت کاهش یافت و به کمتر از نصف (دو میلیون بشکه در روز) رسیده که با توجه به جمعیت ایران در آن موقع کمتر از ۱/۳ در آمد سرانه ملی عراق بود. ذخیره ارزی ایران حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می شد. صنایع اکثراً مونتاژ و وابسته به لحاظ قطع واردات و فرار کارخانه داران بزرگ و یا مصادره آنها اکثراً تعطیل شده بود. بسیاری از دارائیهای ایران در خارج توقیف شده و مشکلات متعدد اقتصادی در ایران حکمفرما بود.

نتیجه:

مقایسه وضعیت چهارگانه جغرافیای سیاسی، نظامی، اقتصادی عراق و ایران در آستانه جنگ بیانگر وضعیتی است که در آن کشور عراق با برخورداری از شرایط مناسب داخلی، منطقه ای و بین المللی، نظامی و اقتصادی در پی دستیابی به اهداف توسعه طلبانه خود و تسلط بر منطقه و ژاندارمی خلیج فارس بود که اشغال (حداقل) بخشهایی از خاک ایران و بدست آوردن ساحل در خلیج فارس و کسب وجهه و اعتبار در جهان عرب از آن جمله بود و در این سو ایران دچار آشفتگی در ارکان حکومت، کاهش اقتدار و قدرت ملی و در نتیجه کاهش قدرت بازدارندگی، ضعف نیروهای مسلح و ... بود که بستر مناسبی برای توسعه طلبی های صدام و حزب بعث ایجاد می کرد. البته درجغرافیا از امتیازات ویژه (عمق استراتژیک، جمعیت، فاصله پایتخت از مرز، سواحل طولانی در خلیج فارس، اقلیم کوهستانی و.....) و از لحاظ فرهنگی و اعتقادی از اراده دفاع ملی بالا ، برخوردار بود.

زمینه سازی های عراق قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی

مروری بر سوابق اختلافات با عراق نشان می دهد از سال ۹۱۴ ه. ق که صفویه تشکیل و جنگ چالدران بین ایران و عثمانی در گرفت تا شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیش از ۲۰ جنگ و ۲۰ قرارداد صلح بسته شد. که اولین آن آماسیه و آخرین آن بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر بود.

براساس معاهدات به امضاء رسیده بین ایران و عثمانی (پروتکل اسلامبول ۱۴-۱۹۱۲) ارونرود به جزء قسمت کوچکی در مقابل خرمشهر به عثمانی واگذار شد (در حالیکه این معاهده به تصویب مجالس ایران و عثمانی نرسیده بود و معتبر نبود). بعد از روی کار آمدن حزب بعث دور تنشها در روابط ایران و عراق تندتر شده و پس از امضاء معاهده ۱۹۷۵ الجزایر روابط دو کشور تا پیروزی انقلاب حسنه بود.

در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷ (که عراق متوجه تحولات داخلی ایران شده بود و تضعیف دولت ایران در برابر مخالفان را احساس می کرد) هیئت کارشناسان عراق که برای مبادله اسناد تحدید حدود در ایران به سر می بردند در اعتراض به محل ۲۱ میله مرزی مذاکرات را نیمه تمام گذارده و ایران را ترک کردند. در اولین پیام تبریک رژیم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن پیام تبریک، به اختلافات مرزی اشاره نموده و اظهار امیدواری می نماید که حکومت جدید ایران نسبت به اعاده حقوق دولت عراق اقدام نماید.

در زمان دولت موقت، دولت ایران برای تحویل و تحول مناطق فوق اعلام آمادگی می نماید که عراق پاسخی به این یادداشت ها نمی دهد. همچنین صدام در فروردین ۱۳۵۹ اعلام کرد "عراق آماده است تمام اختلافاتش را با ایران از طریق زور حل نماید"^۱

دولت عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تحلیل شرایط جدید و تصمیم حمله به ایران، اقدامات خود را در سه محور سازماندهی می نماید.

۱- اقدامات سیاسی و دیپلماتیک

در این مجموعه اقدامات عراق ضمن تلاتش برای نزدیکی به غرب و ایفای نقش ایران قبل از انقلاب در تامین منافع امریکا و غرب و بهبود روابط با آنها به ویژه امریکا و فرانسه، سعی در ایجاد همپیمانی وسیع منطقه ای و بین المللی علیه ایران می نماید.

تبلیغ علیه ایران و ایدئولوژی انقلاب اسلامی و ترسیم چهره خطرناک از ایران انقلابی به ویژه در نزد کشورهای منطقه و ترویج ایران هراسی در این راستا قابل ارزیابی می باشد. عراق در راستای پروژه دلیل تراشی و ایران هراسی ادعای دخالت ایران در

^۱ حسین اردستانی - جنگ ایران و عراق، رویارویی استراتژی ها، تهران، دافوس، ۱۳۷۸- ص ۷۵

امور داخلی عراق (تحریک شیعیان بر علیه حکومت) را مطرح نمود. همچنین ایران را متهم به بدرفتاری با اعراب خوزستان نمود همزمان قبل از شروع رسمی جنگ دهها هزار شیعه عراقی، ایرانی تبار را از عراق اخراج نمود.

۲- اقدامات تبلیغاتی

این اقدامات نیز در راستای جذب متحدان بیشتر در عرصه منطقه ای و بین المللی و جلب افکار عمومی مردم عراق در داخل بود. تبلیغ تجاوز ایران به خاک عراق و عدم بازپس دادن مناطق مرزی خاک عراق، عراقی بودن اروندرود، عربی بودن جزایر سه گانه و پاره کردن بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر در ۲۶ شهریور ۵۹ در مقابل دوربین های خبری و ... در این راستا بود. صدام در اواخر تیر ماه ۵۹ اظهار داشت: "اینک توانایی نظامی برای استرداد سه جزیره واقع در خلیج (فارس) را داریم."^۱

عمده دلایل عراق در توجیه لغو بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و شروع تهاجم نظامی

۱- نقض قرارداد فوق از سوی ایران و عدم تخلیه زمین های عراق

۲- بدرفتاری با اعراب خوزستان

۳- دخالت در امور داخلی عراق

۴- عدم استرداد جزایر سه گانه (تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی در خلیج فارس).

که هیچ یک از این دلایل نمی تواند دلیل حقوقی و منطقی برای آغاز جنگ همه جانبه و سراسری علیه ایران باشد. در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۸، تنها یکروز قبل از اعلام قطع روابطه امریکا با ایران، صدام اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی خارج گردد... عراق آماده است با زور تمام اختلافات خود را با ایران حل کند.^۲ در اردیبهشت ۵۹ عراق حمایت خود را از گروه های مخالف ایران در خوزستان به ویژه "جبهه التحریر" را تشدید نموده و آنها نیز عملیات خرابکاری و بمب گذاری را افزایش دادند.

صدام در آوریل ۱۹۸۰ طی گفتگو با خبرگزاری ها لازمه پایان یافتن شرایط جنگی را چنین ذکر می کند:

۱- خروج بدون قید و شرط ایران از جزایر تنب و ابوموسی

۲- بازگرداندن دنباله شط العرب به حالت قبل از سال ۱۹۷۵

۳- به رسمیت شناختن عربی بودن عربستان (خوزستان)

پس از تدارک کودتای نوژه توسط امریکا و متعاقب شکست آن، تحرک صدام برای آغاز جنگ تشدید شده و مقدمات لازم با انتقال نیرو به مرز و گسترش درگیری در نوار مرزی فراهم می شود.

رژیم عراق از ابتدای سال ۱۳۵۹ به منظور موجه ساختن اقدام نظامی علیه ایران و آماده سازی افکار عمومی عراق به اجرای تبلیغات وسیع برای برانگیختن روح ملی گرایی عراقی ها و یادآوری حقوق تاریخی عراق در اروندرود و خوزستان و برخی

مناطق دیگر پرداخت. وی همچنین مدعی شد ایران سعی در ایجاد امپراطوری شیعه و فارس در سرزمین های عربی دارد.^۱

۳- اقدامات نظامی

عراق از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع رسمی تهاجم علیه ایران به کرات مرزهای زمینی، هوایی و دریایی ایران را مورد تجاوز قرار داد که در بسیاری از این موارد ایران حتی اقدام به پاسخ نیز ننمود. این تهاجمات علاوه بر خسارات اقتصادی تلفات انسانی نیز (شهید، مجروح و اسیر) به ایران وارد کرد. جدول این تعرضات به شرح ذیل می باشد.

جدول تجاوزهای ثبت شده عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران قبل از حمله سراسری

تجاوزات عراق در طول مرز

۵۷/۱۲/۱ الی ۱۳۵۹/۶/۳۰

یگان متجاوز	عملیات	تحرکات مرزی	جمع
زمینی	۶۸۸	۱۲۲۹	۱۹۱۷
هوایی	۲۵۲	۲۲	۲۷۴
دریایی	۴۴	۲۲	۶۶
جمع	۹۸۴	۱۲۷۳	۲۲۵۷

عراق در تاریخهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ شهریور ۱۳۵۹ ضمن فراخوانی کاردار ایران به وزارت خارجه خود طی یادداشتی اعلام کرد ارتش عراق ناگزیر از دفع تجاوز ایران به مناطق در "زین القوس"، "سیف سعد" و "حوض میمک" می باشد. ساعاتی بعد از تحویل یادداشت مزبور، این مناطق توسط ارتش عراق اشغال شد.

نتایج تجاوزات مرزی عراق

جدول ضایعات انسانی خودی قبل از شروع رسمب جنگ

شهید	مجروح	اسیر	جمع
۲۴۱	۶۲۹	۱۴۴	۱۰۱۴

در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ صدام حسین طی یک نطق رادیو تلویزیونی ضمن ملغی اعلام کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، آنرا در مقابل دوربینهای خبری پاره کرده و بی ارزش اعلام کرد.

^۱ از خونین شهر تا خرمشهر ص ۲۰

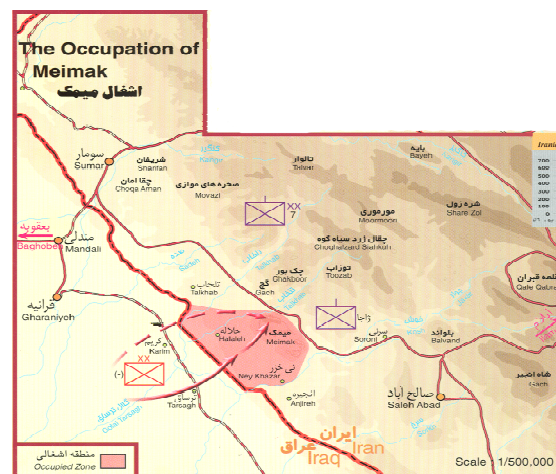
گاه شمار رویدادهای مهم شهریور ۱۳۵۹

روز	شرح
۱۳۵۹/۶/۳	- سپاه پاسداران وقوع یک جنگ تمام عیار را پیش بینی کرد. - صدور فرمان آماده باش توسط فرمانده ارتش عراق، تقویت پاسگاه های مرزی و حمل مهمات فراوان به پایگاه های هوایی شعیبیه، بر نزدیک بودن حمله عراق دلالت می کرد.
۱۳۵۹/۶/۷	- کسینجر پیش بینی کرد ظرف ۱۰ روز عراق در جنگ پیروز شود. بختیار نیز سقوط نظام اسلامی را ظرف چند ماه محقق دانست. - سه هواپیمای دشمن در آسمان مهران به پرواز درآمد. - ۴۶ تانک دشمن روبه روی نوسود مستقر شد.
۱۳۵۹/۶/۹	- ۲۰۰۰ نیروی مسلح از طرفداران سردار جاف در مرز ایران مستقر شدند.
۱۳۵۹/۶/۱۱	- نظامیان عراق در مرز آذربایجان غربی، تا شعاع ۲۰ کیلومتری تخلیه شده و به مرزهای جبهه کرمانشاه و خوزستان اعزام دند. - ۲۰۰۰ نیروی پیاده همراه با نیروی زرهی از بصره به سمت مرز حرکت کردند.
۱۳۵۹/۶/۱۶	- عراق خان لیلی را اشغال کرد.
۱۳۵۹/۶/۱۷	- دولت عراق به کلیه خانواده ها دستور احداث پناهگاه داد.
۱۳۵۹/۶/۱۹	- عراق به میمک حمله کرد.
۱۳۵۹/۶/۲۰	- ۸۰۰ تانک و نفربر به طرف مرز دهلران حرکت کرد.
۱۳۵۹/۶/۲۱	- میمک به تصرف عراق درآمد.
۱۳۵۹/۶/۲۲	- قرارگاه های تیپ ۹۵ و تیپ ۹۸ از استان اربیل به خانقین منتقل شد. - ۸ سایت موشک ضدهوایی در جنوب مستقر شد.
۱۳۵۹/۶/۲۴	- معاون شورای انقلاب عراق (عزت ابراهیم الدوری) گفت: عملیات ما برای بازپس گیری ۱۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق تا آخر هفته جاری پایان می یابد. - یک لشکر و ۳ تیپ به خانقین اعزام شد. - عراق در مرز بستان مانور کرد. - عراق از سربازان منقضی خدمت خواست طی ۴ روز خود را به واحدهای مربوطه معرفی نمایند.
۱۳۵۹/۶/۲۵	- عراق پاسگاه انجیر را تصرف کرد.
۱۳۵۹/۶/۲۶	- لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اعلام حاکمیت مطلق بر "اروند رود" به وسیله عراق. - دو لشکر زرهی عراق در مرز خوزستان مستقر شد. - لشکر ۱ پاسگاه های شرق العماره را تقویت و پاسگاه رشیدیه را تصرف کرد. - یک تیپ زرهی عراق در مقابل پاسگاه چیلات مستقر شد.
۱۳۵۹/۶/۲۷	- ۸۰ قبضه توپ و خمپاره انداز وارد فاو شد.
۱۳۵۹/۶/۲۸	- وزارت خارجه عراق اعلام کرد : کشتی هایی که قصد عبور از شط العرب دارند باید پرچم عراق را بر عرشه خود نصب کنند. - ۶۰ خودرو حامل پل های نظامی به کوت و ۱۱ خودرو به دیوانیه اعزام شد.
۱۳۵۹/۶/۲۹	- نبرد سنگینی از دهانه اروندرود تا خرمشهر ادامه دارد. - پاسگاه شیخان در منطقه نوسود به تصرف عراق درآمد.
۱۳۵۹/۶/۳۰	- پاسگاه های گیسکه، چغا حمام و چیلات در مرزهای سومار، نفت شهر و دهلران به تصرف ارتش عراق درآمد. - عراق نیمی از هواپیماهای خود را به عربستان، کویت، امارات، عمان، یمن شمالی و اردن فرستاد تا در برابر حملات متقابل ایرانی در امان باشد. - ستاد لشکر ۵ مکانیزه عراق به کلیه واحدهای تابعه دستور داده تا اطلاع ثانوی سکوت رادیویی را رعایت کنند.
۱۳۵۹/۶/۳۱	- هجوم سراسری ارتش عراق به سرزمین ایران آغاز شد.

و نهایتاً در ساعت ۱۴ ظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نیروی هوایی عراق با حدود ۱۹۰ فروند جنگنده، فرودگاههای ایران را به تبعیت

از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و پیش دستی اسرائیل در بمباران فرودگاهها و نیروی هوایی مصر، سوریه و اردن، بمباران

نمود



علاوه بر اقدامات فوق حمایت از گروههای مخالف داخلی ایران در کردستان، خوزستان و مسلح و مجهز کردن آنها به سلاح و مهمات برای ایجاد ترور و بمب گذاری، تجاوزات مکرر مرزی، حملات شدید تبلیغاتی، تحرکات دیپلماتیک و ... زمینه ساز جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه ایران شد.

تهاجم سراسری عراق، اهداف نظامی و محورهای پیش روی عراق و عکس العمل نیروهای مسلح ایران

عراق با آغاز تهاجم سراسری خود از زمین، هوا و دریا در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ عملاً وارد یک جنگ تمام عیار با جمهوری اسلامی ایران گردید.

طرح و دستور نظامی

طرح: هر کشوری در زمان صلح با توجه به نوع تهدید و توان خود و فرض های احتمالی طرح های مقابله را آماده می نماید تا در صورت عملی شدن تهدید غافلگیر نشده و به سرعت قادر به مقابله باشد .

دستور: وقتی که تهدید عملی شد متناسب با نوع تهدید طرح مربوطه اجرا شده و زمان و مکان مشخص می شود که به آن دستور نظامی اطلاق می شود.

عراق هجوم سراسری خود را در ساعت ۱۴ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ با حملات هوایی آغاز کرد و ظرف چند ساعت ۱۹ نقطه مهم، از جمله فرودگاه های کشور را مورد هدف قرار داد.

اهداف عراق از حمله همه جانبه نظامی به ایران

اهداف کوتاه مدت:

۱- لغو بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و قراردادهای منعقد شده ناشی از آن

صدام در لغو این بیانیه ضمن پیگیری مطالبات ارضی ، به دنبال رفع عقده احساس حقارت ناشی از امضای این بیانیه بود

۲- حاکمیت مطلق بر اروندرود

تسلط بر کرانه شرقی اروندرود و به تملک در آوردن کامل آن به نحویکه تمام کشتی ها موقع ورود به آن پرچم عراق را بر افراشته سازند و کلیه عوارض و مالیات ناشی از تردد کشتی ها به عراق تعلق گیرد . در این صورت تامین امنیت آن نیز بعهدہ عراق بوده و کشتی های جنگی ایران قادر به تردد در آن نخواهند بود.

۳- استرداد جزایر سه گانه

تلاش صدام برای جانشینی جمال عبدالناصر و به دست گرفتن رهبری جهان عرب باعث طرح این ادعا شد که صدام در آن تلاش می نمود خود را داعیه دار مطالبات جهان عرب نشان دهد

اهداف میان مدت :

۱- تجزیه خوزستان :

عراق به دنبال تجزیه خوزستان از ایران و ایجاد یک کشور مستقل به نام عربستان بود.

۲- تسلط بر خلیج فارس :

دستیابی عراق به آبهای آزاد خلیج فارس از آرزوهای دیرین این کشور برای رفع تنگنای ژئوپولیتیک بود

اهداف بلند مدت :

۱- سقوط جمهوری اسلامی:

در این هدف تمام کشورهای متحد عراق همسو بودند. کشورهای منطقه و قدرتهای بین المللی اعم از شرق و غرب در ساقط کردن جمهوری اسلامی با عراق هم جهت و هم هدف بودند.

۲- تجزیه ایران

عراق در تلاش برای تجزیه ایران به دنبال رفع همیشگی تهدید ایران برای خود و سایر کشورهای منطقه بود. با تجزیه ایران به چند کشور کوچک، عراق آسانتر به قدرت منطقه ای تبدیل می شد و بر منطقه استیلا می یافت. این هدف با همراهی کشورهای عرب منطقه همراهی می شد.

آرایش نیروهای دشمن

عراق با سازماندهی ارتش خود در قالب سه سپاه، مأموریت آنها را در هجوم سراسری به شرح ذیل تعیین نمود.

۱- سپاه یکم متشکل از لشکریهای ۷ و ۱۱ پیاده در شمال مأمور حفظ امنیت کردستان و مناطق نفت خیز کرکوک، مقر این سپاه در کرکوک بود، تیپهای لشکر ۷ این سپاه بعداً در جنوب بکارگیری شد.

۲- سپاه دوم در مرکز با ۵ لشکر (لشکریهای ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۲) و یک تیپ از گارد جمهوری در بین خانقین و جلولای مستقر شده و مأمور سرگرم کردن نیروهای مسلح ایران در جبهه مرکزی با اشغال شهرها و نقاط حساس مرزی مثل تنگه پاتاق، قلاج، سرپل ذهاب، گیلان غرب، نفت شهر به عنوان تلاش فرعی و همچنین حفاظت از بغداد در قبال هجوم احتمالی ایران، می گردد. مرکز فرماندهی این سپاه در بغداد مستقر می باشد.

۳- سپاه سوم با ۵ لشکر (لشکریهای ۱ و ۳ و ۵ و ۹ و ۱۰ زرهی و مکانیزه) به عنوان تلاش اصلی مأمور اشغال خوزستان می شود. (از موسیان و مهران تا دهانه فاو)

لشکر ۱: محور فکه - چنانه - شوش

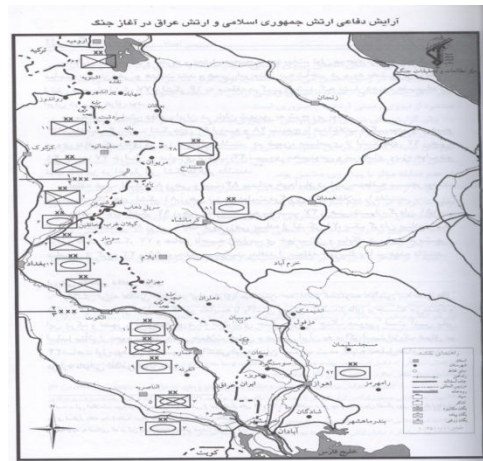
لشکر ۳: محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۹: محور چزابه - بستان - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۱۰: عین خوش - دشت عباس - پل کرخه - اندیمشک

لشکر ۵: محور طلائیه - پادگان حمید - اهواز

مقر این سپاه در ناصریه مستقر بود.



آرایش نیروهای خودی

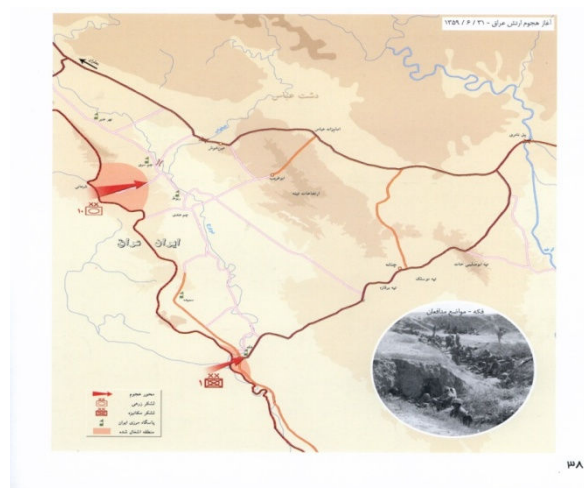
لشکر ۸۱ کرمانشاه از باویسی تا جنوب مهران در ۳۰۰ کیلومتر پدافند می کند . لشکر ۹۲ از چنگوله تا دهانه فاو ۳۸۰ کیلومتر گسترش دارد. بیش از ۵۰٪ توان نیروهای مسلح ایران در کردستان و مناطق دیگر مشغول عملیات تأمین و آرام سازی هستند.

محورهای پیش روی عراق

پس از تهاجم هوایی عراق ، نیروی زمینی این کشور از مرز گذشته و به سمت اهداف از پیش تعیین شده در عمق خاک ایران حرکت می کند.

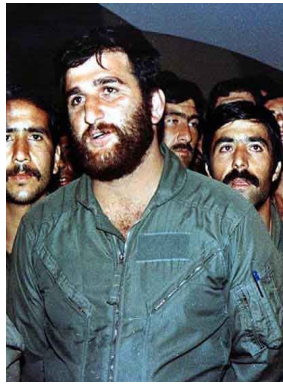
محور شمالی:

سپاه یکم تحرک قابل ذکری بجز برخی تحرکات در منطقه حاج عمران، پنجوین و طویله که در حاج عمران به تصرف تپه ۱۸۶۴ منجر شد، نداشت.



محورهای پیشروی دشمن در جبهه میانی

سپاه دوم ارتش عراق از مرز گذشته و به شهرهای هدف نزدیک می شود و با نیروهای ایرانی درگیر می شود. توسعه موقعیت در سمت شرق و شمال محور صالح آباد میمک (با تصرف بخشی از ارتفاعات غربی میمک و پاسگاههای کانی شیخ و بازرگان) تسلط بر جاده مهم نظامی مهران-دهلران و قطع ارتباط جبهه های (شمالی و جنوبی استان ایلام با تصرف



شهید خلبان علی اکبر شیروودی

شهادت: ۱۳۶۰/۲/۸

شهید خلبان احمد کشوری

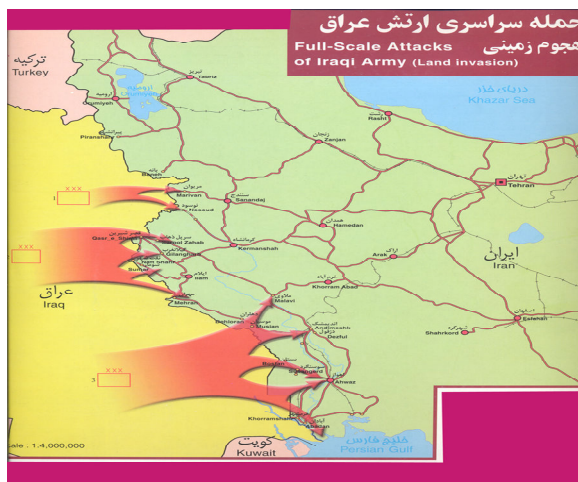
شهادت: ۱۳۵۹/۹/۱۵

محور مهران از طریق تصرف شهر مهران و پاسگاههای صالح آباد، محسن آباد، بهرام آباد، آبیژادی و ارتفاعات زیل، کولک، دشت مثلثی، قلاویزان، کله قندی و قطع جاده مهران و دهلران).

محورهای پیشروی دشمن در جبهه جنوبی

سپاه سوم ارتش عراق به عنوان تک اصلی از محورهای مشخص شده حرکت و با اولین نیروهای ایرانی در پاسگاههای مرزی، سپاه پاسداران و نیروهای مردمی و یگانهای در خط ارتش، درگیر می شود.

در محور فکه - چنانه - اندیمشک دشمن در طی ۷ روز به پل کرخه می رسد ولی از آن عبور نمی کند و در پشت آن متوقف می ماند. محور . در دزفول لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق با مأموریت استفاده از معابر وصولی فکه، دوسلک، پل نادری دزفول و شرهانی- عین خوش - پل نادری- دزفول و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک و محاصره اهواز (از شمال) و دزفول (از جنوب) پیشروی خود را آغاز و دو لشکر نهایتاً در پشت رودخانه کرخه متوقف شدند. (عدم الحاق کامل دو لشکر ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه و وسعت و عمق زمین منطقه و موانع طبیعی همچون رودخانه کرخه مانع از عبور دشمن از کرخه و قطع جاده خوزستان به مرکز کشور شد).



محور چزابه - سوسنگرد - اهواز:

لشکر ۹ زرهی دشمن با حرکت از العماره، از تنگه چزابه عبور و ضمن اقدام برای تأمین جناح چپ خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه به سمت اهواز پیشروی نمود. دشمن توانست با یک گام بلند خود را تا نزدیکی حمیدیه برساند. با رسیدن خبر قریب الوقوع بودن سقوط اهواز به حضرت امام، ایشان فرمودند " مگر جوانان اهواز مرده اند" با رسیدن این خبر به سپاه خوزستان، ۲۸ تن از پاسداران اهواز به فرماندهی شهید غیور اصلی با چند قبضه سلاح آر پی جی ۷، شبانه در کنار جاده اهواز حمیدیه به دشمن کمین زدند. دشمن ساعت ۴ بامداد نهم مهر ماه در پیشروی به سوی اهواز در کمین رزمندگان اسلام افتاد و با توجه به اینکه تا آن موقع با مقاومت قابل توجهی روبرو نشده بود، با وحشت و نگرانی اقدام به عقب نشینی کرد. بعد از این عملیات دشمن چند بار اقدام به پیشروی کرد و سرانجام در حوالی دیوارهای غربی شهر سوسنگرد، در غرب رودنیسان زمین گیر شد.

محور نشوه - جفیر - اهواز

لشکر ۵ مکانیزه ارتش عراق در این محور مأمور بود پس از تصرف جاده اهواز خرمشهر ضمن محاصره و الحاق با نیروهای لشکر ۳ و تیپ ۳۳ در شمال خرمشهر به سمت اهواز تک نموده و با نیروهای لشکر ۹ در اهواز الحاق نماید. سرانجام لشکر ۵ مکانیزه عراق پس از در هم شکستن مقاومت تیپ ۱ لشکر ۹۲ اهواز و پاسداران همراه آنها در ۱۵ کیلومتری اهواز در منطقه "نورد" با مقاومت مردمی مواجه و متوقف شد.

محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص مأموریت تصرف خرمشهر و آبادان را داشتند. که تیپ ۳۳ مأمور تصرف خرمشهر و لشکر ۳ زرهی مأمور عبور از شمال خرمشهر به سمت کارون و قطع جاده اهواز آبادان و محاصره و اشغال آن بود. که محاصره آبادان در ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۹ تحقق یافت.

مقاومت مردمی در خرمشهر در مقابل تیپ ۳۳ نیروی مخصوص با عث تأخیر و کندی حرکت لشکر ۳ و نهایتاً شکست مأموریت آن شد. تلاش این لشکر برای عبور از رودخانه بهمنشیر و ورود به کوی ذوالفقاری و تصرف آبادان نیز با رشادت و اطلاع رسانی فردی بنام "دریا قلی سورانی" به مردم و سپاه آبادان ناکام ماند.

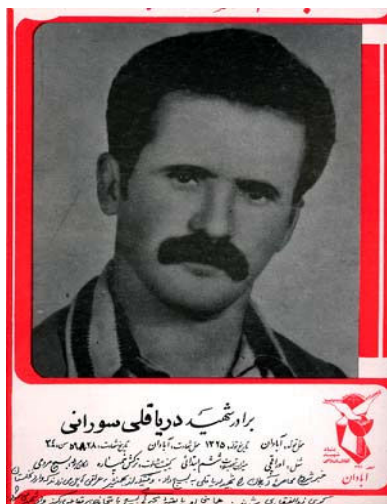
حماسه کوی ذوالفقاری آبادان

با مقاومت رزمندگان اسلام در خرمشهر و عدم امکان دسترسی دشمن به آبادان از طریق پل خرمشهر نیروهای دشمن با عبور از کارون و دورزدن شهر آبادان جاده آبادان - اهواز و آبادان ماهشهر را قطع و تا ساحل بهمنشیر در جنوب آبادان پیشروی نموده و آبادان در محاصره کامل قرار می گیرد. با توجه به اینکه تصرف شهر آبادان یکی از اهداف مهم عراق بود، دشمن برای تصرف این شهر طی طرحی اقدام به نصب پل بر روی بهمنشیر در منطقه کوی ذوالفقاری در جنوب آبادان نموده و شب نهم آبان ماه عراق وارد کوی ذوالفقاری می شود. روز نهم آبان با عبور دو گردان پیاده دشمن از کوی ذوالفقاری، ۱۵ کیلومتر سواحل بهمنشیر تسخیر شده و دشمن به جاده خسروآباد - آبادان می رسد. صبح روز نهم آبان ماه، یکی از اهالی آبادان بنام "دریا قلی

سورانی" که شغل او اوراق فروشی در آن محل داشت از حمله عراق مطلع شده و با دوچرخه ای که داشت طی ۹ کیلومتر رکاب زدن، اقدام به اطلاع رسانی به اهالی به ویژه سپاه پاسداران آبادان می نماید. اولین نیروهای مدافع به تعداد ۶ نفر با چهار قبضه تفنگ ژ ۳ و یک قبضه آرپی جی از جمله مسجد الرسول با عراقی ها درگیر می شوند که صدای درگیری آنها کمک زیادی به هوشیاری نیروهای خودی می کند. با اطلاع مدافعان شهر و هجوم رزمندگان اسلام و مقاومت حماسی آنها، از نیروهای مهاجم دشمن ۱۳۰ نفر اسیر و بقیه کشته می شوند. (فقط یک نفر موفق به فرار می شود). پل نیز منهدم می شود. نیروهای خودی در آنطرف کوی ذوالفقاری ۴ کیلومتر سر پل می گیرند.^۱

رشادت و قهرمانی "دریا قلی سورانی" عامل اصلی آگاهی و سپس حضور مقاومانه مدافعان در کوی ذوالفقاری بود. این فرد که دهه اوراق فروشی در همان محل داشت، دو روز بعد توسط ترکش توپخانه دشمن مجروح و با یک قطار باری برای مداوا به تهران منتقل و در بیمارستانی در تهران به شهادت می رسد و بدون اطلاع خانواده وی د ر تهران دفن می شود. خانواده وی پس از ۶ ماه از سرگذشت وی مطلع و جنازه او را با کسب اجازه شرعی نبش قبر و به آبادان منتقل می نماید. بنا به گفته دختر وی جنازه وی پس از شش ماه سالم بوده است.

رشادت و قهرمانی "دریا قلی سورانی" عامل اصلی آگاهی و سپس حضور مقاومانه مدافعان در کوی ذوالفقاری بود. این فرد که دهه اوراق فروشی در همان محل داشت، دو روز بعد توسط ترکش توپخانه دشمن مجروح و با یک قطار باری برای مداوا به تهران منتقل و در بیمارستانی در تهران به شهادت می رسد و بدون اطلاع خانواده وی د ر تهران دفن می شود. خانواده وی پس از ۶ ماه از سرگذشت وی مطلع و جنازه وی را با کسب اجازه شرعی نبش قبر و به آبادان منتقل می نماید. بنا به گفته دختر وی جنازه وی پس از شش ماه سالم بوده است.



حماسه آزادسازی سوسنگرد

سوسنگرد شهری است در ۶۵ کیلومتری شمال غرب اهواز و مرکز شهرستان دشت آزادگان. عراق برای تصرف شهر اهواز از دو مسیر برنامه ریزی کرده بود که یکی از این مسیرها، العماره - تنگه چزابه - بستان - سوسنگرد - حمیدیه - اهواز بود. موقعیت شهر سوسنگرد بعنوان یکی از معابر وصولی اهواز اهمیت ویژه داشت. لشکر ۹ مکانیزه عراق با حرکت از العماره تنگه چزابه را

^۱ بنادری سرباز سالهای ابری ص

تصرف و پس از درهم شکستن مقاومت‌های مدافعان شهر بستان، آنرا تصرف و در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۶ شهر سوسنگرد را نیز تصرف و به سمت حمیدیه حرکت می‌نماید. با عملیات پاسداران سپاه اهواز به فرماندهی شهید غیوراصلی دشمن دچار وحشت شده و ضمن عقب‌نشینی از محور حمیدیه، سوسنگرد را نیز تخلیه و تا تنگه چراهه عقب‌نشینی می‌نماید. دشمن پس از این عقب‌نشینی ضمن بازیافتن خود در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۹ (پس از تصرف خرمشهر) ضمن سازماندهی، مجدداً پس از تصرف بستان به سمت سوسنگرد حرکت نموده و ضمن دور زدن شهر سوسنگرد آنرا محاصره نموده و به سمت حمیدیه پیش می‌رود. با محاصره سوسنگرد و احتمال سقوط آن بخشی از نیروهای مدافع شهر را تخلیه می‌نمایند. در این بین مدافعان شهر که بخش اعظم آنرا نیروهای آذربایجانی و لرستانی به فرماندهی شهید علی تجلایی بر عهده داشتند مقاومت در شهر را سازماندهی می‌نمایند. تلاش دشمن برای ورود به شهر آغاز شد. تعداد نیروهای مدافع شهر کمتر از ۲۰۰ نفر برآورد می‌شد. نیروهای مقاومت سوسنگرد قهرمانانه در مقابل تهاجم سیل آسای دشمن مقاومت نمودند و هر لحظه بر تعداد شهدا و مجروحین افزوده می‌شد. علی تجلایی فرمانده مقاومت شهر با تیر مستقیم کالیبر ۵۰ دشمن زخمی می‌شود که با این حال هدایت نیروها را انجام می‌دهد. وی پس از آنکه در زیر آتش شدید دشمن یک خط تلفن سالم پیدا می‌کند با آیت الله مدنی نماینده امام (ره) و امام جمعه تبریز تماس می‌گیرد و وضعیت را گزارش می‌دهد و اعلام می‌کند که در صورت نرسیدن نیروهای کمکی نیروهای مقاومت سوسنگرد همگی قتل عام خواهند شد. این اقدام شهید تجلایی باعث اطلاع رسانی می‌گردد. آیت الله مدنی ضمن تماس با دفتر امام خمینی (ره) در تهران، با سید احمد خمینی فرزند امام تماس گرفته و درخواست امداد فوری می‌نماید. مراتب به امام منعکس شده و امام دستور آزادی سریع سوسنگرد را صادر می‌نماید.

مراتب با حضور بنی‌صدر، آیت الله خامنه‌ای، شهید چمران (نماینده امام در شورای عالی دفاع)، تیمسار فلاحتی (رئیس ستاد مشترک ارتش)، تیمسار زهیرنژاد (فرمانده نیروی زمینی ارتش)، سرهنگ قاسمی (فرمانده وقت لشکر ۹۲ زرهی خوزستان) و تعدادی از فرماندهان دیگر تشکیل و تصمیم برای حمله نهایی و آزادی سوسنگرد در صبح روز ۲۶ آبان سال ۱۳۵۹ گرفته می‌شود. در این جلسه مقرر می‌گردد که تیپ ۲ زرهی دزفول به همراه نیروهای مردمی و سپاه و نیروهای نامنظم شهید چمران به سمت سوسنگرد حمله و آنرا آزاد نمایند. پس از جلسه بنی‌صدر به تیپ ۲ زرهی دستور می‌دهد از حرکت به سمت اهواز بدون اجازه وی خودداری نماید. شهید چمران پس از اطلاع از این امر ساعت یک شب آیت الله خامنه‌ای را از کارشکنی بنی‌صدر مطلع می‌نماید. آیت الله خامنه‌ای طی نامه کتبی به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی خوزستان (سرهنگ قاسمی) چنین می‌نویسد:

«شب دوشنبه ۵۹/۸/۲۶ ساعت ۱:۱۰ سرکار سرهنگ قاسمی فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز

با سلام

شنیدم تیمسار ظهیرنژاد به شما تلفن کرده‌اند که تیپ ۲ فردا وارد عمل نشود مگر بنا به امر. منظورشان امر آقای رئیس جمهور است. من این عدول از تصمیم عصر را قابل توجیه نمی‌دانم. این بمعنای تعطیل یا به ناکامی کشاندن عملیات فردا

است. استعداد دشمن چنان است که آن دو گروهان پیاده یاری کار درستی در برابر آن ندارند و اگر تیپ وارد عمل نشود در حقیقت تک انجام نگرفته است. صبح اگر برای تصمیم نهایی بخواهیم منتظر آمدن تیمسار ظهیرنژاد بمانیم وقت خواهد گذشت. جوانان ما در سوسنگرد حداکثر تا صبح مقاومت خواهند کرد و صبح زود اگر ما قدری بار دشمن را سبک نکنیم همه نابود خواهند شد و شهر کاملاً سقوط خواهد کرد. خلاصه اینکه به نظر و تشخیص ما کار باید به همان روال که عصر صحبت شد پیش برود و تیپ آمده باشد که صبح وارد عمل شود در غیر این صورت مسئولیت سقوط سوسنگرد با هر کسی است که از این تصمیم عدول کرده است.

با سلام سیدعلی خامنه‌ای.

شهید مصطفی چمران در پایه نامه مقام معظم رهبری اضافه مینماید:

من رسماً اعلام جرم می‌کنم. بنام نماینده امام و نماینده شورای عالی دفاع از این همه اهمال و اتلاف وقت و به هدر رفتن خون جوانان شکایت دارم؛ چند روز است که فریاد می‌کشم تا بالاخره دیشب جوابی شنیده شد، امروز انتظار عمل داشتم، متأسفانه نشد، امروز صبح در حضور سرکار [اشاره به سرهنگ قاسمی] و سرهنگ شهبازی ایرادات و نظرات خود را گفتم، و شما فکر کردید و جواب دادید که فردا صبح زود انجام می‌شود و الان می‌بینم که می‌خواهند به تأخیر بیاندازند و این یعنی مرگ ۵۰۰ جوان و سقوط سوسنگرد و حمیدیه و اهواز و من در این صورت همه شما را در مقابل خدا و خلق مسئول می‌دانم. دکتر چمران پیک نامه را ساعت ۲ شب به سرهنگ قاسمی می‌رساند و وی احساس خطر نموده و دستور عزیمت تیپ به اهواز و شرکت در عملیات را صادر می‌نماید، صبح ۲۶ آبان عملیات شروع شده و دشمن شکست می‌خورد و با انهدام ۴۰ تانک و خودرو و بجا گذاشتن ۲۵ تانک و خودر تا پشت سوسنگرد عقب نشینی می‌نماید. سوسنگرد آزاد شده و مقاومت شهید علی تجلایی و یارانش برای حفظ شهر نتیجه می‌بخشد و خون شهدای مقاومت سوسنگرد به ثمر می‌نشیند.



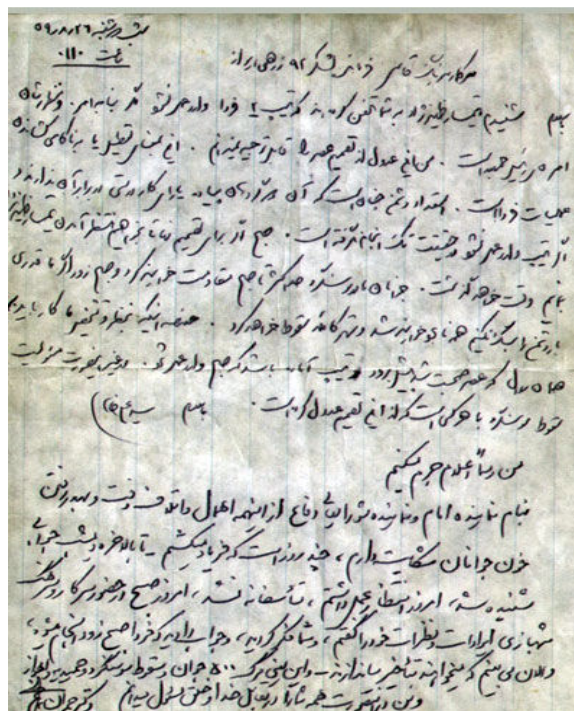
شهید علی تجلایی قهرمان حماسه مقاومت سوسنگرد که

در عملیات بدر در شرق دجله در کسوت یک بسیجی

گمنام در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۵ به خیل عظیم شهدا پیوست.

روحش شاد.

شهید چمران در این عملیات مجروح می‌شود. این شهید در بخشی از یادداشت‌های خود در حین مجروحیت چنین می‌نویسد: «ای پای عزیز، ای که همه عمر، وزن من را تحمل کردی و از کوه‌ها و بیابان و راه‌های دور گذرانده‌ای. اکنون که ساعت آخر عمر من است، از تو می‌خواهم که با جراحی و درد مدارا کنی و مثل همیشه چابک و توانا باشی و مرا در صحنه نبرد خوار نکنی...».



تصویر نامه آیت الله خامنه ای و شهید چمران به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی

در محور خرمشهر دشمن در مواجهه با مدافعان در پل نو زمینگیر شده و وارد جنگ شهری پر تلفات با نیروهای ایرانی می گردد.

واکنش نیروهای خودی:

طرح های ارتش برای دفاع از خوزستان در مقابل تک احتمالی عراق

الف - قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

- ۱- پیش دستی در تک و تصرف کرانه شرقی دجله و تکیه به رود دجله و پدافند در پشت آن
- ۲- ایجاد استهکامات صحرائی و مرزی و تأمین کافی

دفاع و عملیات تأخیری تا رودخانه کرخه و کارون و وارد شدن به خاک عراق در منطقه کرمانشاه بر روی محور قصر شیرین -

خانقین - بغداد و تهدید پایتخت عراق

ب- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

- لشکر ۹۲: عملیات تأخیری در غرب خرمشهر، آفند در منطقه اهواز و خرمشهر، با هماهنگی و همراهی ل ۱۶ زرهی قزوین

- لشکر ۸۱ کرمانشاه: عملیات تأخیری، عملیات سد و ممانعت، آفند در محور قصر شیرین - خانقین - بغداد

اولین اقدام نظامی کلاسیک ایران

حمله گسترده نیروی هوایی با ۱۴۰ فروند هواپیما به مراکز مهم نظامی در عراق و درگیری در دریا (سکوه های البکر و الامیه)

بود که محاسبات و تحلیل های موجود در مورد توان نظامی ایران را به هم زد.



هواپیمای شهید سرلشکر خلبان حسین لشکری مورد اصابت دشمن قرا رگرفته و وی بعنوان اولین خلبان ایران به دست دشمن اسیر می شود. وی پس از تحمل ۱۸ سال اسارت در فروردین سال ۱۳۷۷ آزاد و در مرداد ماه سال ۱۳۸۸ در اثر آسیبهای دوران اسارت به شهادت می رسد.

※مقاومت کلاسیک نظامی ایران در خوزستان

- تی ۲ ل ۹۲ و تی ۳۷ زرهی در غرب کرخه ۷ روز مقاومت کرد.
- تی ۳ ل ۹۲ در ارتفاعات الله اکبر یک روز مقاومت کرد.
- تی ۱ ل ۹۲ در منطقه حسینیہ ۳ روز مقاومت کرد.

حماسه خرمشهر^۱

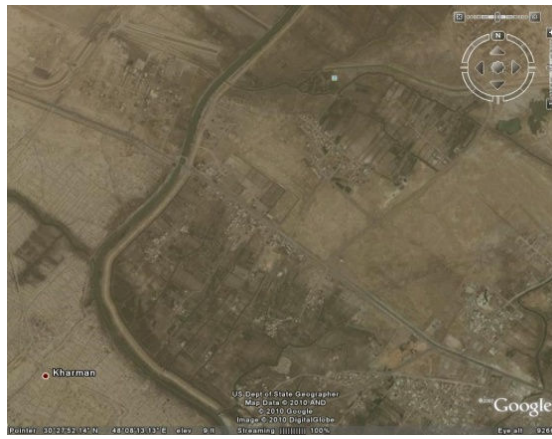
تهاجم عراق به خرمشهر پس از سازماندهی و تجهیز نیروهای وابسته به عراق در این شهر و تشدید فضای تبلیغات سیاسی-روانی توسط خلق عرب و شروع رسمی جنگ در سی یکم شهریور ماه آغاز شد.



نمای عکس ماهواره ای جاده شلمچه به خرمشهر

البته درگیریهای مرزی در شش ماهه اول ۱۳۵۹ شدت بیشتری یافته بود و به همین علت بخشی از نیروهای سپاه به این شهر اعزام شده بودند. پس از ۱۰ روز درگیری در مرز خرمشهر لشکر ۳ زرهی تقویت شده عراق با تحت امر گرفتن تیپ ۳۳ نیروی مخصوص در ۳۱ شهریور ۵۹ حمله خود را به خرمشهر آغاز نمود. دو گردان هشتم و نهم تیپ ۳۳ مأمور تصرف و پاکسازی خرمشهر بود. دو گردان مذکور پس از درگیریهای متعدد در تاریخ هفتم مهر ماه به پانصد متری پل نو (بر روی نهر عرایض) رسیدند.

^۱ سیری در جنگ ایران و عراق از خونین شهر تا خرمشهر ص ۳۱



تقاطع جاده شلمچه و پل نو (نهر عرایض)

اولین مقاومت‌های شدید رزمندگان اسلام در این منطقه صورت گرفت که موجب کندی در پیشروی دشمن شد، دشمن گردان نهم را مأمور پیشروی و گردان هشتم را مأمور تثبیت منطقه نمود و گردان تانک الحسن وابسته به تیپ ۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه را به منظور تسهیل در پیشروی به منطقه اعزام نمود که گردان مذکور نیز در حوالی پل نو و سوله‌ها متوقف شد و نتیجه لازم را نگرفت.

یکی از فرماندهان تی ۳۳، پس از عبور از پل نو می‌گوید: "ما تصور می‌کردیم که مقاومت‌ها از بین رفتنی است و دیگر شهر در چنگال ماست و لذا این موقعیت را به لشکر گزارش کردیم که مأموریت ما به درستی پایان یافت."



مقاومت مدافعان در حماسه خرمشهر

دشمن طی جلسه‌ای در مقر تی ۳۳ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۸ ضمن بررسی علل کندی پیشروی دلایل ذیل را علت این امر می‌شمرد.

۱- عدم آشنایی به شهر

۲- عدم برآورد صحیح از استعداد نیروهای موجود در شهر و مقاومت آنها.

طی این جلسه راهکار موردنظر پیشروی در بندر خرمشهر به عنوان چشم انداز موفقیت، موردنظر قرار می‌گیرد.

گردان هشتم حمله خود را به بندر خرمشهر آغاز می‌نماید که به علت عدم حضور اولیه مدافعان در بندر، پیشروی دشمن با سهولت انجام می‌گیرد.

مدافعان پس از اطلاع از هجوم دشمن به بندر، بخشی از نیروهای خود را به این منطقه اعزام و مقاومت سرسختانه خود را آغاز می نمایند. در این وضعیت نیروهای مدافع در سه محور

۱- جاده شلمچه (شرق پل نو در برابر گردان تانک الحسن و گردان نهم تی ۳۳)

۲- در داخل خرمشهر در برابر گردان هشتم تی ۳۳

۳- بر روی سیل بند خرمشهر در شمال ساختمان های پیش ساخته در برابر لشکر ۳، مقاومت خود را ادامه می دهد.

فرمانده قوای دشمن در این شرایط وضعیت را چنین بیان می کند:

"در آغاز کار، مقاومت چندان شدید نبود. همچنین ستون ما در محور بندر، سعی در پیشروی داشت که به دلیل مقاومت بسیار شدید نیروهای ایرانی، تنها در مسافت بسیار ناچیزی موفق به پیشروی شدند."

در محور بندر خرمشهر با یورش نیروهای مقاومت خودی دشمن تا پل نو (با وحشت) عقب نشینی کرد.

در وضعیت جدید دشمن با ترکیب گردان تانک الحسن، گردان ۳ مکانیزه تی ۱۵ و گردان یکم از تی ۴۹ اقدام به پیشروی در مدخل شهر نمود.

مقاومت جانانه مقاومت خرمشهر این حرکت دشمن را نیز با خلق حماسه ای بی بدیل به شکست تبدیل نمود.

یکی از فرماندهان دشمن می گوید: "در ساعت ۱۵:۱۶ همان روز (۱۳۵۹/۷/۱۰) با چشمان خود مشاهده کردم که نیروهایی که به وسیله تانک و خودرو در محور اصلی شهر پیشروی کرده بودند، با وضعیتی تأسف بار و حزن انگیز و با روحیه ای بسیار متزلزل که به هیچ وجه قابل کنترل نبودند، شکست خورده و در حال عقب نشینی بودند... تلفات و ضایعات سنگین بود. گردان تانک الحسن بیش از ۲۳ تانک خود را از دست داده بود و ۱۷ دستگاه خودرو گردان مکانیزه نیز منهدم شده بود و دهها نفر کشته و اسیر شد و باقی شکست خورده بودند..."

لذا روز دهم مهرماه علیرغم سختی ها یکی از به یاد ماندنی ترین روزهای حماسه خرمشهر برای مدافعان بود. فلکه راه آهن (میدان مقاومت فعلی) مرکز خلق این حماسه بود. دشمن اقدام به ترمیم یگانهای آسیب دیده و پیشروی مجدد در ۱۳۵۹/۷/۱۳ نمود که با مقاومت مدافعان تنها ۵۰ متر در داخل بندر پیشروی نمود و از ادامه پیشروی بازماند. تلاش دشمن برای محاصره و تصرف آبادان با عبور از کارون منجر به تأکید بر تعجیل در تصرف خرمشهر شد، لذا قرارگاه فرماندهی دشمن پس از تشکیل جلسه و اعلام سازمان جدید برای پیشروی بر پشتیبانی وسیع آتش توپخانه تأکید نمود.

در صبح ۱۳۵۹/۷/۱۵ عملیات دشمن آغاز و با مقاومت رزمندگان اسلام پیشروی آنها متوقف و پس از این شکست فرمانده سپاه سوم سرلشکر ستار اسماعیل تابه النعیمی و مشاور آن سرلشکر ستاد عبدالرحمن عبدالواحد وارد منطقه شده و پس از تشکیل جلسه و ارائه راهکار سازمان جدیدی را برای هجوم تشکیل و با حمایت آتش پر حزم توپخانه تهاجم خود را در ۱۳۵۹/۷/۱۶ آغاز نمود.

استفاده وسیع از آتش توپخانه باعث ایجاد ویرانی و خسارات سنگین به شهر شده و موجب پیشروی دشمن در داخل بندر و نزدیکی به مرکز شهر و تصرف ساختمانهای پیش ساخته می شود ولی جاده اهواز خرمشهر همچنان در تصرف نیروهای خودی



نمای هوایی منطقه بندر خرمشهر

مقاومت مدافعان ابتدا با ۱۰ نفر در ساختمانهای پیش ساخته آغاز و با پیوستن نیروهای تکتاور ارتش و افراد بومی خرمشهر جلوه خاصی به مقاومت می بخشد ولی با فشار سنگین دشمن باعث عقب نشینی مدافعان می شود. دشمن تا ۱۹ مهر ماه در مدخل شهر و حوالی آن درگیر بود، در این تاریخ دشمن با عبور از رودخانه کارون و قطع جاده اهواز آبادان حلقه محاصره خرمشهر را تنگ تر نموده و تلاش بیشتر برای نفوذ به مرکز شهر را افزایش دادند در ۲۱ مهر ۱۳۵۹ تلاش اصلی دشمن معطوف به تصرف کوی طالقانی گردید با تصرف این منطقه دشمن بر جاده کمربندی و منطقه پلیس راه مسلط می شود.



رزمندگان مقاومت خرمشهر

یکی از فرماندهان عراقی می گوید: "بدین وسیله نیروهای ما توانستند در ورودی شهر، برای خود جای پایی باز کرده و موقعیت خود را تثبیت کنند. به طوریکه این محل، نقطه تحولی در روند عملیات به حساب می آمد." با آغاز پیشروی دشمن به داخل شهر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، از مقاومت بندر و پلیس راه کاسته شد و پادگان دژ نیز به طور کامل سقوط کرد. ۲۳ مهر ماه نیروهای هوایی تلفات عظیمی را بر نیروهای عبور کرده از کارون وارد می کنند تغییر نام خرمشهر به "خونین شهر":

دشمن با پیشروی در خیابان فردوسی، و نزدیکی به مسجد جامع، قلب شهر را در معرض تهدید خود قرار دادند. مسجد جامع محل حل و فصل همه مسائل بود (عقبه نیروها و محل تدارک، سازماندهی، استراحت و مداوای مجروحین) مسجد جامع ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام بود. با شهادت و مجروح شدن نیروهای مدافع شهر از تعداد آنها کاسته شده و هیچ نیروی پشتیبانی کننده ای نیز به آنها اضافه نمی شد.

با این حال مقاومت قدم به قدم مدافعان ادامه داشت تا روز ۲۴ مهر ماه که "خرمشهر" شهر خون شد و به "خونین شهر" تغییر نام داد.



اخبار داخل شهر حکایت از وضعیت بحرانی و سقوط قریب الوقوع شهر داشت. دشمن طی جلسه ای در ۱۳۵۹/۷/۲۷ بر تصرف هر چه سریعتر پل خرمشهر تأکید می کند. از این پس دشمن تلاش می نماید با پیشروی به سمت پل خرمشهر آنرا تصرف نماید. یکی از فرماندهان دشمن می گوید: "دلیل اجرای این طرح همان طور که گفتم، ابتدا جلوگیری از رسیدن تدارکات به نیروهای ایرانی و نیز غافلگیر کردن آنها بود چون اکثر مقاومت‌های آنها در حوالی مسجد جامع انجام می گرفت".



آخرین مقاومت‌های مدافعان خرمشهر در مقابل درب ورودی مسجد جامع

دشمن ۲۹ مهر ماه را زمان اجرای این تصمیم قرار داده بود. با آغاز تهاجم دشمن و پیشروی آنها به سمت پل خرمشهر درگیری به حوالی فرمانداری و روبروی پل کشیده شد. از این پس پل خرمشهر مورد تهدید قرار گرفت. ولی مقاومت شجاعانه

مدافعان دشمن را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذاشته بود لذا فرماندهی لشکر ۳ برای تحقق این هدف (تصرف پل) ۴۸ ساعت ضرب العجل تعیین نمود.



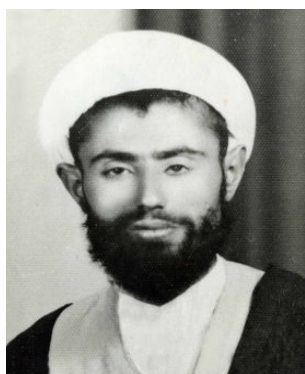
نمای هوایی میدان فرمانداری و
پل خرمشهر بر روی رودخانه کارون

سقوط خرمشهر

در دوم آبان ۱۳۵۹ دشمن با قوای بسیار اقدام به پیشروی نمود که علی رغم تخلیه مسجد جامع از مدافعان، دشمن در نزدیکی به آن دچار تردید بود. پل خرمشهر به طور کامل مسدود گردیده و راه ورود و خروج به شهر بسته شد. در این وضعیت نیز مدافعان از طریق بلم از رودخانه کارون و زیر پل تردد می نمودند. با سقوط پل خرمشهر، دستور عقب نشینی به مدافعان صادر شد و مجروحین برای انتقال به نقطه امن و دور از دسترس دشمن به ساحل رودخانه کارون منتقل شدند. به این ترتیب مدافعین خرمشهر تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با مقاومت، ایثار و جانفشانی خود حدیثی حماسی و انقلابی و در عین حال مظلومانه و غم انگیز را رقم زدند.

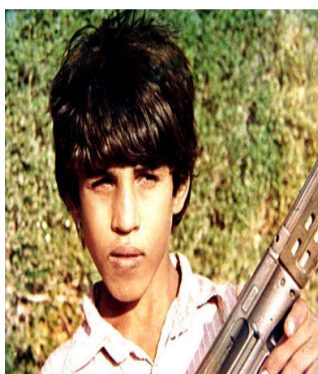
آلکس افنای خبرنگار آسوشیتدپرس درباره سقوط خرمشهر چنین می گوید^۱:

"مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسختانه ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خود نشان دادند که پس از سقوط شهر، ایران نام آنرا به خونین شهر تغییر داد، بلافاصله پس از سقوط خرمشهر، فرماندهی عراق برنامه ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد. خبرنگاران شدت و حدت نبردی را که صورت گرفته بود احساس کردند. در شهر یکصد و پنجاه هزار نفری، به سختی می توان خانه ای را یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهای اتاق های آن نباشد. و این شواهد حاکی بود که مدافعان ایرانی چگونه خانه به خانه، از این شهر، دفاع کرده اند. یک فرمانده ارشد عراقی در آن زمان ادعا کرد که ایرانی ها که اغلب آنها جوانان عضو سپاه پاسداران و فاقد تجربه هستند تا پا جان برای دفاع از خرمشهر پایداری کردند."



www.Saied.ir

شهید شیخ شریف قنوتی از مدافعان خرمشهر
که در تاریخ ۵۹/۷/۲۴ به شهادت رسید.



شهید بهنام محمدی از مدافعان خرمشهر که
در تاریخ ۵۹/۷/۲۸ به شهادت رسید.



شهید حسین فهمیده که در تاریخ ۵۹/۸/۸
در خرمشهر به شهادت رسید.

^۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش ویژه ۱۳۶۱/۱۲/۴

مقاومت حماسی رزمندگان اسلام در خرمشهر باعث شد دشمن که با اختصاص دو گردان برای فتح خرمشهر و سپس تصرف آبادان حرکت کرده بود، مجبور شود به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشهر، بیش از دو لشکر را بکار گیرد و عملاً طی ۳۴ روز جنگ سخت و نفس گیر و دادن تلفات زیاد بخش شمالی خرمشهر را تصرف نماید. این مقاومت ۳۴ روزه باعث نجات آبادان از اشغال و نهایتاً تجزیه قوای دشمن و نجات خوزستان گردید.

توقف سراسری دشمن

اکثر یگانهای دشمن در دسترسی به اهداف خود ناکام مانده بودند لذا صدام با جمع بندی اوضاع جنگ در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۷ اعلام کرد عراق به اهداف ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومت ها را کنار گذاشته و به مذاکره بپردازد. ژنرال وفیق السامرای و یژگیهای این مرحله را چنین ذکر می کند:^۱

- ناکامی نیروی هوایی عراق در ایجاد یک وضعیت هوایی مناسب به نفع نیروهای عراقی (انهدام اولیه نیروی هوایی و مراکز حساس و حیاتی ایران)

- گسترش وسیع تشکیلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و نیروهای بسیج - نیروهای ایرانی از مرحله عقب نشینی سریع به مرحله هجومی و دفاع نیرومند رسیدند و با عملیات چریکی، ابتکار عمل را در اختیار خود گذاشتند.

جمع بندی کلی حوادث اولیه جنگ مشخص کرد که صدام به اهداف خود نرسیده و مقاومت نیروهای ایرانی بیش از حد انتظار و برآورد عراق بوده است. عدم دستیابی تهاجم هوایی روز اول به اهداف خود، عدم دسترسی به اهداف زمینی به ویژه تصرف سریع آبادان و خرمشهر و خوزستان موجب بروز واکنشهای متفاوتی می گردد. روز ششم مهرماه سازمان ملل با صدور قطعنامه ۴۷۹ با اظهار نگرانی از دو طرف می خواهد که از کاربرد هرچه بیشتر زور خودداری کنند.

در این قطعنامه، شورای امنیت فقط از اصطلاح "وضعیت" بین ایران و عراق استفاده می نماید. در حالیکه باید از اصطلاح "منازعه" استفاده می نمود و در کاربرد این اصطلاح شورای امنیت دارای مسئولیت بود. شورای امنیت با کاربرد اصطلاح وضعیت، عملاً از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کند. صدور این قطعنامه یک فرصت یک هفته ای بود برای عراق جهت دسترسی به اهداف خود که با فرصت زمانی اعلام شده توسط مسئولین عراقی برای دستیابی به اهداف جنگ، هم خوانی دارد. بعد از این قطعنامه شورای امنیت ۲۲ ماه سکوت می کند. صدام حسین روز هفتم مهرماه ضمن اعلام دسترسی به اهداف خود برای مذاکره اعلام آمادگی نمود.

علل توقف ارتش عراق

ناکامی ارتش عراق در دستیابی به اهداف اولیه دارای دلایل مختلفی بود که برخی از موارد مهم آن عبارتند از :

^۱ ویرانی دروازه شرقی ص ۶۶

- ۱- قدرت رهبری حضرت امام و ایجاد روحیه اعتماد به نفس و مقاومت و حماسه آفرینی و شهادت طلبی در نیروهای انقلابی و ارتش برای دفاع از سرزمین اسلامی.
- ۲- مقاومت پرشور و حماسی مردم ایران شامل سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای مردمی، نیروهای نامنظم شهید چمران و عشایر مرزی و ... که در محاسبات عراق گنجانده نشده بود.
- ۳- تلاش ارتش به ویژه نیروهای حزب اللهی و متعهد آن برای سد پیشروی دشمن و حداکثر استفاده از امکانات موجود بویژه نیروی هوایی وهوا نیروز .
- ۴- اشتباه در برآورد توان نظامی ایران شامل نیروهای کلاسیک ارتش و ژاندارمری و به ویژه قدرت نیروی هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای انقلابی سپاه و بسیج
- ۵- اشتباه در استراتژی نظامی عراق به نحوی که شروع جنگ با اهداف اعلام شده آن (تجزیه خوزستان و سقوط جمهوری اسلامی) همخوانی نداشت برای این اهداف عراق باید یک جنگ عمومی (و نه یک جنگ محدود) را آغاز می کرد که لازمه آن هجوم از تمام محورها (حداقل از جبهه میانی و با هدف تصرف پایتخت سیاسی ایران)، بود که عراق فاقد چنین توان نظامی بود.
- ۶- اشتباه تاکتیکی عراق از جمله نحوه تخصیص نیرو نیز از دلایل عمده شکست عراق در خوزستان بود. تخصیص ۵ لشکر به جبهه میانی که تک پشتیبانی عراق رابه عهده داشت غیر قابل توجیه است در حالیکه ایران فاقد توان نظامی که بتواند بغداد را تهدید کند بود و این عمل عراق باعث کمبود نیرو در جبهه خوزستان و عدم دسترسی به اهداف عراق گردید و نیروهای مقاومت و مدافع ایرانی فرصت سازماندهی و برنامه ریزی برای دفاع پیدا کردند. همچنین عدم عبور لشکرهای ۱۰ و ۱ از کرخه و قطع جاده اندیمشک اهواز و تهدید دزفول و اندیمشک نیز از اشتباهات عمده تاکتیکی عراق بود.
- ۷- درگیرشدن در جنگ شهری(خرمشهر، بستان، سوسنگرد و ...) قبل از محاصره کامل که باعث کاهش توان دشمن و دادن تلفات بالا در این جنگها شده و روحیه دشمن را متزلزل نمود.

رهبری حضرت امام(ره) در جنگ تحمیلی

رهبری از دیدگاه ویر^۱ عبارتست از اینکه بتوان پیروان را بدون اجبار و از روی میل و اختیار و یا عادت، وادار به پیروی از رهبر نمود. مرجع این پیروی می تواند مشروعیت ناشی از سنت، قانون، منطق و یا کاریزما باشد.

نقش رهبری در هدایت جامعه اساسی و بنیادین است. رهبری جامعه در تحولات آن و چشم انداز آینده بسیار مؤثر است. رهبر دارای نقشهای متفاوتی است که از مهمترین آنها قدرت رهبری در هدایت جامعه بسوی اهداف تعیین شده می باشد که در این راستا تعیین ایدئولوژی حرکت، تأثیر مبنایی دارد همچنین نقش رهبری در زمان صلح و جنگ در جامعه تعیین کننده است. در زمان جنگ قدرت رهبر در بسیج نیروها و هدایت کلی جنگ بسیار مؤثر و راهبردی است.

آنچه که تاریخ نشان داده است گواه این مدعاست اگر چنانچه یک کشوری یا ملتی دارای شاخصه های خوب دفاعی باشد ولی فاقد یک رهبر قاطع و اثربخش باشد هرگز قادر به بکارگیری صحیح توان دفاعی خود نبوده و لذا متحمل شکست و یا هزینه های بسیار بالا خواهد شد (آنچه که در حمله محمود افغان به ایران و تسلیم خفت بار و ردیلانه شاه سلطان حسین صفوی به مهاجم افغان اتفاق افتاد گواه این مدعاست). ولی اگر چنانچه کشوری قدرت دفاعی لازم را نیز برای دفع مهاجم نداشته باشد وجود یک رهبری مقتدر و هوشمند و اثرگذار می تواند ضمن بکارگیری توان (ولو ضعیف) موجود، نیروها و منابع قدرت جدید خلق نموده و بخوبی امور دفاعی کشور را ساماندهی نماید و تجاوز را دفع نماید (از نمونه های گذشته نادر شاه افشار، کریم خان زند و آغا محمد خان قاجار و ... را می توان نام برد)

نمونه بارز و ملموس این نوع رهبری را می توان در رهبری حضرت امام خمینی(ره) در دفاع مقدس ذکر کرد که به آن خواهیم پرداخت.

وجود بحرانها به ویژه تهاجمات خارجی و جنگها در جوامع، همه نگاهها را متوجه رهبری نموده و همه منتظر واکنش رهبری می مانند تا نوع نگاه و نحوه برخورد خود با جنگ را تنظیم نمایند.

از مهمترین ویژگیهای رهبری از دیدگاه اسلام سلحشوری، قدرت تصمیم گیری، صداقت و یکرنگی، سازش ناپذیری می باشد. هر یک از این صفات در صحنه جنگ تعیین کنندگی خاص خود را دارد. مثلاً سازش ناپذیری باعث می شود رهبر چشم به راه کمک دیگران برای اداره جنگ نباشد و با وعده های کوچک و معمولاً تهی عرصه را خالی نکند و یا صداقت باعث اعتماد مردم به رهبر شده و آنها در زمان لازم برای پشتیبانی از تصمیمات رهبر در صحنه حاضر می شوند.

رهبر تأثیر مستقیم در روحیه مردم و نظامیان در زمان جنگ دارد و رفتار مردم و سربازان را در زمان جنگ تنظیم می کند. ایجاد تحرک در مردم و مشارکت فعال آنها در عرصه های مختلف به ویژه صحنه جنگ، به وجود و هدایت یک رهبر کارآمد

^۱ به نقل از "از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر" ص ۳۷

بستگی دارد. قدرت و جایگاه رهبری در بکارگیری جنگ مردمی وقتی حاصل می شود که رهبر رابطه نزدیکی با مردم داشته باشد و اعتماد متقابل بین رهبر و مردم برقرار است.

در شروع تهاجم سراسری عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حضرت امام خمینی(ره) بعنوان یک رهبر مهمترین تکیه گاه آحاد مردم و مسئولان گردید. اولین برخورد حضرت امام خمینی(ره) با مسئله جنگ دارای ویژگیهایی است که عبارتند از:

-بعد اعتقادی دادن به جنگ "جنگ ما، جنگ اسلام و کفر است."

-تحقیر دشمن و ایجاد اعتماد به نفس در مردم و مسئولان "دزدی آمده و سنگی انداخته و رفته."

-امیدوار کردن مردم و مسئولان نسبت به آینده جنگ و کسب پیروزی "ملت ما او را سر جای خود خواهد نشاند."

-تأکید بر روحیه شهادت طلبی و سر مشق بودن حرکت امام حسین (ع) در روز عاشورا برای دفاع از اسلام و انقلاب.

حضرت امام خمینی (ره) جنگ را فرصتی برای پیاده کردن احکام الهی و سرکوبی جبهه کفر می دانستند و معتقد بودند جنگ فرصتی است که باید از آن برای توسعه دین و احکام الهی استفاده کرد. در طول ۸ سال دفاع مقدس نیز همچنان بر این عقیده پایبند بودند تا زمانیکه بر حسب اجبار شرایط قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند.

حضرت امام خمینی(ره) با تأکید بر جنگ ما با عراق بعنوان جنگ بین اسلام و کفر، این تفکر را در جامعه نهادینه کردند و در بین ملل اسلامی، ضمن آگاه سازی و بیداری وجدانهای آنها، بذل مقاومت در برابر استکبار جهانی را در بین ملتها کاشتند. امام خمینی(ره) در اداره جنگ بیشترین تأکید را بر انگیزه و ایدئولوژی اسلام انقلابی یا اسلام ناب محمدی تأکید داشتند و از مبنا قرار گرفتن انگیزه های مادی مثل، ناسیونالیسم و ... خودداری نمودند. این نگاه امام (ره) باعث انفعال در جبهه کفر به رهبری امریکا گردید.

اصول رهبری حضرت امام خمینی(ره) و اندیشه دفاعی ایشان در دوران دفاع مقدس(نگاه امام به جنگ):

۱- جنگ بین اسلام و کفر

حضرت امام خمینی(ره) در همان روز اول جنگ در واکنش به تهاجم عراق می فرمایند.

"برای ملت ایران این صحبت را دارم که گمان نکند ملت ایران که ارتش ایران نمی تواند جلوی اینها را بگیرد. خیر، ارتش ایران و قوای مسلح ما، پاسدارهای عزیز ما قادر بر این معنا هستند،...ملت ایران نباید خیال بکنند جنگی شروع شده است و حالا فرض کنید که دست و پای خودمان را گم کنیم. نه، این حرفها نیست، یک چیزی آوردند و یک بمبی اینجا انداختند و فرار کردند، رفتند، الان هم دولت ایران جواب آنها را مشغولند که جواب آنها را بدهند و می دهند جواب آنها را. قوای بحریه شان (دریایی) بکلی از بین رفته است و قوای بریه شان (زمینی) هم از بین خواهد رفت. شما خیال نکنید که یک چیزی است ... شایعات یا چیزهایی را اگر دشمنهای ما، این احزاب مختلفه ای که الان در ایران هستند، این گروهها و گروهکهایی که در ایران هستند، حالا اگر فرصت می خواهند بدست بیاورند و شایعه سازی کنند و هی تلقی کنند به این طرف و آن طرف که چه

شده، کودتا شده - نمی دانم- این حرفها در کار نیست، این یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است. سرچایش، دیگر قدرت اینکه تکرار کند ان شاء... ندارد. من به ملت ایران سفارش می کنم که چندجهت را ملاحظه کنند: یک جهت اینکه خونسردی خودشان را حفظ کنند... خوفی در کار نیست. اصلاً، چیزی نیست که خوف داشته باشد."

۲- تأکید بر انگیزه های معنوی و الهی در اداره جنگ

نگاه امام (ره) به اداره جنگ نگاه یک رهبر الهی بود لذا جنگ برای خدا و ادای تکلیف به جای جنگ برای پیروزی مادی مبنا قرار گرفت در این راستا بود که نیروهای شهادت طلب در جنگ بروز و ظهور یافتند و دستیابی به "احدی الحسنین" (یکی از دو خوبی: شهادت یا پیروزی) وسیله نیروهای شهادت طلب برای ادای تکلیف گردید. در این دیدگاه بود که جهاد در راه خدا باز تعریف شد و در میدانهای جنگ تبلور یافت و افقهای پیروزی را نمایان ساخت. این حضور برای دشمن نیز ناشناخته بود. دشمن که در محاسبات خود چنین نیرویی را مدنظر قرار نداده بود در مواجهه با آنها نیز ابتدا دچار سردرگمی گردید و به تدریج با ابعاد توانمندیهای آنها آشنا شده و راهکارهای مواجهه با آنها را پیش بینی و اعمال نمود. که علی رغم همه تمهیدات دشمن، باز در مقابل هجوم نیروهای انقلابی و شهادت طلب هیچ سدی پایدار نبود.

حضرت امام خمینی (ره) در تأکید بر ارزش شهادت و شهادت طلبی می فرماید: "خوشا بحال آنانکه با شهادت رفتند، خوشا به حال آنانکه در این قافله نور، جان و سر باختند، خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوند، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان باز و ما را از وصول بدان محروم کن..."^۱

۳- تأکید بر اهداف جهانی انقلاب و اسلام (نهضت جهانی اسلام) بجای اهداف ناسیونالیستی و ملی

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) حکومت اسلامی محدود به مرزهای جغرافیای سیاسی نمی شد و توسعه قدرت اسلام در جهان مستلزم عبور از این مرزهاست. لازمه چنین تفکری درگیری با تمام دنیای کفر و استکبار است. لذا ایشان درگیری با صدام را درگیری با دنیای کفر قلمداد نموده و آنرا فرصتی برای توسعه قدرت اسلام و آگاهی ملتها می دانستند و معتقد بودند که این فرصت را نباید محدود به نژاد، ملیت و سایر محدودیتها نمود و از دسترسی به اهداف کلان بازماند لذا ایشان جنگ را فرصت تهذیب نفس در سطح جهان می دانست.

ایشان می فرمایند: "خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می داند که راه و رسم شهادت کورشده نیست و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود"^۲

سربازهای ارتش عراق و صاحب منصبهای ارتش عراق باید بدانند که جنگ با ایران، جنگ با اسلام است، جنگ قرآن است، جنگ با رسول الله است.^۳

^۱ به نقل از سخنرانی امام ۱۳۶۷/۴/۲۹

^۲ همان

^۳ سخنرانی امام ۱۳۵۹/۷/۱

"البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتری می نگرستیم و می رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده ایم ... ما انقلاب مان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم، ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناختیم، ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه های پربار انقلاب اسلامیمان را محکم کردیم، ما در جنگ حسن برادری و وطن دوستی را در نهاد یک یک مردمانمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می توان مبارزه کرد.... از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.^۱

۴- تکیه بر نیروی انسانی با انگیزه به جای تکنولوژی و ابزار دفاعی

از آنجائیکه حضرت امام (ره) جنگ ما را جنگ بین حق و باطل می دانستند و جنگ را ابزار در مقابل ابزار نمی دانستند لذا معتقد بودند که در جنگ حق و باطل باید انسانهای حق در برابر باطل قرار گیرند و در صورت مبنا قرار گرفتن مقهورات مادی و غیر انسانی به لحاظ توانمندیهای ویژه جهان کفر، پیروزی با ما نخواهد بود. ولی اگر در تکیه بر نیروی انسانی با توجه به انگیزه های غیر الهی دشمن، پیروزی و برتری با ما خواهد بود. حتی اگر در مبنا قرار گرفتن ابزار مادی در جنگ ما پیروز می شدیم، پیروزی ما نیز در بعد مادی و تصرف خاک معنی و مفهوم پیدا می کرد که در این صورت اهداف جنگ الهی، که گسترش اسلام و توسعه دین و احکام الهی است ناکام می ماند. در حالیکه هدف جنگ ما برتری فیزیکی بر دشمن نبود بلکه برتری در تسلط بر قلبهای افراد و ملت های مظلوم و پیروزی خون بر شمشیر بود که این امر فقط با وجود نیروهای با انگیزه، ایثارگر و شهادت طلب که آماده جانفشانی در راه اسلام بودند مهیا می شد. لذا جنگ ما با تکیه بر نیروی انسانی داوطلب بود نه آتش.

اقدامات امام در مرحله آغاز جنگ:

- ۱- تشکیل ارتش بیست میلیونی در راستای تکیه بر نیروی انسانی برای دستیابی به بازدارندگی و ناامیدی و نگرانی از توانمندی نیروهای کلاسیک نظامی برای مقابله با تهدیدات آمریکا و اقرارش بود لذا با شروع جنگ امام بر استراتژی مقاومت مردمی و همه جانبه با تکیه بر بسیج عمومی برای مقابله با تجاوز دشمن تاکید می نمایند.
- ۲- حمایت از نهضت های آزادی بخش به عنوان یک سیاست تهاجمی و مکمل سیاست بازدارندگی امام در پی افزایش تهدیدات نظام سلطه و آمریکا بود. همچنین فراخوانی مردم عراق برای شورش علیه حکومت و ارسال پیام هایی برای تهییج مردم عراق برای انقلاب و مقابله با رژیم بعثی عراق در راستای استفاده از فرصت جنگ برای حمله به نفاط ضعف دشمن بود.

^۱ منشور روحانیت صحیفه نور ج ۲۱ ص ۲۸۳

۳- تشکیل شورای عالی دفاع و صدور فرمان‌های جدید به منظور هماهنگی نیروهای مسلح و اداره جنگ در جبهه‌ها و پشتیبانی از جنگ در داخل کشور بخش دیگر ی از راهبرد امام در جنگ بود.

تبدیل التهابات سیاسی و مناقشات درونی و بی‌ثباتی و پیامدهای تجاوز عراق به آرامش و ثبات و انسجام درونی از اولین اقدامات امام بود.

اقدامات امام در مرحله تداوم جنگ:

۱- ایجاد انسجام و ثبات سیاسی با تاکید بر اینکه دشمن در کمین است.

۲- ایجاد تحول در جبهه‌های نظامی پس از حذف بنی‌صدر از ساختار سیاسی و نظامی و حضور نیروهای مردمی و انقلابی در جبهه‌های جنگ.

اقدامات امام در راه دستیابی به صلح پس از فتح خرمشهر:

۱- ضمن تمایل و تاکید بر خاتمه دادن به جنگ، بر دستیابی به صلح شرافتمندانه با تنبیه متجاوز و تامین خواسته‌های برحق تاکید می‌نمود.

۲- با تبیین استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» از حضور نیروهای ایران در سوریه و لبنان جلوگیری بر تمرکز قوا در جنگ تاکید نمود.

اقدامات امام در مرحله "گسترش و تشدید جنگ":

۱- تهاجم پی در پی به دشمن

۲- تاکید بر ضرورت پشتیبانی از جنگ

۳- سیاست خارجی فعال و ارتباط با همه کشورها بجز امریکا و اسرائیل و افریقای جنوبی

۴- سیاست "مقابله به مثل" در جنگ نفتکشها و مراکز اقتصادی

۵- مقاومت در برابر "جنگ شهرها"

۶- تکمیل ساختار دفاعی کشور با حکم تارسیس نیروهای سه گانه در سپاه

۷- تبیین مواضع اصولی ایران در برابر پیشنهادهای صلح.

حضرت امام خمینی (ره) با نگاه کلی و آینده نگر جنگ را اداره نمودند و آنگاه که شرایط دشوار شد و اصل نظام جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار گرفت از آن نگاه آرمانی خود کوتاه آمدند و قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند و طی پیام مبسوطی با صداقت با مردم آنرا در میان نهاد.^۱

این پیام نشانگر آنست که حضرت امام (ره) تا آخرین لحظه آرمانهای خود را پیگیری نمودند و تا آنجا که توانستند، عقیده "پیروزی خون بر شمشیر" را پیگیری نمودند و آنگاه که در شرایط ناچاری قرار گرفتند برای پذیرش قطعنامه و شرایط جدید،

از لفظ "نوشیدن جام زهر" استفاده کردند و ضمن حفظ رابطه قلبی و عاطفی با رزمندگان آنها را اینگونه خطاب نمودند "فرزندان انقلابیم بغض و کینه انقلابیتان را در سینه ها نگهدارید و ..."

اقدامات امام خمینی(ره) در پایان جنگ

همانطور که ذکر شد امام (ره) جنگ را فرصتی برای تهذیب فردی و اجتماعی و گسترش اسلام ناب محمدی (ص) می دیدند، ولی وقتی که در جامعه برخی رویکردها، اظهارنظرها و رفتارها بروز کرد که ناشی از افول نگاه ارزشی و مثبت به جنگ بود و همچنین غلبه دیدگاه علمی و ابزاری در بین بخش زیادی از مسئولان و مدیران به جنگ به اصل و مبنا دانستن امکانات و مقدورات مادی، امام چاره ای به جز قبول قطعنامه ۵۹۸ نمی بینند که البته در این وضع نیز لحظه ای درنگ نمی نمایند

نقش امام در پایان جنگ:

۱- تمرکز فرماندهی با انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح و تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا

۲- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با تبیین مصلحت نظام و کشور و انقلاب "صلحی پایدار"

۳- تاکید مجدد بر جنگ حق و باطل برای کنترل پیامدهای قبول قطعنامه ۵۹۸ و جلوگیری از بروز اختلاف در بین مردم و مسئولان و رزمندگان.

پاسخ این سوال که چرا امام(ره) که چندی پیش پذیرش قطعنامه صلح را رفتن زیر بیرق کفر و خیانت به رسول الله می دانستند حالا خود با نوشیدن جام زهر همین قطعنامه را قبول می نمایند را اینگونه می فرمایند: ایشان در پیام ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ در خصوص پذیرش قطعنامه می فرماید: "اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود. من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند، تشکر و قدردانی می کنم و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه

شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلماً خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست، و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشغای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند! آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند، و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیدا به ملت عزیز ایران سفارش می کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است، ولی دورنمای حوادث را نمی توان به طور قطع و جدی پیشبینی نمود و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است، و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه ها و شکلهای مختلف را جدیتر بدانند و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه ها برای دفاع در برابر شیطن استکبار و عراق به ماموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص

و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی داریم که در وقت مناسب خواهیم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه ها و مطبوعات می خواهیم که خود را از معرکه ها و معرکه آفرینیها دور کنند، و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند نگردند، و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند. در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلحطلبی به ظاهر دم می زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند، و جیره خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند و ملی گراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که انشاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد. **من بازمی گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم و نکته ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته اند . و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.** مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می دانم و شما می دانید که من به شما عشق می ورزم و شما را می شناسم، شما هم مرا می شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده ام. عزیزانم، شما می دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا، تو می دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیةالله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت جبران فرما. فرزندان انقلابی ام، ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد. می دانم که به شما سخت می گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی تان را در سینه ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست و تاکید می کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته اند

شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که انشاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید. من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید، و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید، و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید، و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتهای داشته باشیم. انشاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم.

مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتهای و حقیقتهاست و اما مبارزه علمی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید، و هیچگاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سختترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند، بر بالای دار رفته اند و محرومیتها چشیده اند، زندانها رفته اند و اسارتها و تبعیدها دیده اند، و بالاتر از همه، آماج طعن و تهمت بوده اند، و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند، و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمنده، و در هر حادثه غمبار و مصیبتآفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی-علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه ها گردند و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیتپذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته ها و صحبتها هر وقت نام روحانیت را به میان

آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است، که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند، و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدسماب و دینفروش زده اند و می زنند و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگها متنفر و گریزان بوده اند. من به صراحت می گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند، و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه های صبر و مقاومت را یکجا می شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده ها و حسادتهای خود را نمی توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستیمان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم. علما و روحانیون انشاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تاکید عرض می کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند و اگر بیراهه می روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همانگونه ای است که خود فکر می کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مایوس نشوید. در غیراین صورت خدایناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می افتند، و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کمکردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد. نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای

بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند، و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشتسازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند، و حتی علاوه بر تامین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم. در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می کنم. و از محضر مقدس بقیه الله - ارواحنا فداه - عاجزانه می خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید، و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوند، از تو می خواهیم آنچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انک قریب مجیب. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته "

همانطور که از فرمایش حضرت امام برمیداد ایشان تا زمانی که امکان ادامه جنگ از دیدگاه خود را ممکن می دید معتقد به ادامه جنگ بود ولی وقتی برخی تغییرات از جمله نظر فرماندهان و مسئولان که کاستی های مادی را منجر به خاتمه جنگ می دانستند، همچنین عدم همراهی نیروی انسانی متعهد به انقلاب و نظام با اندیشه امام در جنگ را مشاهده می نمایند متقاعد به خاتمه جنگ می شوند. قطعاً اگر جنگ می خواست ادامه یابد حداقل باید در سطح فرماندهان اعتقاد به اندیشه امام در "پیروزی خون بر شمشیر" و نبرد عاشورایی و جنگ تکلیف گرا حضور مسلط بود. ولی افول این دیدگاه در اندیشه برخی از مدیران و مسئولان اصلی جنگ و انگیزه آنان، در تصمیم امام تأثیر اصلی را داشت. این نگاه مسئولان و همچنین تغییر معادلات خارجی به نفع عراق در صحنه جنگ (تصویب قطعنامه ۵۹۸، اجماع قدرتهای بین المللی و منطقه ای برای خاتمه جنگ و نجات صدام و ارسال کمکهای مالی و تسلیهاتی به عراق، محاصره اقتصادی و نظامی و فشار شدید و طاقت فرسا به ایران و حضور نظامی قدرتهای جهانی به ویژه امریکا در خلیج فارس و درگیریهای پراکنده نظامی با ایران و در خلیج فارس و ... امام را به این نتیجه رساند که پیروزی بر عراق رهکار نظامی ندارد و برای حفظ اصل نظام جمهوری اسلامی، قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد.

توقف و تثبیت متجاوز

الف - زمان بنی صدر

بعد از هجوم اولیه و سراسری عراق تلاش برای مقابله با دشمن آغاز شد. هر کسی در هر جا با هر وسیله ای به دفاع برخاست. حماسه ی دفاع آغاز شد، اولین رده هایی که با دشمن درگیر شدند پاسگاه های ژاندارمری و سپاه و نیروهای مردمی در نوار مرزی بودند.

امام خمینی (ره) در پیامی^۱ آرامش و اعتماد به نفس را به جامعه و مسوولان برگرداند. بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا تلاش کرد از تهاجم سراسری عراق و شروع جنگ ، حداکثر بهره برداری را برای تثبیت موقعیت خود در داخل کشور ، بنماید. بررسی عملکرد بنی صدر در دوره ۱۵ ماهه فرماندهی وی بر نیرو های مسلح مستلزم مروری بر عملکرد وی در قبل از آغاز جنگ می باشد..

نقش بنی صدر قبل از آغاز جنگ

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت دولت موقت بر شئون کشور و با توجه به دیدگاه لیبرالیستی این دولت و در رأس آن مهندس مهدی بازرگان که پیروی مطلق از غرب را مشی سیاسی خود قرار داده بودند ، تضعیف نیروهای مسلح در دستور آن ها قرار گرفت. برخی از اقدامات دولت موقت ، شامل طرح لغو قرارداد های نظامی و خرید تجهیزات از خارج ، کاهش تعداد نیروهای مسلح به ۵۰۰۰۰ نفر و فروش جنگنده های F 14 به پاکستان بود^۲ که در دو مورد اخیر موفق به عملیاتی کردن آن نشدند ، ولی طرح موضوع باعث ضربه ی روانی به ارتش گردید.

بنی صدر پس از سقوط دولت موقت و با انتخابات ریاست جمهوری در بهمن ماه ۱۳۵۸ به ریاست جمهوری انتخاب شد . از همان ابتدا با مشی سیاسی که در پیش گرفته بود اختلافات داخلی را کلید زد ، و شروع به مقابله با نیروهای حزب اللهی و حزب جمهوری اسلامی و رهبران روحانی انقلاب مثل شهید بهشتی ، آیت الله خامنه ای و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نمود. وی با ارائه ی طرح هایی مثل کاهش مدت خدمت سربازی و بومی سازی در ارتش به باقی مانده توان ارتش ضربه اساسی وارد کرد. علی رغم شواهد و قرائن موجود و گزارش فرماندهان نظامی مبنی بر آمادگی عراق برای تعرض و حمله به ایران ، هیچ اقدام عملی برای مقابله ننمود.

در حالی که نیرو های مسلح ایران به لحاظ اطلاعاتی به طور صد درصد از حمله ی عراق مطلع بودند ، ولی در مرحله عمل به علت بی توجهی بنی صدر به هشدار ها ، به صورت صد درصد غافل گیر شدند و این غافل گیری باعث موفقیت عراق در روزهای اول تهاجم شد. مجله الحوادث می نویسد: بنی صدر می داند ارتش وی که اکنون فاقد تسلیحات مناسب است، قادر به

رویارویی با ارتش عراق نمی باشد و از آن گذشته رهبران ارتش یا اعدام شده یا فرار کرده اند، اما خوب می داند که اگر ارتش عراق بخواهد وارد ایران بشود، برای وی فرصتی خواهد بود تا نیروهای ملی و ارتش را به شکل مناسب تری به دور خود گرد آورد.^۱

در نگاهی کوتاه به عملکرد دولت موقت و بنی صدر، برخی از اقدامات آن ها را که به وضعیت دفاعی کشور ضربه زده و موجب تهییج عراق به حمله و امیدواری به پیروزی آن کشور شد، را می توان به شکل ذیل احصاء نمود:

- ۱- لغو برخی از قرارداد های نظامی و خرید تجهیزات، با این توجیه که ایران دیگر مأموریت ژاندارمی آمریکا در منطقه را به عهده ندارد و نیازی به این همه تجهیزات و ارتش با این حجم و هزینه های دفاعی بالا ندارد.
- ۲- ارائه طرح کاهش نیروهای ارتش به ۵۰۰۰۰ نفر.
- ۳- کاهش مدت خدمت سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه
- ۴- بومی سازی در ارتش (الزام خدمت هر فرد ارتشی در شهر خود که به توان تخصصی ارتش ضربه زد)
- ۵- بی توجهی به هشدار های نیروهای مسلح مبنی بر آمادگی عراق برای شروع تهاجم
- ۶- بی توجهی به نیروهای انقلابی سپاه و بسیج و ارتقاء توان رزم آن ها برای کسب آمادگی
- ۷- عدم استقرار یگان های نظامی در نوار مرزی و ایجاد استحکامات و سنگر های دفاعی برای مقابله با دشمن
- ۸- عدم استفاده از قابلیت موجود ارتش و سپاه برای برگزاری مانور ها و سایر اقدامات بازدارنده به منظور اثرگذاری بر تصمیم دشمن در حمله به ایران
- ۹- عدم استفاده از توان دیپلماسی و سیاست خارجی برای جلوگیری از جنگ

نقش بنی صدر پس از شروع جنگ تحمیلی

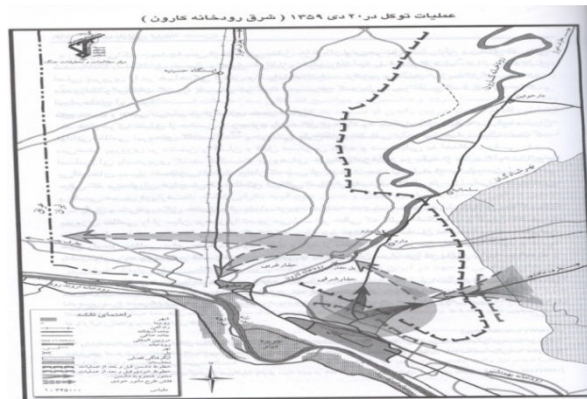
صرف نظر از فعالیت های صورت گرفته، توسط دولت موقت و بنی صدر قبل از شروع جنگ، پس از شروع جنگ تحمیلی نیز، اقدامی که در روند جنگ تأثیر مثبتی داشته باشد از سوی بنی صدر صورت نگرفت. پس از شروع جنگ تحمیلی بنی صدر با پوشیدن لباس نظامی در پادگان تیپ دوم لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در دزفول حضور یافته و مقرر فرماندهی خود را در آن جا قرار داد. بنی صدر با اعتقاد به جنگ کلاسیک و تلاش برای بهره برداری از پیروزی در جنگ، برای غلبه بر مخالفان داخلی، دستور طراحی و اجرای سلسله عملیاتی را صادر کرد که همه آنها نا موفق بود.

الف - عملیات توکل (۲۰ مهرماه) در محور آبادان -

با هدف شکست حصر آبادان و خرمشهر، ادامه تک به سمت تنومه و بصره طراحی و اجرا شد. یگان عمل کننده: گروه رزمی ۲۴۶ تانک از سلمانیه و تیپ ۳۷ زرهی در محدوده ماهشهر آبادان

^۱ از خونین شهر تا خرمشهر به نقل از نشریه بررسی مطبوعات جهان (وزارت ارشاد اسلامی): الحوادث ۷ م ۱۹۸۰

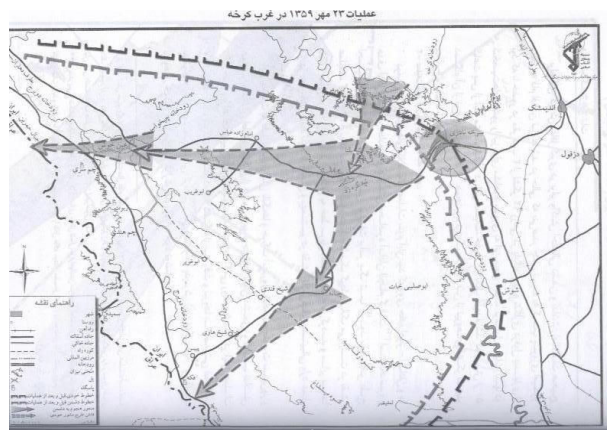
نتیجه: عملیات در دقایق اول شکست خورد و نیروهای عمل کننده به مواضع خود برگشتند.



ب- عملیات ۲۳ مهر در غرب کرخه - با هدف عقب راندن دشمن تا مرز، یگان عمل کننده لشکر ۲۱ حمزه

نتیجه: شکست عملیات و عقب نشینی نیروهای عمل کننده پس از دو ساعت از شروع نبرد با انهدام ۵۰ تانک خودی و ۴۰۰

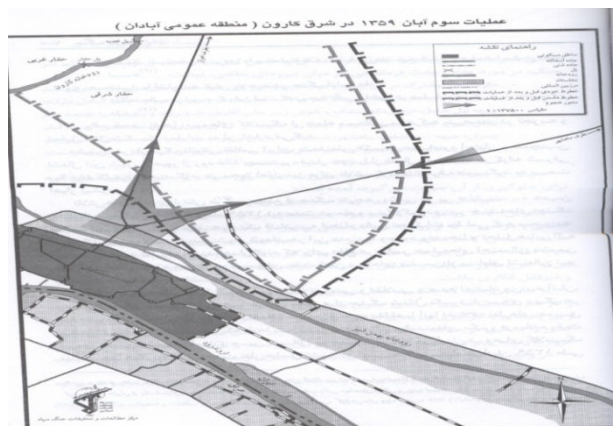
نفر شهید ، مجروح و اسیر



ج- عملیات سوم آبان - در محور آبادان با هدف شکستن حصر آبادان

یگان عمل کننده : یک تیپ (گد ۱۴۴ ل ۲۱ حمزه و یک گد تانک در جاده ماهشهر آبادان)

نتیجه : انهدام ۱۵ تانک از ۱۷ تانک شرکت کننده در عملیات و عقب نشینی نیروها به خاطر ضعف اطلاعات و روحیه



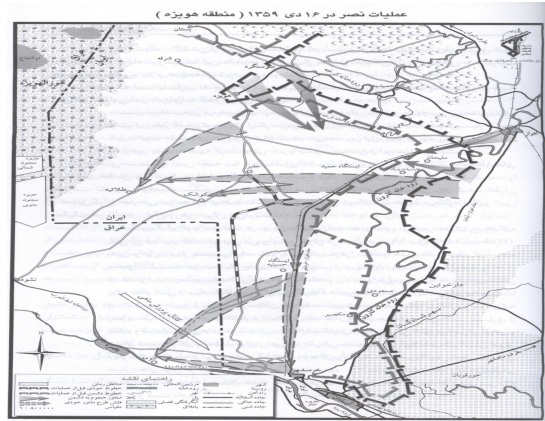
د- عملیات نصر - ۱۶ دیماه با هدف آزاد سازی مناطق اشغالی خوزستان و ادامه تک به سمت تنومه و پدافند در ساحل شرقی

دجله

یگانهای عمل کننده: لشکر ۱۶ زرهی قزوین و لشکر ۹۲ زرهی خوزستان و ۵ گردان از نیروهای سپاه و بسیج

نتیجه عملیات: علی رغم موفقیت اولیه در روز اول با افزایش آتش نیروهای عراقی، یگانهای زرهی عقب نشینی نموده و نیروهای پیاده به استعداد حدود ۱۴۰ نفر و به فرماندهی شهید علم الهدی در محاصره دشمن قرار گرفته و در منطقه هویزه مظلومانه به شهادت رسیدند.

- در این عملیات نیروهای عمل کننده خودی به خط اولیه برگشته و ۱۰۰ دستگاه تانک خودی منهدم و ۱۵۰ دستگاه به غنیمت دشمن درآمد.



بارزه دوران فرماندهی وی بر نیروهای مسلح عبارت است از «بی توجهی وی به نیروهای انقلابی سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همچنین طیف نیروهای حزب اللهی ارتش» که این امر باعث ایجاد تفرقه و بدبینی در بین ارتش و سپاه و عدم بهرمندی سپاه و نیروهای مردمی از تجهیزات نظامی کشور که در اختیار ارتش بود، برای دفاع و مقابله با نیروهای عراقی شد.

بنی صدر پس از ناکامی در ۴ عملیات فوق به ویژه عملیات نصر که در آن دانشجویان پیرو خط امام به فرماندهی شهید حسین علم الهدی مظلومانه به شهادت رسیدند و انتقادات شدیدی را بر علیه وی برانگیخت، وی متوجه عرصه داخلی شد و تنش ها و درگیری های سیاسی را تشدید نمود.



شهید حسین علم الهدی فرمانده نیروهای بسیج
که در عملیات نصر در ۱۶ دی ۱۳۵۹ در هویزه به
شهادت رسید.

مهمترین نتیجه این عملیاتها:

- ایجاد یأس و ناامیدی در مسئولین سیاسی و فرماندهان نظامی
- امیدواری ارتش عراق به حفظ مواضع اشغالی و تشکیل خطوط پدافندی و ایجاد استحکامات پدافندی
- ناامیدی ارتش از موفقیت عملیات آفندی و اقدام به ایجاد مواضع پدافندی

• ایجاد سکون و رخوت در جنگ

• گرایش به راه حل سیاسی، مصالحه و سازش با دشمن و دادن امتیاز

• از دست رفتن امکانات و زمان

پس از غائله ۱۴ اسفند که اوج اتحاد وی با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بر علیه نیرو های انقلاب و حزب جمهوری اسلامی بود ، وی به صورت مستقیم رو در رو با انقلاب قرار گرفت و پس از اعلام هیئت داوری حضرت امام (ره) مبنی بر مقصر بودن بنی صدر در غائله ی ۱۴ اسفند، به اوج رسیدن تنش ها و نگرانی امام از تأثیر بیشتر این وضعیت بر اتحاد داخلی و وضعیت جبهه ها ، وی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ از فرماندهی کل قوا با یک جمله امام، عزل شد: "بسم الله الرحمن الرحيم ستاد فرماندهی مشترک نیرو های مسلح جمهوری اسلامی ایران! آقای ابو الحسن بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح بر کنار شده اند. روح الله الموسوی الخمينی" وی در ۲۷ خرداد ۱۳۶۰ در خانه های تیمی منافقین مخفی شد . در ۳۱ خرداد همان سال مجلس شورای اسلامی با ۱۷۷ رای موافق و یک رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع ، عدم کفایت سیاسی وی را تصویب کرد و فردای آن روز (۱ تیر ماه ۱۳۶۰) امام خمینی (ره) ، مصوبه مجلس را تأیید و وی را از ریاست جمهوری عزل شد . حکم امام (ره) به این شرح است : «پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی کفایت سیاسی ندارد ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.»

وی پس از دو ماه زندگی مخفی به همراه مسعود رجوی، سر کرده منافقین و سرهنگ معزی خلبان مخصوص شاه در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ با لباس زنانه به فرانسه گریخت.



تصویر بنی صدر در پوشش همسر خلبان معزی در عبور از گیت

بازرسی پایگاه هوایی نوژه

دوره ی فرماندهی بنی صدر بر نیرو های مسلح ضربه ی قابل توجهی به توان ، وحدت و یکپارچگی نیروهای مسلح وارد کرد که اگر مدیریت منسجمی در این دوره ی حساس و سرنوشت ساز اعمال می شد ، قطعاً نتیجه با آن چیزی که اتفاق افتاد متفاوت و به نفع منافع ملی بود.

خطبه های حضرت ایت الله خامنه ای ... ۲۹ خرداد ۱۳۶۰ در اوج تظاهرات مردم علیه بنی صدر:

«تزدیک به هفت ماه قبل از جنگ شما فرمانده کل قوا بودید چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانست مقاومت کند؟ حضرت امام شما را در اول اسفند ۵۸ به فرماندهی کل قوا برگزیدند. در اول مهر ماه ۵۹ ، یعنی هفت ماه بعد از فرماندهی کل قوای شما ، جنگ شروع شد در این هفت ماه شما چه کردید ؟ چرا ارتش را مرمت نکردید؟ چرا نظامی ها را آموزش ندادید؟ آیا اینها را چه کسی باید انجام می داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته

آشکار میشود، تقصیرها را به گردن این آن می اندازید؟ وقتی از ایشان می پرسند چرا ارتش را سروسامان نداده اید، میگوید چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده اند. منظور ایشان دادگاههای انقلاب در ارتش است، چون افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا بشود و کودتا چیان آزاد گردند و دستگیر نشوند.»

پس از تصویب عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس شورای اسلامی و عزل او توسط حضرت امام (ره) در ۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۰ و با ورود رسمی نیروهای مردمی (سپاه و بسیج) به جنگ، روند جنگ تغییر کرد.

خیانت‌های بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا و رئیس شورای عالی دفاع:^۱

(۱) بیان مسائل اختلافی با نهادهای انقلابی و خودداری از ارسال تجهیزات و مهمات به نیروهای انقلابی که موجب کم اثر نمودن نقش نیروهای مردمی در دفاع از خرمشهر و سقوط آن شد.

(۲) ارسال اطلاعات نظامی عملیات والفجر مقدماتی (در فکه و العماره) در زمستان ۶۱ با واسطه‌گری منافقین به منابع اطلاعاتی سفارت رژیم عراق در کشور بلغارستان؛ که در قبال آن در شش نوبت از رژیم عراق از طریق بانک‌های فرانسوی پول گرفت.^۲

(۳) صدور دستور بمباران هلی‌کوپترها و اسناد بجای مانده آمریکا در طیس که حاوی اطلاعات بسیار مهم بود.

(۴) ارتباط مخفی با یک تاجر آمریکایی وابسته به CIA (اسناد لانه جاسوسی).

(۵) در پادگان دزفول طی جلسه‌ای به خاطر سقوط کردستان، عده‌ایی پیشنهاد می‌کنند که مرز کردستان را در کرمانشاه بگذارند و وی قبول می‌کند و می‌پذیرد که کردستان جدا شود و کردستان را تمام شده تلقی می‌کند.

(۶) عدم تجهیز سپاه.

(۷) جاسوسی (بنابه اظهار سرهنگ حاتمی رئیس وقت رکن دوم ارتش در سال ۵۸ که پرونده جاسوسی وی در اداره دوم ارتش موجود بود).

(۸) در اول اردیبهشت ۱۳۵۹ عبدالحلیم خدام وزیر خارجه سوریه طی نامه‌ای به وزیر خارجه ایران قطب‌زاده. کلیه نقشه‌ها و عملیات‌ها و برنامه‌های عراق برای حمله را به ایران ارسال می‌کند که توسط وی امحاء شده و به رهبر انقلاب داده نمی‌شود.^۳

(۹) ۱۵ شهریور ۵۹ آقای «هانی حسن» از طرف یاسر عرفات با ماموریت ویژه پیش آقای هاشمی رفسنجانی می‌رود و به ایشان می‌گوید عراق قرار است علیه شما وارد جنگ شود و پس از اعلام تاریخ و برنامه به آقای هاشمی بیان می‌کند که آنها قصد تجزیه ۳ استان را در درجه اول دارند و اگر موفق شوند به سوی تهران حرکت می‌کنند. آقای هاشمی گزارش را در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی مطرح می‌کند. فرمانده کل قوا (بنی‌صدر) هیچ اقدام خاصی انجام نمی‌دهد.

(۱۰) آزادی افسران کودتاچی نوژه از زندان.

^۱ ویژه نامه روز نامه جوان خرداد ۱۳۹۰، ص ۴

^۲ به نقل از جواد منصوری لاریجانی در مصاحبه ویژه‌نامه روزنامه ایران، خرداد ۹۰ صفحه ۹۲

ب- پس از بنی صدر

تغییر استراتژی جنگ بعد از سقوط بنی صدر

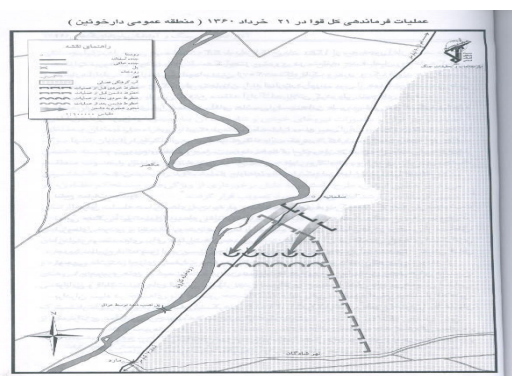
- ۱- تداوم جنگ با اجرای عملیات محدود
 - ۲- تکیه بر وحدت، ایمان و عشق و شهادت
 - ۳- جذب نیرو و گسترش سازمان رزم بسیج و سپاه
 - ۴- همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه
 - ۵- بکارگیری تاکتیک های متکی بر نیروهای پیاده و عملیات در شب
 - ۶- انسجام شبکه اطلاعاتی در مناطق خط مقدم و شناخت زمین منطقه
 - ۷- استفاده بیشتر از سلاحهایی که مهمات آن ها در دسترس است مثل آر پی جی ۷
- در استراتژی جدید در فاصله خرداد ۱۳۵۶ تا مهر ماه ۱۳۶۰ بیش از ۲۰ عملیات محدود طرح ریزی و اجرا شد.

عملیات فرمانده کل قوا:

در تاریخ ۲۱ خرداد یک روز پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه سلمانیه در شرق کارون و پل مارد انجام گرفت.

-از ویژگیهای تاکتیکی این عملیات حفر کانال به طول ۲ کیلومتر و به عمق ۱/۸۰ متر با دست بود که تأثیر به سزایی در پیروزی رزمندگان اسلام داشت

-نتیجه: پیشروی ۳ کیلومتر در مواضع نیروهای عراقی و تثبیت آن و اسارت ۲۴۶ نفر از نیروهای عراق و انهدام ۳۳ تانک و نفربر و غنیمت تعدادی از آنها دستاورد مهم این عملیات ایجاد اعتماد به نفس نیروهای خودی در آفند و غلبه بر دشمن و تثبیت جایگاه نیروهای سپاه و مردمی و توجه به عملیات های غیر کلاسیک و محدود بود.



شهید دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع و فرمانده گروه

جنگهای نامنظم در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در روستای دهلاویه (

نزدیک سوسنگرد) به شهادت رسید.

استراتژی دفع تجاوز

پس از فرار بنی صدر و ایجاد انسجام در قوای مسلح و ایجاد میدان برای ورود کارآمدتر نیروهای مردمی و انقلابی سپاه و بسیج به صحنه دفاع از کشور، برنامه ریزی برای آزاد سازی مناطق اشغالی آغاز شد. این برنامه ریزی منجر به آزادی مناطق اشغالی استان خوزستان در طی نه ماه و چهار عملیات شد

عملیات ثامن الائمه - (شکستن محاصره آبادان)

این عملیات بعنوان یکی از چهار عملیات موفق در استراتژی دفع تجاوز در سال دوم جنگ است. همچنین این عملیات مبنای شروع و نقطه عطف سلسله عملیاتهای این استراتژی می باشد. این عملیات پس از یک سلسله نا آرامیها و کشمکشهای داخلی (عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری و کنترل موج اولیه شورش مسلحانه منافقین و ترورها و انفجارها) صورت گرفت. تأکید حضرت امام به فرماندهان نظامی مبنی بر شروع عملیات و به ویژه شکست حصر آبادان، و همینطور ملاحظات نظامی منطقه از عوامل مهم در انتخاب این منطقه بود. ارزش منطقه، موقعیت نیروهای خودی و عقبه دشمن که متکی بر دو پل قصبه و حفار بود سبب توجه نیروهای رزمنده به این منطقه شد. طرح اولیه این عملیات در فروردین ماه سال ۱۳۶۰ توسط سپاه آماده شد ولی به لحاظ استیلائی تفکر بنی صدر در مقام فرمانده کل قوا بر نیروهای مسلح و اداره جنگ، اجرای آن ۶ ماه طول کشید. این طرح در خرداد ۱۳۶۰ مورد تصویب شورای عالی دفاع قرار گرفت. فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش لشکر ۷۷ خراسان از ارتش، که مسئولیت این منطقه را بعهده داشت، را مسئول اجرای طرح اعلام کرد. نام عملیات به پیشنهاد ارتش به مناسبت شرکت لشکر ۷۷ شهر خراسان که مشهد امام رضا (ع) (امام هشتم) است، ((ثامن الائمه)) نامیده شد.

موقعیت منطقه:

منطقه عملیاتی ثامن الائمه در شرق رودخانه کارون حد فاصل شهر آبادان و جنوب دارخوین و رودخانه کارون قرار داشت. عراق با نصب دو پل قصبه و حفار عقبه نیروهای خود در شرق کارون را تأمین می نمود. نیروهای دشمن در شرق کارون شامل لشکر ۳ زرهی و تیپ ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده بود.

اهداف عملیات:

انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون، تصرف و تأمین منطقه و نهایتاً شکست حصر آبادان بود.

ترکیب نیروها:

ارتش: به استعداد ۱۵ گردان (لشکر ۷۷ با سه تیپ شامل ۹ گردان پیاده، تیپ ۳۷ زرهی شیراز، گردان ۲۵۱ تانک از ل ۱۶ زرهی)

سپاه: ۱۶ گردان، ژاندارمری یک گردان (گردان ۱۰۷ ژاجا) و مهندسی جهاد سازندگی

زمان عملیات: در ساعت یک بامداد روز پنجم مهر ماه سال ۱۳۶۰ آغاز شد.

شرح عملیات: عملیات از سه محور اصلی شامل دارخوین و محمدیه در شمال، فیاضیه و ایستگاه ۷ در جنوب و تلاش فرعی در جاده ماهشهر آبادان آغاز شد. محور دارخوین و فیاضیه با هدف تصرف پل های حفار و قصبه از اهمیت بیشتری برخوردار بودند، دشمن تنها در منطقه پل حفار مقاومت جدی از خود نشان داد. در همان لحظات اول خطوط مقدم دشمن سقوط کرد و رزمندگان اسلام به پیشروی خود ادامه دادند. تلاش دشمن برای بازنگه داشتن پل و حفظ سرپل بی نتیجه ماند و رزمندگان اسلام در طی ۴۸ ساعت توانستند دشمن را در منطقه شرق کارون منهدم، منطقه را پاکسازی و محاصره آبادان را پس از یک سال بشکنند و امر امام خمینی (ره) در شکست حصر آبادان تحقق یافت.

نتیجه عملیات: شکست حصر آبادان و پاکسازی حدود ۱۸۰ کیلومترمربع از اراضی اشغالی کشورمان در شرق کارون

- کشته و زخمی شدن ۳۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن و اسارت ۱۸۰۰ نفر، انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر و غنیمت ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر به همراه ۱۵۰ دستگاه خودرو. نخستین یگان زرهی سپاه (تیپ ۳۰ زرهی) و همینطور نخستین یگان توپخانه ای

سپاه با تجهیزات غنیمتی از دشمن در این عملیات تشکیل شد.



نکته: ✓

طرح شهید حسن باقری با آزاد سازی نفت از لوله های نفت دارخوین بر روی رودخانه کارون و آتش زدن آن در صبح روز عملیات با هدف تخریب پل های شناور دشمن بر روی رودخانه کارون، ضمن تهدید پل های مذکور باعث ترس و وحشت دشمن و تسریع در عقب نشینی و شکست آنها گردید.



شهید حسن باقری (غلامحسین افشردی) در تاریخ ۷

بهمن ۱۳۶۰ در منطقه فکه بر اثر آتش توپخانه دشمن به

شهادت رسید.

✓ در ۷ مهر هواپیمای فرماندهان جنگ سقوط و جمعی از آنها به شهادت رسیدند



شهید جهان آرا
(فرمانده سپاه خرمشهر)



شهید فلاهی
(رئیس ستاد مشترک ارتش)



شهید فکوری
(فرمانده نیروی
هوایی ارتش)



شهید کلاهدوز
(جانشین فرمانده
کل سپاه)



شهید نامجو
(وزیر دفاع)

✓ **تغییرات در فرماندهی سپاه و ارتش :** به دنبال شهادت فرماندهان ارتش و سپاه، محسن رضایی به فرماندهی سپاه و شهید علی صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شدند. این انتصاب باعث انسجام و اتحاد بیشتر ارتش و سپاه شد.

عملیات طریق القدس:

این عملیات تنها دو ماه بعد از عملیات ثامن الائمه انجام گرفت، پیروزی در عملیات ثامن الائمه باعث افزایش روحیه ملی و به دنبال آن حضور نیروهای مردمی در جبهه ها و ارتقاء سازمان رزم سپاه شده و در کنار ارتش با ترکیب مناسب و وحدت، قدرت مضاعفی را در رزمندگان اسلام برای حمله به دشمن فراهم نمود.

منطقه عملیاتی: شمال غرب اهواز، منطقه عمومی سوسنگرد، بستان و تنگه چزابه

منطقه عمومی بستان به لحاظ تناسب آن با توان خودی از نظر وسعت و هدف و استعداد و گسترش نیروهای دشمن و همچنین اهمیت مهم تنگه چزابه در برقراری ارتباط جبهه شمالی و جنوبی دشمن در خوزستان، برای این عملیات انتخاب شد. تنگه چزابه به عرض حدود ۳ کیلومتر از شرق به تپه های رملی و از غرب به هورالعظیم محدود می شود و به لحاظ مواصلاتی دارای اهمیت تاکتیکی بالا است.

نیروهای دشمن در منطقه شامل ۴ تیپ (تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵، تیپ ۹۳ پیاده از لشکر ۴ و تیپ های ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص) و یک گردان پیاده از تیپ ۲۳ بود.

بعد از فعالیت های اطلاعاتی دشمن و هوشیاری آنها نسبت به تک رزمندگان اسلام اقدام به تقویت منطقه با یگانهای جدید نمود.

هدف عملیات:

آزادسازی شهر بستان و روستاهای اطراف، قطع ارتباط جبهه های شمالی و جنوبی دشمن از طریق تصرف تنگه چزابه و رسیدن به مرزهای بین المللی

یگانهای شرکت کننده در عملیات:

ارتش جمهوری اسلامی : ۲۰ گردان (تیپ ۱ و ۲ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین، تیپ ۱ از لشکر ۷۷ پیاده خراسان، تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز، ۳ گردان توپخانه)
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ۳۰ گردان (تیپ ۱ عاشورا به استعداد ۹ گردان، تیپ ۲ کربلا به استعداد ۳ گردان، تیپ ۳ امام حسین (ع) با ۸ گردان، تیپ ۴ امام سجاد(ع) با ۴ گردان، تیپ امام حسن(ع) با ۶ گردان)

طرح مانور:

۱- شمال رودخانه کرخه بعنوان تلاش اصلی: در این محور تیپ ۴ امام سجاد(ع) سپاه به همراه یک گردان تانک ارتش مأموریت داشتند با عبور از جاده احداثی توسط جهاد سازندگی (جاده وحدت) به تنگه چزابه حمله کنند و تیپ امام حسین (ع) با تیپ ۳ لشکر ۹۲ مأموریت داشتند در تک جبهه ای با دشمن درگیر شدند.

۲- غرب سوسنگرد

الف. جاده سوسنگرد- بستان (تیپ ۲ پیاده کربلا و تیپ ۲ از لشکر ۱۶ زرهی مأمور بودند) با هدف تصرف بستان و الحاق با نیروهای تیپ امام حسین(ع) که دارای اهمیت فراوان بود، به دشمن حمله کنند.
ب. از میله ۲ تا دغاغله (شمال رودخانه نیسان): تیپ پیاده ۱ عاشورا و تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی مأمور انهدام نیروهای دشمن و پدافند و تأمین منطقه بودند.

زمان عملیات:

۳۰ دقیقه بامداد هشتم آذر ماه ۱۳۶۰

شرح عملیات:

عملیات با رمز یا حسین (ع) شروع شد و بارش شدید باران در زمان شروع عملیات به غافلگیری دشمن و همچنین سفت شدن رملها و سهولت در تردد رزمندگان انجامید.

محور شمالی در همان ساعات اولیه به اهداف خود دست یافت ولی در محور های جنوبی به علت هوشیاری دشمن، پیشروی رزمندگان متوقف شد.

با موفقیت محور شمالی، بستان نیز توسط نیروهای محور شمالی آزاد و دشمن پس از پاتکهای متعدد و عدم کسب نتیجه در اثر مقاومت شدید رزمندگان اسلام از منطقه عقب نشینی و در جنوب رودخانه نیسان مستقر شد.

نتیجه عملیات:

پس از هفت روز نبرد بی امان رزمندگان اسلام و تلاش ها و پاتک های مداوم دشمن نتیجه عملیات با موفقیت تثبیت شد که بخشی از تلفات و خسارات دشمن به شرح ذیل می باشد.

انهدام: ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر ، ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۴ فروند هلی کوپتر و ۱۳ فروند هواپیما

کشته و زخمی: ۳۵۰۰ تن

اسیر: ۵۴۶ نفر

غنائم: ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر ، ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ ، ۲۵۰ دستگاه خودرو، ۷۰ قبضه توپ ضدهوایی و تعدادی ماشین

آلات مهندسی و ...



❖ نکته:

- ✓ امام خمینی (ره) در دیدار با رزمندگان اسلام این پیروزی را فتح الفتوح نامیدند.^۱
- ✓ ((آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخارآفرین است. روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند می باشد و این است فتح الفتوح)).
- ✓ احداث جاده در رملها (که بعدها از آن بعنوان جاده وحدت و پیروزی نیز یاد شد) توسط جهاد سازندگی سمنان نقش تعیین کننده ای در پیروزی عملیات داشت این جاده به طول ۱۴ کیلومتر در شمال منطقه عملیات و در طول دو هفته ساخته شد که در زیر دید و آتش دشمن بود برای احداث اسن جاده روزانه ۷۰ کمپرسی خاکریزی می شد و و اجرای آتش متناوب توپخانه خودی مانع از شنیدن صدای کار ماشین آلات مهندسی توسط دشمن می شد.
- ✓ بارش باران پیش بینی نشده در شب عملیات که موجب تحکیم رملها و سهولت راه پیمایی رزمندگان اسلام و همچنین غفلت و غافلگیری دشمن شد، زیرا دشمن علی رغم هوشیاری نسبی با بارش بارانها حساسیت خود را ازدست داده و متقاعد شدند که ایرانیها در زیر باران شدید حمله نمی کنند لذا به سنگرها رفته و استراحت نمودند.
- ✓ مقاومت مثال زدنی رزمندگان اسلام در پل سابله بعنوان گرانیگاه و پاشنه عملیات مانع نفوذ دشمن و عدم موفقیت آنها در پاتک ها شد و شکست قطعی آنها را رقم زد.

^۱ ص نور ج ۱۵ ص ۱۶۴

✓ بکارگیری نیروهای مردمی در سطح وسیع در قالب بسیج و سپاه به استعداد ۳۰ گردان و وحدت خوب بین ارتش و سپاه رویکرد جدید ایران در جنگ بود که ضمن کسب موفقیت مبنای طراحی های آینده نیز قرار گرفت . دشمن از این تاکتیک رزمندگان بعنوان ((تاکتیک های موج انسانی)) یاد کرد.

عملیات فتح المبین (غرب شوش)

دشمن بعد از عملیات طریق القدس به منظور به تأخیرانداختن عملیات بعدی رزمندگان اسلام در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۰ به تنگه چزابه حمله کرد و به مدت ۲۰ روز آتش شدیدی را روی منطقه (مساحت ۱۸*۲ کیلومتر) اجرا کرد. بیش از یک میلیون گلوله توپ متر به متر منطقه را زیر و رو کرد این تهاجم دشمن باعث شد حدود ۳۰ گردان نیرو که برای عملیات فتح المبین در نظر گرفته شده بود به منطقه چزابه اعزام و ضمن درگیری با دشمن دچار تلفات زیادی شدند، اما این امر مانع از توجه رزمندگان اسلام به عملیات بعدی - که فتح المبین نام گرفت - نشد. همچنین دشمن در ۲۸ اسفند به منطقه شوش برای بر هم زدن حمله رزمندگان اسلام تک نمود که آنهم نتیجه ای در بر نداشت.

- همزمان با فعال شدن منطقه عملیاتی فتح المبین، تحولات سیاسی در داخل نیز با سرکوب ضد انقلاب و عوامل وابسته تثبیت گردید.

مکان عملیات: شمال غرب استان خوزستان غرب شوش و اندیمشک

هدف عملیات: قطع آتش دشمن بر روی شهرهای اندیمشک، دزفول، شوش، پایگاه چهارم شکاری، جاده اندیمشک اهواز بعنوان جاده اصلی و حساس استان خوزستان، انهدام نیروهای دشمن، آزادسازی مناطق شمال غرب استان خوزستان شامل چاههای نفتی ابوغریب، سایت و رادار جاده مهم اندیمشک دهلران و ... ، ارتفاعات علی گره زد، ابوصلیبی خات، تنگه رقابیه، ارتفاعات چنانه و عین خوش.

سازمان رزم:

ارتش: ۴۳ گردان شامل لشکرهای پیاده ۲۱ حمزه، ۷۷ خراسان و ۹۲ زرهی، تیپهای ۳۷ زرهی شیراز، ۵۸ ذوالفقار، ۸۴ خرم آباد، ۵۵ هوارد و گروه ۳۳ توپخانه

سپاه: ۱۰۰ گردان، تیپهای ۱۴ امام حسین (ع)، ۴۱، ۴۰، ۲۴ و ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۵ امام سجاد ، ۲۳ المهدی (عج)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۴۶ فجر، ۳۰ زرهی و تیپ ایلام و این یگانها در قالب ۴ قرارگاه وارد عمل شدند.

۱- قرارگاه قدس: مأمور به تصرف ارتفاعات عین خوش و تنگه ابوغریب و تینه

۲- قرارگاه نصر: مأمور به تصرف ارتفاعات علی گره زد، شاوریه و بخشی از جاده دزفول - دهلران.

۳- قرارگاه فجر : مأمور به تصرف تپه های ابوصلیبی خات

۴- قرارگاه فتح: مأمور به تصرف تنگه رقابیه و تپه برقازه

زمان عملیات: ۳۰ دقیقه بامداد روز دوم فروردین ۱۳۶۰

شرح عملیات: عملیات با رمز مبارک یا زهرا(س) آغاز شد. در مرحله اول عملیات قرارگاههای قدس و نصر موفق به تأمین اهداف شدند ولی به خاطر هوشیاری و آمادگی دشمن قرارگاههای نصر و فتح موفقیت چندانی بدست نیاوردند. لذا فشار دشمن به قرارگاه قدس به ویژه تیپ ۱۴ امام حسین(ع) برای باز پس گیری منطقه آغاز شد و دو روز ادامه یافت. در مرحله دوم عملیات که از چهارم فروردین ماه آغاز شد نیروهای قرارگاه فتح ضمن حمله به تنگه رقابیه، ارتفاعات رقابیه و میشداغ را تصرف نمودند.

لذا دشمن به لحاظ در معرض تهدید و انهدام قرار گرفتن نیروهایش دچار تزلزل و از هم گسیختگی شد. و فشار بر منطقه عین خوش کاهش یافت و تمام سعی دشمن بر خروج نیروهایش از منطقه متمرکز شد.

در مرحله سوم عملیات که معطوف به انهدام و اسارت نیروهای دشمن بود، دشمن تا رودخانه دوبرج و خط مرز عقب رانده شد.

نتیجه عملیات:

۱- آزادسازی ۲۵۰۰ کیلومترمربع از سرزمینهای اشغالی

۲- تلفات دشمن:

کشته و زخمی: ۲۵۰۰۰ هزار نفر، اسیر: ۱۷۰۰۰ هزار نفر، انهدام: ۳۵۰ دستگاه تانک و نفربر و سرنگونی ۱۸ فروند هواپیما

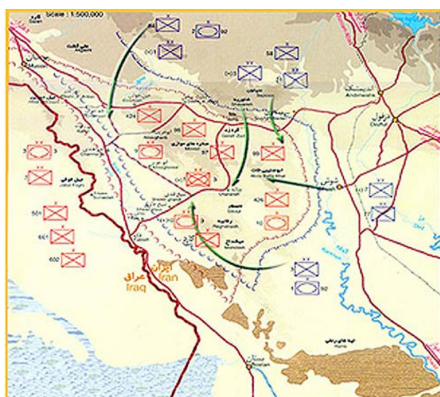
غنیمت: ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو و ۱۶۵ قبضه توپ

با انجام این عملیات قسمت زیادی از مناطق اشغالی استان خوزستان که برای دشمن از هدف اصلی تهاجم بود، آزاد شد. دشمن از جنوب استان ایلام تا شمال رودخانه نیرسان پاکسازی شد و تنها منطقه باقیمانده در دست دشمن، منطقه عمومی غرب کارون و جنوب اهواز و شمال خرمشهر تا خط مرز بود که پس از این عملیات رزمندگان اسلام خود را آماده پاکسازی دشمن در این منطقه نمودند.

حسین کامل مجید در مصاحبه با نشریه السفیر در زمستان ۱۳۷۴^۱:

در عملیات شوش - دزفول (فتح المبین) هنگامی که نیروهای ایرانی در منطقه سپاه چهارم عراق (در ارتفاعات برقازه) پیشروی کردند واحدهای پشتیبانی این سپاه رزمی نیز از بین رفت و چیزی نمانده بود که صدام و همراهان او که من هم جزء آنها بودم به اسارت نیروهای ایرانی در آیند (روز هفتم فروردین ۱۳۶۰). در آن لحظات رنگ از چهره صدام پریده و بسیار نگران بود صدام به ما نگاه کرد و گفت: از شما می خواهم در صورتی که اسیر شدیم من و خودتان را بکشید.. که با اعدام تعدادی از شیعیان پا به فرار گذاشتیم.

^۱ به نقل ص ۳۴۵ همپای صاعقه



❖ نکته

۱- مقاومت شجاعانه و مثال زدنی فرمانده و نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین(ع) در عین خوش که باعث امیدواری فرماندهان به ادامه عملیات شد.

۲- مانور سریع و قابل تحسین نیروهای تیپ ۲۷ محمد رسول (ص) در پشت تپه ها علی گره زد و تصرف توپخانه دشمن که موجب قطع آتش دشمن گردید و در پیروزی بسیار مؤثر بود. سه گردان سلمان، حبیب و حمزه از تیپ ۲۷ حضرت رسول، ۱۸۰ قبضه توپخانه (از جمله توپهای ۱۸۲ م.م. با برد ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر) سپاه چهارم ارتش عراق را در تپه‌هایی بلتا سالم به غنیمت گرفتند.

۳- تصمیم قاطع فرمانده سپاه و مقاومت در برابر پیشنهادهای عقب نشینی و ارائه راهکار حمله از جناح جنوبی تنگه رقابیه و ابتکار و استقامت بی نظیر نیروهای قرارگاه فتح به فرماندهی شهیدانی چون مهدی باکری، احمد کاظمی و سرهنگ منفرد نیا کی موجب شکست نهایی دشمن شد.

✓ پیام امام خمینی (ره) به مناسبت پیروزی رزمندگان اسلام در این عملیات: “من از دور دست و بازوان شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم.”

عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر)

این عملیات که به عملیات فتح خرمشهر مشهور شد تنها یک ماه پس از عملیات فتح المین به منظور بیرون راندن اشغالگر از سرزمینهای باقیمانده شهر خرمشهر و گرفتن آخرین برگ امتیاز دشمن در خوزستان طراحی و اجرا شد.

هدف عملیات:

آزادسازی مناطق اشغالی غرب کارون، جنوب اهواز، شهر خرمشهر و تأمین خط مرزی (هدف نزدیک) و تهدید شهر بصره عراق (بعنوان هدف دور)

علل انتخاب منطقه:

به علت ارزش استراتژیک این منطقه برای ایران و عراق (وجود شهرهای خرمشهر و بصره در محدوده آن و تسلط بر استان نفت خیز خوزستان، ارتباط با خلیج فارس از طریق اروندرود و ...) که از شمال به رودخانه کارون و کرخه و از جنوب به رودخانه

اروند و از غرب به هورالهوریزه و شط العرب و از شرق به رودخانه کارون محصور است. و به شکل تقریباً مستطیل است. زمین هموار به لحاظ قدرت بالای مانور یگانهای زرهی و مکانیزه برای دشمن امتیاز محسوب می شد. ولی وسعت زمین و کمبود نیروهای دشمن باعث تمرکز قوای دشمن در نقاط استراتژیک و حیاتی مهم مثل جفیر و خرمشهر گردید.

دشمن به تصور اینکه سمت اصلی تهاجم نیروهای خودی از جاده اهواز- خرمشهر، خواهد بود شمال منطقه را با دو لشکر تقویت شده ۵ مکانیزه و ۶ زرهی پدافند می کرد. در سمت شرقی منطقه در امتداد رودخانه کارون به لحاظ اینکه تصور حمله نیروهای ایرانی از این سمت ضعیف بود و فقط در برخی نقاط با فاصله نسبتاً زیاد مواضعی را ایجاد کرده و با اتکاء به یگان متحرک و سبک از آن پدافند می کرد. لشکر ۳ زرهی عراق وظیفه حفاظت از جناح شرقی با استقرار در غرب جاده اهواز خرمشهر را بعهده داشت.

و در ضلع جنوبی (خرمشهر) دشمن در دو سمت شرقی و شمالی پدافند می کرد.

استعداد نیروهای دشمن در منطقه :

شامل لشکرهای ۶ و ۳ زرهی، ۵ مکانیزه، ۱۱ پیاده و تی ۱۰ زرهی (احتیاط) بود که جمعا شامل ۳۶۰۰۰ نیروی پیاده، ۴۱ گردان تانک (۱۴۳۵ دستگاه)، ۳۸ گردان مکانیزه (۱۳۳۰ دستگاه نفربر) و ۵۳۰ قبضه توپخانه بود.

استعداد و سازمان رزم نیروهای خودی در منطقه در زمان عملیات:

ارتش ۳۹ گردان : شامل ۲ لشکر زرهی، ۱ لشکر پیاده، ۴ تیپ مستقل و ۱ تیپ تحت امر شامل لشکرهای ۹۲ و ۱۶ زرهی، ۲۱ پیاده حمزه و تیپهای ۵۸ ذوالفقار، ۵۵ هواپرد، ۲۳ نوهده، ۳۷ زرهی شیراز، تیپ ۳ از لشکر ۷۷ خراسان
سپاه : ۱۰۰ گردان شامل: تیپهای ۲۵ کربلا، ۸ نجف اشرف، ۱۴ امام حسین(ع)، ۳۱ عاشورا، ۲۱ امام رضا (ع)، ۳۷ نور، ۴۱ ثارالله، ۷ ولی عصر(عج)، ۲۷ محمد رسول الله(ص)، ۴۶ فجر، ۲۲ بدر خرمشهر، ۳۰ زرهی و تیپ بیت المقدس.

طرح مانور و عملیات :

- ۱- قرارگاه قدس بعنوان تک فرعی (محور شمالی) : مأمور تسخیر خاکریزهای دشمن در جنوب کرخه و تصرف سر پل و درگیر نگه داشتن دشمن
- ۲- قرارگاه فتح و محور میانی: مأمور عبور از کارون و تصرف سرپل در غرب این رودخانه و رسیدن به جاده اهواز - خرمشهر در خیز اول و ادامه تک به سمت مرز در خیز بعدی بود.
- ۳- قرارگاه نصر (محور جنوبی) : مأمور عبور از رودخانه کارون و تصرف و تأمین سرپل و انهدام دشمن و تصرف خرمشهر و مرز واحد مهندسی ارتش به همراه مهندسی سپاه و جهاد سازندگی مأمور نصب ۵ دستگاه پل بروی رودخانه کارون گردید که این پلها نصب و در همان شب ۴۰۰۰۰ نفر نیرو و دو هزار دستگاه تانک و نفربر و خودرو از آن عبور کردند. این عبور، نقش بسزایی در پیروزی عملیات داشت.

جمع	تعداد دستگاه ماشین آلات مهندسی			نام قرارگاه
	ارتش	سپاه	جهاد	
۸۵ دستگاه	۱۸	۲۲	۴۵	قرارگاه فتح
۴۸ دستگاه	۱۳	۱۸	۲۷	قرارگاه نصر
۵۹ دستگاه	۱۴	۲۲	۲۳	قرارگاه قدس



رزمندگان اسلام در حال عبور از یکی از پل‌های نصب شده

بر روی کارون در عملیات بیت المقدس

زمان عملیات: ساعت ۳ بامداد روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱

شرح عملیات:

مرحله اول عملیات : عملیات با رمز یا علی ابن ابیطالب شروع شد. قرار گاه قدس به علت هوشیاری دشمن از موفقیت کمی برخوردار شد و صبح نیروها به خط خودی برگشتند. قرارگاه فتح با پیشروی سریع نیروها و دسترسی آسان به جاده اهواز خرمشهر و استقرار در آن مرحله اول مأموریت خود را انجام داد ولی به علت عدم الحاق با قرارگاه نصر برای پدافند در آن دچار مشکل شد. موفقیت قرارگاه فتح غافلگیری دشمن در این منطقه را اثبات کرد.

قرارگاه نصر نیز با وجود پیشرویهای صورت گرفته به دلیل ناهماهنگی در پیشرویها و عوامل دیگر، درگیری به روز کشیده شد و یگانها موفق به تأمین اهداف خود نشدند.

دشمن در این مرحله با استفاده از شکافها و رخنه های موجود فشار زیاد و پاتک سنگینی را برای بازپس گیری مناطق اشغالی انجام داد که به غیر از چند مورد، موفق نشد. در روز اول رزمندگان اسلام علی رغم نداشتن آتش پشتیبانی (توپخانه و زرهی) و نفوذ تانکهای دشمن، شدیداً مقاومت کردند و از روز دوم تلاش خودی صرف ترمیم رخنه ها و نفوذ های دشمن شد. مقاومت گردان سلمان از تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی شهید حسین قجه ای در محور قرارگاه نصر حد فاصل ایستگاه گرمداشت یکی از مقاومتهای مثال زدنی این عملیات بود.



شهید حسین قجه ای

فرمانده گردان سلمان از لشکر ۲۷ محمد رسول الله ده در پایان مرحله اول عملیات بیت المقدس (۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۱) با مقاومت عاشورایی خود و یارانش و تقدیم جان عزیزشان، مانع از نفوذ دشمن به جاده آزاد شده ی اهواز خرمشهر (محدوده ایستگاه گرمداشت) شدند.



مناطق آزاد شده در مرحله اول عملیات بیت المقدس

مرحله دوم عملیات:

پس از یک هفته تثبیت دستاوردهای مرحله اول، مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ با ادامه تک به سمت مرز برای دسترسی بیشتر به عقبه های دشمن و تهدید بصره آغاز شد. با شروع مرحله دوم نیروهای قرارگاه فتح به سرعت به خط مرزی رسیدند ولی نیروهای قرارگاه نصر زیر فشار شدید دشمن نتوانستند به اهداف خود برسند که درگیری به روز کشیده شد. دشمن در شب نوزدهم اردیبهشت از شمال منطقه عملیات (محور قرارگاه قدس) عقب نشینی کرد و این قرارگاه صبح روز ۱۹ اردیبهشت اقدام به تعقیب دشمن و پیشروی نمودند لذا جاده اهواز خرمشهر آزاد شده و عقبه خاکی نیروهای خودی تأمین شد.

مرحله سوم عملیات

در این مرحله نیروهای خودی از نوار مرزی به سمت جنوب سرازیر شده ولی نتوانستند عقبه دشمن در شلمچه را مسدود

نمایند

و در سه کیلومتری شلمچه متوقف شدند.



منطقه آزاد شده در مرحله اول و

دوم عملیات بیت المقدس

مرحله چهارم:

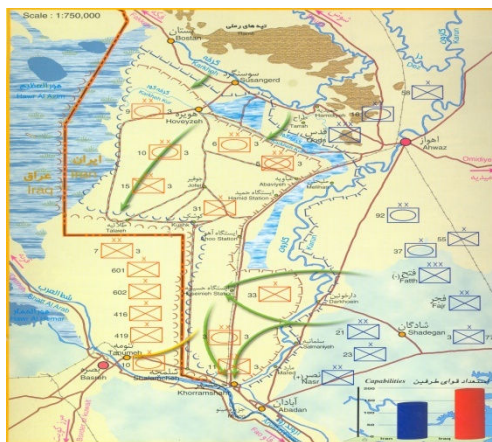
با انتقال قرارگاه فجر از منطقه فکه و سازماندهی جدید، مرحله چهارم با سه قرارگاه فجر، نصر و فتح به منظور محاصره کامل خرمشهر و تصرف آن آغاز شد. این مرحله در ساعت ۲۲:۲۵ روز دوم خرداد ۶۱ آغاز شد که نیروهای قرارگاه فتح به پلیس راه خرمشهر رسیدند و نیروهای قرارگاه فجر پل نو را تصرف و به سمت اروندرود پیشروی کردند و قرارگاه نصر نیز در امتداد مرز پیشروی و ضمن پاکسازی دشمن به سمت جنوب به نهرخین رسیدند و نهایتاً در سوم خرداد ۶۱ نیروهای خودی با در هم شکستن مقاومت دشمن در پل نو از دروازه های غربی (همانجایی که دشمن از آن وارد خرمشهر شده بود) وارد خرمشهر شده و آنرا آزاد نمودند.

نتیجه عملیات:

- ✓ آزادسازی شهر خرمشهر و ۵۴۰۰ کیلومترمربع از اراضی اشغالی کشورمان از دست نیروهای بعثی صدام
- ✓ خسارات دشمن شامل
 - کشته و زخمی: ۱۶۰۰۰ نفر
 - اسیر: ۱۹۰۰۰ نفر
 - انهدام تجهیزات: ۵۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو، دهها قبضه توپ، ۵۳ فروند هواپیما و ۳ فروند هلی کوپتر
 - غنیمت: ۱۰۵ دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی توپ، خودرو، ...
- ✓ اثرات سیاسی، تبلیغی و روانی: پیروزی رزمندگان اسلام در این عملیات باعث شکست استراتژی عراق در دسترسی به اهداف خود از جمله ((کسب امتیاز با تصرف سرزمین)) شد. در نتیجه عراق از سایر مناطق اشغالی غیرحساس ایران عقب نشینی کرد و حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع از نقاط سرکوب و حساس مرزی را همچنان در اشغال خود نگه داشت ولی اعلام کرد که در تمام خاک ایران عقب نشینی کرده است.



خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱



کشورهای بیگانه منطقه ای و فرمانطقه ای این عملیات را پیروزی ایران و ناکامی عراق در تحمیل جنگ نامیدند. برخی از این اظهارات عبارتند از :

روزنامه لوموند چاپ پاریس: "نبرد خرمشهر سرنوشت جنگ را تعیین خواهد کرد."

فاینشیل تایمز : " خرمشهر به منزله کلید پیروزی جنگ است و خرمشهر تنها سمبل واقعی پیروزی عراق و سمبل مقاومت است "

خبرگزاری آسوشیندپرس: " سقوط خرمشهر شکستی توهین آمیز و واقعی برای دولت صدام در جنگ ۲۰ ماهه است " روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۳/۶ به نقل از رادیو لندن: ((مقاومت ایران را در خرمشهر با مقاومت روسها در جنگ جهانی دوم در استالینگراد مقایسه کرده و خرمشهر را بعنوان استالینگراد عراق نام برد.))

روزنامه حریت چاپ آنکارا: ((با شکست سختی که بر عراقی ها در منطقه خرمشهر وارد آمد، پیروزی ایران در این جنگ قطعی شد.)) (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۱/۲/۲۰)

خبرگزاری فرانسه: نیروهای مسلح ایران (ارتش ، سپاه و بسیج) ثابت کردند که از یک انسجام بهت آور و غیر مترقبه برخوردارند. نیروهای بسیج که تجهیزات نظامی اندک ولی انگیزه های مذهبی عمیقی دارند عامل تعیین کننده ای را در پیروزی های اخیر ایرانیان تشکیل می دهند.

شبکه یک آلمان: «البته نه این که اسلحه های مدرن شاه بارسنگین این جنگ را بر عهده داشته اند بلکه بیشتر از همه، پاسداران انقلاب و بسیجیان که توسط پاسداران ، بسیار کم تعلیم دیده اند در این جنگ نقش دارند و در هفته های اخیر سنگرهای عراقی ها را تسخیر کرده اند.»

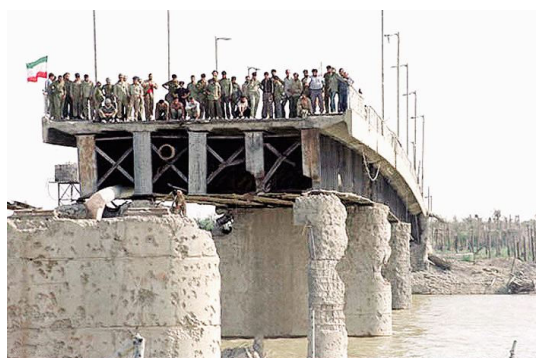
مجله آلمانی اشپیگل «روحیه شهادت طلبی و تعصب» و مجله پاکستانی مسلم «ایمان و قدرت روحی» را عامل پیروزی معرفی کرد.

مواضع آمریکا: امریکا ضمن ابراز نگرانی از پیروزیهای ایران در عملیات خرمشهر (بیت المقدس) ، ضمن ابراز مخالفت با تغییرات در خلیج فارس از طریق جنگ، صریحاً اظهار نمودند که این جنگ نباید با پیروزی یکی از طرفین (که در آن مقطع

ایران در پشت دروازه های پیروزی بود) به پایان برسد. در این راستا کاسپارواینبرگر، وزیر دفاع امریکا اعلام کرد که ((پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع امریکا نخواهد بود^۱))

لذا امریکا بصورت عملی وارد حمایت از صدام شد و با دیدار ماکس پری رئیس وقت CIA با ابراهیم بارزان التکریتی در اردن و ارائه عکسهای هوایی از مناطق عملیاتی و توجیه وی در مورد مقاصد بعدی ایران، عراق را در زیر چتر اطلاعاتی خود گرفت.^۲ آمریکا با ترغیب مصر برای کمک نظامی به عراق و کشورهای عرب به افزایش کمکهای مالی و سیاسی از عراق، موضع عراق را در جبهه ها تقویت نمود.

امریکا با افزایش تماس با کشورهای اسلامی ضرورت کنترل ایران را به آنها یادآور می شد و سعی در جلب حمایت قطعی آنها از عراق را داشت همچنین با لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق، برقراری روابط دیپلماتیک و ... گام بزرگی را برای نجات صدام برداشت. این اقدامات امریکا نتایج مهمی را در ایجاد برتری و موازنه به نفع عراق در پی داشت.



رزمندگان اسلام بر روی پل تخریب شده خرمشهر
بر روی رودخانه کارون پس از آزاد سازی خرمشهر

افزایش حمایت کشورهای میانه رو عرب از عراق

وضعیت سیاسی کشورها و حاکمیت با ابزار دیکتاتوری و سرکوب و جدا بودن از بدنه مردمی آنها را بیش از پیش وابسته به امریکا نموده بود، از طرفی پیروزی ایران را تهدیدی برای تهییج مردم کشورهای خود برای خیزش و انقلاب علیه خود می دیدند به نحویکه یک محقق و استاد دانشگاه کویت در سخنرانی خود این نگرانی را اینگونه عنوان کرد ((کویت در ابتدای جنگ بی طرف بود، اما پس از فتح خرمشهر توسط نیروهای ایرانی، عرب ها بر خود لرزیدند و بی صبرانه به حمایت از صدام حسین برخاستند.))

متعاقب تلاشهای امریکا اتحاد و همسویی بین کشورهای عرب منطقه برای حمایت از صدام افزایش یافت و به یک تصمیم قطعی و استراتژیک تبدیل شد. برخی از این حمایتها در فصل ده مورد اشاره قرار گرفته است.

در این اوضاع که تلاش امریکا برای ایجاد اجماع کشورهای عربی علیه ایران ادامه داشت سوریه و لیبی همچنان به حمایت از مواضع ایران ادامه دادند و این شکاف در جهان عرب بسیار به موضع ایران برای تضعیف اقدامات اعراب کمک کرد.

^۱ تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق جلد ۲ ص ۲۴۱

^۲ کسوف نوشته ماکس پری ص

تعقیب و تنبیه متجاوز(ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر)

-بعد از عملیات غرور آفرین بیت المقدس و آزادسازی مناطق اشغالی استان خوزستان از دست دشمن، تغییراتی در صحنه سیاسی و نظامی در سطح منطقه و جهان اتفاق افتاد که بر روند ادامه جنگ تأثیر گذاشت.

الف- تغییرات نظامی

۱-الف- جبهه دشمن:

دشمن پس از شکست در عملیات بیت المقدس نسبت به تجزیه و تحلیل و بررسی نقاط قوت و ضعف خود اقدام نمود و نتایجی را استنتاج کرد. که البته کمک امریکاییها بصورت مشهود در این تجزیه تحلیل و نتیجه گیری بسیار مؤثر بود. ((اطلاعات آنها در این زمینه (صدام) حسین را تکان داد. چه این اطلاعات به صورتی شگفت انگیز مشروح و دقیق بود تا جایی که (صدام) حسین با دریافت آنها شوکه شد، به نظر می رسید ایالات متحده امریکا درباره جزئیات میدانهای جنگ و همچنین آنچه که در داخل کشور عراق می گذرد، بیش از خود صدام اطلاعات دارد.....^(۱)))

عراق با بهره برداری از اطلاعات امریکاییها و سایر کشورهای هم پیمان خود این نتایج را در مدیریت میدانی جنگ به شرح ذیل اعمال نمود.

۱- تغییر استراتژی نظامی از جنگ در سرزمینهای ایران به دفاع در سرزمینهای عراق پس از ناامیدی قطعی از دسترسی به اهداف اولیه جنگ ، صدام در سخنرانی درجلسه فرماندهان نظامی ارتش عراق می گوید: ((برخی از نیروهای ما برای جنگیدن در خاک ایران انگیزه کمتری داشتند.))^(۲)

۲- تغییر برخی مدیران و فرماندهان جنگ و تصفیه آنها و عزل و نصبهای جدید. صدام در این راستا برخی از فرماندهان را به جرم جنایت و شکست ، اعدام و زندانی نمود و برخی دیگر را بجای آنها منصوب کرد.

((در ماه ژوئن ۱۹۸۲ (صدام) حسین دست به یک تصفیه عمومی در رژیم خود زد و تعدادی از وزرای کابینه و مقامات عالیرتبه را برکنار کرد و بجای چابلسیها و متملق ها، کارشناسان اقتصادی و نظامی را گماشت. او هم چنین تعدادی از فرماندهان نظامی را معلق ساخت.^(۳)))

۳- عقب نشینی از بخشهایی از سرزمینهای اشغالی ایران (مثل قصرشیرین، سرپل ذهاب و ...) و در اشغال نگه داشتن نقاط سرکوب مرزی و ترمیم خطوط دفاعی. حضور پراکنده و غیرخطی نیروهای عراق در خاک ایران که موجب طولانی شدن خطوط پشتیبانی، افزایش نیروی موردنیاز برای پدافند و بی انگیزگی نیروهای عراقی برای دفاع شده بود باعث اتخاذ این تصمیم بود.((او (صدام) دستور داد غالب نیروهایش دست به یک عقب نشینی استراتژیک از پاره ای نقاط ایران بزنند تا

خطوط دفاعی بصره را از این طریق تقویت کرده قابل اعتماد سازد. از آن تاریخ به بعد عراق در داخل خاک خود دست به یک جنگ دفاعی زد.)

۴- تمرکز ۲/۳ ارتش عراق در شرق بصره برای دفاع از این شهر. نیروهای صدام با توجه به گزارش اطلاعات امریکا در تمرکز نیروهای ایرانی برای حمله به بصره و اعلام سمت تهدید از سوی بصره موجب توجه صدام به این منطقه و تقویت نیروهای عراق در این نقطه شد.

هاروارد تیچر کارشناس شورای امنیت ملی کاخ سفید در دولت ریگان از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ در وصف حمایت امریکا از عراق می گوید: سیا در سال ۱۹۸۲ در جنگ ایران و عراق، محرمانه عراق را با نیزه نیرومندی که از لحاظ اطلاعاتی ارزش فراوان داشت مسلح کرد. ... از طریق عربستان سعودی و اردن، برای عراق اطلاعاتی فرستادیم تا سازمان اطلاعاتی خود را بر اساس آن بر پا کند ما به عراقی ها اطلاعات ماهواره ای و الکترونیکی دادیم که در واقع برایشان گنجی بود. امریکا برای صدام حسین کاری کرد که تا آن روز حتی برای هیچ یک از نزدیک ترین متحدان خود نکرده بود. (کسوف، ۷۱۰)

((در طول تعرضات مکرر ایران در تابستان سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)، نیروهای عراقی توانستند حملات زمینی متمرکز ایرانی ها را که پیروزی آن بغداد را در خطر فاجعه قرار می داد، عقب بزنند. خطرناکترین این حملات، واحدهای سپاه پاسداران را تا ۸ کیلومتری بصره پیش آورد و این حمله درست در سر راه بصره به بغداد انجام شده بود.))

۵- بکارگیری مهندسی در سطح وسیع برای مسلح کردن زمین برای پدافند به ویژه در شرق بصره (با احداث کانالها، دژها، خاکریزها، سنگرهای مثلثی، میادین مین، سیمهای خاردار و ...)

۶- استفاده وسیع از نیروهای مردمی یا جیش الشعبی در قالب تیپها (این تیپها چون از سه شماره برخوردار بودند به تیپهای سه رقمی مشهور شدند). و بکارگیری آنها در خطوط مقدم و نگه داشتن یگانهای اصلی ارتش عراق در احتیاط از آنجائیکه در هجوم اولیه رزمندگان اسلام با ایثار و شجاعت این رزمندگان نیروهای در خط عراق آسیب می دیدند. لذا عراق برای پاتک از وجود آنها محروم می شد و در تاکتیک جدید نیروهای کم ارزش جیش الشعبی در خط قرار گرفتند تا پس از مواجهه و درگیری با رزمندگان اسلام، یگانهای اصلی ارتش عراق با آمادگی، بعنوان احتیاط وارد عمل شده و مناطق متصرفه را از نیروهای ایرانی بازپس بگیرند که این روند تا آخر جنگ تقریباً با موفقیت ادامه پیدا کرد.

۷- پرهیز از پیشروی در حمله و درگیری با نیروهای ایران. مواضع جدید نیروهای عراق ایجاب می کرد که در سنگرهای مستحکم منتظر تهاجم نیروهای ایرانی بمانند تا تلفات و آسیب آنها کاهش یابد.

۸- انجام پاتک بعد بلافاصله پس از عملیات نیروهای ایرانی با هدف جلوگیری از استقرار، توسعه سرپل و الحاق یگانهای ایرانی. در این تاکتیک معمولاً نیروهای ما در عملیات شبانه در مواضع دشمن نفوذ می کردند ولی با طلوع آفتاب و قابلیت کاربردی شدن نقطه قوت عراق که آتش توپخانه و زرهی بود، عراق با پاتک یگانهای تازه نفس مانع جاگیری و اتخاذ مواضع مناسب توسط رزمندگان اسلام شده و آنها را به عقب می راند.

^۱ ویلیام کیسی، ۱۳۷۳، ۷۱۱

- ۹- توقف اعلام تلفات جنگ. به منظور جلوگیری از کاهش روحیه ارتش و مردم عراق و بهره برداری ایران از این آمار اعلام آن متوقف شد.
- ۱۰- بازسازی سریع یگانها. یگانهایی که در تهاجم رزمندگان اسلام دچار آسیب می شد و نفرات آن کشته یا زخمی یا اسیر می شدند و یا تجهیزات آن منهدم می شد بلافاصله بازسازی، تأمین و جایگزین شده و یگان آماده انجام مأموریت می شد.
- ۱۱- ارتقاء آموزش. یکی از ضعفهای ارتش عراق در مواجهه با تاکتیکهای رزمندگان اسلام در دو سال اول جنگ، سطح پائین آموزش آنها بود که عراق در برنامه ریزی جدید اقدام به رفع این نقص نمود.
- ۱۲- خرید تسلیحات پیشرفته. این اقدام عراق با همکاری جامعه حامیان این کشور در منطقه و دنیا صورت گرفت. شبکه عظیمی از دلالان و معامله گران سلاحهای مختلف به ویژه غربی مسیر تسلیحات فوق را به سوی عراق باز کردند. این مسیر که یکسال قبل از شروع جنگ از فرانسه و با واگذاری هواپیماهای میراژ شروع شده بود اکنون با ورود مصر به جهان عرب و واگذاری تسلیحات شرقی بصره به عراق (که در حال عبور به تجهیزات و تسلیحات غربی بود) و همینطور امریکا، اروپا، امریکای جنوبی و پشتیبانی مالی کشورهای عرب منطقه، ادامه یافت.
- ۱۳- تسلیح عراق به سلاحهای پیشرفته در ادامه جنگ روند فزاینده ای به خود گرفت که در این بین تسلیح عراق و تجهیز آن به تکنولوژی تولید سلاحهای شیمیایی اثر به سزایی در روند جنگ و پایان آن داشت که به صورت مجزا به آن اشاره خواهد شد.
- ۲- الف- جبهه ایران
- ۱- حضرت امام (ره) در فرمایشاتی که به مناسبت فتح خرمشهر منتشر شد فرمودند: ((خرمشهر را خدا آزاد کرد)) و این ادامه مسیر و پیروزی رزمندگان را نمایان کرد که امید به نصرت الهی بود.
- ۲- پس از آزادی خرمشهر با توجه به آسیب دیدن اکثر یگانهای عمل کننده در طی ۲۵ روز عملیات مداوم بیت المقدس یگانهای نظامی ایران مشغول بازسازی شدند.
- ۳- زمزمه های مختلف در خصوص نحوه ادامه جنگ آشکار شد و عده ای از مسئولان به صراحت از خاتمه جنگ صحبت نمودند.
- ۴- چهار عملیات موفق ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و متعاقب آن فتح خرمشهر باعث ایجاد یک اطمینان بیش از حد و به تعبیر شهید صیاد شیرازی ((غرور پیروزی^۱)) گردید، این امر باعث شد که وحدت بین نیروهای مسلح کم رنگ تر شده و تعصب سازمانی کم کم ظاهر گردد.
- ۵- فرماندهان و برخی مسئولان سیاسی برای ادامه جنگ و کسب امتیاز از عراق و احصاء حقوق کشور درخواست اجازه ورود به خاک عراق را می نمایند. که حضرت امام ابتدا مخالفت می نمایند.
- بعد از فتح خرمشهر در بحث خاتمه جنگ سه راهکار متصور بود:

^۱ علی صیاد شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۲۴

۱) سقوط صدام و پیروزی قطعی جمهوری اسلامی، ۲) عبور از مرز و تصرف مناطق تعیین کننده در سرنوشت جنگ و فشار به صدام و قبولاندن خواسته‌ها (تعیین متجاوز، به رسمیت شناختن مرزها، پرداخت خسارات جنگی و تضمین عدم تجاوز)، ۳) احساس خطر حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی صدام و پذیرش حداقل خواسته‌های ایران (که این نیز مستلزم فشار نظامی و عبور از مرز بود). در این راستا پس از برگزاری دو جلسه بین مسئولان سیاسی و متقاعد نشدن امام (ره) - فرماندهان نظامی (شهید صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش و محسن رضایی فرمانده وقت سپاه) از جبهه فراخوانده شد و پس از ارائه گزارش و دلایل در طی جلسه ای در محضر امام (ره) ایشان با توجه به استنادات کارشناسان نظامی و سیاسی با ورود به خاک عراق موافقت می نمایند.

استنباط کارشناسان نظامی این بود که برای دفاع از خرمشهر و جنوب خوزستان یا باید استحکامات دفاعی در مرز با عراق ساخته شود که حداقل یکسال وقت لازم دارد یا اینکه با حمله به شرق بصره و تصرف کرانه شرقی شط العرب رودخانه دجله بعنوان یک مانع طبیعی از آن استفاده کرده و از خوزستان دفاع نمود و به عنوان یک برگ برنده دشمن را وادار به دادن امتیازات سیاسی نمود تا جنگ خاتمه یابد.

حضرت امام(ره) به دلایل ذیل مخالفت ورود به خاک عراق بودند.

✓ ورود به خاک عراق باعث مخالفت نهادهای و سازمانهای بین المللی با ایران شده و اجماع طرفداران عراق را برای مخالفت با ایران و تحت فشار قرار دادن ما بیشتر و قوی تر می کند.

✓ ورود به عراق باعث ایجاد حساسیت و تحریک بیشتر کشورهای عرب همسایه شده و همسویی بیشتر این کشورها با عراق را در پی خواهد داشت.

✓ با کشیده شدن جنگ به داخل خاک عراق مردم این کشور آسیب می بینند که این بر خلاف میل و نظر جمهوری اسلامی ایران است.

✓ با آسیب دیدن مردم عراق و اشغال سرزمینشان، مردم عراق در مخالفت با اشغالگری به حمایت از صدام ترغیب می شدند.

✓ فقدان دورنمای روشن برای اتمام جنگ در صورت ورود به خاک عراق که در شرایط جدید اتمام جنگ دشوار خواهد بود.

راهکار نظامی ایران در تعقیب و تنبیه متجاوز:

➤ - تثبیت مواضع دفاعی فعلی (شهر خرمشهر و جنوب استان خوزستان)

دستاوردهای عملیاتیهای رزمندگان اسلام در مرحله دفع تجاوز باعث رسیدن به مرز در استان خوزستان شد.(البته به جزء مناطق محدود ولی حساس مثل فکه که دشمن در داخل خاک ما و به پشت تپه های رملی چسبیده و ما برای دفاع بایست به پشت رملها حداقل ۱۰ کیلومتری عمق خاک خودمان می رفتیم که همین نکته از مشکلات ما در عملیات والفجر مقدماتی و از عوامل ناکامی آن بود). تثبیت این دستاوردها مستلزم تحکیم خطوط دفاعی ایران بود بعنوان مثال برای دفاع از خرمشهر در مقابل هجوم احتمالی عراق و دور کردن آتش توپخانه آن باید استحکامات مرزی در طلائی، زید و شلمچه ایجاد می کردیم که

ایجاد این استحکامات حداقل یکسال وقت نیاز داشت که ما از داشتن چنین وقتی محروم بودیم و یا اینکه کرانه شرقی شط العرب و دجله را تصرف می کردیم و در پشت رودخانه های مذکور پدافند می کردیم که آن هم مستلزم ورود به خاک عراق بود.

➤ - تعقیب متجاوز : این امر نیز مستلزم تهاجم به نیروهای دشمن و ندادن مهلت بازسازی و ایجاد مواضع پدافندی مستحکم به دشمن ممکن بود. چنانکه بعداً نیز مشاهده شد دشمن از فرصت توجه ایران به اشغال لبنان و اعزام نیرو به سوریه استفاده کرد و استحکامات شرق بصره از جمله سنگرهای مثلثی مشهور را ایجاد نمود که موجب ناکامی ایران در عملیات رمضان شد.

➤ - استفاده از فشار نظامی برای متقاعد کردن دشمن و هم پیمانان او برای پذیرش حقوق ایران که این امر اگرچه دیر ولی در سال ۶۶ با تصویب قطعنامه ۵۹۸ به ثمر رسید.

اعزام نیرو به سوریه.

اگرچه این رویداد خود جای بحث فراوان دارد ولی به لحاظ تأثیرگذاری آن در روند ادامه جنگ به طور مختصر به آن پرداخته می شود.

صدام به منظور تأثیرگذاری بر روند جنگ و کاستن فشار ایران در جبهه ها و تجزیه قوای ایران با اطلاعاتی که از علاقه ایران به حمایت از مسلمانان به ویژه شیعیان در مقابل اسرائیل داشت از طریق نفوذی که در بین چریکهای فلسطینی (گروه ابو نضال) داشت تصمیم به ترور سفیر اسرائیل در انگلیس گرفت. روز پنج شنبه سوم ژوئن ۱۹۸۲ (سیزده خرداد ۱۳۶۱) یک مرد مسلح فلسطینی، شولومو آرگوف سفیر اسرائیل در انگلیس را در پله های هتل دورچسترلندن به گلوله بست . پلیس لندن در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که تفنگ ضارب فلسطینی را یک افسر اطلاعات سفارت عراق در لندن به او داده است.

پس از این اقدام اسرائیل با کشف مرکز این تصمیم گیری که یک گروه فلسطینی وابسته به ابونضال (که تحت حمایت رژیم صدام در عراق مستقر بود) به بهانه از بین بردن پایگاههای چریکهای فلسطینی در جنوب لبنان، روز پنجم ژوئن (۱۵ خرداد ۶۱) به این کشور حمله کرده و با اشغال جنوب لبنان و مناطق شیعه نشین بیروت پایتخت لبنان را محاصره و سپس اشغال نمود.. صدام طی خطابه ای عمومی، از ایران خواست تا آتش بس با عراق را بپذیرد و نیروهای مشترک ایران و عراق در جهاد با اسرائیل به یکدیگر ملحق شدند.

واکنش طبیعی ایران به این حادثه حمایت از لبنان و در کنار آن سوریه بود که پس از جلسه شورای عالی دفاع قرار می شود در پاسخ به استمداد سوریه، دو گردان از نیروهای مسلح (یک گردان از سپاه و یک گردان از ارتش) به سوریه اعزام شوند که این نیروها تحت عنوان قوای محمد رسول الله به سوریه اعزام می شوند. (اولین گروه روز شنبه بیست و یکم خرداد ۱۳۶۱ با یک فروند جمبو جت ۷۴۷ نیروی هوایی آجا وارد فرودگاه دمشق شد.) که تا اینجا دقیقاً در راستای منافع صدام حوادث پیش می رود ولی به محض گزارش به امام خمینی (ره) ایشان مخالفت نمودند.

شهید صیادشیرازی می گوید^۱: ((رفتیم سراغ حضرت امام گزارش بدهیم که در آن جا چه کرده ایم و باید چه بکنیم، حضرت امام به گزارش گوش دادند و بعد یکبارہ فرمودند:

این نیروهایی که بردید آن جا، اگر خون از دماغشان بیاید من مسئولیتش را قبول نمی کنم، بگویید سریع برگردند.)) حضرت امام با اعلام استراتژی ((راه قدس از کربلا می گذرد)) ضمن هوشیارسازی فرماندهان و مسئولان این توطئه صدام و حامیانش را عقیم می گذارد و نیروها بلافاصله به تهران برگردانده می شوند. این نیروها در طی روز دهم و یازدهم تیرماه به تهران مراجعت می نمایند.

این فاصله زمانی یک ماهه فرصتی طلایی به صدام داد تا در کنار سایر اقدامات خود موضع دفاعی شرق بصره را تقویت نموده و سرنوشت عملیات های بعدی (از جمله رمضان) را تغییر دهد.

پس از مراجعت نیروهای اعزامی به سوریه شهید احمد متوسلیان که در سوریه باقی مانده بودند به همراه سید محسن موسوی کردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، کاظم اخوان (عکاس) و تقی رستگار راننده سفارت در حین مراجعت از پادگان زبدانی سوریه به سفارت ایران در لبنان که در محاصره نیروهای فالانژ و اسرائیلی قرار گرفته بود، در ساعت ۱۲ ظهر روز چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱ در ایستگاه بازرسی نیروهای فالانژ در "برباره" به اسارت این نیروها در آمدند و تاکنون هیچ اطلاعی از سرنوشت آن ها در دست نیست.



جاویدا لاثر احمد متوسلیان

مجموعه این اقدامات و باتکلیفی در ایران در خصوص ادامه جنگ و اعزام نیرو به سوریه باعث فرصت یافتن دشمن در تجهیز و تسلیح زمین، ترمیم خطوط دفاعی و کسب حمایت های داخلی و منطقه ای و بین المللی و همچنین عدم آمادگی کافی نیروهای مسلح ما در عملیات بعدی (رمضان) که مثل عملیات های گذشته، شناسایی دقیق از مواضع دشمن صورت نگرفت و در نتیجه صحنه جنگ به یک رکود ضمنی بازگشت.

ب - تحولات سیاسی :

الف - جبهه حامیان عراق : پس از پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات بیت المقدس و در معرض سقوط قرار گرفتن صدام، تحولات مختلفی در عرصه سیاسی در سطح منطقه و بین الملل اتفاق افتاد.

^۱ علی صیاد شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۱۷

✓ امریکا و بلوک غرب: امریکائیه با احساس خطر از پیروزی ایران در منطقه و گسترش موج اسلام خواهی در بین مردم و به خطر افتادن حکومت های وابسته به غرب و خاورمیانه رویکرد خود را در حمایت از صدام با اقدامات ذیل شدت بخشیدند.^۱

۱- ارتباط و حمایت اطلاعاتی کامل از صدام

۲- برقرار رابطه سیاسی و مبادله سفیر (نزار حمدون سفیر عراق در امریکا شد) با عراق و برداشتن موانع بازرگانی و اعطای وام به عراق

۳- محاصره تسلیحاتی ایران با عملیات استانچ (STUNCH)

۴- ایجاد اجماع در بین کشورهای منطقه در حمایت از صدام به ویژه زمینه سازی و وارد کردن مجدد مصر به جهان عرب
۵- عدم مخالفت با توسعه رابطه کشورهای همپیمانان غرب با عراق و ایجاد همسویی در آنها برای حمایت از صدام، شوروی: روسها که تا آن زمان سیاست بی طرفی را در جنگ ایران و عراق در پیش گرفته بودند امیدوار بودند عدم همراهی ظاهری با عراق از یک طرف و فشار جنگ به ایران از طرفی دیگر باعث چرخش ایران به سمت روسیه شود، و از طرفی اعلام موضع مخالف ایران با اشغال افغانستان از سوی شوروی باعث گرایش صریح شوروی به حمایت از عراق با ارسال تجهیزات و امکانات نظامی و حمایت های نظامی شد. شوروی با ورود ایران به خاک عراق مخالفت نمود.

• کشورهای خاورمیانه و عرب: این کشورها به دلایل مختلف و تلاش امریکا برای ایجاد همسویی بین آنها در حمایت از عراق در قالب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و مصر و اردن به حمایت از عراق برخاستند این کشورها پس از زمینه سازی و بازگشت مصر به جهان عرب (که پس از سازش کمپ دیوید، از اتحادیه عرب اخراج شده بود) از پتانسیل نظامی و انسانی این کشور برای حمایت از عراق استفاده نمودند. سرازیر شدن منابع مالی اعراب منطقه به جیب صدام، موجب تقویت وی و مانع از سقوط او شد.

• در مجموع صدام با بهره بردای از همسویی ایجادشده بین منافع خود و منافع کشورهای منطقه و نظام سلطه بر عدم پیروزی ایران در جنگ ضمن پدافند در زمین در سایر جبهه ها (دیپلماسی، اقتصادی و ...) اقدام به آفند همه جانبه نمود و با مظلوم نمایی خود افکار عمومی منطقه و جهان را به نحو موثری بر علیه ایران تحریک و ایران را متهم به جنگ افروزی و جنگ طلبی نمود.

۲- ب- جبهه ایران:

تحولات سیاسی در جبهه ایران در کنار فراغت از اعزام نیرو به سوریه و اتخاذ موضوع صریح امام در استراتژی ((راه قدس از کربلا می گذرد)) وارد فضای جدیدی گردید. گروه ها و احزاب مخالف نظام که داخل کشور فعالیت می کردند در شرایط روانی که در آن قرار داشتند ضمن استقبال از فتح خرمشهر در ادامه جنگ موضع انفعالی اتخاذ نمودند و در آن فاصله کوتاه هیچ

^۱ ماکس پری ۱۳۷۳، ۷۱۲

یک موضع صریحی نگرفتند. نهضت آزادی در اسفندماه سال ۱۳۶۱ در کنگره پنجم به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر اعتراض کرد.

- حزب توده با تکیه بر منابع اطلاعاتی شوروی صدام را در حال سقوط ارزیابی کرده و خواستار حزب بعث بدون صدام بود.
- در عرصه سیاست خارجی با توجه به اجماع بین المللی برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ با حمایت از صدام ، عرصه بر سیاست خارجی کشورمان تنگ شده و مسئولان دیپلماسی کشور در حالت دفاعی و پدافندی موضع کشور را جوامع بین المللی پیگیری می نمودند.

در شرایط حادث شده در سطح منطقه و جهان و عزم و اراده واضح نظام سلطه در حمایت از صدام تنها راه احقاق حق ایران پافشاری بر تنها امتیاز خود در عرصه نظامی و برتری نظامی بود.

اشکالات مطرح شده بر این راهکار (ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر) عبارتند از:

- ۱- ایران به پیشنهاد صلح بی توجه بود و از مذاکره برای پایان جنگ امتناع کرد.
- ۲- امام مخالف ادامه جنگ بود ولی این موضوع (ادامه جنگ) را مسئولان سیاسی و نظامی به امام تحمیل کردند.
- ۳- ارزیابی مناسب از اوضاع و مشکلات ناشی از طولانی شدن جنگ وجود نداشت.
- ۴- به پیامدهای جنگ در خاک عراق و مشکلات ناشی از طولانی شدن جنگ بی توجهی صورت گرفت.
- ۵- جنگ با استفاده از فرصت متکی بر موقعیت ممتاز نظامی و سیاسی ایران پایان داده نشد.

در بررسی سوالات فوق، پاسخ برخی از آن ها و علل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. در نقد این نگاه که حضرت امام (ره) مخالف ادامه جنگ بودند باید گفت که حضرت امام (ره) در هیچ سندی یا سخنرانی یا مکتوبی با ادامه جنگ مخالفت ننموده اند، بلکه امام با ورود به خاک عراق مخالف بودند و با ادامه جنگ در مناطق اشغالی ایران که هنوز در تصرف نیروهای صدام بود هیچ مخالفتی نداشتند علت مخالفت امام با ورود به خاک عراق نیز مورد اشاره قرار گرفت پس از ارائه دلایل توسط مسئولان سیاسی و نظامی، امام (ره) متقاعد شدند که ما برای احقاق حقوق خودمان (شناسایی متجاوز، تعیین و دریافت خسارات جنگی، تضمین عدم تجاوز، عقب نشینی کامل عراق به خطوط مرزی و به رسمیت شناختن) هیچ راهی جز فشار نظامی نداریم زیرا تنها اهرم فشار ما، برگ برنده "برتری نظامی" در جبهه بود و در عرصه سیاسی نظام سلطه و قدرتهای شرق و غرب و همراهی سران کشورهای منطقه با آنها وبا هژمونی و تسلط بر مجاری دیپلماتیک جهان هیچ رویکردی را نسبت به اتمام جنگ و اعاده حقوق حقه ایران از خودشان نشان نمی دادند. لذا امام (ره) ورود به خاک عراق برای وادار کردن رژیم صدام و حامیانش را به پذیرش خواسته های ایران، پذیرفتند .

در بررسی آینده جنگ با توجه برتری نظامی وقت ایران پس از عملیات "بیت المقدس" ، پیروزی ایران در فتح بصره از دید کارشناسان نظامی در یک قدمی بود و البته اگر اتحاد نظام سلطه (تزریق دلارهای نفتی اعراب منطقه، حمایت بی شائبه اطلاعاتی و تجهیزاتی آمریکا و همپیمانانش و شوروی) در مقابل انقلاب اسلامی نبود تحولات جبهه به سوی ناکامی عملیات

رمضان حرکت نمی کرد و با توجه به موفقیت اولیه عملیات رمضان حداقل شرق بصره در اختیار ایران قرار می گرفت. لذا چنین همسویی همه دنیای کفر با صدام در مقابل انقلاب اسلامی در آن مقطع قابل تصور نبود، در نتیجه طولانی شدن جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت ۶ سال نیز معلول همین حوادث و اتحاد همه جانبه و بی دریغ دنیای کفر و الحاد با صدام بود.

روشهای خاتمه جنگ

در مقطع زمانی پس از فتح خرمشهر از مجموع پیشنهادها (رسمی و غیر رسمی که از مجاری دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک) به ایران داده شد و آنچه که براساس آن وضعیت جنگی بین دو کشور خاتمه می یافت شامل موارد زیر است :

۱- آتش بس :

آتش بس عبارت است از وضعیتی که دو نیروی متخاصم فقط اجرای آتش (تیر اندازی با هر سلاح سبک و سنگین) را به سوی همدیگر متوقف می نماید، سایر وضعیت های جنگی بین دو طرف در این وضعیت مثل مواضع دفاعی، آرایش جنگی و ... حفظ می شود. این وضعیت را اصطلاحاً نه جنگ و نه صلح نیز می گویند. زیرا بسیار شکننده بوده و هر آن احتمال شروع درگیری و یک جنگ تمام عیار بین طرفین وجود دارد. مثل وضعیت بین سوریه و اسرائیل که چندین بار تبدیل به جنگ شده است. لذا وضعیت آتش بس بدون حل ریشه ای اختلافات مخاطرات یک جنگ تمام عیار را در هر لحظه دارد.

۲- ترک مخاصمه:

در این وضعیت نیروهای طرفین "حالت جنگی" را ترک می نمایند و در وضعیت غیر جنگی قرار می گیرند در این حالت نیز چون اختلافات طرفین حل نشده است سرعت قابل برگشت به وضعیت جنگی است.

۱- صلح: در این وضعیت ریشه های اختلافی طرفین با توافق یا اجبار مورد حل و فصل قرار گرفته، حقوق طرفین به صورت دقیق مشخص شده و احتمال وقوع جنگ و درگیری در آینده از بین رفته یا کاهش می یابد.

علل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

با توجه به راههای خاتمه جنگ که بصورت مختصر مورد اشاره قرار گرفت و جریان سیاسی مخالف انقلاب اسلامی حاکم بر نظام بین الملل اعم از قدرتهای آنروز در شرق و غرب که به هیچ وجه حاضر به تسلیم شدن در مقابل خواسته های برحق ایران نبودند تنها گزینه مقابل ایران فشار بر صدام و حامیان او قبول خواسته های ایران بود. عمده این دلایل عبارتند از :

۱- اصرار قدرتهای بین المللی برای ادامه جنگ:

هنری کسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا این نیت خود را در قالب جمله زیر بیان می کنند "این جنگ (ایران و عراق) نباید هیچ برنده ای داشته باشد." این نکته وقتی گفته می شود که ایران در آستانه پیروزی بعد از فتح خرمشهر و پشت دروازه های بصره قرار داشت لذا کاملاً واضح است که معنی آن عدم پذیرش پیروزی ایران است و اگر ایران بر پیروزی اصرار نماید

قطعا آمریکا و همپیمانانش در مقابل آن خواهند ایستاد و البته بدون پیروزی نیز آنها حقوق ایران را نمی پذیرفتند و ایران ناچار بود برای دستیابی به حقوق حقه خود به پیروزی بیایندیشد. لذا قطعنامه ۵۱۴ ، (۱۳۶۱/۴/۲۱) شورای امنیت نیز به نحوی تنظیم شده بود که پیروزی ایران را تایید یا تضمین ننماید.

وزیر خارجه وقت امریکا در اسفند ۱۳۶۴: "نفع امریکا در جلوگیری از سقوط دول مقتدر عرب است که آنهم مستلزم عقیم گذاشتن ایران است. اما از طرفی ایران ضعیف نیز به نفع شوروی خواهد بود. ایران محور طبیعی برای اهداف شوروی در پیش روی به سوی اقیانوس هند است. غرب باید از شکست عراق جلوگیری کند. اما نه به نحوی که ایران از هم بپاشد. ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال میکند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت."

روزنامه کیهان ۶۳/۱۱/۱۷ به نقل از روزنامه واشنگتن پست.

عزت الله سبحانی از عناصر فعال نهضت آزادی که از مخالفان ادامه جنگ بود در سال ۶۲ پس از دیدار آقای رفسنجانی می گوید: "تحلیل من این است اگر عراق هم عقب می نشست، با حمایت خارجی آنها نمی گذاشتند جنگ تمام شود، دنیا صدام را تهییج می کرد تا جنگ را تمام نکند."

نظام سلطه با احساس تهدید از سوی انقلاب اسلامی و الگو قرار گرفتن آن از سوی ملت‌های منطقه و در نتیجه خارج شدن منابع انرژی و نقاط استراتژیک دنیا (خاورمیانه) از زیر سلطه آنها، به دنبال حفظ جنگ، تضعیف یا ساقط نمودن ایران و یا حداقل سرگرم کردن آن به جنگ با صدام بودند و این بهترین روش تامین منافع آنها در منطقه و وابستگی هر چه بیشتر کشور های منطقه به نظام سلطه بویژه آمریکا و غرب در نتیجه ترس از انقلاب اسلامی ایران بود. سیاستی که سالهای پس از جنگ نیز توسط غرب تحت عنوان "ایران هراسی" پیگیری شد.

۲- حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع از مناطق حساس و سرکوب مرزی پس از عقب نشینی سراسری عراق همچنان در اشغال نیروی صدام بود.

تبلیغات وسیع عراق مبنی بر عقب نشینی از خاک ایران پس از فتح خرمشهر یک عوام فریبی بیش نبود زیرا مناطقی که ارتش عراق از آن عقب نشینی نمود عمدتاً مناطق غیر قابل دفاع یا پرهزینه برای دفاع بود که با عقب نشینی از آن ضمن ترمیم خطوط پدافندی خود، در نقاط سرکوب مستقر شده و تا کیلومتر ها داخل خاک ایران را در دید و تیر خود نگه داشت. برخی از این مناطق تا آخر جنگ و حتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز در اشغال عراق بود که در عقب نشینی مرداد ماه ۱۳۶۹ از آنها عقب نشست.

۳- هیچ پیشنهاد صلح جامعی از سوی هیچ مرجع رسمی منطقه ای یا بین المللی و یا حتی طرف عراقی به ایران صورت نگرفت. در قطعنامه های سازمان ملل که تا آن موقع صادر شد (۴۷۹، ۵۱۴، ۵۲۲، ...) هیچ یک از خواسته های ایران طرح و یا تأمین نشد

فقط در آنها به عدم بکارگیری زور و خشونت و آتش بس اشاره شده بود. لذا سند قابل اعتماد رسمی صلح، که براساس آن ایران با طرف عراقی به مذاکره نشسته یا اقدام به صلح نماید به ایران ارائه نشد.

۴- هیچ تضمینی از سوی هیچ کشوری (عراق یا همپیمانانش) مبنی بر عدم تجاوز مجدد به ایران و به رسمیت شناختن امنیت ملی ایران داده نشد. این یکی از خواسته های مشروع ایران بود که پس از تعیین تکلیف سایر اختلافات به ایران تضمین داده شود که مجدداً مورد تجاوز، حمله و تهدید قرار نخواهد گرفت. تجاوز عراق به کویت پس از خاتمه جنگ ایران نشان داد که نظر حضرت امام (ره) مبنی بر عدم اعتماد به صدام کاملاً صحیح بوده است.

۵- موازنه پدافندی در جنوب برقراری نشده بود. عملیات رمضان که بعد از فتح خرمشهر انجام شد بیش از آنکه شهر بصره را تهدید نماید در صورت موفقیت، ابتدا تحکیم و ترمیم خطوط پدافندی ایران در دفاع از خرمشهر بود لذا ایران تلاش می کرد آتش توپخانه عراق را از شهرهای مرزی آبادن و خرمشهر دور نماید.

شهرهای آبادان و خرمشهر که مهمترین شهرهای مرزی ایران در جنوب با عراق بود تنها ۵۰۰ متر با خاک عراق فاصله داشت ولی بصره مهمترین شهر مرزی عراق در جنوب ۲۵ کیلومتر با مرز فاصله داشت که حتی از برد توپخانه ایران نیز خارج بود، لذا ایران برای پدافند از مناطق و شهرهای مهم خود در جنوب یا باید کرانه شرقی شط العرب و دجله را بعنوان ضلع پدافندی تسخیر و از آن بعنوان خط حایل و سپر استفاده می کرد و یا یک فرصت یکساله داشت تا استحکامات دفاعی در مرز فعلی شلمچه ایجاد و از ورود مجدد ارتش عراق به خاک ایران جلوگیری نماید.

۶- جنگ بعد از فتح خرمشهر، برای دستیابی به صلح بود. اگر سلسله عملیاتیهای بزرگ ایران بعد از فتح خرمشهر را بررسی نمائیم به این نتیجه می رسیم که عمده عملیاتیهای مهم ایران با هدف تسلط و تصرف بصره صورت گرفته است. زیرا از نگاه کارشناسان نظامی و سیاسی بصره با توجه به اهمیت سیاسی و اقتصادی آن تنها برگه ای بود که ایران می توانست با در دست داشتن آن عراق و همپیمانانش را وادار به صلح عادلانه و شرافتمندانه که در آن حقوق و خواسته های بر حق ایران لحاظ شده باشد، نماید.

۷- عدم تحقق خواسته ها و شرایط ایران توسط شورای امنیت برای تحقق صلح. خواسته های مهم ایران از ابتدای تجاوز عراق عبارت بود از: دفع تجاوز و عقب نشینی عراق به مرزهای بین المللی و به رسمیت شناختن آن، شناسایی متجاوز، تعیین و پرداخت خسارات و تضمین صلح و عدم تجاوز مجدد، این شرایط و خواسته ها در هیچ یک از قطعنامه های سازمان ملل در آن مقطع و حتی تا تیر ماه سال ۱۳۶۶ که قطعنامه ۵۹۸ تصویب شد، مورد اشاره قرار نگرفت.

دبیر کل وقت سازمان کنفرانس اسلامی آقای جیب شطی که در قالب یک هیئت صلح سازمان کنفرانس اسلامی برای صلح بین ایران و عراق تلاش می کرد می گوید: ((در ملاقات با آیت الله خمینی (ره) ایشان گفتند شما در بیرون منزل من اعلام کنید صدام متجاوز است من بلافاصله با پایان جنگ موافقت می کنم، ما نظر آیت ا... خمینی را به کشورهای عربی بیان کردیم، ولی آنها نپذیرفتند.))^۱

این اعلام صریح آقای جیب شطی بیانگر این مطلب است که همپیمانان منطقه ای و بین المللی صدام حتی حاضر نبودند یکی از خواسته های ایران را که هیچ بار مالی نیز در پی نداشت، قبول نمایند.

سرلشکر ((عبدالحمید محمود الخطاب)) یکی از رئیس دفت‌های صدام می گوید: ((صدام در جلسات محرمانه به ما می گفت امیدوارم این جنگ ادامه یابد، چون کمک های کشورهای خلیج فارس ادامه خواهد داشت و ما با این ثروت میتوانیم مشکلات داخلی را هم حل کنیم.^۱)

لذا مجموعه اتفاقات، حوادث و روند حرکت نظام سلطه و سران وابسته کشورهای منطقه در تشجیع صدام به ادامه جنگ و عدم احقاق حقوق ملت ایران تنها گزینه مقابل مسئولان سیاسی و نظامی کشور برای احقاق حقوق و تنبیه متجاوز، ادامه جنگ با ورود به خاک عراق بود.

استراتژی تنبیه متجاوز

✓ این استراتژی با ورود به خاک عراق در عملیات رمضان آغاز و تا عملیات کربلای ۵ و والفجر ۱۰ ادامه یافت. در این مقطع که بیشترین زمان جنگ را به خود اختصاص می دهد، عملیاتیهای بزرگ و کوچک زیادی انجام شد. عمده عملیاتیهای بزرگ ایران در جنوب با هدف تصرف بصره یا کرانه شرقی شط العرب و دجله صورت گرفت و برخی از عملیاتیهای کوچک و متوسط نیز در غرب و شمالغرب انجام شد. به لحاظ تأثیر گذاری در سرنوشت جنگ و متناسب با آن برخی از این عملیاتیها بصورت مختصر مرور می شود.

✓ قطعنامه ۵۱۴ (۶۱/۴/۲۱) (قطعنامه دوم)

- بنا به درخواست اردن و امریکا (دو متحد عراق در جنگ) نخستین بار درخواست آتش بس فوری و قطع کلیه عملیاتیهای نظامی و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی و تشکیل نیروی پاسدار صلح می شود. ایران این قطعنامه را نپذیرفت و عراق آن را پذیرفت. به نظر می رسید این قطعنامه برای خاتمه جنگ نبود بلکه برای قراردادن ایران در وضعیت دشوار برای ادامه جنگ و حمایتهای بعدی از صدام و برداشتن فشار از روی عراق بود.

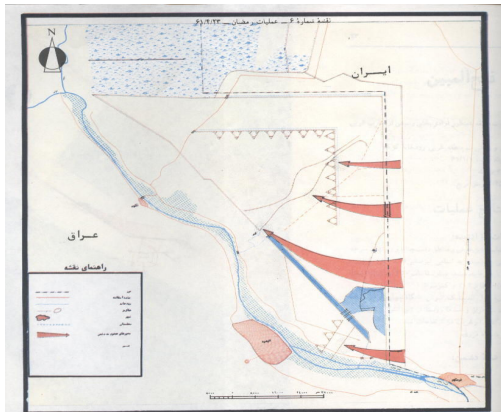
عملیات رمضان (۶۱/۴/۲۳) :

ارتش عراق پس از فرصتی که بعد از عملیات بیت المقدس و توجه ایران به حمله اسرائیل به لبنان داشت توانست استحکامات عظیم و پیچیده ای را در شرق بصره ایجاد نماید و بیش از $\frac{2}{3}$ ارتش عراق را با تشخیص اینکه حمله بعدی ایران در این منطقه خواهد بود برای دفاع از بصره در این منطقه متمرکز نماید.

رزمندگان اسلام در تاریخ ۶۱/۴/۲۳ عملیات خود را از سه محور (جاده شلمچه، کانال پرورش ماهی و نهر کتیبان و پاسگاه زید) آغاز نمودند. که فقط محور وسط در نهر کتیبان موفق شد و محور شمالی در پاسگاه زید به خاطر مواجه شدن با سنگرهای مثلی که برای اولین بار در جنگ، عراق از آنها استفاده می کرد با موفقیت همراه نشد. لذا محور وسط بخاطر عدم تأمین به موقع ماشین آلات مهندسی برای احداث خاکریز در ضلع شمالی، مورد تهاجم دشمن (تیپ ۱۰ زرهی) قرار گرفت و مجبور به عقب نشینی شد.

^۱ روزنامه کیهان ۸۶/۴/۲۱

و در شب های بعد نیز در چند مرحله عملیات تکرار شد ولی رزمندگان اسلام نتوانستند از موانع و سنگرهای پیچیده مثلی دشمن عبور نمایند. لذا عملیات پس از ۱۵ روز متوقف شد. یکی از علل مهم موفقیت عراق در دفع حمله رزمندگان اسلام اطلاعات وسیعی بود که آمریکا از وضعیت خطوط دفاعی ایران به عراق داده بود.



کالک عملیات رمضان

((در طول تعرضات مکرر ایران در تابستان سال ۱۹۸۲، نیروهای عراقی توانستند حملات زمینی متمرکز ایرانی ها را، که پیروزی در آن، بغداد را در خطر فاجعه قرار می داد عقب بزنند. خطرناک ترین این حملات واحدهای سپاه پاسداران را تا ۸ کیلومتری بصره پیش آورد و این حمله درست در سر راه بصره به بغداد انجام شده بود، اما هر بار حملات ایرانی ها توسط لشکرهای پیاده نظام عراقی، که اینک آرایش درستی یافته بودند، متوقف می شد ایرانی ها در هیچکدام از این حملات موفق نشدند خطوط عراقی ها را در هم بشکنند. و در نتیجه در اوایل ماه اوت دست به عقب نشینی زدند.))

علل ناکامی عملیات رمضان:

- ۱- هوشیاری کامل دشمن
- ۲- استفاده دشمن از موانع غیرقابل پیش بینی
- ۳- اطلاعات کم ما از وضعیت دشمن
- ۴- ورود آمریکا به جنگ با عملیات اطلاعاتی
- ۵- غرور و دست کم گرفتن دشمن
- ۶- عدم آمادگی کافی نیروهای خودی
- ۷- مقاومت شدید و با روحیه بالای نیروهای عراقی در خاک عراق
- ۸- فرماندهی تخصصی در سطح نیروهای دشمن

عملیات مسلم بن عقیل

در تاریخ ۶/۷/۹۱ در منطقه غرب سومار و در ارتفاعات مسلط بر شهر مندلی عراق انجام شد (کشته و زخمیهای دشمن ۴۰۰۰ نفر و اسیر ۲۷۵ نفر). بخاطر هوشیاری دشمن، عملیات موفقیت کامل نداشت.

^۱ ماکس پری، ۱۳۷۳، ۷۱۱

- در این قطعه نامه از آمادگی یکی از طرفین برای اجرای قطعه نامه ۵۱۴ استقبال نمود و متعاقب آن عراق بر طبل صلح خواهی کوبید و جنگ دیپلماسی را فعال ر کرد.

عملیات محرم

در تاریخ ۶۱/۸/۱۰ در منطقه جبال حمرین انجام شد و نسبتاً موفق بود .

(کشته ها و زخمیهای دشمن ۷۰۰۰ نفر و اسیر ۳۴۰۰ نفر)

عملیات والفجر مقدماتی (فکه جنوبی)

پس از ناکامی ایران در عملیات رمضان که با هدف تصرف بصره طراحی شده بود عملیاتهای کوچک و متوسط در سراسر خطوط جنگی طراحی و اجرا شد که از بین آنها به عملیات مسلم بن عقیل و محرم اشاره شد، این عملیاتها در واقع عملیاتهای واسطه ای برای فعال نگه داشتن خطوط دفاعی و فرصت ندادن به دشمن برای بازسازی و کسب آمادگی بود.

عملیات بزرگ و اصلی بعدی ایران که در زمستان ۶۱ طراحی و اجرا شد، عملیات والفجر مقدماتی نام گرفت.

این عملیات از تنگه چزابه تا سه راهی فکه به طول ۳۰ کیلومتر شروع و به منظور دستیابی به شهر العماره و اتوبان العماره - بصره عراق و ادامه تک به سمت بصره طراحی گردید که در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ شروع و در همان لحظات اول با احصاء هوشیاری دشمن و عدم غافلگیری، در بسیاری از موارد خطوط دشمن شکست و توأم با تلفات بالا بود که صبح به نیروها دستور عقب نشینی داده شد.

برخی از علل ناکامی این عملیات

۱- لورفتن عملیات

الف- با ارسال نقشه عملیات توسط ناخدا افسری (که بعداً دستگیر و به جرم همکاری با حزب توده اعلام شد) فرمانده وقت نیروی دریایی ارتش به شوروی و از آنجا به عراق^۱

ب- یکی از عناصر نفوذی منافقین به واحد اطلاعات عملیات لشکر ۲۷ محمد رسول الله تهران که ۲۴ ساعت قبل از عملیات فرار کرده و به ارتش عراق پناهنده شده و کلیه نقشه های عملیاتی را در اختیار عراق قرار داده بود.^۲

ج- ارسال اطلاعات و نقشه های عملیاتی توسط عناصر وابسته به بنی صدر به وابسته اطلاعاتی سفارت عراق درمجارستان

د- عکسهای ماهواره ای و جاسوسی امریکا که در اختیار عراق قرار گرفت.^۳

۲- استفاده عراق از موانع بسیار پیچیده عمیق به عمق ۷ تا ۶ کیلومتر که اعم از میادین مین انواع سیم های خاردار رشته ای، حلقوی، چادری، کانالهای عمیق و مین گذاری شده، سنگرهای کمین و..... در حد فاصل خطوط دفاعی خود با ایران.

^۱ السامرای ص ۹۲

^۲ همپای صاعقه

^۳ ویژه نامه روزنامه جوان خرداد ۱۳۹۰



نمونه ای از موانع ایذایی عراق در منطقه فکه

۳- فاصله طولانی نقطه رهایی تا خطوط دشمن که عمدتاً رملی بوده و تردد نیروهای پیاده و خودرویی در آن بسیار مشکل می باشد باعث تحلیل توان رزمندگان اسلام شد.

۴- عدم پشتیبانی آتش (توپخانه، هوایی و)

۵- آمادگی نیروهای عراق برای مقابله و کشف راهکارهای خودی

در این عملیات از رزمندگان اسلام حدود ۵۰۱ تن شهید، ۷۳۱۳ تن زخمی و ۳۱۱۶ تن مفقود شدند.^۱

عملیات والفجر یک (فکه شمالی)

پس از عدم الفتح در عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر یک در فکه شمالی و بخش جنوبی ارتفاعات حمزین حد فاصل شیار بجیله در دل ارتفاعات حمزین در شمال و پاسگاه پیچ انگیزه منطقه شرهانی و در دشت فکه در جنوب طراحی و اجرا گردید طول و عمق میداین مین دشمن در این عملیات به دهها کیلومتر می رسید ارتفاعات مهم دشمن در این عملیات ۱۱۲، ۱۴۶، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۵ بود.

عملیات در تاریخ ۲۱ فروردین ۶۲ شروع شد. علی رغم شناسایی ها و آمادگی های قبلی و استفاده از حجم بسیار بالای آتش توسط رزمندگان اسلام که تا آن موقع در تاریخ جنگ بی سابقه بود عملیات پس از ۷ شبانه روز بدون نتیجه پایان یافت و دشمن با آتش چند برابر پاسخ گفت. در این عملیات شهدای بسیاری جا ماندند که شهید رضا چراغی فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله در این عملیات به شهادت رسید. آقای صادق آهنگران نوحه معروف، "ای از سفر برگشتگان کو شهیدان ما، کجا شدند غرقه به خون دوستان شما" را در رسای شهدای بجای مانده این عملیات سرودند.

تلفات نیروهای خودی در این عملیات ۱۰۰۰ تن شهید و ۵۰۰۰ تن مجروح، تعداد نامشخص مفقود و ۱۰۰ نفر اسیر بود.^۲



شهید رضا چراغی

فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله... که در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۷

در عملیات والفجر یک به شهادت رسید.

^۱ تنبیه متجاوز ج ۳ ص ۴۶

^۲ همان ص ۵۴

پس از این عملیات، عملیات های متفاوت دیگری در غرب و شمالغرب انجام شد مثل عملیات های والفجر ۳ (مهران) ، والفجر ۴ (دشت شیلر)، که تاثیر عمده در صحنه های نبرد به جای نگذاشت.



رزمندگان اسلام در عملیات والفجر یک

نتیجه عملیاتهای ناموفق بعد از فتح خرمشهر:

- ۱- تضعیف روحیه نیروهای خودی و مردم و مسئولین
- ۲- آشکار شدن دوباره اختلاف بین ارتش و سپاه (تأکید شهید صیاد بر وحدت فرماندهی)
- ۳ - ایجاد بن بست و رکود مجدد در جنگ
- ۴ - انتساب آقای هاشمی رفسنجانی در اواخر سال ۶۲ قبل از عملیات خیبر به فرماندهی جنگ (جانشین فرمانده کل قوا در نیروهای مسلح)
- ۴ - افزایش روحیه و اعتماد به نفس در بین مسئولین و نظامیان عراقی در دفاع از خاک خود و ندادن امتیاز به ایران

عملیات خیبر (فتح جزایر مجنون)

پس از عدم موفقیت عملیاتهای ایران بعد از فتح خرمشهر و تغییر موازنه نظامی به نفع عراق و تبلیغات وسیع در رسانه های این کشور و دنیا مبنی بر توان نظامی عراق در دفع حملات ایران رکود جدیدی در جنگ حاصل شد و روحیه رزمندگان تحت تاثیر این تحولات قرار گرفت این تحولات که متاثر از شرایط جدید جنگ و تغییر توانایی های ارتش عراق و سرازیر شدن کمکهای کشور های مختلف منطقه ای و فرا منطقه ای به سوی این کشور بود صورت گرفت. لذا توجه فرماندهان عمدتا به سوی مناطقی متمرکز شد که توان کاملا برتر دشمن در آتش زرهی، توپخانه و هوایی در آن کارایی کمتری داشته باشد. منطقه هورالعظیم در غرب تنگه چزابه مورد توجه سپاه قرار گرفت. محسن رضایی فرمانده وقت سپاه مأموریت شناسایی منطقه را به سردار شهید علی هاشمی می دهد.^۱ شهید علی هاشمی نیز با تشکیل قرارگاه سری "نصرت" نسبت به شناسایی دقیق هور اقدام می نماید. نتیجه شناسایی های اولیه از عدم حضور و توجه جدی دشمن به منطقه حکایت می کند.

^۱ سردار غلامپور سخنرانی جلسه اساتید

در رویکرد جدید ایران به منطقه آب گرفته و مردابی هورالعظیم عمدتاً استفاده از توان برتری نسبی نیروی انسانی به جای منابع نظامی برای غلبه بر بن بست جنگ مد نظر قرار گرفت.

از طرفی به خاطر برخی تفاوت دیدگاهها بین ارتش و سپاه و فاصله گرفتن نسبی این دو سازمان از هم و لزوم ایجاد فرماندهی واحد در زمستان سال ۶۲ آقای هاشمی رفسنجانی به پیشنهاد رئیس جمهور وقت (آیت ا... خامنه ای) به سمت جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح انتخاب و با تشکیل قرارگاه خاتم الانبیاء این فرماندهی واحد را ایجاد کرد.

منطقه عمومی عملیات:

هورالعظیم منطقه ای است آب گرفته و مردابی که عمق آب آن از ۴۰ سانتیمتر تا ۴ متر متغیر بوده و از آب رودخانه های دجله، کرخه، دویرج و طیب تغذیه می شود و به لحاظ جغرافیایی در شمال بصره، نشوه، طلائیه، جنوب العزیر، شرق جاده بصره العماره، غرب سوسنگرد و تنگه چزابه قرار دارد. این منطقه پوشیده از نیزارها می باشد که برای تردد قایق ها در آن با بریدن نی ها آب راههایی ایجاد شده بود.

طرح مانور و هدف عملیات:

مانور این عملیات با هدف تصرف بصره در دو مرحله و از دو محور طراحی شد محور اول و اصلی هورالعظیم با مسئولیت سپاه و به منظور تصرف العزیر، القرنه، جزایر مجنون، نشوه، طلائیه و در محور فرعی زید، ارتش با عبور از خط و تأمین پل نشوه (غرب نهرکتیبان)، الحاق با سپاه را انجام دهد و در مرحله دوم از پل نشوه هجوم به سمت بصره طرحریزی شود. در واقع دسترسی به پل نشوه مرحله پایانی عملیات خیبر بود.

زمان عملیات: ساعت ۲۱/۳۰ سوم اسفندماه ۱۳۶۳

شرح عملیات:

عملیات در موعد مقرر آغاز و در مرحله اول قرارگاههای نجف، نصر و حدید در العزیر و القرنه موفق به تصرف اهداف خود شدند در محور زید قرارگاه کربلا (ارتش) موفقیتی بدست نیاورد و نیروها صبح به خط قبل از عملیات برگشتند. عدم موفقیت قرارگاه کربلا در زید باعث شد که قرارگاه نجف نیز از منطقه العزیر و القرنه عقب نشینی نماید. با پیشروی دشمن تنها منطقه باقیمانده در دست نیروهای ایران که جزایر مجنون بود در تهدید سقوط قرار گرفت و وضعیت فوق العاده بغرنجی در بین فرماندهان حاکم شد. به نحویکه محسن رضایی فرمانده وقت سپاه به یکی از روحانیون حاضر در قرارگاه گفت: ((در طول جنگ، ما این جور ذوب نشدیم.^۱))

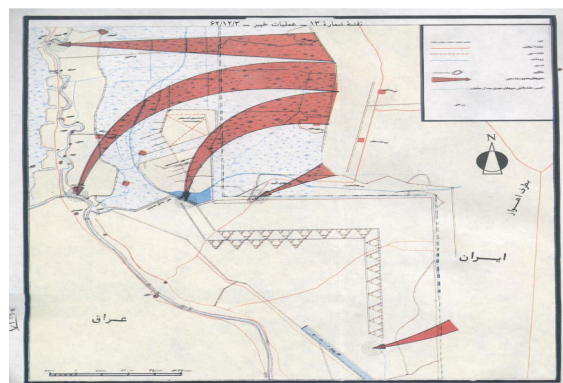
تنها راه کار قابل اجرا هجوم مجدد از محور طلائیه در نظر گرفته شد تا بلکه با باز شدن راه زمینی گره عملیات باز شود در دهم اسفندماه حمله به طلائیه آغاز شد ولی نتیجه ای بدست نیامد. آقای هاشمی رفسنجانی در تأکید بر پیروزی فرماندهان در این محور گفت: ((خدمت امام عرض کردم و ایشان هم تأکید کردند طوری برنامه ریزی کنید که در همین جا جنگ را

تمام کنیم، چون این امر دیگر برای کشور قابل تحمل نیست.^۱) در پی تلاش نیروهای خودی و سماجت دشمن نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و ۲۷ محمد رسول الله با پاتکهای دشمن به عقب رانده شدند و برادر حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) بر اثر شدت مجروحیت دست راستش قطع شد و از منطقه خارج شد.

دشمن پس از عقب راندن نیروهای خودی از سایر محورها، تلاش خود را پس از یک وقفه پنج روزه برای بازپس گیری جزایر مجنون متمرکز نمود. حفظ جزایر با توجه به عدم وجود راه زمینی برای پشتیبانی، نبودن پشتیبانی آتش توپخانه، زرهی، ضد هوایی، ضد زره ، بسیار سخت بود، امام پس از اطلاع از وضعیت فرمودند: ((جزایر حتماً باید نگه داشته شوند هر طور که شود. ^۲))

این پیام امام تحول عظیمی در سرنوشت عملیات و حفظ جزایر ایجاد کرد . دشمن در ۱۶ اسفند با اجر ای آتش سنگین و بمباران وسیع هوایی و استفاده وسیع از آتش توپخانه، تانک، هلی کوپتر و هرچه در دست داشت به جزایر پاتک کرد.

دشمن در ۴۳ روز پاتک شدید و پیایی بخشی از جزیره جنوبی را تصرف کرد ولی رزمندگان اسلام با گوشت و پوست خود از جزایر دفاع نمودند . علی رغم کمبود مهمات و پشتیبانی دشمن نتوانست جزایر را باز پس بگیرد. و جزایر مجنون سمبل مقاومت رزمندگان اسلام شد. تقریباً تمام فرماندهان سپاه بغیر از محسن رضایی در جزایر حضور یافتند و به کمک رزمندگان شتافتند در این عملیات شهادت شهیدانی چون حاج ابراهیم همت، حمید باکری، مرتضی یاغچیان و اکبر زجاجی بهای مقاومت رزمندگان برای حفظ جزایر بود. دشمن برای اولین بار بصورت گسترده در این عملیات از سلاحهای شیمیایی استفاده نمود که برای رزمندگان اسلام غیره منتظره بود.



کالک عملیات خیبر

نتیجه عملیات نتایج عملیات خیبر:

- ۱- کشته و زخمی دشمن ۱۵۰۰۰ نفر و اسرا ۱۱۴۰ نفر
- ۲- شکست رکود و بن بست جنگ و شکستن اراده مقاومت دشمن
- ۳- کسب اعتماد به نفس مجدد و بالا رفتن روحیه نیروهای خودی

^۱ تنبیه متجاوز همان ص ۹۱

^۲ ج ۳ ص ۸۸

۴- زمینه سازی برای عملیاتهای بعدی مثل بدر و فاو

در این عملیات برای اولین بار بعد از فتح خرمشهر رزمندگان اسلام منطقه ای را گرفتند (جزایر مجنون) و توانستند آنرا حفظ نمایند ولی به نتیجه نهایی عملیات که رسیدن به نشوه و سپس بصره بود نائل نشدند لذا عملیات به لحاظ نظامی موفقیت نسبی داشت ولی به لحاظ تأثیر در فضای سیاسی و تبلیغی موقعیت بزرگی برای ایران محسوب می شد.

تاکتیک جدید ایران در عبور از مناطق باتلاقی مبدأ تحولی در عملیاتهای بعدی بود. تسلط ایران بر جزایر مجنون که ذخایر نفتی آن هفت میلیارد بشکه برآورد شده بود می توانست برگ برنده ای در مذاکرات سیاسی باشد. این پیروزی نظامی ایران طرفداران و حامیان عراق را به تکاپو برای نجات صدام انداخت. صدام نیز از فرصت بدست آمده ناشی از پیروزی ایران استفاده کرد و با ایجاد فضای هراس در بین کشورهای عربی منطقه به دوشیدن هر چه بیشتر آنها اقدام و در عین حال ضمن تهدید ایران تلاش کرد جنگ را بین المللی نماید.

در رویکرد عراق بعد از عملیات خیبر که از نتایج آن ناشی می شد عراق تلاش کرد با استفاده بیشتر از سلاحهای شیمیایی و حمله به مراکز صادرات نفت ایران و نفتکشهای حامل نفت که به جنگ نفت کشها مشهور شد با وضعیت جدید مقابله نماید. عملیات خیبر با موفقیت نسبی موازنه جنگ را به نفع ایران تغییر داد.



پل خیبر: این پل ۱۳ کیلومتری به صورت کاملاً محرمانه قبل از عملیات در کشور ساخته شد و بعد از عملیات دره‌ورالعظیم نصب شد و موجب اتصال جزایر مجنون به عقبه خشکی گردید.



مقاومت سرسختانه رزمندگان اسلام

فرماندهان شهید عملیات خیبر



شهید اکبر زجاجی

فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول...



شهید حاج محمد ابراهیم همت

فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول...



شهید حمید باکری

جانشین لشکر ۳۱ عاشورا



شهید مرتضی باغچیان

جانشین لشکر ۳۱ عاشور

عملیات بدر (شرق دجله)

اقدامات عراق پس از عملیات خیبر در حمله به مناطق مسکونی، جنگ نفتکشها و استفاده از سلاحهای شیمیایی، فشار زیادی را بر ایران وارد نمود. علاوه بر آن ورود هر چه بیشتر کشورهای غربی به ویژه آمریکا و فرانسه به تجهیز عراق و از طرفی عدم توجه نظام بین الملل به خواسته های ایران و اراده جمعی نظام سلطه بر تضعیف بیش از پیش ایران، شرایطی را پیش آورد که رزمندگان اسلام برای انجام یک عملیات بزرگ و سرنوشت ساز دیگر تلاش نمایند. با توجه به وضعیت و توان نظامی خودی و دشمن باز منطقه هورالعظیم مورد توجه قرار گرفت.

منطقه عملیات :

مکان عملیات منطقه عمومی هورالهویزه (همان منطقه عملیات خیبر) بود که با طرح مانور جدید با هدف نزدیکی و دستیابی به شهر بصره انجام شد. ایران در عملیات خیبر با تصرف و حضور در جزایر مجنون خود را به اتوبان بصره -العماره نزدیک نموده بود. این منطقه از شمال به ترابه و از جنوب به القرنه و رود فرات منتهی می شد. منطقه خشکی آن با عرض ۸-۲ کیلومتر بین دو هور (هورالهویزه و هورالحمار) محدود است.

هدف عملیات:

این عملیات با هدف نزدیکی و دسترسی به شهر بصره عراق با تصرف اتوبان بصره -العماره حد فاصل العزیر و القرنه طراحی و اجرا گردید.

زمان عملیات: ساعت ۲۳ روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳

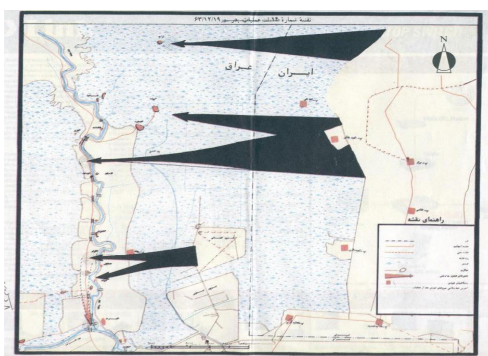
شرح عملیات:

با توجه به اقتضات و شرایط سیاسی کشور و الزام به انجام یک عملیات بزرگ، این عملیات علی رغم پیش بینی های صورت گرفته برای تأمین موارد پشتیبانی، شروع شد. قبل از شروع این عملیات برادر غلامعلی رشید نامه ای به سرادر غلامپور (هر دو

از فرماندهان وقت سپاه) از عدم تأمین اقلام ۱۸ گانه درخواستی برای شروع عملیات اظهار نگرانی می نماید و تأمین نتایج عملیات را به برآورده شدن این امکانات منوط می داند.^۱

دشمن با انجام عملیات خیبر در این منطقه هوشیار شده و منطقه را مسلح کرده بود و در هور با ایجاد موانع، سنگرها و کمین ها عبور رزمندگان را مشکل نموده بود.

قرارگاه کربلا در محور جنوبی عملیات در ساعت اول موفق شد خط دشمن را شکسته و به سوی خط دوم پیشروی و آنرا تصرف نماید. در محور قرارگاه نجف در شمال منطقه عملیات علی رغم تلاشهای صورت گرفته و شکسته شدن خط دشمن، الحاق صورت نگرفت و دشمن که از تصرف پل العزیر به شدت نگران بود با فشار زیاد مانع از استقرار نیروهای خودی در پشت دجله شده، آنها را به عقب راند و سپس متوجه قرارگاه کربلا در جنوب منطقه عملیات شد. دشمن از دو محور از جنوب (قرارگاه کربلا) و از غرب دجله به نیروهای لشکر عاشورا که از رودخانه دجله عبور کرده و در منطقه مشهور به کیسه ای مستقر شده و جاده بصره العماره را بسته بودند حمله کرد و پس از آتش شدید، علی رغم مقاومت عاشورایی رزمندگان اسلام به ویژه شهید مهدی باکری و یارانش توانست نیروهای خودی را در منطقه پاکسازی نماید.



کالک عملیات خیبر



وضوی رزمندگان اسلام در آب دجله

نتیجه عملیات:

پس از هشت روز نبرد با توجه به آگاهی دشمن در این منطقه و آمادگی نسبی او، تهاجم رزمندگان اسلام به اهداف مشخص شده نرسید و صرفاً به تصرف بخشی از هورالعظیم کفایت شده و عملیات با عدم الفتح مواجه شد و موفقیتی در پی نداشت. تلفات دشمن در این عملیات شامل ۱۵۰۰۰ کشته و زخمی، ۳۲۰۰ نفر اسیر و انهدام قابل توجهی از تجهیزات بود. پس از این عملیات دبیر کل سازمان ملل در بیانیه ای ۱۴ ماده ای از ایران و عراق خواست تا از مواردی همچون کاربرد سلاحهای شیمیایی، حمله به کشتی های تجاری، حمله به مناطق مسکونی و خطوط هوایی خودداری نمایند. بعد از این عملیات عراق جنگ شهرها را آغاز نمود و ایران اعلام کرد که موافقان جنگ در روز قدس راهپیمایی نمایند. با حضور پرشور و گسترده مردم در روز قدس علی رغم تهدید عراق به بمباران شهرها، این مرحله از جنگ شهرها فروکش نمود.

^۱ سخنرانی سردار غلامپور جلسه اساتید



شهید عبدالحسین برونسی
(فرمانده تیپ جوادالائمه)



شهید مهدی باکری
(فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا)



شهید عباس کریمی فرمانده
لشکر ۲۷ محمد رسول...



شهید ناصر اشتری
(فرمانده تیپ ۱۷ ل ۲)
علی ابن ابی طالب (طالب) زنجان



شهید میرزا علی رستمخانی
(فرمانده تیپ ۲ ل عاشورا)

امام (ره) در طی پیامی به رزمندگان فرمودند: ((امروز، روز واقعاً جنگ بین سر و سر است. با تمام توان بایستید و به هیچ عنوانی سستی به خود راه ندهید.^{۱)}))

در این عملیات فرماندهانی چون مهدی باکری (فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا) عباس کریمی (فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله)، عبدالحسین برونسی (فرمانده تیپ جوادالائمه)، علی تجلایی، بهروز غلامی (فرمانده تیپ ۱۵ امام حسین (ع)) به شهادت رسیدند.

عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)

پس از عملیات‌هایی که به نتیجه مورد نظر نرسیدند (والفجر مقدماتی، والفجر یک، خیبر و بدر)، مشکلات این عملیاتها بررسی و نتایج ذیل در دستور کار فرماندهان قرار گرفت.

۱- از تک جبهه‌ای و درگیری با نقاط قوت دشمن پرهیز شود.

۲- دشمن را دور زده و رده به رده با دشمن نجنگیم.

۳- نفوذ عمیق در دشمن ایجاد کرده و با رده‌های احتیاط دشمن درگیر نشویم.

پس از عملیاتهای خیبر و بدر و تحولات ایجاد شده در جبهه که شامل تغییر رویکرد ایران به عملیات در زمینهای باتلاقی و آبی خاکی، فعال شدن قرارگاه رمضان برای عملیات برون مرزی در کردستان عراق و جبهه های غرب، هوشیار شدن ارتش

^۱ تاریخ ۶۳/۱۲/۲۸

عراق در منطقه هور و فشارهای سیاسی، اقتصادی به ایران، بود. لزوم انجام یک عملیات موفق را بیش از پیش بارز نموده بود. حضرت امام خمینی(ره) در دیدار با آیت ا... خامنه ای و آقای هاشمی رفسنجانی در مورد ادامه جنگ فرمودند: ((باید جنگ را تا سقوط صدام ادامه دهیم و با صورت قاطع نیز باید ادامه داد.))^۱

با توجه به واقعیات میدان نبرد که گویای توسعه بسیار بالای ارتش عراق و عقب ماندگی ایران در این زمینه بود، ضرورت بازسازی یگانها و توسعه سازمان رزم و آموزش و کیفیت یگانها مورد توجه قرار گرفت. بررسی وضعیت دو طرف به گزارش واحد اطلاعات نظامی سپاه به شرح ذیل بود.^۲

- ۱- دشمن توانایی جابجایی سه لشکر پیاده را در هر منطقه و در هر زمان دارد.
- ۲- دشمن هر زمان دارای پنج لشکر زرهی و مکانیزه هست که طی چهار الی پنج روز قابلیت مانور و جابجایی دارد.
- ۳- دشمن در هر زمان می تواند چهار تیپ نیروی مخصوص و بیست تیپ پیاده خود را آزاد کرده و جلوی رزمندگان قرار می دهد.

- ۴- دشمن قادر است یک ماه بمباران و فشار هوایی را به گستردگی عملیات بدر داشته باشد.
 - ۵- دشمن قادر است به لحاظ اطلاعاتی ۶۰٪ از محور حمله ایران را کشف نماید.
 - ۶- دشمن توان اداره دو عملیات همزمان به وسعت ۳ تا ۴ لشکر را ندارد.
 - ۷- دشمن نمی تواند محور حمله ایران اگر از سه یا چهار محور باشد را پیدا کند.
 - ۸- عراق از ۱۳ میلیون جمعیت خود یک میلیون را مسلح کرده است.
 - ۹- ما با ۱۰۰ گردان آفند می کنیم ولی عراق قادر است با ۳۰۰ گردان آزاد با ما مقابله کند.
 - ۱۰- از ۱۲ لشکر سازمانی دشمن فقط ۳ لشکر در خط بوده و ۹ لشکر آزاد است.
 - ۱۱- اگر ما در عملیاتی ۱۰۰ هزار گلوله توپ مصرف می کنیم دشمن با یک میلیون و دو میلیون گلوله جواب می دهد.
 - ۱۲- در نیروی هوایی نه تنها برتری هوایی بلکه آسمان به طور مطلق در اختیار دشمن است.
- علاوه بر موارد فوق جبهه خودی در زمینه زرهی، پدافند ضد هوایی، آتش و حتی سلاحهای ضد زره مشکل جدی دارد. با بررسی شرایط فوق عدم تقارن توان نظامی طرفین کاملاً مشهود است. سپاه در این شرایط بر بازسازی توان نظامی تأکید داشت. در برآورد سپاه ادامه جنگ به ۵۰ لشکر و پیروزی بر عراق به ۱۲۰ لشکر نیاز داشت. که عملاً در توان امکانات کشور نبود. لذا با توجه به ضیق مقدرات عملیات والفجر ۸ طراحی و تصویب شد.
- بعد از عملیات بدر سازمان ارتش و سپاه در عملیاتها از هم مستقل شدند و هر سازمان که طرح عملیاتی خود را به تصویب می رساند فرماندهی و اجرای آن را نیز بر عهده داشت که ارتش بعد از عملیات بدر عملیات قادر(۲۳ تیرماه ۶۴) را در کردستان

^۱ تجزیه و تحلیل جنگ ج دوم ص ۱۵۱

^۲ تجزیه و تحلیل جنگ ج دوم ص ۱۵۵

اجرا نمود که موفق نبود و این آخرین عملیات زمینی ارتش در جنگ بود و ارتش تا پایان جنگ عملاً عملیات قابل توجهی به جز چند عملیات محدود و کوچک در زمین انجام نداد.

در شرایط جدید که هر سازمان جداگانه عمل می نمود حذف ارتش بصورت میدانی از جنگ باعث حذف توان، تجهیزات و سلاحهای ارتش (پیاپی و زرهی) از جنگ شد و بار جنگ به دوش سپاه به تنهایی، ادامه جنگ را با مشکلات مضاعف تر همراه نمود. امام خمینی در ۲۶ شهریور ۶۴ دستور تشکیل نیروهای سه گانه سپاه (هوایی، دریایی و زمینی) را ابلاغ نمودند. قبل از فرا رسیدن موعد عملیات والفجر ۸ یکسری عملیتهای محدود در مناطق مختلف جبهه اجرا شد که بسیاری از هدفهای مورد نظر از جمله و اداره کردن دشمن به دفاع فعال در کل طول مرز و تجزیه قوای دشمن، فشار بر دشمن، بالابردن روحیه مردم و جذب نیرو به جبهه تأمین شد.

ضرورت اجرای عملیات:

انجام یک عملیات بزرگ که نقش تعیین کننده ای در موازنه سیاسی و نظامی جنگ داشته باشد. یک ضرورت اجتناب ناپذیر بود. فشارهای مختلف وارده به ایران بعد از فتح خرمشهر و عدم انجام یک عملیات بزرگ و موفق تغییرات و موازنه قوا را به نفع دشمن (به ویژه بعد از عملیات ناموفق بدر) تغییر داده بود. لذا این عملیات در راستای استراتژی تنبیه متجاوز در عرصه سیاسی و نظامی طرحریزی گردید.

منطقه عملیات:

منطقه عمومی شبه جزیره فاو در جنوب شرقی عراق و روبروی جزیره آبادان قرار دارد. این شبه جزیره از جنوب به خلیج فارس، از شرق به اروندرود و از غرب به خور عبدا... محدود است و تنها از طریق شمال و خشکی به عراق و شهر بصره منتهی می شود. زمینهای این منطقه نیز عمدتاً در صورت بارندگی باتلاقی شده و توان برتر زرهی دشمن در آن فاقد کارایی لازم می باشد. منطقه عمومی فاو به لحاظ تنها معبر اتصالی عراق به خلیج فارس و همسایگی کویت از ارزش سیاسی و نظامی بالا برخوردار است به نحو یکه در تصویب طرح عملیات، آقای هاشمی رفسنجانی گفته بود: ((اگر شما فاو را بگیرید من هم جنگ را تمام می کنم^۱)). که نشان دهنده ارزش اثرگذاری این منطقه در معادلات صدام و حامیان او از دید آقای هاشمی می باشد. ساحل شرقی و غربی اروندرود را نخلستان و نه‌رهای منشعب از اروند پوشانده است. وجود دریاچه (کارخانه نمک) در شمال شبه جزیره فاو مهمترین عارضه این منطقه است.

طرح مانور :

برابر طرح مانور عملیات در ۴ مرحله طراحی شد.

^۱ سخنرانی سردار صفوی در جلسه اساتید

۱- ابتدا باید غواصان به تعداد حدود ۳۰۰۰ نفر با عبور از رودخانه اروند خطوط دشمن را شکسته و در موج دوم نیروهای پیاده که سوار بر قایق و در نهرهای حاشیه اروند در نخلستان ها منتظر موفقیت غواصان بودند، وارد عمل شده و با پیاده شدن در ساحل دشمن نسبت به توسعه سرپل در خشکی اقدام نمایند و محورهای مشخص شده را تصرف نمایند.

۲- تصرف شهر فاو و رسیدن به خور عبدالله (لشکر ۲۵ کربلا مامور تصرف فاو شد).

۳- پیشروی تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی

۴- رسیدن به انتهای کارخانه نمک و کانال شمالی آن واقع بر روی جاده ام القصر تا ساحل رودخانه

قرارگاه کربلا: تلاش اصلی (تیپ ۴۴، لشکر ۵، لشکر ۳۱، لشکر ۲۵، لشکر ۷، لشکر ۱۴، لشکر ۸، لشکر ۱۷، لشکر ۲۷)

قرارگاه نوح: (لشکر ۱۹، لشکر ۴۱، تیپ ۳۳)

آتش: منحنی (در جناح دشمن از آبادان تا اروندکنار)

آتش مستقیم (در حمایت از غواص ها)

همزمان یک کاروان شامل ماشین آلات مهندسی و خودرویی از بندر امام بصورت شبانه حرکت نمود تا بتواند در صبح عملیات پس از تصرف ساحل دشمن، این ماشین آلات را در ساحل فاو پیاده نموده و مورد استفاده قرار دهد.

همچنین به منظور انحراف تمرکز دشمن و حفظ غافلگیری علاوه بر طراحی تک فریب در منطقه هور که دشمن به آن بر اساس تجربیات عملیات های خیبر و بدر حساس بود ، تک پشتیبانی برای تصرف جزیره ام الرصاص عراق با مسئولیت قرارگاه نجف طراحی گردید، که با توجه به حساسیت دشمن به بصره می توانست موفق عمل نماید. طراحی آتش توپخانه از سواحل شرق اروند به سمت دشمن به لحاظ در دسترس بودن عقبه دشمن در نتیجه عملیات بسیار موثر بود . هم چنین نیروی هوایی ، سایت ضد هوای هاگ و هوانیروز ارتش در قالب قرارگاه رعد به فرماندهی شهید سرلشکر خلبان عباس بابایی در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفت. جهاد سازندگی در مهندسی عملیات شرکت داشت.

استعداد کل ارتش عراق در آن زمان ۲۵ لشکر و ۷۵ تیپ بود .

استراتژی دشمن در آن زمان: ۱- دفاع مطلق، ۲- متقاعد کردن ایران به اینکه جنگ راه حل نظامی ندارد، ۳- جبهه دریا را به روی ما باز کرده بودند که مراکز تولید و صدور نفت ایران را هدف قرار می دادند، ۴- جنگ شهرها را دنبال می کردند، ۵- سلاح های شیمیایی به عنوان یک سلاح مهم بازدارنده در برابر حملات ایران بکارگیری می شد.

حفاظت اطلاعات:

یکی از نکات مهم رعایت اصل غافلگیری و عدم لو رفتن عملیات بود. حفاظت اطلاعات سپاه با توجه به تجربیات عملیاتی گذشته تدابیر بسیار شدیدی را به اجرا گذاشت. منطقه بسته اعلام شد و فقط فرمانده لشکر و معاون اطلاعات و عملیات با اجازه شخص فرمانده سپاه می توانستند وارد شوند و موفق هم بود. مردم بومی منطقه تخلیه شدند، در کنترل اطلاعات دشمن باید مطمئن می شدیم که دشمن هوشیار نشده مثل گرفتن عکس هوایی از منطقه و کنترل دیدبانی با دکل و غیره. مطمئن شدیم که دشمن غافل است... بعنوان مثال هر کس وارد منطقه می شد دیگر حق خروج نداشت، انتقال نیرو و امکانات در

کانتینرهای در بسته با عنوان "کمکهای مردمی به منطقه" برای غافلگیری عوامل جاسوسی دشمن صورت می گرفت. در این عملیات به نیروهای شناسایی که در هور به عنوان عملیات فریب کار می کردند گفته شده بود که عملیات اصلی اینجاست تا در صورت اسارت عملیات اصلی فاو لو نرود. دشمن متوجه فعالیت های ایران شد ولی چون عملیات در اینجا را منطقی نمی دید دچار غافلگیری شد.

مهمترین محور اقدامات حفاظتی شامل موارد ذیل بود.

- آماده سازی منطقه

۲- برگه تردد(عمدتاً هر کس وارد منطقه می شد اجازه خروج نداشت)

۳- ادامه روش ژاندارمری(لباس، تردد، سلاح، مکالمات، تیراندازی)

۴- استفاده از خانه های روستایی

۵- حرکات از طریق هور به منطقه

۶- استفاده از کانتینر و کامیون های پوشش دار

۷- مواظبت در فعالیت های اطلاعاتی

۸- مخفی کردن نیروها و تجهیزات

هدف عملیات :

هدف این عملیات تصرف شبه جزیره فاو، سکوهای موشکی عراق در این شبه جزیره و کسب پیروزی نظامی برای تحت فشار قراردادن دشمن و حامیانش به منظور احقاق حقوق خودی و خاتمه جنگ بود.

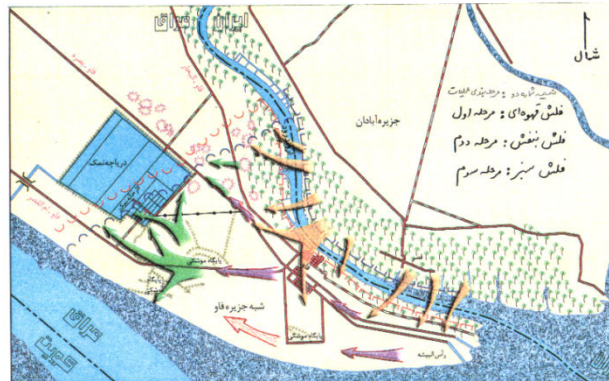
زمان عملیات: ساعت ۲۲/۱۰ روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۴

شرح عملیات :

عملیات با اعلام رمز ((یا فاطمه الزهرا(س)) آغاز شد. طوفانی شدن ابرودرود علی رغم همه پیش بینی ها باعث شد که غواصان در مناطق مشخص شده به ساحل دشمن نرسند ولی دستور داده شد که هر کس از هر جا وارد شده به خط دشمن بزند و به چپ و راست جهت الحاق توسعه وضعیت دهد. عبور غواصان و شکستن خط دشمن با موفقیت (البته با اشکالاتی) انجام شد و نیروهای موج دوم با قایق وارد ساحل دشمن شدند و به توسعه سر پل پرداختند. شواهد از غافلگیری دشمن حکایت داشت و عملیات فریب در هور و تک پشتیبانی در جزیره ام الرصاص به این غافلگیری کمک شایانی نمود. دشمن ابتدا سعی در پاکسازی نفوذ خودی در جزیره ام الرصاص نمود و در تشخیص تک اصلی در فاو در سه روز اول ناکام بود، پس از پاکسازی نیروهای خودی از جزیره ام الرصاص ، دشمن با تمام توان وارد فاو شده و به آن حمله نمود. یگانهای احتیاط دشمن از جمله لشکر گارد که وارد منطقه می شد مورد تهاجم رزمندگان اسلام قرار گرفت و منهدم می شد و عملاً عقب نشینی می نمود

دشمن پس از ناکامی در عقب راندن نیروهای خودی به بمباران عقبه ها و انهدام پل ها، بمباران شیمیایی و تقویت نیرو در منطقه اقدام نمود.

هجوم دشمن از محور ساحلی اروند با مقاومت رزمندگان ناکام ماند دشمن پس از حدود ۷۵ روز درگیری فعال تن به پیروزی رزمندگان اسلام داد و شکست را پذیرفت.



کالک عملیات والفجر ۸

نتایج عملیات:

برخی از نتایج مهم این عملیات عبارتند از:

- ۱- تصرف شبه جزیره فاو (۸۰۰ کیلومتر مربع) و هم مرزی با کویت
 - ۲- انهدام پایگاههای موشکی دشمن و تأمین خلیج فارس
 - ۳- تغییر موازنه قوا به نفع جمهوری اسلامی
 - ۴- انهدام نیروها و تجهیزات دشمن
- کشته و زخمی ۵۰۰۰۰ نفر- اسیر ۲۱۳۵ نفر- تانک و نفربر ۶۰۰ دستگاه- خودرو ۵۰۰ دستگاه- توپخانه ۱۵۰ عراده- هواپیما ۴۵ فروند- هلی کوپتر ۱۰ فروند- ناوچه جنگی ۳ فروند- غنیمت ۱۰۰ دستگاه تانک، ۲۵۰ دستگاه خودرو و ۳۵ قبضه توپ

در این عملیات نتایج پیش بینی شده بصورت کامل تأمین گردید.

نتیجه موفق این عملیات مدیون غافلگیری و فریب، موقعیت زمین، اجرای آتش توپخانه، دفاع ضدهوایی و عبور موفق غواصان از اروند و وحدت فرماندهی بود.

قطعه نامه ۵۸۲ شورای امنیت در این شرایط تصویب شد.

خاطره ای از عملیات والفجر ۸

تقدیم به آنها که در هنگام تولد، پدر آسمانی نصیبشان شد

رستمعلی جان! امروز تو پدر شدی

تازه تابستان است. هفت تپه مقر «لشکر ۲۵ کربلا» و گردان امام حسین ام، تو چادرها، لابلای تپه ماهورها، هر گردان در یک فرو رفتگی خاصی قرار دارد، اوقات فراغت مان، کلاس اخلاق و معارف، آمادگی جسمانی، فوتبال و کشتی گاهی هواپیماهای عراقی، بخاطر شکست شان در عملیات «والفجر هشت و فاو» روی سرمان بمباران می کنند و می گیرزند. پدافندچی ها «تق تق تق...» ... میگ و میراژ در دم ناپدید می شوند، بعد کلی از بچه ها شهید و زخمی... موقعیت استقرار «لشکر ۲۵ کربلا» به شکل وحشتناکی ناامن است. نه سنگری، نه جان پناهی... نسبت به دوکوهه که مختص بچه پایتختی هابود، از لحاظ امکانات بشدت فرق داشت. بچه ها به شوخی در یک روایتی می گویند: «روزی آقایان محسن رضائی و رفسنجانی در یک «بالگرد یا یه هواپیما» داشتند از رو سر بچه های «لشکر ۲۵ کربلا» عبور می کردند. آقای رفسنجانی با تعجب سؤال می کند: برادر محسن! این عشایر وسط منطقه جنگی چکار می کنند؟!

محسن رضائی لبخندی زده و بعد می گوید. «این ها بچه های لشکر ۲۵ کربلایند».

فاو را تازه پس گرفته بودند، گردان ما می رفت که جای «گردان حمزه سیدالشهدا(ع)» که در حال بازگشت به هفت تپه اند «پدافند» کند. گردان مسلم ابن عقیل و امام محمدباقر(ع) تازه از خط برگشته اند و در حال تسویه حساب اند، تا به خانه های شان بروند. گردان حمزه سیدالشهدا(ع) هم منتظرند، بچه های امام حسین(ع) خط را تحویل بگیرند و برگردند به خانه هاشان، نیمه شب است، می رسیم به یک خاکریز، بچه های «حمزه سیدالشهدا»، سنگرها را خالی می کنند، ما مستقر می شویم. گردان حمزه (ع) کوله بارشان را می کشند به طرف هفت تپه.

جلوتر از خاکریز، رو در روی عراقی ها، چندین نقطه کمین است. بچه های امام حسین(ع) تو سنگر و پشت خاکریز مستقر می شوند. من بی سیم چی ام، به همراه یکی از بچه ها وارد کانال می شویم. حدود دویست متر جلوتر از خط اول، حوالی کارخانه نمک، باید در «نقطه کمین» مستقر شویم و تحرکات دشمن را از نزدیک گزارش کنیم.

حداصل خط اول تا نقطه کمین، کانالی بود که واردش شده بودیم، حوالی کانال، پر بود از لاشه متعفن دشمن، تازه تیرماه بود و هوا بشدت گرم و شرجی، پشه ها از یک طرف، بوی بد جنازه متلاشی شده دشمن، که در حین فرار جا گذاشته اند، از طرف دیگر، حال آدم رو به طرز اسفناکی به هم می زند، جلوی بینی و دهانم را با چفیه می بندم.

نقطه کمین، عمود بود بر خط اول؛ از دور فانوس کم سویی ما را بسمت نقطه کمین هدایت می کند. سه تا از بچه های حمزه توی کمین اند. بعد از مقدمات آشنائی، سلام و عرض ارادت به هم دیگر می گویم: ما آمدیم که شما بروید. دیگه نماز صبح بود. نماز را که خواندیم، دو تا از بچه های حمزه رفتند. اما یک بسیجی بنام «رستمعلی آقاباباپور» جهادی، از بچه های بنه میر بابل، سرش را از ته تراشیده، با یک چهره معصومانه و خاص، کوله بارش را جمع نمی کند. مدتی می گذرد. فانوس کمین را خاموش می کند و موقعیت منطقه، و فرهنگ کمین را برام شرح می دهد.

فاصله عراقی ها هم مانند ما از خط اولشان، با نقطه کمین خودشان، حد فاصل موقعیت ماست. دو کمین رو در روی هم به فاصله صدمتر شاید کمتر. می گویم: خوب حالا چرا بر نمی گردی عقب. بچه های حمزه که گمان نکنم، کسی مانده باشد، نمی خواهی سری به خانواده بزنی. دستی به سر تراشیده اش کشید و گفت: گردان حمزه سیدالشهدا، که شهید صادق مکتبی،

فرمانده اش بوده، فرمانده ام بود. تو والفجر هشت تو آن وضعیت، جنگیدیم. نه من شهید و زخمی شدم، نه فرمانده ام. چند روز بعد از عملیات «صادق مکتبی» در حین وضو شهید می شود. من با خودم دارم فکر می کنم، این یعنی چی؟! خوب حالا هر وقت یک نتیجه درست و حسابی برای این سؤالم گرفتم، برمی گردم. خیالت راحت باشد.

یکی می زنم به نشانه آخر هر چه رفاقت، رو شانه رستمعلی و می خندم و می گویم: باشد. می شویم سه نفر، بعد رستمعلی می خنده و زندگی وسط معرکه جنگ. «نقطه کمین» در چند متری دشمن شروع می شود، عراقی ها راه به راه خمپاره می زنند. «خمپاره شصت» بی صدا، یکی پس از دیگری دل زمین را چنگ می اندازد. برای هم خط گرو می کشیم، بیسیمچی بودم و تنها سلاحی که داشتم. کلاشینکف بود.

رستمعلی هم یک کلاش داشت، با سربند یا زهرا که یا رو پیشانی اش بود، یا دور گردنش. پیشانی بند که دور گردن باشد، یک جورائی دلدادگی محسوب می شود. ته هر چی عشق...

دشمن رو در روی ما از سلاح های مجهزتری استفاده می کرد. تیربار و سمینوف، آرپیچی، همه جوهره می کوبیدند. از همه بدتر جنازه های متعفن، بوی بد اجساد متلاشی شده دشمن زیر آفتاب داغ جنوب، حال آدم را بهم می زد، کلافه بودم، روی اجساد پر شده بود از مگس های بال دار سرخ رنگ، شمایل زشتی هم داشتند، عین سگ مگس، موقع خوردن غذا دور بر ما می پلکیدند، حالت تهوع بهم دست می داد. چند روزی گذشته بود که برای یک نهار، رستمعلی کنسرو ماهی را باز می کند که نهار بخوریم. لقمه اول را که گذاشتم توی دهانم، همین طور ور ور هم حرف می زدم. رستمعلی هم هی می خندید، لقمه دوم، یه مگس گنده بد ترکیب، شیرجه زد توی حلقم، هق زدم، رفت داخل گلویم، داشتم خفه می شدم. مگس گیر کرده بود. رستمعلی مقداری ماهی را کرد توی دهانم. گفت: قورتش بده. سگ مگس و تن ماهی رو با هم قورت دادم. من هق می زدم، داشت رودهام می زد بیرون، رستمعلی داشت از خنده رود بر می شد. بیسیم زدم به فرمانده، گزارش دادم که یک مگس بد ترکیب را قورت دادم.

فرمانده زد زیر خنده، حالا نخند کی بخند. بعد حسابی دستم انداخت... تا چند روز حالم زیر بالا می زد. تمام شبانه روز را در کمین بودیم. نوک اسلحه که بالا می رفت. تفنگ های دوربین دارشان، صدای خاص گلوله سمینوف، از روی سر که می گذشت، آهنگی خاصی را در دل تاریک شب تداعی می کرد.

عصر هشتمین روز، نقطه کمین، ناگهان یک خمپاره درست خورد چند سانتی ام، سنگر بشدت لرزید. خمپاره توی کیسه فرو رفت. داد زدم رستمعلی خمپاره، چسبیدم به زمین، برای لحظاتی تمام بدنم کرخ شد. زمان را از دست دادم. هیچ چیز دیگر جز یک انفجار به ذهنم نمی آمد. هی منتظر ماندم. یک. دو. سه. چهار. پنج.

قلبم داشت می ترکید، دلم داشت از حلقم بیرون می زد. در انتظار انفجار، منتظر مرگ بودن، تن آدم را به رعشه می اندازد. چند ثانیه گذشت، منفجر نشد.

یواشکی سرم را، نیم خیز بلند کردم، از اطرافش بخار بلند می شد. با تمام حقیقت درونی ام کپ کرده بودم و بدنم می لرزید. تو دلم می گفتم: لعنتی منفجر بشو و خلاصم کن.

تو هول، ولای انفجار بودم که رستمعلی زد پشتم و گفت: چه خبراست بلند شو! یک مرتبه به خودم آمدم. تکیه دادم به سنگر و هاج واج به خمپاره نگاه می کردم. رستمعلی بهم می خندید.

گفتم: به والله ترس از کشته شدن نیست. همین که داری نگاه می کنی، منتظری که هر لحظه ترکش حنجره آدم را بشکافد. تن آدم را می لرزاند، تا اینکه بی هوا تیر بخوری و تمام. یک لحظه فکر کردم و توی دلم گفتم: واقعا چی شد؟ من کم آوردم! ترسیدم؟ اصلاً این ها یعنی چی، بعد به خودم گفتم: «حسابی گند زدی مرد، نه نه نه» بحث ترس از مرگ نبود. این خمپاره لعنتی بدجوری غافلگیرم کرد.

رستمعلی گفت: دلواپس نباش، قسمت که باشد. هر کجا باشی.... وقتش که شود، صدات که بکنند، منتظرت که باشند... بعد نگاهی به آسمان کرد و سری تکان داد و نیم خیزبلند شد.

گفت: بگذار یک ذره ببینم اوضاع چه خبره، خدا کی صدامان میزند...

نشسته بودم، هاج واج. بعد دستی به کلاه آهنی ام کشیدم. دوری چرخاندم. زل زدم به بیسیم، آرام گوشی بیسیم را برداشتم که به فرمانده خبر بدهم. خمپاره چسبیده توی کمین. منفجر نشده.

رستمعلی هنوز تو حالت نیم خیز بود، به مرتبه کلاه آهنی، شتلق از سرش افتاد. سر خورد به طرف خمپاره ۶۰ که تو کیسه جا خوش کرده بود. گوشی بیسیم رانداختم و با تمام قوا شیرجه زدم روی کلاه آهنی که به خمپاره نخورد. رو کلاه خیز رفتم. چسبیدم به زمین.

ناگهان صدای غریبی تو گوشم نشست: «صدای گلوله سمینوف، «سربلند کردم.

رستمعلی ایستاده بود به قامت. غرق در خون، گلوله سمینوف نشسته بود، وسط دو ابروش، پیشانی اش را شکافت، صدای برخورد گلوله با پیشانی، صدای یا زهرای رستمعلی، صدای شکافته شدن وسط دو ابروش، مغزش پاشید رو تنم. رو کیسه های کمین. با پشت سر آرام خوابید رو زمین. یک حالتی... آخر هر چه غریبانی. سربند سبز «یاز هراس» خودش را کشیده بود دور گردنش. یک لحظه، با حیرت نگاه کردم. به سربند. به خون که جاری بود رو صورتش. به پیکر نیمه جان. به دانه های ریز مغزش که رو تن من و کیسه های کمین چسبیده بود.

رستمعلی آرام می لرزید. داشت قلبم می ترکید، بعد، های های زدم زیر گریه. هنوز ده ثانیه نگذشته بود که انگار یک ندای درونی مرا به طرف کوله پشتی ام برد. تمام من در هیبت رستمعلی فرو رفته، ناگهان یک ندای درونی مرا به طرف کوله پشتی ام سوق داد. دوربین عکاسی را از کوله بیرون کشیدم. رستمعلی هنوز نفس می کشید. یکی از بچه ها رو سرش زل زده بود، مات و محو نگاه می کرد. من یک عکس زنده از رستمعلی گرفتم. هنوز زنده بود. قلبش تند تند می زد. نجوای درونش را می شنیدم. عکس را که انداختم، نشستم بالای سرش. دهنش بازمانده است و نفس نمی کشید. تو گوئی قرن هاست که بخواب رفته. «به همین سادگی شهید شد» همه آن روزها که خیلی هم زیاد نبود، در کنارش بودم، چون سریالی از ذهنم عبور می کند.

یک جوری خاص بود، نحوه رفتارش، حرف زدنش، مهربان، مؤمن، انیس بود. علاوه بر اینکه شور زیادی برای جنگیدن داشت از شعوربالایی هم برخوردار بود

پتو را انداختم روی پیکرش، به طرف بیسیم رفتم. گوشی بیسیم را برداشتم. بغض گلویم را می فشرد. گوشی بی سیم و فشردم... حمزه حمزه عباس. صدام گرفته، حنجره ام قفل شده. حمزه حمزه عباس...

ناگهان از توی کانال صدائی شنیدم. داد می زد. رستمعلی. رستمعلی. رستمعلی نامه داری...

گوشی از دستم افتاد. مات و متحیر چشم دوختم به ته کانال. یکی از بچه های بابلی با همان لحن خاص. پشت هم داد می کشید. نزدیک که شد. چند متری ایستاد و گفت: رستمعلی. نامه دارد. با تمام وجود لرزیدم، سست و بی رمق افتادم، تکیه کردم به سنگر کمین. دستام می لرزید. انگار تازه متوجه خون تازه ای شد که اطراف پاشیده، آرام پتو رو کنار می زند، در دم می زند زیر گریه... نیم خیز دستم را دراز می کنم. نامه را بده. آستین اش را می گیرم. با حق حق گریه خودش را، دستش را می کشد. به طرف خط اول به سرعت باد دور می شود. خیلی طول نمی کشد به همراه فرمانده و بچه های دیگه می رسند.

فرمانده نامه را باز می کند، نامه از طرف همسرش بود که نوشته: رستمعلی جان، امروز تو پدر شدی، من هول شدم، سلام، وای نمی دانی چقدره قشنگه، بابا ابوالقاسم، نام پسرت رو گذاشته مهدی. من گفتم: تو بابای رستمعلی هستی. صاحب اختیاری. گذاشت مهدی. به خدا عین خودته. کشیده و سبزه و ناز، میای؟ باید بیای. شنیدم عملیات شده، رادیو گفت: فاو رو گرفتین، این فاو چی هست؟ چی داره که ولت نمی کنه؟ تلویزیون نشان داد، هی نگاه کردم. آخه شماها همه مثل هم هستین. مهدی بهانه باباش رو می گیره، تو رو جان مهدی بیا، دلم بدجوری تنگ شده. یه توک پا بیا، بعد برو... جنگ که فرار نمی کنه، ناسلامتی بابا شدی ها، چند روز پیش از جهادسازندگی آمده بودند پی ات. یه خطاریه دستشان بود. زدم زیر خنده می خوان اخراجت کنند. مگه نگفتی شان که جبهه ای، ننه ات راه به راه مهدی رو می بوسه، همه سلام دارند. زود میایی، منتظرتم خیلی... باشه» دوست دارم- زهرا «

دفاع متحرک

تغییر موازنه قوا به نفع جمهوری اسلامی ایران بعد از عملیات والفجر ۸ رژیم صدام را بر آن داشت تا با این وضعیت مقابله نماید. مهمترین هدف عراق از رویکرد به استراتژی جدید جبران بخشی از شکستهای خود در عرصه های نظامی در افکار عمومی مردم عراق و افزایش روحیه ارتش این کشور و بهره برداری تبلیغی و روانی از آن بود.

در این سلسله تحرکات عراق که بعد از عملیات والفجر ۸ از تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۶۴ با حمله به منطقه عملیاتی والفجر ۹ در شرق سلیمانیه عراق شروع شد و سد دربندی خان (۱۵ فروردین ۶۵)، سومار (۲۲ فروردین ۶۵)، فکه (۱۰ اردیبهشت ۶۵)، حاج عمران (۲۴ اردیبهشت ۶۵) و نهایتاً در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ با اشغال مهران به انتها رسید.

این تحرکات روحیه و امید جدیدی به ارتش عراق داد اگر چه پیروزیهای آن ها در این سلسله عملیاتها ناچیز و به لحاظ نظامی به غیر از مهران بقیه قابل توجه نبود. پس از تصرف مهران صدام در تبلیغات وسیع اشغال مهران را به جای فاو تبلیغ نمود که

رزمندگان اسلام در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۱ مهران را آزاد و شکست مجددی بر رژیم بعثی تحمیل و این حربه تبلیغاتی را از او گرفتند



شهید حسن آبشناسان فرمانده لشکر ۲۳ نوهده که

در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۸ در عملیات قادر در کردستان

به شهادت رسید

ماجرای مک فارلین

امریکا در تحلیلی با بررسی وضعیت ایران و مشکلات امریکا و غرب در منطقه به این نتیجه رسید که شرایط برای برقراری رابطه با ایران مهیا است. آقای مک فارلین معاون وزیر خارجه امریکا به همراه مقدار محدودی سلاح و قطعات یدکی نظامی در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۶۵ با گذرنامه ایرلندی برای آزمون برقراری رابطه، وارد ایران می شود.

بسترساز این تفکر شرایطی بود که ایران و امریکا در آن قرار داشتند. ایران به خاطر تحمل فشار سالهای جنگ به ویژه پس از فتح خرمشهر و نیاز روز افزون به ارز و تجهیزات نظامی و امریکا نیز به خاطر حل مسئله گروگانها در لبنان که توسط گروههای مسلمان طرفدار ایران ربوده شده بودند. دخالت ایران در ماجرای هواپیماربایی ۲۴ خرداد ۶۴ TWA امریکا و حل آن امریکائیه را امیدوار نمود و ایران نیز مایل بود از این نفوذ خود برای دست یابی به سلاحهای بلوکه شده در امریکا استفاده نماید.

امریکا مایل بود از طریق برقراری رابطه با ایران، نسبت به مهار انقلاب اسلامی و شکستن ابهت آن در بین ملل اسلامی و نهایتا استحاله انقلاب اسلامی و نفوذ در ایران اقدام نماید.

آقای هنری کسینجر وزیر خارجه وقت امریکا برقراری ارتباط با ایران را به ریگان رئیس جمهور وقت امریکا پیشنهاد نمود.^۱ امریکا در راستای این سیاست برخی تجهیزات خریداری شده ایران در زمان شاه را به ایران واگذار نمود. البته از واگذاری تجهیزاتی که منجر به پیروزی ایران شود خودداری نمود و تنها به تحویل موشکهای تاو، تجهیزات سایت ضدهوایی هاگ و تعداد محدودی دیگر اقدام نمود. ارسال محدود سلاح به ایران در طی یک سال آتی ادامه یافت. و در چهارم خرداد ۱۳۶۵ هواپیمای حامل مک فارلین و همراهانش در تهران به زمین نشست، او در طی ۳ روز اقامت در ایران مذاکراتی را با مقامات رده

^۱ تنبیه متجاوز ج ۳ ص ۱۸۸ به نقل نشریه فارین ریپورت

پائین ایران انجام داد ولی نتیجه مشخصی نگرفت. وی با اظهار اینکه فرصت گران بهایی از دست رفت، ناموفق به امریکا بازگشت. اگرچه این ارتباط محرمانه بود ولی توسط جریان مهدی هاشمی که به دفتر آیت اله منتظری وابسته بود اولین بار توسط نشریه الشراع لبنان فاش شد و ایران برای تاثیرگذاری به این افشاگری، پیشدستی نمود.

آقای هاشمی رفسنجانی در سخنرانی ۱۳ آبان ۱۳۶۵ به طور کامل این ماجرا را افشا نمود. این افشاگری بحران بی سابقه ای را در کاخ سفید ایجاد نمود. حزب جمهوری خواه به شدت تحت فشار قرار گرفت و ریگان برای کاهش فشارها، این افشاگری را تأیید کرد و ضمن تأکید بر حفظ منافع آمریکا هدف این ارتباط را این گونه بیان نمود.

۱- از سرگیری رابطه با ایران

۲- خاتمه دادن به جنگ

۳- از بین بردن ریشه های تروریسم (حرکتهای مردمی و اسلامی)

۴- حل مسئله گروگانها در لبنان

عراق نیز با محکوم و متهم کردن امریکا به دادن اطلاعات گمراه کننده، این کشور را مسئول سقوط فاو قلمداد نمود. این امر باعث گرایش هر چه بیشتر عراق به شوروی و تحکیم بیشتر روابط با آن کشور شد.

این امر باعث فشار هرچه بیشتر به ایران شد. امریکا برای فائق آمدن به عوارض ناشی از این بحران سیاسی به حمایت بیشتر از صدام و دادن اطلاعات استراتژیک به عراق اقدام نمود که مهمترین اقدام امریکا در این زمینه آگاه کردن عراق از عملیات کربلای ۴ ایران با جزئیات کامل بود.

وفیق السامرائی در کتاب ویرانی دروازه شرقی می گوید: ((این اتفاق باعث همسویی بیشتر امریکا و شوروی در حمایت از عراق و تحت فشار قراردادن ایران شد و عراق نیز از این وضعیت حداکثر بهره برداری را نمود.))

قرارگاه رمضان

ورود ایران به جنگ در کردستان عراق با هدف حمایت و پشتیبانی از معارضان کرد عراقی و تصرف و تامین راههای مواصلاتی و پشتیبانی ضد انقلاب به داخل ایران و همچنین گشودن جبهه جدید در مقابل دشمن و تجزیه توان وی باعث گردید که تشکیلات جنگ برون مرزی و پارتیزانی ایران از اواخر سال ۱۳۶۳ فعالیتهای خود را شروع نماید این مجموعه که به قرارگاه رمضان (تحت امر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) نام یافت. با سازماندهی معارضان عراقی جبهه شمال غرب را فعال نمود از مهمترین عملیاتهای این قرارگاه، عملیات انهدام پالایشگاه نفت کرکوک عراق (فتح یک) بود.

عملیات کربلای ۴

افزایش توان نظامی عراق در زمین و هوا با حمایت حامیان وی لزوم تحت فشار قرار دادن دشمن با تنها گزینه برتر در اختیار ایران (گزینه نظامی)، تنها راه مقابل مسئولان سیاسی و نظامی بود از طرفی به منظور جلب حمایتهای مردمی و پشتیبانی از جنگ، تبلیغات وسیع در سال ۱۳۶۵ با عنوان سال انجام عملیات سرنوشت ساز با جذب ۵۰۰ گردان نیرو انجام گرفت در این راستا اعزام بزرگ نیروهای بسیجی تحت عنوان سپاهیان محمد (ص) به استعداد یکصد هزار نفر جذب و سازماندهی شده و به

یگانهای عملیاتی سپاه در جبهه ها تزریق شد. متعاقب این اقدام انتظار مردم و مسئولان سیاسی برای انجام عملیات بزرگ و سرنوشت ساز بالا رفت. برای استفاده از برتری نظامی، عملیات کربلای ۴ در منطقه عمومی بصره طراحی گردید.

علت انتخاب منطقه

به منظور حداکثر فشار بر دشمن متناسب با توان خودی بصره در منطقه جنوب تنها گزینه ای بود که از ویژگیهایی همچون ارزش سیاسی بالا برای ایران و عراق، راه ارتباطی عراق با دریای خلیج فارس، جمعیت شیعه و ... برخوردار بود. تقریباً بعد از فتح خرمشهر تمام راههای وصول به بصره مورد آزمایش قرار گرفته بود و الفجر مقدماتی، یک، خیبر و بدر از شمال، رمضان از شرق بصره و والفجر ۸ از جنوب که نتیجه ای حاصل نشده بود لذا منطقه ابوالخصب تقریباً تا آن زمان مورد اقدام قرار نگرفته بود لذا عملیات از این منطقه طراحی گردید فتح فاو و تجربه عبور از اروند و عملیات آبی خاکی خیبر و بدر تجربه انجام این عملیات قرار گرفت.

طرح عملیات:

این عملیات با طرح عبور نیروهای غواص از رودخانه شط العرب و حمله به جناحین سپاههای سوم و هفتم برنامه ریزی شد.

شرح عملیات :

عملیات در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۴ ساعت ۲۲/۳۰ شروع شد ولی درگیری و اقدامات دشمن نشانگر کشف تک رزمندگان اسلام بود. لذا رزمندگان اسلام تا صبح موفقیت اندکی بدست آوردند و اکثر مواردی هم که موفق به شکستن خط دشمن شده بودند در طول روز عملیات، دشمن موفق به عقب زدن نیروهای خودی شد. لذا در ساعت ۲۳/۴۵ شب دوم بعد از حدود ۲۴ ساعت دستور عقب نشینی داده شد و رزمندگان اسلام به خطوط قبل از درگیری بازگشتند.



کالک عملیات کربلای ۴

شهادت ما در این عملیات ۹۸۵ نفر و مجروحین نیز ۸۰۷۱ نفر^۱ برآورد شده است. علل عمده ناکامی در این عملیات بنا به اقرار وزیر دفاع وقت عراق اطلاعات دقیقی بود که امریکاییها در اختیار عراق گذاشته بودند.^۲

^۱ تنبیه متجاوز ج ۳ ص ۲۴۳

^۲ ویرانی دروازه شرقی ص

عملیات بزرگ کربلای ۵ (شلمچه)

شرایط نامطلوب سیاسی و نظامی بعد از ناکامی عملیات کربلای ۴ و انتظار مردم و مسئولان سیاسی برای پیروزی در عملیات سرنوشت ساز که تاکنون (در طول سال ۶۵) تبلیغ شده بود و احتمال حمله عراق به فاو و آمادگی یگانهای سپاه برای ادامه عملیات (۲۴۰ گردان از ۳۰۰ گردان آماده بودند و ۶۰ گردان در کربلای ۴ مصرف شده بود) باعث شد که فرماندهان سپاه بلافاصله پس از دستور عقب نشینی در عملیات کربلای ۴ به فکر عملیات بزرگ بعدی باشند.

منطقه عملیات:

منطقه عمومی شلمچه حد فاصل پاسگاه بوبیان در شمال تا دوعیجی و شط العرب در جنوب بود.

علل انتخاب منطقه:

- ۱- ارزش بالای سیاسی و نظامی شلمچه در شرق بصره و حساسیت ویژه شهر بصره و نزدیکی به آن، که برای دشمن غیرقابل تحمل بود. بصره دومین شهر بزرگ در عراق بعد از بغداد بود و متر به متر نزدیک تر شدن به آن یعنی نزدیکی به رگ حیاتی عراق در جنوب بود. ارزش بصره برای عراق مثل ارزش اهواز برای ایران مهم بود.
- ۲- حضور یگانها و عقبه آنها در منطقه که برای عملیات کربلای ۴ در منطقه حضور داشتند و لزومی به جابجایی نبود.
- ۳- منطقه انتخاب شده با توان خودی هماهنگی و تناسب داشت.
- ۴- کوتاه بودن عمق منطقه و امکان استفاده از آتش بر روی دشمن.
- ۵- منطقه بصره دارای ذخایر نفت عمده عراق می باشد و تنها راه دسترسی عراق به خلیج فارس است. (براساس آمار سال ۲۰۰۵ ذخایر نفت کشورهای منطقه به ترتیب عربستان با ۲۶۴ میلیارد بشکه مقام اول، ایران با ۱۴۰ میلیارد بشکه مقام دوم، عراق با ۱۱۵ میلیارد بشکه مقام سوم را دارد)، کشتی های با تناژ بالا نمی تواند در خورعبداله تردد و پهلوگیری نماید لذا ارون درود و بصره برای عراق فوق العاده مهم است.
- ۶- جمعیت شیعه عراق در جنوب این کشور ساکن هستند و همکاری و هماهنگی آنها با ایران در صورت نزدیک شدن ایران به این منطقه برای صدام فوق العاده خطرناک بود.
- ۷- موفقیت لشکر ۵۷ ابوالفضل (ع) خرم آباد و ۱۹ فجر شیراز در عبور از خط دشمن در شلمچه، امیدواری به تکرار این پیروزی را افزایش داده بود.

اهداف عملیات: تصرف شلمچه و پیشروی به سوی تنومه و بصره و تأمین شهر بصره

طرح عملیات:

- قرارگاه کربلا: از بوبیان تا پنج ضلعی بعنوان تلاش اصلی و خط شکن (جناحدار راست تیپ ۱۸ الغدير و لشکر ۳۳ المهدی، لشکرهای ۴۱ و ۲۵ در بوبیان، لشکر ۳۱ در کوت سواری تا نوک کانال ماهی، لشکر ۱۶ قسمتی از پنج ضلعی، لشکر ۱۰، تیپ

۴۸ فتح)

- قرارگاه قدس: به دنبال قرارگاه کربلا از پنج ضلعی به طرف تنومه (لشکرهای ۷، ۸، ۱۴، ۲۷ و ۳۲ انصار الحسین و تیپ های ۴۴ قمر و ۹ بدر)

- قرارگاه نجف: به دنبال قرارگاه کربلا از پنج ضلعی به طرف بوارین (لشکرهای ۵، ۱۷، ۲۱، ۵۷، ۱۰۵ قدس، ۱۵۵ ویژه شهدا و تیپ های ۱۲ قائم و ۲۹ نبی اکرم)

همزمان قرار شد ارتش با عملیاتی تحت عنوان کربلای ۶ در سومار به عنوان تک فریب اقدام نماید.

زمان عملیات: ساعت ۱/۳۵ بامداد دی ماه ۱۳۶۵

شرح عملیات:

عملیات با رمز یا زهرا (س) شروع شد. واکنش های اولیه دشمن از غافلگیری او حکایت داشت رزمندگان اسلام در مرحله اول توانستند با تصرف پد بوبیان و عبور از کانال ماهی در غرب آن سرپل بگیرند. مقاومت دشمن در این مرحله در ۵ ضلعی زیاد بود دشمن تلاش کرد به هر قیمت مانع از الحاق نیروهای لشکر ۲۵ کربلا در غرب کانال ماهی با لشکر ۳۱ عاشورا در پنج ضلعی شود.

در شب سوم حرکت تعیین کننده عملیات به منظور تصرف کامل پنج ضلعی طراحی گردید به لحاظ اهمیت این حرکت آقای محسن رضایی از مسئول دفتر خود خواست طی تماس با دفتر امام، از امام بخواهند دعا کنند ((ما با تمام قوا و دشمن با تمام قوا درگیر شده ایم)).^۱

از دفتر امام با قرارگاه تماس می گیرند و امام فرمودند ((به بچه ها بگویید من آنها را دعا می کنم)).^۲



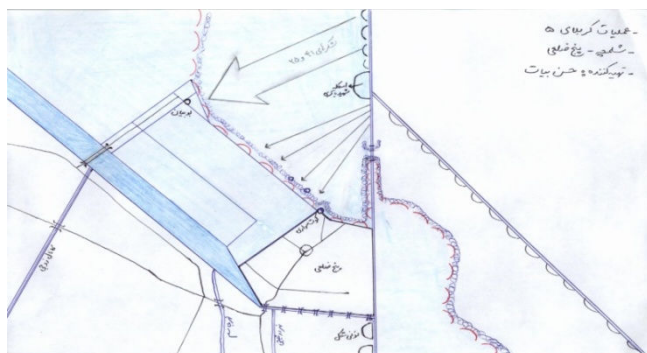
کالک عملیات کربلای ۵

در شب سوم به خاطر ارزش زمین دشمن مقاومت شدیدی نشان داد دشمن تلاش می کرد از پیشروی رزمندگان غرب کانال ماهی و پنج ضلعی جلوگیری نماید. یکی از مشکلات رزمندگان همچنان پوشش هوایی و ضدهوایی بود که با پیگیری فرمانده

^۱ تنبیه متجاوز ج ۳ ص ۲۵۱

^۲ همان

سپاه از طریق آقای هاشمی رفسنجانی، دفتر امام و رئیس جمهور به منظور مقابله موثر با حمله هوایی دشمن نسبت به انتقال پایگاههای موشک هاگ به جلو تأکید می شود. ضمن اینکه عملیات فریب ارتش در غرب هنوز شروع نشده بود.



کالک محور شمال عملیات

در شب چهارم رزمندگان اسلام توانستند در جنوب وارد جزیره بوارین شوند و دشمن نیز از عقب راندن نیروهای لشکر ۲۵ کربلا از غرب کانال ماهی ناامید شد، از روز چهارم برخی یگانها برای بازسازی به عقب منتقل شدند.

عملیات با مشکلاتی ادامه پیدا کرد و از هم گسیختگی در جبهه دشمن مشهود بود. در شب هشتم عملیات، شهرک دوعیجی و جزیره بوارین تصرف شد. امام طی پیامی که از طریق بی سیم توسط آقای محسن رضایی برای رزمندگان قرائت شد فرمودند: «از خداوند متعال پیروزی نهایی رزمندگان عزیز را خواستارم، عزیزان من بکوشید، خداوند تعالی با شماست و اینجانب دست و بازوی شما را می بوسم. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.»^۱

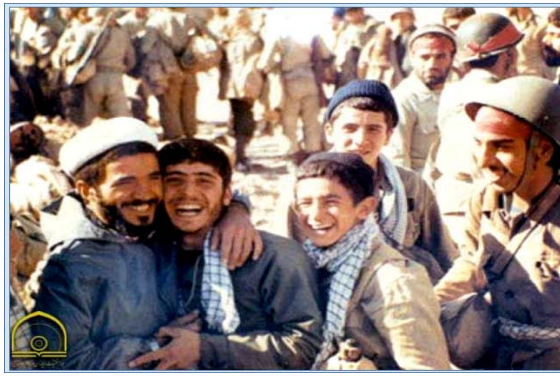
دشمن پس از هشت شبانه روز جنگ در شلمچه نهایتاً حفظ نیروی انسانی را بر زمین ترجیح داد و از برخی مناطق از جمله جزیره بوارین عقب نشینی نمود.



رزمندگان اسلام در سنگرهای دشمن در شلمچه

آخرین مرحله عملیات در غرب نهر جاسم در روز یازدهم آغاز شد ولی به لحاظ اهمیت این منطقه که در صورت سقوط مواضع دشمن در غرب نهر جاسم، مواضع آنها تا کانال زوجی نیز تصرف می شد، لذا دشمن با آتش انبوه به مقاومت پرداخت، علی رغم شکست خط دشمن در برخی خطوط پاتک دشمن باعث عقب نشینی رزمندگان اسلام شد.

^۱ تنبیه متجاوز ج ۳ ص ۲۸۰



رزمندگان اسلام قبل از شروع عملیات

در جمع بندی نهایی در عصر این روز (یازدهم) فرماندهان از کمبود نیرو، تلفات بالا و ضعف پشتیبانی، انتقاد نمودند نهایتاً بعد از ۱۵ روز نبرد عملیات متوقف و خطوط دفاعی تثبیت شد. که در عملیات کربلای ۸ ضعف خطوط دفاعی ترمیم و خط تثبیت شود که دشمن در تاریخ ۶۶/۱/۲۲ با آتش سنگین مانع از این کار شد و تن به انهدام نیروی وسیع داد ولی زمین را حفظ کرد.

نتیجه عملیات:

- آزادسازی قستی از زمین شلمچه در حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع و نزدیکی به بصره
- کشته و زخمی دشمن حدود ۵۰۰۰۰ نفر
- تحت فشار قرار گرفتن بیش از پیش دشمن و حامیان او
- احساس خطر بلوکهای قدرت بین المللی و حامیان عراق از توان جمهوری اسلامی و سقوط صدام و تلاش برای پایان جنگ
- با ارائه پیش نویس قطعنامه ۵۹۸ به شورای امنیت سازمان ملل
- در جبهه خودی نیز ۷۶۵۱ نفر شهید و ۳۵۲۹ نفر مفقود و ۵۳۲۹۹ مجروح داشتیم ضمن اینکه فرماندهانی چون حسین خرازی، اسماعیل دقایقی و حجت الاسلام عبدالله میثمی به شهادت رسیدند.



نمونه ای از موانع ایدایی دشمن در شلمچه

علل موفقیت عملیات کربلای ۵

- ۱- غافلگیری دشمن (تصور دشمن از عدم توانایی ایران در اجرای عملیات مجدد)
- ۲- سرعت عمل در بازیابی خود، تصمیم گیری، طرحریزی، تجدید و تکمیل سازمان، آموزش و اجرای عملیات.

۳- اجرای مانور در جناح دشمن (چندین لایه دفاعی دشمن حذف گردید)

۴- وجود گرد و خاک در یک روز قبل از عملیات.

۵- استفاده از غواص در عبور از باطلای و خط شکنی.

۶- عدم تناسب زمین با مانور زرهی دشمن.

۷- جسارت، شجاعت و اصرار بر پیروزی رزمندگان اسلام.

۸- لطف دوباره خدا (به لحاظ تضرع بی اندازه)



دوتن از شهدای مظلوم عملیات کربلای ۵

• فرماندهان شهید عملیات کربلای ۵:



شهید حسین خرازی

(فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع))



شهید عبدالله میثمی

(نماینده ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه)



شهید اسماعیل دقایقی

(فرمانده لشکر ۹ بدر)

این عملیات که با غافلگیری مطلق دشمن صورت گرفت، نتایجی در پی داشت که سرنوشت جنگ را تعیین کرد. در این عملیات که ۲۰ روز به طول انجامید همچون عملیات فاو ۵۰٪ ارتش عراق آسیب دید؛ و بصره نیز در تهدید جدی قرار گرفت. البته در صورت تجهیز کافی سپاه به وسایل زرهی و هلی کوپتر، از این عملیات قطعاً نتایج بهتری به دست می آمد. پس از شکسته شدن خطوط نفوذ ناپذیر دشمن توسط نیروهای پیاده، اگر جبهه خودی به یگان های زرهی مجهز بود، امکان ادامه پیشروی و تعقیب دشمن تسهیل می شد. همچنین، هوانیروز می توانست پیشروی نیروهای خودی را پشتیبانی کند. به هر حال، عملیات کربلای ۵ اگرچه می توانست نتایج بهتری داشته باشد، در عین حال دو نتیجه مهم را به دنبال داشت؛ اولاً بار

دیگر به دنیا ثابت شد که اگر حمایت خود را از عراق افزایش ندهند، عراق طرف بازنده جنگ خواهد بود. ثانیاً به دنیا تفهیم کرد که نمی توان خواسته های ایران اسلامی را به طور صد در صد نادیده گرفت، لذا از اسفند ۱۳۶۵ (دو ماه پس از عملیات کربلای ۵) تلاش جهانی برای تهیه و تنظیم قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد و در پایان تیرماه ۱۳۶۶ به تصویب رسید.

جنگ پس از عملیات کربلای ۵

اگرچه بعد از عملیات والفجر ۸ دشمن با انجام عملیاتهای محدودی که به استراتژی دفاع متحرک مشهور شد و گروهک منافقین در شروع آن تأثیر به سزایی داشتند (منافقین با حمله به خطوط دفاعی رزمندگان اسلام و تصرف آن، خطوط ایران را قابل شکستن جلوه داده و عراق را تحریک به آفند نمودند، تلاش نمود تأثیر این عملیات را ناکام سازد و دنیا را از حرکت به سوی ادای حقوق ایران باز دارد که تا حد زیادی نیز موفق بود ولی پیروزیهای عملیات کربلای ۵ و سرکوب حرکت دفاع متحرک عراق، نظام سلطه را به این نتیجه رساند که جریان پیروزیهای ایران توقف ناپذیر است و عراق در آستانه شکست قرار گرفته و منافع حامیان آن با پیروزی ایران به خطر خواهد افتاد و در راستای استراتژی ((پایان جنگ ، بدون برنده)) تلاش نمودند تا با تأمین حداقل خواسته های ایران از ادامه جنگ جلوگیری نمایند. لذا پیش نویس قطعنامه ۵۹۸ که به جنگ ایران و عراق پایان داد در شورای امنیت طرح و مورد بررسی قرار گرفت.

حضرت امام (ره) به وزارت خارجه دستور دادند در تهیه قطعنامه به منظور تأمین منافع ملی بصورت فعال حضور داشته باشند.^۱ از طرفی با انجام عملیات کربلای ۵ و ۸ و عدم دسترسی به شهر بصره فرماندهان نظامی به این نتیجه رسیدند که عملیات در جنوب قفل شده و چشم انداز روشنی برای موفقیت با توان فعلی وجود ندارد. لذا رویکرد عملیاتیهای کوچک تداوم یافت و به منظور عملیات بزرگ و تأثیرگذار ، منطقه غرب و تأمین شهر کرکوک مورد نظر قرار گرفت. از طرفی فشار وارد بر کشور بعد از توطئه کشورهای وابسته به غرب در منطقه از جمله عربستان با افزایش تولیدات اوپک و کاهش قیمت نفت تا ۶ دلار از سال ۶۴ تشدید حملات عراق به نفتکشها و تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس و پالایشگاهها به عنوان عقبه استراتژیک ایران، جنگ شهرها با هدف فشار بر مردم و تهییج افکار عمومی بر ضد جنگ ، مسئولان و تصمیم گیران کشور را در وضعیت دشواری قرار داد.

عملیاتهای کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۷، در راستای فعال نگه داشتن جبهه و ادامه فشار بر دشمن به اجرا در آمد. از طرفی یأس دشمن از وادار کردن جمهوری اسلامی به تضعیف و تسلیم موجب شد که جبهه متحدان عراق تصمیم جدی و عملی برای تقویت این کشور به نحوی که در سرنوشت جنگ تأثیرگذار باشد بگیرند. ترس از پیروزی ایران در جنگ عامل اصلی اتحاد قدرتهای حاکم در دنیا بر علیه ایران و تصمیم بر خاتمه جنگ بود.

^۱ حسین علایی - سخنرانی جلسه اساتید درس دفاع مقدس تهران ۱۳۸۷

امریکا و شوروی از اوایل سال ۱۹۸۸ (دی ماه ۱۳۶۶) توافق نمودند به جنگ ایران و عراق خاتمه دهند^۱، امریکا ضمن باز گذاشتن دست شوروی در جنگ های افغانستان، کامبوج و نامیبیا، سکوت شوروی در مقابل عملکرد خصمانه خود در جنگ عراق علیه ایران را بدست آورد. لذا ورود آمریکا به خلیج فارس و درگیری مستقیم نظامی با ایران با سکوت توأم با رضایت شوروی همراه شد.

در سال ۱۹۸۳ دستگیری و اعدام اعضاء حزب توده و اخراج ۱۸ دیپلمات شوروی موجب تیرگی روابط ایران و شوروی و حمایت بیشتر شوروی از عراق شد که شوروی از این به بعد با حمایت های بی دریغ (به ویژه از سال ۱۹۸۵ با به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف) در شوروی و چشم انداز پیروزی ایران در فاو باعث نگرانی بیشتر روسها شد و یک اتحاد استراتژیک بین شوروی و امریکا و کشورهای غربی مبنی بر دادن امتیاز استراتژیک نظامی به عراق برای تفوق و برتری بر ایران و وادار کردن ایران به پایان جنگ (بدون پیروزی ایران)، ایجاد شد. لذا شوروی در دو سال آخر جنگ (بعد از عملیات کربلای ۵) ۹/۳ میلیارد دلار شامل ۲۰۰۰ دستگاه تانک و ۳۳۰ فروند موشک زمین به زمین و فرانسه ۵/۶ میلیارد دلار تجهیزات شامل هواپیماهای جنگی، هلی کوپتر، تانک، توپ، موشکهای هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت.^۲ نتیجه این تلاش، همپیمانان عراق افزایش توان عراق به دو برابر توان جنگی این کشور قبل از عملیات کربلای ۵ بود به نحویکه توان عراق در آستانه سال ۱۳۶۷ و تصرف شبه جزیره فاو شامل ۵۰۰۰ دستگاه تانک، ۵۵۰ عراده توپ، ۷۵۰ فروند هواپیما و ۴۵۰ فروند هلی کوپتر، ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین، زرادخانه عظیم سلاحهای شیمیایی، ۴۵ لشکر نیروی زمینی بود.



شهید سر لشکر عباس بابایی (فرمانده عملیات نهاجا)
خلبان بسیجی که پس از سالها مجاهدت و جانفشانی در راه دفاع از
میهن اسلامی در ۱۵ مرداد ماه ۶۶ در یک پرواز عملیاتی بر اثر آتش
پدافند ضد هوایی دشمن به لقاء الله پیوست.

تصویب قطعنامه ۵۹۸

در راستای اقدامات صورت گرفته بعد از عملیات کربلای ۵، تشدید جنگ شهرها، جنگ نفتکشها و مراکز اقتصادی، کاهش قیمت نفت تا ۶ دلار، فشارهای اقتصادی، عملیات اطلاعاتی امریکا علیه ایران در حمایت از عراق و ورود این کشور به خلیج فارس، و درگیری مستقیم نظامی با ایران و توسعه بی سابقه توان رزم ارتش عراق به عنوان چماق- مجموعه ای از حرکت های سیاسی که حداقل خواسته ایران را در حدی که منجر به پیروزی ایران نگردد یا از آن تصویر پیروزی تلقی نشود، در دستور

^۱ سوداگر احمد ص ۴۸۹

^۲ سوداگر احمد ص ۴۳۵

کار شورای امنیت قرار گرفت. ایران پس از اطلاع از این قضیه با تأیید حضرت امام خمینی^۱ (ره) در تدوین این قطعنامه حضور فعال داشت نهایتاً این قطعنامه پس از کش و قوسهای زیاد در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۶۶ در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد. متن این قطعنامه به لحاظ اهمیت عیناً به شرح ذیل می باشد.

قطعنامه ۵۹۸

مورخ سی ام ژولای ۱۹۸۷

شورای امنیت، با تأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) و با ابراز نگرانی عمیق از اینکه علیرغم درخواست هایش برای آتش بس منازعه بین ایران ایران و عراق به شدت سابق و با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد و با ابراز تاسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی و غیر نظامی و حملات به کشتیرانی بی طرف یا همپایما های غیر نظامی و نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری های مسلحانه به ویژه کاربرد سلاح های شیمیایی بر خلاف تعهدات پروتکل ۱۹۳۵ ژنو و با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر این منازعه و پذیرش این امر که باید تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه یابد و اینکه باید راه حلی جامع و عادلانه و شرافتمندانه و پایدار بیت ایران و عراق به دست آید و با یادآوری مفاد منشور سازمان ملل متحد به ویژه تعهد همه دولت های عضو به حل اختلاف های بین المللی خود از راه مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت را به خطر نیاندازد و با یادآوری اینکه نزاع بین ایران و عراق صلح را نقض کرده است و شامل مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان می شود:

۱- شورا خواستار آن است که به عنوان یک قدم اولیه جهت حل و فصل این مناقشه از راه مذاکره ایران و عراق یک آتش بس فوری برقرار کنند و به تمامی عملیات نظامی خود در دریا ، زمین و هوا خاتمه داده و تمامی نیروهای خود را بی درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی باز گردانند.

۲- از دبیر کل می خواهد که یک تیم ناظر ملل متحد را برای بررسی ، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید، همچنین از دبیر کل درخواست می نماید با مشورت طرفین، تدابیر لازم را اتخاذ نموده ، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳- شورا مصرانه می خواهد که اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات کنونی ، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹) بدون تأخیر به کشورهای خود بازگردانده شوند.

^۱ سخنرانی سردار اعلائی

- ۴- از ایران و عراق می خواهد با دبیر کل در اجرای این قطعنامه و در تلاش های میانجیگرانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود و منطبق با اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد همکاری کند.
- ۵- از تمام کشور های دیگر می خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر گونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد، احتراز کنند و بیدن ترتیب اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کنند.
- ۶- از دبیر کل درخواست می کند که با مشورت با ایران و عراق، مساله تفویض اختیار به یک هیات بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی کند و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.
- ۷- با اعتراف به ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و احتیاج به تلاش های بازسازی . کمک های بین المللی مناسب به ویژه در هنگام توقف جنگ، از دبیر کل انتظار دارد در این رابطه، هیاتی از کارشناسان اجرای تحقیق درباره مساله بازسازی اعزام و گزارش آن را به شورا ارائه دهد.
- ۸- شورا همچنین از دبیر کل می خواهد که از طریق مشورت با ایران و عراق و سایر کشور های منطقه تدابیر لازم را برای تقویت امنیت و ثبات منطقه بررسی کند.
- ۹- از دبیر کل خواسته می شود که شورای امنیت را از روند اجرای این قطعنامه مطلع سازد.
- ۱۰- شورا مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت، جلسات دیگری را مجدداً تشکیل دهد.

علل تصویب قطعنامه ۵۹۸

بررسی شواهد و قرائن نشان می دهد که نظام سلطه پس از آغاز جنگ و عدم تحقق اهداف و آرزوهای آنها در پیروزی اولیه و زودرس عراق بر ایران، تلاش کردند از وضع پیش آمده نیز به جهت منافع خود بهره برداری نمایند. لذا توافق قدرتها برای جلوگیری از پیروزی ایران و ادامه جنگ به منظور تضعیف بنیه های اقتصادی و مالی و نظامی کشور و به تبع آن تضعیف قدرت ملی جمهوری اسلامی و درگیر شدن با مشکلات داخلی و عوارض ناشی از جنگ شکل گرفت تا با بازداشتن ایران از تأثیرگذاری فکری و فرهنگی بر ملت های جهان به ویژه ملت های مسلمان منطقه از پیشروی انقلاب اسلامی در جهان جلوگیری نمایند. روند ادامه جنگ و فراز و فرودهای آن بر شدت و ضعف اقدامات عملی نظام سلطه در حمایت از رژیم صدام تأثیرگذار بود به نحویکه پیروزی های ایران در جبهه های جنگ باعث تشدید حمایت از صدام می شد. پس از عملیات والفجر ۸ که پیروزی سریع و برق آسای رزمندگان اسلام در تسلط بر فاو و حفظ و تثبیت آن بهت کارشناسان نظامی جهان را برانگیخت، نگرانیها از آینده صدام تشدید شد.

ولی مشاوره های نظامی که از خارج به صدام داده شد و همچنین پیشتازی منافقین در کسب آمادگی رزمی و حمله به خطوط مقدم رزمندگان اسلام در برخی نقاط مرزی از جمله مهران و اراکه تصویر شکننده از خطوط دفاعی ایران به صدام منجر به اتخاذ استراتژی دفاع متحرک از سوی صدام شد. در این استراتژی عراق طی عملیاتی محدود برخی از نقاط خطوط دفاعی ایران را تصرف نمود که مهمترین و آخرین آن اشغال شهر مهران در اردیبهشت ۱۳۶۵ بود، که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات کربلای یک شهر مهران را آزاد نمود و این استراتژی عراق نیز با شکست مواجه شد. مجموعه تحرک تهاجمی صدام باعث شد که دستاوردهای عملیات والفجر ۸ تا حدودی تحت الشعاع قرار گیرد. لذا پیروزی ایران در فاو یک حادثه ناشی از غفلت عراق تلقی شد. ولی پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و نزدیک شدن به شهر استراتژیک بصره عراق در جنوب این کشور این دیدگاه را با چالش مواجه نمود و پیروزی نظامی ایران از دید کارشناسان یک روند رو به جلو و قابل تکرار تلقی شد. این نگاه به پیروزیهای احتمالی آینده صدام باعث رویکرد نظام سلطه (شرق و غرب) به پایان جنگ بدون پیروزی ایران شد. لذا زمزمه ها و مذاکرات در شورای امنیت سازمان ملل در خصوص تصویب یک قطعنامه ای که حداقل خواسته های ایران را تأمین کند، شروع شد. که پس از طی مراحل مختلف نهایتاً در تیرماه ۶۶ تصویب شد.

عوامل مهم را می توان بطور خلاصه به شرح ذیل نامبرد:

- ۱- پیروزیهای قاطع و چشمگیر ایران در عملیاتی والفجر ۸ و کربلای ۵
- ۲- نزدیکی ایران به بصره (طی عملیات کربلای ۵) بعنوان مهمترین شهر عراق در جنوب این کشور و دومین شهر بزرگ آن
- ۳- احتمال شکست عراق با ادامه پیروزیهای نظامی ایران
- ۴- تلاش امریکا برای جریان ضعفها و رسواییهای خود در ماجرای مک فارلین و حل مشکل گروگانها در لبنان و بی اعتباری در نزد کشورهای منطقه، حمایت و حفظ صدام و وادار کردن ایران به پذیرش صلح
- ۵- اقتضای منافع نظام سلطه (امریکا و شوروی و متحدان آنها) برای پایان جنگ و حفظ صدام و تأمین جریان انرژی در خلیج فارس

لذا برآیند مجموعه عوامل تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل که تکیه گاه پایان ۸ سال جنگ تحمیلی بر ایران بود این است که تنها فشار نظامی ایران و فشردن گلوی صدام در اطراف بصره (عملیات والفجر ۸ از فاو و جنوب بصره، عملیات کربلای ۵ از شرق این شهر) و اصرار حامیان صدام برای حفظ این رژیم باعث شد که آنها حداقل خواسته های ایران را که به رسمیت شناختن مرزهای بین المللی (بیانیه ۱۹۷۵)، تعیین متجاوز، پرداخت خسارت مالی و تضمین صلح و عدم تجاوز، در این قطعنامه مورد تأکید قرار گیرد

عراق پس از تشکیل جلسه شورای فرماندهی در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷ آنرا پذیرفت. سخنگوی دولت عراق در این خصوص رسماً گفت: ((عراق آماده است قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را که در آن دستور آتش بس فوری داده شده است، بپذیرد. مشروط به آنکه ایران نیز اقدامی مشابه انجام دهد، تعهد عراق نسبت به این قطعنامه به پذیرش صریح و بدون قید و

شرط آن توسط ایران بستگی دارد^۱). پاسخ رسمی دولت عراق نیز در تاریخ ۱۴ اوت به دبیرکل اعلام شد: «عراق از قطعنامه ۵۹۸ استقبال می نماید و آماده است برای اجرای آن با دبیرکل و شورای امنیت همکاری کند.^۲»

ایران نیز پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ از پذیرش یا رد آن خودداری نمود. در سفر رئیس جمهور وقت آیت ا... خامنه ای به نیویورک از وی درباره علت عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سوال شد وی جواب داد «(ما آنرا رد نکرده ایم، قطعنامه دارای نکات مثبتی است که آنرا مطالعه می کنیم)» ایران خواستار جابجایی برخی از بندهای قطعنامه بود. ایران خواستار اجرای بندهای تعیین متجاوز و تعیین و پرداخت خسارات جنگی و بعد عقب نشینی به مرزها بود.

تمایل کلی ایران به سمت پذیرش قطعنامه بود ولی با در دست داشتن زمینهای دشمن به عنوان برگ برنده معتقد به استفاده از آن و حل و فصل اساسی تر مسائل بود. سیاست ایران تا سال ۶۷ تصرف مناطق بیشتری از عراق برای وادار کردن آنها به قبول خواسته های ما بود که عملیات والفجر ۱۰ نیز در این راستا انجام گرفت. این برخورد ایران با قطعنامه (نه رد و نه قبول) مرحله دوم واکنش غرب به رهبری امریکا را به دنبال داشت. البته ایران پذیرش قطعنامه را مشروط به صدور بیانیه دبیر کل سازمان ملل نموده بود و دبیر کل نیز آن را پذیرفته بود. (طرح اجرایی دبیر کل در خصوص قطعنامه ۵۹۸، ۲۳ مهر ۶۶ تهیه شد)، ولی حرکت صدام در آخر جنگ وضعیت را تغییر داد.^۳

با عدم پذیرش قطعنامه توسط ایران جبهه متحد حامیان عراق تصمیم به برخورد (حتی نظامی) با ایران گرفت. در کنار سایر اقدامات تقویت کننده رژیم و ارتش صدام و تضعیف جمهوری اسلامی در تمام عرصه ها و ورود آمریکا به رویارویی محدود نظامی با ایران به عنوان آخرین راهکار امریکا انتخاب شد. به دنبال گسترش جنگ به کشتی های نفتکش سایر کشورها از جمله کویت و درخواست این کشور از امریکا برای اسکورت نفتکش های کویتی، کشتی های جنگی به همراه ناوهای هواپیمابر وارد خلیج فارس شدند. اولین کاروان اسکورت شده نفتکش های کویتی توسط امریکا با مین های دریایی ناشناس برخورد کرد و دامنه جنگ توسعه پیدا کرد. امریکا یک فروند کشتی ایرانی به نام «ایران اجر» را به بهانه مین ریزی در خلیج فارس هدف قرارداد و سپس با پیاده شدن در کشتی و اسیر گرفتن سرنشینان، آن را منهدم و غرق نمود، همچنین امریکا به پنج سکوی نفتی ایران حمله و با کارگذاری مواد منفجره آنها را انهدام نمود.



شهید نادر مهدوی

یکی از فرماندهان جنگهای چریکی دریایی و قایقهای تند رو سپاه که در نبرد با نیروهای آمریکایی در خلیج فارس در ۱۶ مهر ماه ۱۳۶۶ به فیض شهادت نایل آمد.

^۱ روزنامه اطلاعات ۱ مرداد ۱۳۶۶

^۲ سوداگر احمد ص ۵۱۸

^۳ محسن رضایی سخنرانی

از طرف دیگر تجهیز عراق به هواپیماهای سوپر اتاندارد و میراژ ۲۰۰۰ و F1 و تانکر سوخت رسان توسط فرانسه این امکان را به عراق داد تا عمق استراتژیک ایران در تنگه هرمز و جزیره خارک در دسترس تهاجم هوایی عراق قرار گیرد و فشار بر ایران تشدید شود.

عملیات والفجر ۱۰

این عملیات در ساعت ۲ بامداد ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ در منطقه عمومی شرق سلیمانیه و سد در بندیخان شمال عراق به منظور دستیابی به شهر سلیمانیه و کرکوک، بزرگترین شهر نفت خیز در شمال عراق انجام شد. در ساعات اولیه عملیات با غافلگیری همراه بود و لی ارتش عراق بعد از بازیابی خود و اطلاع از مسیر حمله رزمندگان اسلام، اقدام به مقابله نمود ولی پس از؟ روز جنگ و مقاومت نهایتاً، عملیات با تصرف شهرهای دوجیله، حلبچه و خرمال و مناطقی در کردستان عراق، پایان یافت. اگرچه تلاشهای رزمندگان اسلام در این عملیات ستودنی بود ولی عملیات به هدف اصلی خود نرسید و دشمن با استفاده وسیع از سلاحهای شیمیایی دست به کشتار عظیم مردم حلبچه زد، به نحویکه حدود ۵۰۰۰ نفر از مردم حلبچه در بمباران شیمیایی این شهر جان خود را از دست دادند.

نکته مهمتر اینکه، علی رغم پیش بینی فرمانده کل سپاه، دشمن عمده قوای خود را برای مقابله به غرب نیاورد و آمادگی خود را برابر شواهد و قرائن قبلی برای حمله به فاو حفظ نمود. در طی هفت سال و نیم جنگ دشمن علاوه بر جنگ متعارف در زمین و هوا و دریا شیوه های نا متعارف جنگ را نیز بکار گرفت که به برخی از آنها به طور مختصر اشاره می شود

جنگ شهرها:

این اصطلاح در ابتدای جنگ با عنوان «بمباران مناطق مسکونی» مصطلح بود و از سال ۱۳۶۳ با عنوان «جنگ شهرها» در ادبیات دفاع مقدس مورد استفاده قرار گرفت.

این اصطلاح به مفهوم عام بیانگر عملیات نظامی دشمن با بکارگیری نیروی هوایی و هوانیروز (هواپیما و بالگرد و ...)، توپخانه، موشک و ... بر علیه شهرها و روستاها و مناطق مسکونی ایران در طول دوران دفاع مقدس است.

اهداف دشمن از جنگ شهرها:

- ۱) تضعیف اراده مردم. دشمن تلاش می نمود با توسل به جنگ شهرها روحیه ملی مردم را پایین آورده و تضعیف نماید.
- ۲) تلاش در جهت خنثی نمودن عملیات رزمی ایران و یا جبران شکست. هرگونه موفقیت ایران در جبهه های جنگ با حمله به شهرها پاسخ داده می شد.
- ۳) کاهش توان اقتصادی. دشمن با حمله به مراکز اقتصادی واقع در شهرها و اطراف آن سعی داشت بر منابع موثر در زندگی روزمره مردم تاثیر بگذارد.
- ۴) کاهش اعزام نیروهای داوطلب به جبهه ها. با توجه به برتری ایران در نیروی انسانی با انگیزه و شهادت طلب، عراق تلاش می نمود از انگیزه نیروهای مردمی برای اعزام به جبهه بکاهد.

۵) تشدید جنبه فرسایشی جنگ. با درگیر شدن مردم در جنگ و انتقال فشار ناشی از آن به دوش مردم، فشار بر مسولان برای

خاتمه جنگ بیشتر می‌شد.



نمایی از مناطق مسکونی بمباران شده

مراحل مختلف جنگ شهرها:

ارتش عراق از همان روزهای اول جنگ، تهاجم را با حمله به شهرها آغاز نمود. شهرهای مرزی ایران توسط توپخانه و هواپیما و موشک هدف قرار گرفت و تعداد زیادی از مردم غیرنظامی اعم از زن و کودک و پیر و جوان به شهادت رسیدند.

روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۳ بعد از عملیات بدر، با حمله هوایی عراق به اهواز و بوشهر و شهادت بیشتر از ۴۰ تن از مردم این شهر، این صحنه جنگ وارد مرحله جدید(اول) شد.

شهر قهرمان دزفول اولین شهری بود که توسط موشک‌های ساخت شوروی عراق هدف قرار گرفت. ایران برای جلوگیری از ادامه تهاجم عراق ابتدا تهدید و سپس شهر بصره عراق را با توپخانه هدف قرار داد. اولین موشک ایران در ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ راس ساعت ۲:۴۰ بامداد شهر کرکوک عراق را هدف قرار داد و دومین موشک ایران در ۲۳ اسفند ۱۳۶۳ راس ساعت ۳:۳۰ بامداد «بانک رافدین» عراق در شهر بغداد را هدف اصابت قرار داد و منهدم نمود.

موشک‌های بعدی ایران عمدتاً به شهر بغداد شلیک شد.

حملات عراق در اسفند ۶۳ و فروردین ۱۳۶۴ با حمله به ۱۵ شهر ایران ادامه یافت و پس از آن مدتی فروکش کرد. در مرحله دوم جنگ شهرها در خرداد ۱۳۶۴ نیز حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی تشدید شد که تا ۲۴ خرداد ماه ادامه یافت.

در سومین مرحله جنگ شهرها در دی و بهمن ۱۳۶۵ پس از عملیات کربلای ۵ عراق در حجم وسیع به مناطق مسکونی ایران حمله نمود که تلفات زیادی را به همراه داشت. تنها در بمباران ۱۱ بهمن ارومیه، قریب به ۵۰۰ نفر در کمتر از ۱۰ دقیقه به شهادت رسید.

آخرین و حساس‌ترین و اثرگذارترین مرحله جنگ شهرها در اسفند ۱۳۶۶ شروع شد. ارتش عراق با کمک کارشناسان شوروی با ایجاد تغییرات در موشک‌های اسکاد، برد آنها را به ۶۰۰ کیلومتر تغییر داده و «الحسین» نامیدند و سپس برد آنها را تا ۸۵۰ کیلومتر افزایش داد و آنها را «العباس» نام نهاد. در این تغییرات با کاستن از وزن مواد منفجره، سوخت موشک‌ها افزایش یافته بود. با فرود اولین موشک‌های عراقی در نوزدهم اسفند ۱۳۶۶ در تهران، مسئولان ایرانی دچار بهت و حیرت شدند، این موشکباران تا ۱۱ اردیبهشت ادامه یافت، در این فاصله عراق حدود ۱۷۰ موشک میانبرد استفاده نمود که تلفات جانی و آسیب‌های مالی زیادی را بر ایران وارد نمود. ایران نیز دست به مقابله به مثل زد ولی توان موشکی ایران بسیار محدود بود.

تهدید عراق به استفاده از کلاهک‌های شیمیایی در این موشک‌ها بر علیه تهران، فضای روانی سنگینی را بر علیه جنگ بین مردم و مسئولان ایجاد نمود به نحویکه خالی شدن شهرها از مردم و مهاجرت آنها به خارج از شهر، مشکلات زیادی را برای تصمیم‌گیران ایجاد نمود که بر اراده آنها برای پایان جنگ موثر بود. یکی از نقاط قابل توجه در جنگ شهرها، حمله عراق به مدارس بود. این حملات در شهرهایی مثل بهبهان، بروجرد، میانه، زنجان و ... صورت گرفت.

نتیجه‌گیری:

در دوره‌های مختلف جنگ شهرها صدام سعی نمود با حمله به عقبه مردمی جنگ و ایجاد ناامنی روانی در بین مردم، اثرات جنگ را به میان مردم کشانده و مخالفت با ادامه جنگ توسط مردم و فشار به دولت و حکومت را افزایش دهد که این امر در مرحله آخر جنگ شهرها و موشکباران تهران تا حدی تحقق یافت. حملات گستاخانه صدام به مناطق مسکونی توأم با رضایت جوامع جهانی از جمله سازمان ملل و شورای امنیت مواجه بود.

آمار تعداد حملات هوایی عراق به شهرها

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	جمع سال
تعداد حمله	۴۱۳	۵۷۱	۴۷۶	۲۶۰	۲۶۴	۷۹۰	۹۶۲	۷۴۵	۳۰۶	۴۷۶۹

نوع حمله	هواپیما	توپخانه	موشک
درصد	٪۶۳.۲	٪۳۱.۹	٪۴.۹

در مجموع حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی بیش از ۷۶۸۶۳ نفر شهید و مجروح شدند. "استفان پلیتر" کارشناس استراتژی در امور عراق: «عدم تحرک در اقدام صلح سازمان ملل موجب شد که عراق به این تصمیم برسد که تنها راه ختم جنگ این است که به اقتصاد ایران آنقدر ضربه زند تا قادر به تغذیه مردمش نباشد و در عین حال نیز جمعیت شهرهای ایران را با حملات موشکی ترور کند تا آنها از دولتشان مطالبه صلح کنند»^۱

جنگ شیمیایی:

علی رغم ممنوعیت بکارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها و تولید و نگهداری آنها رژیم صدام از سلاح‌های شیمیایی بعنوان یک عامل مهم در جلوگیری از پیروزی رزمندگان اسلام استفاده نمود. تاریخچه استفاده از این سلاح‌ها به جنگ جهانی اول توسط آلمانی‌ها بر میگردد که به صورت ابتدایی مورد استفاده قرار گرفت.

به خاطر نگرانی بشریت از عوارض این سلاح‌ها، در جنگ جهانی دوم بصورت عمده از آن استفاده نشد ولی در جنگ عراق علیه ایران، رژیم صدام از این سلاح‌ها در شکل و انواع و اندازه مختلف بصورت فاجعه آمیزی استفاده نمود.

^۱ خ جمهوری اسلامی ۶۷/۱/۲۶ به نقل از کریستین ساینس مانیاتور



نمایی از بمباران شیمیایی حلبچه

عراق پس از شکست در عملیات‌های مختلف، به منظور شکست دادن نیروهای ایرانی از این سلاح‌ها بصورت گلوله‌های خمپاره، توپ، که حاوی گازهای سمی و کشنده‌ای همچون عوامل عصبی، تاول زاء، خردل، سیانور و عوامل خفه کننده بودند، استفاده نمود.

عراق با وارد کردن مواد اولیه و تکنولوژی ساخت این سلاح‌ها از آمریکا و اروپا، کارخانه‌های ساخت سلاح‌های شیمیایی را در «عکاشه، القائم، سلمان پاک، اتاجی و الفلوجه» دایر نمود و خود رأساً به ساخت سلاح‌های شیمیایی اقدام کرد.

اولین حمله شیمیایی عراق که توسط سازمان ملل ثبت شد به تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ (۱۳ ژانویه ۱۹۸۱) مربوط است که در بین هلاله و نی‌خزر در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام بکار رفت و منجر به شهادت ۱۰ نفر گردید. در سال ۱۳۶۰ عراق چهار بار از این سلاح‌ها در مناطق هویزه، ارتفاعات الله اکبر، پل نادری و خرمشهر استفاده کرد. در سال ۱۳۶۱ یازده بار از این سلاح‌ها استفاده شد که ۱۳ نفر شهید و ۲۱ نفر مصدوم داشت. در سال ۱۳۶۲ در عملیات خیبر برای اولین بار به شکل گسترده این سلاح‌ها توسط عراق مورد استفاده قرار گرفت و به لحاظ عدم آمادگی نیروهای ایرانی، تلفات و صدمات بالایی داشت. (۱۷۰۰ شهید و مجروح). در این سال تنوع سلاح‌ها بیشتر شد و تعداد دفعات استفاده نیز به ۴۵ مورد رسید. تا این زمان تک شیمیایی عراق به جزایر مجنون گسترده‌ترین حمله شیمیایی بود. در حملات عراق به شهرهای پیرانشهر، بانه، پاه و ... ۲۲ نفر شهید و ۲۷۹۳ نفر مصدوم شدند.

در سال ۱۳۶۳ حملات شیمیایی نسبتاً فروکش کرد و به ۳۴ مورد رسید. در این حملات ۲۳ نفر شهید و ۱۵۹۳ نفر مصدوم شدند.

در سال ۱۳۶۴ حملات شیمیایی دشمن موجب شهادت ۳۶ تن و مصدومیت ۱۰۲۷۳ نفر شد که حمله شیمیایی به فاو

شدیدترین این حملات بود.



تصویر رزمندگان اسلام که توسط سلاح‌های شیمیایی صدام مجروح گردیدند.

حمله عراق به پادگان حمید (۱۳۶۵/۱/۱۹) موجب شهادت ۱۰ نفر و مصدومیت ۱۱۰۰ نفر شد.

حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵ به ۷۹ مورد رسید و تعداد زیادی شهید و مصدوم برجا گذاشت.

در سال ۱۳۶۶ به دنبال عملیات والفجر ۱۰ وسیع‌ترین حملات شیمیایی عراق در شلمچه صورت گرفت که در این حمله ۵۰۰۰ نفر شهید شدند و ۷۰۰۰ نفر مادام‌العمر معیوب و فلج شدند.



تصویر رزمندگان اسلام که توسط سلاح‌های شیمیایی صدام مجروح گردیدند

حمله عراق در ۷ تیر ۱۳۶۶ به شهر سردشت و روستاهای اطراف منجر به شهادت ۹۷ نفر و مصدومیت ۵۲۰۰ نفر شد. در سال ۱۳۶۷ نیز حمله عراق در باز پس‌گیری فاو، شدیدترین حملات این سال بود. مرور تاریخچه بکارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق بیانگر آنست که این روند از آغاز تا پایان جنگ به عنوان یک استراتژی مورد توجه رژیم صدام بود. بر اساس نتایج تحقیقات پژوهشکده علوم پزشکی جانبازان از تعداد ۴۰۰ هزار نفر جانباز دوران دفاع مقدس، ۱۲۰ هزار نفر جانباز شیمیایی می‌باشند که در طی ۴۰۰ بار حمله شیمیایی عراق علیه مناطق نظامی و غیر نظامی مصدوم شده‌اند. از بین جانبازان شیمیایی ۱۷۷۵۰ نفر دچار ضایعات ریوی، ۱۵۵۶۲ نفر دچار ضایعات چشمی، ۱۱۳۴۸ نفر دچار ضایعات پوستی شده‌اند.

نتیجه‌گیری:

عراق با توجه به برتری ایران در نیروی انسانی با انگیزه معنوی و عدم توان ارتش عراق در متوقف کردن این نیروها در صحنه‌های نبرد با سلاح‌های متعارف، اقدام به استفاده وسیع از انواع مختلف سلاح‌های شیمیایی به منظور وارد کردن تلفات انسانی بالا به نیروهای نظامی ایران نمود.

از طرفی عراق مترصد ایجاد فضای روانی و تبلیغاتی بر علیه نیروهای ایرانی با ایجاد ترس، رعب و وحشت ناشی از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بود. لذا علاوه بر تلفات جسمی، بر اثر بازدارندگی روانی این سلاح‌ها در جبهه‌های جنگ، بر روی رزمندگان اسلام، فرماندهان و مسئولان نیز برنامه‌ریزی کرده بود و از آن بعنوان یک عامل بازدارنده برای وادار کردن نیروهای ایرانی به عدم تحرک و حمله و عقب‌نشینی و در نتیجه یاس از پیروزی در عملیات نظامی و رویکرد مصالحه و پایان جنگ، استفاده می‌نمود. شورای امنیت سازمان ملل و دیگر مجامع جهانی اقدام قابل توجهی را علی‌رغم گزارشات بازرسان این سازمان که از صحنه‌های جنگ شد، انجام نداد.

بیشترین اسناد و اعترافات کشورهای غربی و منطقه‌ای در حمایت از صدام و تسلیح و تجهیز این کشور به زرادخانه عظیم سلاح‌های متعارف و نامتعارف وقتی آشکار شد که صدام به متحد غرب در منطقه و یار غار دیروز خود، کشور کویت حمله نمود. از این حادثه به بعد صدام به دشمن غرب تبدیل شد و سیل اعترافات و اعتراضات همپیمانان دیروز وی به همدیگر در یاری و تجهیز ارتش عراق آغاز گردید. این اظهارات مهمترین اسناد و دلایل ایران برای اثبات ادعای خود در پشتیبانی تمام نظام سلطه و کفر از صدام در طی هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس است.

جنگ نفتکشها

مجموعه عملیات نظامی و غیر نظامی بر علیه تاسیسات نفتی (ایران) در طول هشت سال دفاع مقدس به منظور اثر گذاری بر کاهش استخراج و صادرات نفت ایران بعنوان مهمترین منبع درآمدهای ملی و ارزی کشور، حمله به سکوها، استخراج، لوله های انتقال، پالایشگاه های تصفیه، پایانه های صادرات نفت و نفتکشهای حامل نفت و فرآورده های نفتی که در ادبیات دفاع مقدس به "جنگ نفتکشها" مشهور شد.

عراق در اولین روز جنگ با حملات توپخانه ای پالایشگاه آبادان را هدف قرار داد و تقریباً تا آخر جنگ این پالایشگاه را که بزرگترین پالایشگاه خاورمیانه با ظرفیت تصفیه ۶۳۰۰۰۰ بشکه نفت در روز بود از رده خارج نمود و در دوم مهر ماه ۱۳۵۹ (۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰) پایانه نفتی در جزیره خارک را مورد حمله قرار داد که این پایانه آسیب جدی ندید. در مقابل ایران نیز در عملیاتی به نام مروارید در شمال خلیج فارس اسکله های البکر و الامیه عراق را منهدم و صادرات نفت از آنها را متوقف نمود. همچنین با پشتیبانی و حمایت سوریه، خط لوله صادرات نفت عراق به دریای مدیترانه که از خاک سوریه به طول ۵۰۰ مایل ادامه داشت را بطور کامل قطع نمود.

اقدامات مهم عراق در جنگ نفتکشها

- ۱- حمله به سکوها، استخراج نفت در دریا و خشکی و لوله های انتقال نفت
- ۲- حمله به پالایشگاههای تصفیه نفت خام و تولید فرآورده های نفتی و پتروشیمی
- ۳- حمله به پایانه ها و سکوها و اسکله های صادرات نفت
- ۴- حمله به نفتکشهای حامل نفت ایران
- ۵- کاهش قیمت نفت خام در بازار های جهانی از ۴۱ دلار در سال ۱۳۵۹ به ۲۶ دلار در سال ۱۳۶۴ و تا مرز ۶ دلار در سال ۱۳۶۵ با فشار آمریکا و اروپا به بازار نفت و افزایش تولید کشورهای مثل عربستان و کویت
- ۶- ورود مستقیم آمریکا به خلیج فارس از سال ۱۳۶۶ با بهانه حمایت از صادرات نفت کویت و عربستان و حمله به تاسیسات و سکوها، نفتی ایران
- ۷- افزایش هزینه های تولید و صادرات نفت به دلیل انهدام منابع و پایانه های نفتی و افزایش حق بیمه نفتکشهای خارجی

مرحله اول: ۱۹۸۳-۱۹۸۱

بعد از سپری شدن اوج تهاجم اولیه عراق و متوقف شدن ارتش عراق در زمین و عدم دستیابی به اهداف تهاجم، عراق از سال ۱۹۸۱ به جنگ نفتکش ها روی آورد این روند تا سال ۱۹۸۳ ادامه پیدا کرد در این مدت در مجموع ۴۸ فروند کشتی در خلیج فارس توسط عراق مورد حمله قرار گرفت. در این مقطع ایران اقدام متقابل انجام نداد.

برخی از تهاجم های عراق به مراکز و تاسیسات نفتی ایران در مرحله اول

ردیف	مکان مورد حمله	تاریخ حمله
۱	ترمینال نفتی خارک	۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰
۲	۱۵۰ مخزن سوخت پالایشگاه آبادان	مهر ماه ۱۳۵۹
۳	مخازن سوخت تهران	۲۲ مهر ۱۳۵۹
۴	میدان نفتی نوروز	۲۸ بهمن ۱۳۶۱

مرحله دوم: ۱۹۸۶-۱۹۸۴ (۶۵-۶۴)

این مرحله پس از توسعه روابط عراق و آمریکا آغاز شد.

در این مرحله، جنگ نفتکشها به فاز جدیدی وارد شد عراق با خرید ۵ فروند هواپیماهای سوپر اتاندارد، برد حملات خود را افزایش داد و به ۱۱۰۰ کیلومتر (از دهانه اروندرود تا بندر بوشهر) رساند.

و جزیره خارک مهمترین پایانه صادرات نفت ایران در تهدید جدی تهاجم هوایی عراق قرار گرفت.

این پایانه که با طرح های قبل از انقلاب به منظور صادرات شش تا هفت میلیون بشکه نفت در روز با ۱۲ ترمینال صادرات نفتی طراحی شده بود و به عنوان کانون اصلی صادرات نفت ایران بود که تا آن موقع از تهدید جدی جنگ و حملات عراق به دور مانده بود.

تلاش عراق برای وا داشتن ایران به عکس العمل و انسداد تنگه هرمز و بین المللی کردن جنگ با تهدید ایران به بستن تنگه هرمز عملی تر می شد.

عراق در ۱۴ مرداد ۱۳۶۴ با حمله موفقیت آمیز به پایانه "T" و "H" در دو سوی جزیره خارک، آنها را منهدم نمود و در سال ۶۵ نیز سیستم دفاع ضد هوایی آن را از کار انداخت پس از آن در شهریور ۱۳۶۵ حملات شدید عراق به خارک باعث قطع صادرات نفت ایران به مدت یک روز از خارک شد که ایران تصمیم به انتقال صادرات نفت به دهانه خلیج فارس گرفت.

این مرحله که پس از پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و تصرف شرق بصره آغاز شد تأثیرات جدی در عراق و کشورهای حامی آن در پی داشت. کشورهای منطقه به دنبال آن بودند که به هر نحو ممکن از شکست عراق و تغییر روند جنگ به زیان عراق جلوگیری نمایند .

لذا کویت در ۲۳ دیماه ۱۳۶۵ از سفارت آمریکا خواست تا امنیت نفتکشهای کویتی را در خلیج فارس تامین نماید این درخواست تغییری جدی در موازنه قوا در خلیج فارس ایجاد نمود .

آمریکا پس از موافقت با این امر در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ اولین کاروان نفتکشهای کویتی را که با پرچم آمریکا حرکت می کردند در خلیج فارس اسکورت نمود که برخورد نفتکش "بریجتون" با مین صحنه جنگ نفتکشها در خلیج فارس را تغییر داد .

در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ هلی کوپتر های آمریکایی کشتی "ایران اجر" را منهدم و غرق ، ۴ نفر از پرسنل ارتش را شهید و ۱۰ نفر دیگر را اسیر نمود . در ۱۶ مهر ۱۳۶۶ بالگرد های آمریکایی به دو قایق سپاه حمله کرده و آنها را غرق نمودند . در این عملیات ۱۰ نفر شهید و ۱ نفر زخمی شد . شهید نادر مهدوی فرمانده این گروه بود .

اول آذر ۱۳۶۶ ایران به ۴ بالگرد آمریکایی تیراندازی و یک فروند از آنها را ساقط نمود و متقابلاً " آمریکا به ۵ سکوی ایران در خلیج فارس حمله و آنها را منهدم نمود . این درگیریهای متقابل مکمل حملات عراق به تاسیسات نفتی ایران و نفتکشها شد . و در واقع اهداف اصلی عراق از جنگ نفتکشها را به ثمر نشاند . در ۲۶ فروردین ۶۷ نیروی دریایی آمریکا در تنگه هرمز با کشتیهای جنگی ارتش درگیر و پس از غرق سه قایق، ناوچه سهند و جوشن را نیز غرق نمود عملیات سپاه در حمله به ناوچه استارک برای بستن تنگه هرمز لحظاتی قبل از اجرا لغو شد .

ورود آمریکا به جنگ مستقیم با ایران موجب افزایش حملات ایران به کشتی های تجاری و حامل نفت در خلیج فارس شد. "گری سیک" مشاور کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا می گوید: " عامل عمده جنگ از جانب ایران صدور نفت توسط این کشور است و تا موقعی که نفت از ایران صادر می شود جنگ ادامه خواهد داشت بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد ."۱

اگر به این نکته توجه کنیم که در دهه ۶۰ ، ۱۰۰٪ صادرات نفت ایران از خلیج فارس صورت می گرفت ، جنگ نفتکشها توجیه منطقی پیدا می کند . "ویلیام فایر" کارشناس اقتصادی سیا می گوید : " با ایران چه کنیم ؟ هر چه پول در رگهای عراق تزریق شد ، نتیجه نداد . تنها یک روزنه امید هست ، شاید با سقوط قیمت نفت ایران ورشکسته شود و ماشین جنگی او از کار بیفتد .

ردیف	سال	میزان صادرات (بشکه در روز)	درآمدهای نفتی ایران (میلیارد دلار)
۱	۱۳۶۳	۱/۳۶۰/۰۰۰	۱۰/۹
۲	۱۳۶۴	۱/۸۰۰/۰۰۰	۱۲/۵۹
۳	۱۳۶۵	۱/۵۰۰/۰۰۰	۶/۸۱
۴	۱۳۶۶	۱/۵۰۰/۰۰۰	۹

میزان صادرات و درآمدهای نفتی ایران در طول جنگ نفتکشها

در موج دوم جنگ نفتکشها که از سال ۱۳۶۴ آغاز شد درآمدهای نفتی ایران به ۱/۳ (ماهانه ۴۲۰ میلیون دلار) کاهش پیدا کرد.

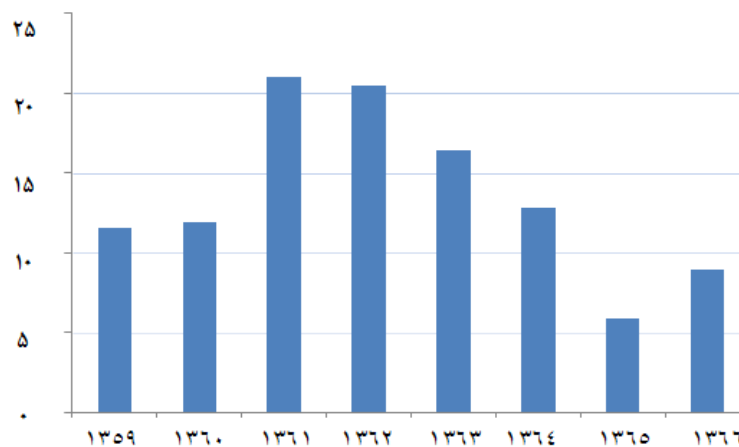
جدول نفتکشها و کشتیهایی مورد حمله واقع شده در خلیج فارس

کشور / سال	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	مجموع
عراق	۵	۲۲	۱۶	۵۳	۳۳	۶۶	۸۹	۳۸	۳۲۲
ایران	۰	۰	۰	۱۸	۱۴	۴۵	۹۲	۵۲	۲۲۱
مجموع	۵	۲۲	۱۶	۷۱	۴۷	۱۱۱	۱۸۱	۹۰	۵۴۳

جنگ نفتکشها در نگاه اجمالی نتایج زیر را دربرداشت :

- ۱- کاهش صادرات نفت به بیش از نصف سالهای مشابه در قبل از آغاز این جنگ
 - ۲- کاهش قیمت نفت از ۴۱ دلار در سال ۱۳۵۹ به ۲۵ دلار در سال ۱۳۶۳ و در اوج بحران در سال ۱۳۶۵ تا ۶ دلار
 - ۳- کاهش درآمدهای ارزی ایران تا ۱/۳ سالهای اول جنگ
 - ۴- کاهش توان ایران در پشتیبانی از جنگ و خریدهای نظامی و تسلیحاتی و عملاً "ورشکستگی اقتصادی ایران
- آقای هاشمی رفسنجانی : " در جریان جنگ وضع اقتصادی ایران زیر خط قرمز رسید مجبور شدیم به عرض امام برسانیم و حضرت امام (ره) به ناچار قطعنامه ۵۹۸ را قبول کرد . "
- ۵- افزایش تعطیلی کارخانجات و نرخ بیکاری تا ۲۵٪
 - ۶- آسیب به تأسیسات و خدمات صنعت نفت به میزان ۳۱/۸۳ درصد کل خسارات جنگ

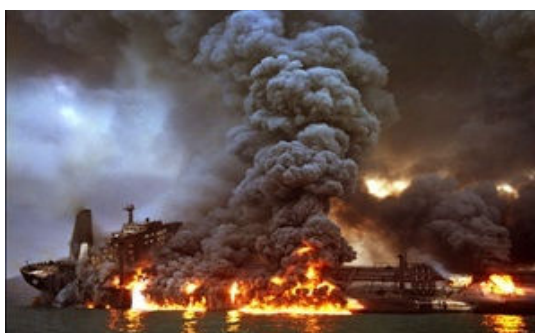
درآمدهای نفتی (میلیارد دلار)



درآمدهای ایران ناشی از صادرات نفت در هشت سال دفاع مقدس



اسکله منهدم شده ایران بدست نیروهای آمریکایی



نفتكش هدف قرار گرفته در حمله هوایی عراق



نفتكش هدف قرار گرفته در حمله هوایی عراق

تحولات آخر جنگ در سال ۱۳۶۷ و پایان آن

سال ۱۳۶۷ در حالی آغاز شد که ایران در غرب در عملیات والفجر ۱۰ موفقیت نظامی تأثیرگذاری بدست نیاورد و عراق نیز ارتش تقویت شده خود را در غرب به مقابله با ایران نیاورد و عمده قوای عراق در جنوب ماند.

برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی و اختلافات سیاسی داخلی بر حضور نیروهای داوطلب در جبهه ها تاثیر منفی گذاشت این امر در کنار توسعه توان رزم عراق، هشدار شدید حضرت امام (ره) در ۱۱ فروردین ۱۳۶۷ را در پی داشت. ایشان در پیامی به مناسبت انتخابات مجلس شورای اسلامی در خصوص سرنوشت جنگ تذاکرات شدیدی را به مردم و مسئولین دادند: "ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید. «جَهِّزُوا أَنْفُسَكُمْ بِالصَّلَاحِ وَالسَّلَاحِ». نهراستید. که نمی‌هراسید، کمربند هاتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار بپاخیزید. قدرتهای بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویند. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیتِ انسانهاست. روز جنگ است. روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهانخواران ما را یاری کنند بی حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه‌سرایی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ماست. درنگ امروز فردای اسارتباری را به دنبال دارد. امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود، و زره جهاد و مقاومت پوشید، و در افق طلوع فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود. فرزندانم، دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است؛ و با حمله شیمیایی به مردم بی‌دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما توان و امان او را بگیرد، که ان‌شاءالله پیروز خواهید شد.

والسلام علی عبادالله الصالحین. به تاریخ یازدهم فروردین ۶۷ روح الله الموسوی الخمینی^۱

متعاقب این تذکرامام احساس نگرانی در آینده جنگ بر جامعه مستولی شد و فرمانداران نظامی بیش از همه از وضع پیشرو نگران بودند تا این تاریخ رزمندگان اسلام حدود ۵۵^۲ عملیات کوچک و محدود و بزرگ در کردستان عراق انجام دادند که در بین این عملیات ها کربلای ۱۰، نصر ۸، بیت المقدس ۲ و والفجر ۱۰ نسبت به سایر عملیات ها مهم تر بودند.

^۱ تنبیه متجاوز ج ۳ ص ۳۸۷

^۲ به نقل از سند شماره ۶۹۷ مرکز مطالعات جنگ سپاه

صدام: «حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده است. عراقی‌ها می‌توانند دشمن را در داخل خاکش جهت خدمت به صلح و استرداد سرزمین‌های ملی درهم کوبند». این مطلب نشانگر رشد قابل توجه ارتش عراق در پایان جنگ است.

عراق پس از کسب آمادگی‌های لازم (تمرینات و مانورهای مختلف) در ساعت ۶ صبح تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ به فاو حمله کرد. این درست زمانی بود که فرماندهان سپاه در مجمع سراسری فرماندهان سپاه در کرمانشاه حضور داشتند و تقریباً از فرماندهان ارشد سپاه کسی در صحنه عملیات حضور نداشت. سردار رحیم صفوی پس از اطلاع از حمله ارتش عراق به فاو با یک فروند هلی کوپتر بصورت اضطراری از کرمانشاه به فاو می‌رود به طوری که اضطرار مانع از سوختگیری هلی کوپتر در اهواز شده و هلی کوپتر وقتی که در فاو می‌نشیند تقریباً سوختش هم تمام شده بود در این زمان نیروهای ایران در فاو در حدود ۸ گردان بودند علی‌رغم مقاومت‌های شدید رزمندگان اسلام و به لحاظ توان عظیم و توسعه یافته ارتش این کشور توانست در کمال ناپاوری فرماندهان و رزمندگان در عرض ۳۶ ساعت فاو را باز پس بگیرد. سقوط فاو موجب ضربه روانی شدید به مسئولان و فرماندهان و رزمندگان اسلام شد این پیروزی سرآغاز سلسله پیروزی‌های عراق شد که سرنوشت نهایی جنگ را با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، رغم زد.

سقوط فاو حاصل عقب ماندگی استراتژیک ایران از عراق طی شش سال آخر جنگ بود. به نحویکه آقای هاشمی رفسنجانی بعد از سقوط فاو می‌گوید: «اگر ۴۰ گردان هم نیرو داشتیم، باز دشمن فاو را می‌گرفت»^۱.

سقوط شلمچه

در ساعت ۸ صبح ۴ خرداد دشمن به شلمچه حمله کرد و علی‌رغم اطلاع از حمله دشمن، در عرض ۸ ساعت شلمچه سقوط کرد این امر نشانگر آن است که اراده لازم برای دفاع نبود.

سقوط جزایر مجنون

- ساعت ۸ صبح ۴ تیر ماه ۶۷ جزایر مجنون مورد حمله واقع شده و دشمن آنرا تصرف نمود. طرح عملیاتی دشمن در این تک بسیار ماهرانه و پیچیده و کامل بود.



شهید علی هاشمی فرمانده قرارگاه سری نصرت و سپاه ششم امام صادق که در تک عراق به جزایر مجنون در تاریخ ۴ تیر ماه ۶۷ به شهادت رسید و پیکر مطهرش در سال ۱۳۸۸ تفرج و به ایران بازگشته و در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شد.

^۱ سیری در جنگ ایران و عراق

- ۲۹ خرداد ۶۷: عراق و منافقین به قلاویزان و مهران حمله ولی توفیقی به دست نیاورد

- حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در ۱۲ تیر ماه ۶۷ با شلیک دو فروند موشک از رزمناو وینسنس و شهادت ۲۹۰ نفر با هدف وادار کردن ایران به خاتمه جنگ و القاء این نکته بود که آمریکا برای بدست گرفتن ابتکار عمل در پایان دادن به جنگ، از هیچ اقدام فاجعه‌آمیزی خودداری نخواهد کرد.

- ۲۱ تیر ماه دشمن به محور لشکرهای ۲۱ حمزه و ۷۷ خراسان در عین خوش و موسیان حمله و آنرا تصرف و ۵۰۰۰ نفر را اسیر کرد.

- با عقب نشینی ایران از حلبچه (۲۲ تیر ماه) و منطقه عملیاتی ماووت و برخی مناطق دیگر بصورت داوطلبانه، تصمیم گیری اساسی درباره جنگ، انجام شد.

علل شکست‌های نظامی ایران و کاهش روحیه نیروهای نظامی در پایان جنگ، کاهش توان کشور در پشتیبانی از جنگ متعاقب جنگ نفتکش‌ها، کاربرد سلاح‌های شیمیایی، اوضاع نابسامان و وخیم اقتصادی، انزوای سیاسی، اختلافات داخلی و درگیری نظامی با آمریکا بود.

متعاقب این حوادث، گزارش مسئولان مختلف کشور از وضعیتهای کشور در امور سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... با محوریت های آقای هاشمی رفسنجانی تهیه و در اختیار امام قرار گرفت.

در این راستا آقای محسن رضایی طی نامه ای در خرداد ۶۷ وضعیت نظامی کشور را اینگونه ارائه می نماید: تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال به دست می آوریم، قدرت عملیات انهدامی یا مقابله به مثل را داشته باشیم، البته بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما دارای ۳۵۰ تیپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر و قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح های لیزری و اتمی - که از ضرورت های جنگ در آن موقع هست - باشیم، می توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی انجام دهیم.

وی همچنین در این نامه عنوان کرد: قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند، البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الا موفق نخواهیم بود.

این در حالی بود که وی مهمترین موفقیت طرح خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانسته و تاکید کرده بود که بعید به نظر می رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد عمل کنند.

در همین ایام شایعه حمله شیمیایی عراق به تهران به شدت مسئولان سیاسی و نظامی را در فشار روانی قرار داد این شایعات با شواهد و قراینی اطلاعاتی تأیید می شد. (جزواتی حاوی راههای مقابله با تک شیمیایی تکثیر و در اختیار مردم قرار گرفت).

در طول جنگ عراق از نظر قدرت نظامی همیشه بر ما برتری داشت ولی ایران در برخی زمانها با مدیریت و فرماندهی مناسب توانایی رزمی برتر ایجاد نمود مثلاً قدرت برتر آتش (در عملیات والفجر ۸). با طرحریزی مناسب ایجاد شد نه با افزایش تعداد توپخانه.

امام(ره) در این وضعیت با ملاحظه گزارش مسئولان به این نتیجه رسیدند که جنگ راهکار نظامی ندارد و پیروزی بر عراق از طریق نظامی امکان پذیر نیست. لذا تصمیم گیری در این زمینه را به جلسه مسئولان نظام واگذار کردند.^۱

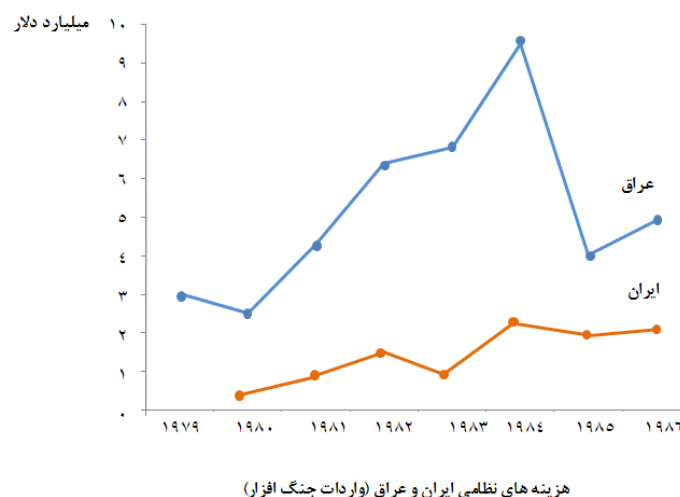
این جلسه در روز دوشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۶۷ با حضور سران سه قوه و اعضای خبرگان، شورای نگهبان و شورای عالی قضایی در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (۲۷ تیر ماه ۶۷):

تغییر قدرت نظامی عراق و شکاف بزرگ بین قدرت ایران و عراق باعث تغییر روند جنگ شد. برای مقابله با وضعیت جدید، برتری عراق دو راهکار وجود داشت: ۱- افزایش توان نظامی جدید برای ایران که با توجه به وضعیت اقتصادی در کوتاه مدت امکان پذیر نبود. ۲- راهکار سیاسی. با نامه‌ایی که مسئولان سیاسی و نظامی با ابتکار و درخواست آقای هاشمی رفسنجانی در خرداد ۶۷ به امام نوشتند. امام به این نتیجه رسید که جنگ راهکار نظامی ندارد و ما به لحاظ نظامی قادر به تفوق بر عراق نیستیم و اقتصاد کشور قادر پشتیبانی پشتیبانی بنیه نظامی در کوتاه مدت نیست. از دست دادن مواضع متصرفه خاک عراق، موضع ایران را برای فشار به سازمان ملل و حامیان عراق تضعیف نمود. ادامه جنگ به نحو مناسب در برابر عراق نیز غیر ممکن بود

«مایکل آرماکاست» معاون وقت وزارت خارجه امریکا (بهار ۶۷): «هر دو ابرقدرت علاقمند به جلوگیری از پیروزی ایران هستند».^۲

«کسینجر» طی مقاله‌ای در روزنامه «لس‌آنجلس تایمز» بر وحدت نظر امریکا و شوروی درباره ضرورت ممانعت از شکست عراق تاکید کرد. «کلودسشون» وزیر خارجه فرانسه: «اعضاء دائمی شورای امنیت در یک تصمیم اعلام نشده در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند».^۳



^۱ خ ج ۱ گزارش ویژه شماره ۱۱۵۰، ۶۶/۴/۲۲، به نقل از نشریه پاتریوت- چاپ دهلی ۶۶/۴/۲۱

^۲ محمد صفری، «ما اعتراف می‌کنیم» حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۰ صفحه ۱۳۷ به نقل از روزنامه ج ۶۹/۶/۱۷۱ صفحه ۲

لذا امام به این نتیجه رسید که با راهکار سیاسی جلو جنگ جدید قدرت‌های بزرگتر با نمایندگی صدام علیه ایران را بگیرد و در ۲۷ تیرماه قطعنامه پذیرفته شد. صدام از آن استقبال نکرد و با آنکه قبلاً آن را پذیرفته بود. برداشت صدام این بود که ایران از روی ضعف آنرا پذیرفته و ضعف ایران فرصت مناسبی است تا صدام اهداف شروع جنگ را مجدداً پیگیری نماید. لذا مثل روزهای اول جنگ وارد خاک ایران شد و دوباره خرمشهر را محاصره نمود و در غرب نیز ارتش صدام خطوط اول را شکست و منافقین را راهی ایران کرد. لذا جنگ یک هفته‌ای جدی علیه صدام و منافقین راه افتاد که ما در این جنگ پیروز شدیم و هم صدام را عقب راندیم و هم منافقین را، بطوریکه فرمانده وقت سپاه اعلام نمود که ما می‌توانیم وارد خاک عراق شویم، اما امام اعلام که ما در پذیرش قطعنامه به صلح پایدار فکر می‌کنیم.

در این بین میرحسین موسوی که در آن زمان نخست وزیر کشور بود با صدور نامه ای خطاب به امام گفت: وزرای اقتصاد و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده اند، مسئولان جنگ می‌گویند تنها سلاح هایی را که در شکست های اخیر از دست داده ایم به اندازه تمام بودجه ای است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود، اما در این بین مسئولان تبلیغات جنگ که خاتمی به عنوان وزیر ارشاد در راس آنها بود نیز لب به سخن گشوده و عنوان کردند: از آنجا که مردم فهمیدند پیروزی سریعی بدست نمی آید شوق رفتن به جبهه در آنها کم شده است. به طوری که از نامه خاتمی به خطاب به امام اینگونه بر می آمد که بسیجی ها و مردم به جبهه نمی روند. از سوی دیگر هاشمی رفسنجانی که ریاست مجلس را بر عهده داشت نیز خطاب به امام عنوان کرد: دولت مهندس میرحسین موسوی اعلام کرده دیگر قادر به تدارک مالی نیست.

در چنین شرایطی، حضرت امام (ره) با مشورت مسئولان نظام و کارشناسان، مصلحت نظامی اسلامی را در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و قبول آتش بس دیدند، اگر چه این موضع گیری با روحیات و انتظارات مردم و به ویژه رزمندگان هماهنگی نداشت و آنها انتظار چنین چرخش ناگهانی را نداشتند

تصمیم گیری نهایی در مورد قطعنامه ۵۹۸:

امام در ۲۳ و ۲۴ تیر ماه مشورت‌هایی را به صورت جداگانه با برخی مسئولان انجام دادند. ولی نشست نهایی در روز شنبه ۲۵ تیر ۶۷ با حضور ۴۰ تن از شخصیت‌های مهم کشور و روسای قوای سه‌گانه تشکیل شد. امام (ره) طی پیامی توسط مرحوم سید احمد خمینی به این جلسه، تصمیم نهایی را به جلسه واگذار کرد.^۱

متن این پیام که ۱۸ سال پس از صدور آن در سال ۱۳۸۸، منتشر شد، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیای بزرگوار الهی و ائمه ی معصومین صلوات الله علیهم الاجمعین، حال که مسئولان نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می باشند، صریحان اعتراف می کنند که ارتش اسلام به این زودی

^۱ سوداگر ۵۰۷

ها هیچ پیروزی به دست نخواهد آورد و نظر به اینکه مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی دانند و با قاطعیت می گویند که یک دهم سلاح هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده اند ، به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح ، فرمانده سپاه یکی از محدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می باشد و با توجه به استفاده ی گسترده ی دشمن از سلاح های شیمیایی و نبود وسایل خنثی کننده آن ، این جانب با آتش بس موافقت می نمایم و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۱۳۶۷/۰۴/۰۲ نگاشته است ، اشاره می شود .

فرمانده مذکور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم ، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال بدست می آوریم قدرت عملیاتی انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما دارای ۳۵۰ تیپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلی کوپتر ... که از ضرورت های جنگ در آن موقع است ، داشته باشیم می توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم . وی می گوید : قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند . او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الا موفق نخواهیم بود .

این فرمانده مهم ترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه ی به موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به نظر میرسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد خود عمل کنند . البته با ذکر این مطالب می گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست . آقای نخست وزیر از قول وزرای اقتصاد و بودجه ، وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده اند . مسئولان جنگ می گویند تنها سلاح هایی را که در شکست های اخیر از دست داده ایم ، به اندازه تمام بودجه ای است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود . مسئولان سیاسی می گویند از آنجا که مردم فهمیده اند پیروزی سریعی به دست نمی آید شوق رفتن به جبهه در آنها کم شده است .

شما عزیزان از هر کس بهتر می دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر آبرویی داشته باشم ، خرج می کنم . خداوندا ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می کنیم . خداوندا تو خود شاهدهی که ما لحظه ای با آمریکا و شوروی و تمام قدرت های جهان سر سازش نداریم و سازش با ابر قدرت ها و قدرت ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می دانیم . خداوندا در جهان شرک و کفر و نفاق ، در جهان پول و قدرت و حيله و دورویی ما غریبیم ، تو خود یاریمان کن . خداوندا در همیشه تاریخ وقتی انبیا و اولیا و علما تصمیم گرفته اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند ، با مخالفت های ابوجهل ها و ابوسفیان های زمان خود مواجه شده اند.

خداوندا ، ما فرزندان اسلام و انقلابمان را برای رضای تو قربانی کردیم . غیر از تو هیچ کس را نداریم . ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما ، خداوندا از تو می خواهیم تا هر چه زود تر شهادت را نصیب فرمایی . گفتم جلسه ای تشکیل گردد آتش بس را به مردم تفهیم نمایند . مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی ، شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند ، صریحاً" می گویم باید تمام همت تان در توجیه این کار باشد . قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس العمل می شود . شما می دانید که مسئولان رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی مان چنین تصمیمی گرفته اند . خدا را در نظر بگیرید و هر چه اتفاق می افتد از دوست بدانید .

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

نهایتاً در جلسه‌ای که در ۲۶ تیر ماه به ریاست رئیس جمهور وقت (آیت الله خامنه‌ای) تشکیل شد پایان جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تصویب شد و نتیجه به استحضار امام رسید. سپس رئیس جمهور طی نامه‌ای قبول قطعنامه ۵۹۸ را به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد. اعلام خبر قبول قطعنامه ۵۹۸ از پخش خبر رادیو در ساعت دو بعدازظهر ۲۷ تیر ماه که بدون مقدمه قبلی بود مردم را شگفت زده کرد.

• علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸

- ۱- تحلیل رفتن اندیشه مذهبی و نگاه مقدس به جنگ عقیدتی (جنگ اسلام و کفر، پیروزی خون بر شمشیر و خطر پذیری)
- ۲- حاکم شدن تحلیلهای متعارف مادی و مبنا قرار گرفتن مقدرات مادی
- ۳- اختلافات سیاسی داخلی و عدم انسجام در حمایت از جنگ
- ۴- بحران و فشار شدید اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت، کاهش صادرات نفت و به تبع آن کاهش شدید درآمدهای کشور. (واگذاری هواپیماهای میراژ اف ۱، موشک‌های هوا به هوا، موشک‌های اگزوست و هواپیماهای سوپر اتاندارد، علاوه بر تقویت توان هوایی عراق، موفقیت برتر و مناسبی را برای حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران، در اختیار عراق قرار داد).
- ۵- جنگ شهرها و تحت فشار قرار گرفتن مردم و آواره شدن آنها و گرایش افکار عمومی به پایان جنگ (دستیابی عراق به توان ساخت موشک با برد بیش از ۶۰۰ کیلومتر و هدف قرار دادن پایتخت که نخستین موشک ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ به تهران اصابت نمود)
- ۶- کاربرد سلاحهای شیمیایی در میدانهای جنگ و تهدید و شایعه حمله شیمیایی به مناطق مسکونی بویژه شهر تهران (اعتراف و فیک السامرایی به قصد عراق در این زمینه).
- ۷- ضعف و عقب ماندگی استراتژیک نظامی ایران و از دست دادن متصرفات ارضی داخل خاک عراق (فاو، شلمچه، جزایر مجنون و...) با تغییر استراتژی نظامی عراق از دفاع به حمله و افزایش توان نظامی به دو برابر. پس از عملیات کربلای ۵ در یک جلسه

۵- ساعته صدام با فرماندهان ارتش عراق تصمیم به گسترش سازمان رزم گارد ریاست جمهوری، تدارک نیروهای بیشتر برای ضد حمله، تشدید جنگ نفتکش‌ها و استفاده بیشتر از گازهای شیمیایی گرفته شد.^۱

صدام در مهر ماه ۶۶ در مصاحبه با روزنامه کویتی «السیاسه»: «در عراق در تمام زمینه‌های سیاسی و نظامی در حال حاضر قوی‌تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل نسبت به شش ماه قبل دو برابر شده است».^۲

افزایش خرید سلاح از سال ۱۳۶۶ (فرانسه طی دو سال ۵.۶ میلیارد دلار، شوروی ۹.۳ میلیارد دلار)^۳.

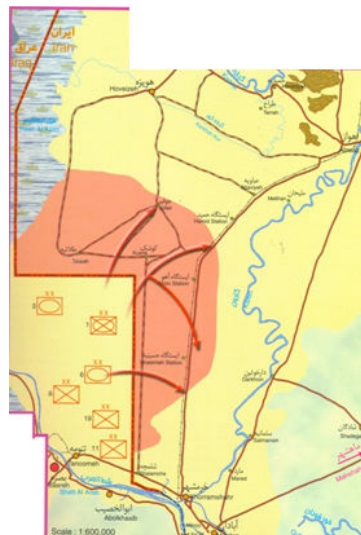
۸- توافق و تصمیم عملی ابرقدرتها برای پایان جنگ و اثرات میدانی ناشی از آن (فشار دیپلماتیک امریکا با تصویب قطعنامه ۵۹۸). ریچارد آرمیتاژ معاون وزیر جنگ آمریکا: «پیروزی ایران در جنگ با عراق استقلال کشورهای عربی و اسلامی را متزلزل خواهد کرد».^۴

۹- تهدیدات نظام سلطه با ورود مستقیم آمریکا به جنگ با ایران در خلیج فارس و «چتر حمایت استراتژیک» از نفتکش‌های کویتی وسایط کردن هواپیمای مسافربری ایران

۱۰- آفند دیپلماتیک عراق و حامیانش در عرصه دیپلماسی و جنگ طلب معرفی کردن ایران و صلح طلب معرفی شدن صدام «ویلیام کیسی» رئیس سابق سیا، بارها عراق را در حمله به تاسیسات اقتصادی و حیاتی ایران تشویق کرده بود و نمونه آن حمله هواپیماهای عراقی به «جزیره سیری» بود.^۵

جنگ پس از پذیرش قطعنامه

پس از پذیرش قطعنامه توسط ایران، ارتش عراق در ۳۱ تیرماه ۶۷ تجاوز گسترده و سراسری مجدد به خاک ایران را آغاز نمود در جنوب پس از قطع جاده اهواز خرمشهر مجدداً خرمشهر محاصره و در معرض سقوط قرار گرفت.



^۱ آنتونی کردزمن «درس‌هایی از جنگ مدرن» جلد دوم، ترجمه حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه صفحه ۳۰۱

^۲ خ ج ۱ گزارش ویژه شماره ۲۰۷-۶۶/۷/۲۱

^۳ سیری در جنگ ایران و عراق ج ۵ صفحه ۲۳

^۴ خ ج ۱ گزارش ویژه نشریه شماره ۷۳ ۶۶/۳/۱۱ به نقل از روزنامه القیس چاپ کویت

^۵ دفتر سیاسی سپاه- خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ سال ۱۳۶۶ صفحه ۱۶۰

در غرب منافقین با حمایت ارتش عراق وارد خاک ایران شده و تا گردنه حسن آباد نزدیک کرمانشاه پیش آمدند. در پی این تحولات جنگ شدید یک هفته ای بین ایران و عراق در گرفت که سرنوشت نهایی و نتیجه جنگ را مشخص کرد . متعاقب تهاجم مجدد و همه جانبه عراق به خوزستان و در محاصره قرار گرفتن خرمشهر و احتمال سقوط آن و اعلام این خبر توسط رسانه ها و اطلاع مردم، و پیام صادقانه امام در خصوص پذیرش قطعنامه، هجوم انبوه مردم به جبهه ها آغاز شد و بیش از صد و بیست هزار نفر در عرض چند روز در جبهه ها حضور یافتند. سپاه با سازماندهی این نیروها، عملیات دفاع در مقابل حمله عراق را آغاز کرد. طی یک هفته جنگ تمام عیار و شدید در جنوب و غرب، نیروهای ارتش بعث عراق شکست دیگری را تجربه کردند

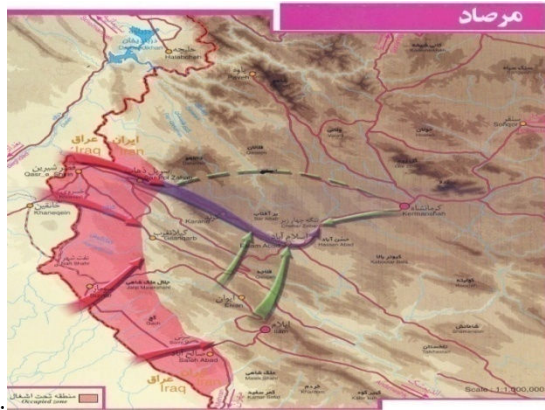
در جنوب پس از محاصره شدن خرمشهر و احتمال سقوط مجدد آن و رسیدن این خبر به امام (ره) حضرت طی پیامی به فرماندهان سپاه چنین می فرماید: ((این نقطه حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه شکست یا پیروزی یا اسلام یا کفر است ، باید متر به متر جنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و این نقطه ای است که موجب می شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور ، یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده ای بشود.))

متعاقب این پیام امام، در عرض دو ساعت شش گردان نیروی داوطلب بسیجی در اهواز سازماندهی شده و به خطوط مقدم درگیری اعزام شد . ایران طی عملیاتی که بعدها ” عملیات سرنوشت” نام گرفت در مدت ۴۸ ساعت دشمن را از مناطق متصرفه بیرون راند و آماده ورود مجدد به خاک عراق شد .



عملیات مرصاد

عراق بعد از شکست در جنوب در تاریخ ... با انجام آتش تهیه و پشتیبانی هوایی و پس از شکستن خط و نفوذ تا عمق ۳۰ کیلومتری در خاک ایران، منافقین (سازمان مجاهدین خلق ایران) را در عملیاتی بنام «فروغ جاویدان» به منظور ساقط کردن جمهوری اسلامی و تصرف تهران راهی ایران کرد. منافقین در ابتدا شهرهای کرد، اسلام آباد غرب و سرپل ذهاب را تصرف نمودند و خود را تا ۳۰ کیلومتری کرمانشاه رساندند.



دو تیپ سپاه (سمنان و ایلام) در تنگه چارزبر نفوذ منافقین را سد نمودند و در عرض ۴۸ ساعت با انتقال چهار لشکر سپاه از جنوب به غرب عملیات مرصاد با فرماندهی سپاه و همکاری و پشتیبانی هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران آغاز و منافقین شکست خفت باری را متحمل شد و از شش هزار نفر نیروی شرکت کننده در این عملیات بیش از دوهزار نفر کشته شدند، تعدادی اسیر و بقیه به عراق فرار کردند.



شکست خفت بار منافقین در عملیات مرصاد

عملیات مرصاد برنامه پیروزی ۳۳ ساعته منافقین با ورود به تهران بود. در نگرش سوسیالیستی، ناکامی نظامی یکی از علل بحران‌های اجتماعی است که موجب شورش و قیام می‌شود. منافقین در تحلیلهای خود شکستهای نظامی ایران در پایان جنگ

را بستر ساز شورشهای اجتماعی و ورود خود به ایران و تصاحب قدرت می دانستند. حملات مجدد نظامی عراق باعث انسجام داخلی ، افشای ماهیت تجاوز کارانه دولت عراق و ضرورت مقاومت در برابر آن شد.

با این شکست آخرین امید عراق به گرفتن امتیاز نظامی در پایان جنگ به یاس مبدل شد و عراق نیز رسماً قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت و با پذیرش آتش بس موافقت نمود. لذا تیرماه پیروزیهای مکرر عراق و مردادماه پیروزیهای مکرر ایران بود.

پایان جنگ تحمیلی

با قبول قطع نامه ۵۹۸ از سوی عراق و با حضور ناظران سازمان ملل (یو نیماگ)، آتش بس از ساعت ۶ صبح ۲۹ مردادماه در طی مناطق عملیاتی با نظارت یونیماگ به اجرا گذاشته شد.



شهید احمد کاظمی از فرماندهان مخلص و خستگی ناپذیر دفاع مقدس و فرمانده نیروی زمینی سپاه ، که در حادثه سقوط هواپیما در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۹ به شهادت رسید .



شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

فرمانده عارف و بسیجی دفاع مقدس و جانشین ستاد کل نیروهای مسلح، که در تاریخ ۱۳۷۸/۱/۲۱ بدست منافقین در تهران ترور و به شهادت رسید.



علمدار جبهه های نبرد و اسوه مقاومت حاج ذبیح اله بخشی که دو پسر، داماد و برادر خود را در راه دفاع از انقلاب اسلامی و خاک پای وطن تقدیم کرد و خود نیز در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۳ پس از تحمل سالها رنج ناشی از مجروحیت و مصدومیت شیمیایی ، به یاران شهیدش پیوست.

عملکرد کشورهای مختلف در جنگ تحمیلی

آمریکا

با توجه به سقوط رژیم شاهنشاهی پهلوی وابسته به آمریکا در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی، این انقلاب از بدو پیروزی مورد خشم و کینه آمریکا قرار گرفت.

اقدامات آمریکا قبل از آغاز جنگ تحمیلی:

- (۱) لغو قراردادهای تسلیحاتی: با توجه به وابسته بودن ارتش ایران و تسلیحات آن به آمریکا، لغو قراردادهای نظامی و صدور قطعات و تجهیزات نظامی به ایران به معنی قطع پشتیبانی و فلج و زمین گیر شدن ارتش و نیروهای نظامی ایران بود.
- (۲) فشار دیپلماتیک از طریق شورای امنیت به ایران: آمریکا با فشار به شورای امنیت و صدور قطعنامه ۴۵۷ علیه ایران توسط این شورا در ۱۳ آذر ۱۳۵۸، فشار سیاسی بر ایران را به بهانه اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام تشدید نمود.
- (۳) حمایت از گروه‌های سیاسی مخالف جریان اصیل انقلاب و امام خمینی مثل لیبرال‌ها. آمریکا با جذب امیر انتظام و بنی‌صدر و حمایت از آنها، برای سرنگونی انقلاب اسلامی تلاش نمود.
- (۴) پشتیبانی از گروه‌های تروریستی. آمریکا با حمایت از گروه‌هایی مثل منافقین، ضد انقلاب کردستان و خوزستان، عملاً در صدد تضعیف بنیه نظامی و براندازی انقلاب اسلامی ایران بود.
- (۵) جاسوسی. دولت آمریکا با جمع‌آوری و ارسال اطلاعات خاص نظامی و امنیتی و تحویل آن به عراق از طریق عربستان، یکی از گام‌های اساسی در تحریک صدام و زمینه‌سازی برای جنگ را انجام داد.
- (۶) حمله نظامی به طیس. حمله نظامی آمریکا به طیس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ که به منظور رهایی گروگان‌های آمریکایی در ایران انجام شد، اقدام مستقیم نظامی این کشور علیه انقلاب اسلامی بود که با شکست مفتضحانه از طیس عقب‌نشینی نمود.
- (۷) حمایت و راهاندازی کودتای نظامی: طراحی و ایفای نقش اصلی در حمایت خارجی از کودتای نوژه (پادگان شهید نوژه همدان) از اقدامات مهم آمریکا قبل از آغاز رسمی جنگ بود. آمریکائوها چشم امید به موفقیت کودتای نوژه دوخته بودند که با ناکامی آن به سوی هدایت جنگ گام برداشتند.

اقدامات آمریکا در شروع جنگ:

اقدامات آمریکا در شروع جنگ را می‌توان به دادن چراغ سبز به عراق و تشجیع آن برای حمله به ایران دانست. حذف عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم و دیدار برژینسکی وزیر خارجه وقت آمریکا با شخص صدام حسین در اردن و مصاحبه وی

بعد از این دیدار که گفته بود: «آمریکا در اختلافات بین عراق و همسایگانش دخالت نخواهد کرد»^۱ از مهمترین اقدامات محرک عراق برای حمله به ایران بود. همچنین ارائه اطلاعاتی که نشانگر ضعف ایران در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی بود و چشم انداز پیروزی برای عراق را روشن‌تر القاء می‌کرد، از عوامل مهم موثر در تصمیم عراق برای حمله به ایران بود، برژینسکی در دیدار با صدام در اردن همچنین به وی اطمینان می‌دهد که: «از صدام حمایت نماید و اطمینان می‌دهد که آمریکا با آرزوی عراق در مورد شط العرب (اروند رود) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد»^۲

نقش آمریکا در ادامه جنگ:

بعد از شروع جنگ تحمیلی و پیشروی عراق در خاک ایران و برتری مطلق این کشور در ماه‌های اول جنگ، آمریکا را به اتخاذ موضع محتاطانه و ظاهراً بیطرفانه در جنگ واداشت. لذا تا زمان انجام عملیات فتح المبین در اول فروردین ۱۳۶۱ آمریکائیه نگرانی جدی احساس نمی‌کردند ولی با انجام عملیات فتح المبین و شکست بزرگ عراق در این عملیات و همچنین در آستانه بازپس‌گیری خرمشهر توسط ایران تحرک آمریکائیه‌ها برای جلوگیری از شکست صدام شروع می‌شود و پس از عملیات بیت المقدس به اوج می‌رسد. آقای ماکس پری نویسنده آمریکایی در کتاب کسوف به دامنه این تحرکات به ویژه حمایت شدید اطلاعاتی آمریکا از عراق مخصوصاً با عکس‌های ماهواره اشاره می‌نماید.

همزمان با حمایت اطلاعاتی آمریکا از عراق، اقدام این کشور در ایجاد محدودیت برای دستیابی ایران به تسلیحات را طی عملیاتی به نام «استانچ» آغاز نمود که در کاهش توان نظامی ایران و دستیابی ایران حتی به بازار سیاه تسلیحات و افزایش هزینه‌های نظامی ایران به لحاظ خرید گرانتر از بازار قاچاق سلاح، بسیار موثر بود.

همچنین ایجاد و توسعه روابط سیاسی (نوامبر ۱۹۸۴) و سپس اقتصادی و مالی آمریکا با عراق بعد از فتح خرمشهر در ایجاد تسهیلات برای دسترسی عراق به بازار اقتصادی و تکنولوژیک آمریکا در دادن روحیه به حزب بعث صدام و افزایش قدرت مقاومت آن در برابر ایران کمک نمود.

آمریکا بعد از سال ۱۳۶۴ و فتح فاو و ماجرای مک فارلین در حمایت اطلاعاتی از صدام سنگ تمام گذاشت: «در ماه اوت ۱۹۸۶ سازمان سیا یک سیستم بسیار پیچیده و امن ایجاد کرد که واشنگتن را مستقیماً به عراق وصل می‌کرد. برای دو ماه متوالی صدام حسین از طریق ایستگاه بغداد اطلاعات مستقیمی درباره آرایش‌های نظامی ایران دریافت می‌کرد و ...»^۳

دولت آمریکا کشورهای عربستان، کویت و سایر هم‌پیمانان منطقه ای خود را وادار به افزایش تولید نفت و کاهش بهای آن تا ۶ دلار نمود. این اقدام آمریکا باعث کاهش درآمدهای ارزی ایران و ناتوانی در پشتیبانی از جنگ شد. آمریکا با صدور دانش فنی به توسعه زرادخانه سلاح‌های شیمیایی و توسعه هسته‌ای این کشور خدمت شایانی نمود. آمریکا با حضور نظامی در خلیج

^۱ روزنامه فیگارو چاپ فرانسه

^۲ روزنامه فیگارو چاپ فرانسه

^۳ ماکس پری - کسوف

فارس و درگیری نظامی با ایران و حمله به تاسیسات نفتی و کشتی‌های نظامی و ... باعث تجزیه توان رزمی ایران، کاهش تولید نفت ایران و همچنین ایجاد فضای امن برای پرواز هواپیماهای عراقی بر فراز خلیج فارس و تسهیل عملیات بمباران مراکز نفتی ایران توسط این هواپیماها شد.

آمریکا با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس (هشت ماه پس از آغاز جنگ) تلاش نمود از سرایت الهام بخشی انقلاب اسلامی به مردم کشورهای عرب منطقه جلوگیری و منابع آنها را برای مقابله با انقلاب اسلامی متمرکز و متحد نماید.

نقش آمریکا در پایان جنگ

پس از بی نتیجه ماندن تلاش‌های آمریکا برای نجات صدام بعد از عملیات کربلای ۵ ایران در شلمچه، حضور مستقیم نظامی آمریکا در خلیج فارس و درگیری نظامی با ایران که حمله به هواپیمای مسافربری ایران در ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷ آخرین و وحشیانه‌ترین آن بود، از عوامل مهم پایان جنگ بود. آمریکا تلاش نمود از طریق شورای امنیت سازمان ملل و تصویب قطعنامه ۵۹۸ بعنوان یک مشوق خواسته‌های ایران را به حداقل رسانده و از دستیابی ایران به حقوق مسلم خود، جلوگیری نموده و جنگ را مطابق با خواسته و در جهت منافع خود و نه خواست ایران به پایان برساند.

همچنین تلاش آمریکا در ایجاد اجماع جهانی به ویژه همسو نمودن اروپا و شوروی با خود، در پایان جنگ بسیار موثر بود.

نتیجه‌گیری:

در مجموع آمریکا تلاش نمود با تحریک و تهییج عراق برای حمله به ایران در صورت موفقیت انقلاب نوپای اسلامی را سرنگون نماید. اگر موفق به این امر نشد در مرحله دوم با تضعیف انقلاب اسلامی در ادامه جنگ ایران را که وابستگی تسلیحاتی آن به آمریکا شدید بود دوباره به خود وابسته نموده و به اردوگاه غرب بازگرداند. انتظار آمریکا از نتیجه جنگ تضعیف ایران و محدود و محصور ماندن انقلاب اسلامی در مرزهای ایران بود.

دولت آمریکا نقش کلیدی را در تحریک و تهییج صدام و سپس حمایت همه جانبه از وی در طول جنگ تحمیلی به ویژه پس از فتح خرمشهر به عهده داشت و در نهایت برای نجات صدام و جلوگیری از پیروزی نظامی ایران خود مستقیماً وارد خلیج فارس و جنگ با ایران شد و هواپیمای مسافربری ایران را مورد هدف موشک‌های نظامی خود قرار داد و با ایجاد اجماع منطقه ای و بین المللی مهمترین عامل اثرگذار خارجی بر جنگ ایران و عراق بود.

اروپا

اروپا نیز به تبعیت از آمریکا و همسویی منافع آنها، تضاد و مقابله با انقلاب اسلامی را در دستور کار داشت. لذا همگام با آمریکا به حمایت از عراق پرداختند.

فرانسه:

این کشور به لحاظ نزدیکی دیدگاه‌های دولت‌هایشان (عراق و فرانسه) که هر دو گرایش سوسیالیستی داشتند از یکسال قبل از جنگ به توسعه روابط خود اقدام نمودند. فرانسه در مقایسه با کشورهای غربی بیشترین کمک نظامی را به عراق نمود. میزان

کمک‌های نظامی فرانسه به عراق ۵.۶ میلیارد دلار و قراردادهای بازرگانی آن نیز ۴.۷ میلیارد دلار برآورد شده است.^۱ ارسال تجهیزات هوایی مثل هواپیماهای میراژ اف-۱، سوپر استاندارد، موشک‌های اگزوست، رادارهای رازیت و ... در ارتقاء توان نظامی ارتش عراق بسیار موثر بود. به ویژه هواپیماهای سوپراتاندارد فرانسوی قابلیت و توانایی عراق را در دسترسی به عقبه‌های استراتژیک ایران در نزدیکی تنگه هرمز بهبود بخشید.

فرانسه یک قرارداد ۶.۵ میلیارد دلاری تحت عنوان «پروژه فاو» را با عراق امضاء نمود. کمک فرانسه به عراق در توسعه توان اتمی در راکتور اتمی «اوزیراک» نیز از دیگر اقدام فرانسوی‌ها در کمک به صدام بود.

انگلیس:

همکاری با آمریکا در ایجاد هژمونی بین‌المللی علیه ایران از اولین اقدامات انگلیس در حمایت از صدام بود. همکاری در طرح «استانچ» آمریکا برای ممنوعیت فروش سلاح به ایران، قوای نظامی ایران را به تدریج دچار ضعف می‌کرد. گزارش اطلاعاتی از خریدهای نظامی ایران در اروپا که توسط Mi 5 تهیه می‌شد در اختیار عراق قرار می‌گرفت.

انجمن فناوری ابزارهای ماشین انگلیس (MTAA) فروش ابزارهای ماشینی این کشور به عراق از ۹.۲ میلیون دلار در ۱۹۸۷ م. به ۵۳۱ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ م. گزارش کرد. فروش سلاح انگلیس به عراق در سال ۱۹۸۸ به ۵۰۰ میلیون دلار رسید. مشاوره مهندسان انگلیسی در ساخت پناهگاه‌های زیرزمینی بغداد نیز از دیگر کمک‌های این کشور به عراق در طول جنگ بود. همچنین انگلیس با ارسال تجهیزات نظامی از قبیل تانک‌های چیفتن و ... از طریق کویت، توان نظامی عراق را تقویت نمود.

آلمان:

این کشور مهمترین منبع تامین و تجهیز عراق به سلاح‌های شیمیایی بود. آلمانی‌ها با ارسال مواد اولیه و تجهیزات ساخت سلاح‌های شیمیایی نقش کلیدی را در توسعه زرادخانه سلاح‌های شیمیایی عراق به عهده داشتند. بکارگیری سلاح‌های شیمیایی علاوه بر شهادت و مصدومیت تعداد زیادی از رزمندگان اسلام، در مناطق غیر نظامی نیز تلفات بالایی را بر مردم ایران و عراق تحمیل نمود به نحویکه در اسفند ۱۳۶۶ در حلبچه بر اثر بمباران شیمیایی عراق ۵۰۰۰ نفر از مردم این شهر به شهادت رسیدند. همچنین مراکز مسکونی ایران مثل شهر سردشت نیز از این تهاجم در امان نماند و تعداد زیادی از مردم این شهر و روستاهای اطراف هدف حملات شیمیایی عراق قرار گرفته و شهید و مصدوم شدند که نتیجه هدیه‌های آلمان به زرادخانه شیمیایی صدام بود.

سایر کشورهای اروپایی نیز هر یک به سهم خود در کمک به عراق و مخالفت و ممانعت از فعالیت‌های ایران، آتش جنگ را به نفع عراق و به ضرر ایران شعله‌ور نگه داشتند.

در گزارش دوازده هزار صفحه‌ای عراق در دسامبر ۲۰۰۲ به سازمان ملل اسامی ۲۴ شرکت آمریکایی و ۵۰ شرکت عمدتاً اروپایی که از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۱ در تجهیز و توسعه زرادخانه شیمیایی و هسته‌ای این کشور مشارکت داشتند، درج شده است.^۱

نقش شوروی در جنگ تحمیلی:

اصولاً دولت عراق با محوریت حزب بعث در اردوگاه کشورهای بلوک شرق و شوروی تعریف شده بود و عمده تجهیزات ارتش عراق نیز شرقی و ساخت شوروی بودند. لذا شوروی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جدایی ایران از اردوگاه غرب به دنبال جذب ایران به دامن بلوک شرق بود. در ابتدای جنگ نیز شواهد جدی از حضور و حمایت این کشور از اقدام عراق برای آغاز جنگ، حداقل از دید نگارنده، در دست نیست. در سال اول جنگ نیز شوروی تقریباً سیاست ظاهراً بیطرفانه‌ای را اتخاذ نمود ولی پس از اشغال افغانستان توسط شوروی و مخالفت ایران با این امر، صحنه به تدریج عوض شد و شوروی برای تحت فشار قرار دادن ایران، حمایت از عراق را افزایش داد.

این کشور از سال ۱۹۸۲ تا سال ۱۹۸۶ به حمایت فعال از عراق پرداخت و با ارسال تسلیحات و اعزام کارشناسان نظامی به عراق بنیه نظامی این کشور را تقویت نمود. از سال ۱۹۸۶ و با ظاهرشدن نشانه‌های شکست مجدد در عراق، حمایت نظامی شوروی از عراق به صورت ویژه تشدید شد. روزنامه القبس چاپ کویت می‌نویسد: «شوروی یک پل هوایی برای حمل اسلحه و مهمات به عراق برقرار کرده است. گریچف با ارسال نامه‌ای به برخی از سران عرب، به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد».^۲

در نوامبر ۱۹۸۲، بین هزار تا هزار و دویست کارشناس نظامی شوروی به عراق بازگشتند و ۴۰۰ دستگاه تانک T55 و ۲۵۰ دستگاه تانک T72 به عراق داده شد و مقادیر عظیمی از موشک‌های فراگ ۷، سام ۹ و اسکاد B به عراق ارسال شد.

چارلز فیلیپ دیوید در کتاب «جنگ خلیج فارس توهم پیروزی» می‌نویسد: «شوروی با ۶۱٪ بزرگترین تامین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق بود».

همکاری شوروی در شورای امنیت سازمان ملل در صدور قطعنامه‌های این شورا در حمایت از عراق و مخالفت با ایران بعنوان یکی از اقدامات مهم این کشور در حمایت از عراق در عرصه دیپلماسی بود. شوروی تا آخرین روز جنگ بعنوان مهمترین حامی و پشتیبان عراق در جنگ بر علیه ایران بود. صادرات سلاح شوروی به عراق از ده میلیارد دلار در طول جنگ تحمیلی فراتر رفت.

علاوه بر کشورهای فوق چین، برزیل، آرژانتین، آفریقای جنوبی و ... از دیگر منابع تامین سلاح عراق در طول جنگ تحمیلی بود.

عربستان:

پیروزی انقلاب اسلامی و الهام بخشی آن برای مردم کشورهای منطقه، زنگ خطر را برای احکام مرتجع این کشورها به صدا درآورد. عربستان با برخورداری از اقلیت جمعیت شیعه که بین ده تا پانزده درصد کل جمعیت این کشور برآورد می‌شد نیز این نگرانی را احساس نمود. حضور و سکونت جمعیت شیعه عربستان در مناطق شرقی و نفت خیز این کشور، نگرانی حکام مستبد آن را بیشتر نموده بود. لذا دشمنی آنها با انقلاب اسلامی از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع شد و با آغاز جنگ تحمیلی به اوج رسید. عربستان با رهبری و ایجاد اجماع در جهان عرب بر علیه ایران منابع این کشورها را به نفع عراق بر علیه ایران متمرکز نمود. در کنفرانس طائف در عربستان در تابستان ۱۳۵۹ پادشاه عربستان یک بسته حاوی جزئی‌ترین اطلاعات در مورد ایران به ویژه توان نظامی آن را در اختیار صدام قرار داد.

عربستان مهمترین تامین کننده منابع مالی صدام بود به نحویکه در منابع مختلف کمک این کشور به عراق در طول جنگ تحمیلی بین ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

همچنین حمایت از عراق در مجامع بین‌المللی و جهانی، ایجاد خط لوله نفتی از خاک این کشور به دریای سرخ و در اختیار قرار دادن بنادر برای بازرگانان عراق، حمله به حجاج ایران در سال ۱۳۶۶ و شهادت ۴۰۰ حاجی ایرانی پس از قطعنامه ۵۹۸ برای فشار به ایران، حمایت سیاسی از عراق در اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج (فارس)، تحریک و تشویق صدام به ادامه جنگ و مقاومت در برابر ایران به ویژه پس از فتح خرمشهر، حضور برخی از نیروهای نظامی این کشور در صحنه‌های جنگ، قول مساعد عربستان به همراه سایر کشورهای حوزه خلیج فارس برای حمایت مالی از عراق در صورت آغاز جنگ علیه ایران از دیگر اقدامات عربستان در طول جنگ تحمیلی بود.

کویت:

نقش کویت در جنگ تحمیلی بعنوان مکمل نقش عربستان در کمک‌های مالی به عراق و حمایت از این کشور در جوامع جهانی و بین‌المللی بود. کویت با اعطای بیشتر از ۱۵ میلیارد دلار کمک بلاعوض و ۱۶ میلیارد دلار سایر تسلیحات به تجهیز ماشین جنگی صدام کمک نمود.

کشور کویت با قرار دادن بنادر و سواحل خود در اختیار عراق عملاً به بارانداز کالاها و تجهیزات نظامی به مقصد عراق تبدیل شده بود. ارسال سلاح و مهمات جنگی توسط ارتش کویت به عراق نیز بخش دیگری از حمایت‌های کویت از صدام بود. در اختیار قرار دادن پایگاه هوایی "علی‌السالم" برای جنگنده‌های عراقی به منظور کاهش فاصله تا جزیره خارک (بعنوان قلب صادرات نفت ایران) باعث سهولت دسترسی عراق به مرکز استراتژیک نفتی ایران شد.

از بین کشتی‌های حامل محموله نظامی از طریق کویت به عراق در سی‌ام خرداد ۱۳۶۴، کشتی کویتی المحراق با ۱۰۵۰۰ تن محموله نظامی توسط ایران توقیف و تخلیه شد. بندر شعبیه کویت به تخلیه کالا برای عراق اختصاص یافته بود.

جمع‌آوری اطلاعات توسط کشتی‌های کویتی در پوشش ماهیگیری از ایران، اعزام اجبار عراقی‌های مقیم کویت به جنگ برعلیه ایران، درخواست از آمریکا برای اسکورت نفتکش‌های کویتی در خلیج فارس و کشاندن آمریکا با این بهانه به خلیج فارس، فروش نفت حاصل از میدان نفتی رمیله و واریز آن به حساب عراق به ارزش ۲۵ میلیارد دلار، و ... برخی از اقدامات کویت در حمایت از صدام بود. صدام دو سال پس از پایان جنگ با ایران به کویت حمله و آنرا اشغال نموده و تمام منابع با ارزش آنرا غارت نمود و کویت را استان نوزدهم خود اعلام کرد و پاداش ۱۰ سال حمایت بی‌دریغ کویت از صدام را داد.

اردن:

ملک حسین شاه اردن اولین توپ شروع جنگ صدام علیه ایران را بصورت نمادین شلیک نمود و به صورت علنی از صدام حمایت کرد. وی در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲ قبل از آغاز جنگ حمایت خود را از صدام بدینگونه اظهار می‌دارد: «وظیفه اعراب است که برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات هر کجا که باشد همکاری کنند، ما به عنوان کشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچگونه تجاوزی از هر مسیری که باشد به هیچ جزئی از خاک عراق صورت گیرد».^۱

اردن با ارسال سلاح و تجهیزات، نیروی نظامی، جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی و دولتی برای صدام، اختصاص بندر عقبه این کشور برای ارسال تجهیزات و امکانات به عراق و حمایت در عرصه دیپلماسی و تبلیغاتی و ... به عراق در جنگ هشت ساله‌اش علیه ایران کمک کرد.

مصر:

کشور مصر که پس از قرارداد کمپ دیوید از اتحادیه عرب اخراج شده بود از شروع جنگ تحمیلی (با حمایت آمریکا) بعنوان فرصتی برای بازگشت به جهان عرب و نقش‌آفرینی در آن، استفاده نمود. مصر با حمایت عربستان به شرط حمایت از عراق در جنگ علیه ایران دوباره به جهان عرب بازگشت. به لحاظ وزن ژئوپولیتیک مصر (کانال سوئز و دریای مدیترانه، همسایگی با اسرائیل، جغرافیای بزرگ جمعیت بالا و ارتش قوی)، حمایت آن از عراق می‌توانست تعیین کننده باشد. بعد از قرارداد کمپ دیوید که مصر به اردوگاه غرب منتقل شد تجهیزات شرقی این کشور از رده خارج گردیده و تجهیزات آمریکایی و غربی جایگزین آن شد. مصر ادوات و امکانات جنگی قدیمی و شرقی خود را در اختیار عراق قرار داد. علاوه بر آن با اعزام بیش از سی هزار نفر نیروی نظامی در جنگ مستقیم علیه ایران شرکت نمود. بیش از یک و نیم میلیون نفر کارگر مصری در کارخانجات و ادارات عراق مشغول بکار شدند تا نیروی کار عراق از این مراکز آزاد و به جبهه‌های جنگ علیه ایران اعزام شوند. کمک‌های نظامی مصر به عراق شامل چندین اسکادران هواپیمای میگ (ساخت شوروی) تانک‌های تی ۷۲ و تی ۵۵ و تی ۶۲ و سایر تجهیزات بود. ارسال ۳۰۰ تانک روسی و ۳۷۵ میلیون دلار تجهیزات نظامی در یک سال اول جنگ و حضور خلبانان و کارشناسان و سربازان نظامی در عراق و جبهه‌های جنگ (حدود ۱۵ هزار سرباز) و همچنین ارسال چهار اسکادران جنگنده

^۱ شیخ الصباح سفیر عراق در واشنگتن سال ۱۹۹۰

میگ ۲۲ و ۲۳ روس (۲۳ اردیبهشت ۶۱) ، نمونه ای از این اقدامات بود . در مقابل صدام برای خروج رژیم مصر از انزوا که حاصل قرارداد کمپ دیوید بود و بازگشت به جهان عرب ، تلاش نمود.

سایر کشورهای عربی:

این کشورهای عربی (بغیر از سوریه و لیبی) عمدتاً طرفدار و حامی عراق بودند. کشورهای حوزه خلیج فارس با کمک های مالی مکمل منابع مالی عربستان و کویت بودند و کشورهای شمال آفریقا مثل سودان و ... نیز در تامین منابع انسانی جبهه عراق مشارکت داشتند.

لیبی نیز که در ابتدا به خاطر انگیزه های شخصی معمر قذافی در مخالفت با صدام در کنار ایران بود در اواخر جنگ به حمایت از صدام گرایش پیدا کرد.

سوریه:

سوریه تنها کشوری بود که در طول ۸ سال دفاع مقدس فقط از ایران پشتیبانی نمود و تا پایان جنگ مخالف عراق بود و تقریباً هیچ حمایتی از عراق انجام نداد. مهمترین اقدام سوریه در عرصه دیپلماسی، حمایت از ایران در اتحادیه عرب و ایجاد شکاف در صف کشورهای عربی در حمایت از صدام بود که بسیار به ایران در این عرصه کمک نمود و از ایجاد یک جبهه متحد عربی بر علیه ایران جلوگیری نمود. سوریه با قطع صادرات نفت عراق از طریق خط لوله نفت این کشور به دریای مدیترانه باعث ضربه جدی به درآمدهای ارزی عراق شد. سوریه از اوایل جنگ یکی از مهمترین مسیر های تامین اسلحه و مهمات ایران بود. همچنین این کشور با سازماندهی مخالفین صدام به حمایت از آنها پرداخت که هدف آنها ایجاد نا آرامی و سرنگونی صدام بود. به جرات می توان گفت که سوریه ازبیشتر ابعاد ظرفیت قدرت ملی خود در طول هشت سال دفاع مقدس به نفع ایران استفاده نمود. البته انگیزه های مختلفی در این حمایت نقش داشت ولی برای ایران این حمایت سوریه تعیین کننده بود.

نتیجه گیری:

در طول هشت سال دفاع مقدس کشورهای جهان در سه گروه دشمن، بی طرف و دوست ظاهر شدند که تنها کشور سوریه در جبهه دوستان ایران بود و برخی کشورها مثل چین، ترکیه، کره شمالی، آفریقای جنوبی، برزیل، آرژانتین جزء کشورهای بی-طرف بودند که هم به ایران و هم به عراق سلاح می فروختند ولی عمده کشورهای قدرتمند و تاثیر گذار دنیا مثل اردوگاه غرب به رهبری آمریکا، شوروی و بیشتر همپیمانانش، کشورهای خاورمیانه و اعراب از اردوگاه مخالفین ایران و حامیان صدام بودند و در واقع ایران یک تنه با تمام دنیا که از هیچ کمکی به صدام (حتی تسلیح آنها به سلاح های شیمیایی) فروگذار نکردند جنگیدند و با امداد الهی مانع از دستیابی دشمن به اهدافش شد.

رشد ارتش عراق از حمله به ایران تا حمله به کویت

یگان (زمینی)	پرسنل زمینی	توپخانه	زرهی	هلی کوپتر	هواپیما	***
۱۲ لشکر	۲۰۲۰۰۰	۹۰۰ قبضه	۳۵۳۰	۸۰	۳۰۰	موجودی در آغاز جنگ
	۴۱۰۰۰۰	۹۶۵	۷۳۶۸	۹۱	۲۳۸	خسارات ۸ سال

۵۷	۶۷۷۰۰۰	۳۹۰۰	۶۲۳۰	۳۲۵	۶۱۰	موجودی در پایان جنگ
۶۶	۹۰۰۰۰۰	۴۵۰۰	۷۵۰۰	۴۰۰	۷۵۰	موجودی در آغاز حمله به کویت

صدور تکنولوژی عادی و پیشرفته به عراق طی سال های ۶۷-۱۳۶۳ (به میلیون دلار)

کشور تکنولوژی	امریکا	بریتانیا	آلمان غربی	ایتالیا	فرانسه
عادی	۳۵۰۰	-	۵۰۰	۲۰۰	۵۰۰
پیشرفته	۱۰۰۰	۳۵۰۰	۴۵۰۰	۲۸۰۰	۲۵۰۰
جمع	۴۵۰۰	۳۵۰۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰

اگرچه با تمهیدات قدرت های استکباری و حامیان رژیم عراق، جمهوری اسلامی نتوانست به پیروزی نظامی قطعی دست یابد ولی در نیل به اصلی ترین اهداف خود در این نبرد که حفظ استقلال، تمامیت ارضی، جلوگیری از دسیاهی دشمن به اهداف خود (کوتاه مدت، میان مدت، بلند مدت) و استحکام پایه های انقلاب اسلامی بود، موفق شد و در این راه تنها با حمایت و پشتیبانی های مردمی، دفاعی ۸ ساله را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص های انقلابی- دینی تثبیت کرد و در تاریخ ملی ایران به دستاوردهای بی سابقه ای نائل شد که بازگرداندن امنیت به مرزهای کشور در برابر تجاوزی سنگین و طولانی بود، چیزی که در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران سابقه نداشت.

پس از برقراری آتش بس در تاریخ ۶۷/۵/۲۹ آتش سلاح ها پس از یک جنگ بی وقفه هشت ساله خاموش شد. عراق از ابتدای جنگ تا پایان آن ضمن مصرف ذخیره سی میلیارد دلاری بیش از یکصد میلیارد دلار نیز قرض کرده بود. این قرض عمدتاً از تامین کنندگان سلاح برای این کشور شامل شوروی، فرانسه، انگلیس، آلمان و آمریکا و برخی کشورهای آمریکای جنوبی و... همچنین منابع مالی عراق شامل کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مثل عربستان و کویت بود.

اگرچه این کمکها در طی جنگ مانع از سقوط قطعی و حتمی صدام شد ولی بحران عظیمی را پس از خاتمه جنگ پیش روی عراق قرار داد عراق صاحب یک ارتش یک میلیون نفری بود که در آن زمان پنجمین ارتش قدرتمند دنیا بود که هزینه نگهداری تجهیزات و امکانات نظامی و پشتیبانی آن سالانه به بیست میلیارد دلار هزینه نیاز داشت. صدام در پایان جنگ با یک شکست (عدم دستیابی به اهداف آغاز جنگ) مواجه بود ضمن اینکه از باقی ماندن در قدرت نیز مسرور بود. در مقابل وی یک ارتش بزرگ و یک لیست بدهی بلند وجود داشت. صدام دو سال پس از خاتمه جنگ با ایران و عدم دستیابی به اهداف خود از جمله رفع ضعف ژئوپلیتیک خود در دستیابی به آبهای آزاد خلیج فارس، نهایتاً در یک حمله غافلگیرانه در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۱۱ تهاجم به کویت را شروع و در عرض ۴ ساعت این کشور را اشغال نمود. این حرکت صدام تحولاتی را در منطقه ایجاد نمود. اکثر کارشناسان و تحلیل گران سیاسی و نظامی معتقدند حمله صدام به کویت نتیجه شکست در دستیابی به اهداف در جنگ با ایران بود. اگر چنانچه صدام در حمله به ایران به اهداف خود از جمله تسلط کامل بر اروندرود و خوزستان دست می یافت حمله به کویت مفهومی نداشت.

حمله صدام به کویت باعث شد که حامیان دیروز وی بر علیه او متحد شوند و لب به اعترافاتی بکشایند که بسیاری از مسائل پشت پرده و حمایت های بی دریغ غرب از صدام در طول هشت سال دفاع مقدس را آشکار ساخت. صدام قبل از حمله به کویت در تاریخ ۶۹/۲/۵ شروع به نامه نگاری با ریاست جمهوری ایران نمود. اولین نامه وی توسط یاسر عرفات به مسئولین ایرانی

ارسال شد. جریان مکاتبات تا نامه ششم صدام ادامه یافت و وی نهایتاً^۱ در نامه ششم در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۳ به کلیه حقوق ایران در قرارداد ۱۹۷۵ و پیروزی ایران اشاره نمود:

این اقرار و اعتراف صدام سند دیگری بر پیروزی قطعی ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس است.

پیروزیهای ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس را از دو نظر و دیدگاه می توان بررسی نمود در دیدگاه کلاسیک و متعارف مادی که معمولاً تحلیلگران دنیا از این نگاه به آن می نگرند. دست آوردهای هشت سال دفاع مقدس برای هیچ کس حتی مغرض ترین مفسران و تحلیل گران و اندیشمندان سیاسی و نظامی نیز پوشیده نیست و در اظهارات و مکتوبات بسیاری از آنها به این نکته اشاره شده است برای روشن شدن این موارد با تأکید بر مفاهیم شکست و پیروزی که در فصل اول مورد اشاره قرار گرفت به بررسی آن می پردازیم.

با توجه به اهداف اعلام شده صدام و حزب بعث در تهاجم به ایران که در فصل چهارم مورد اشاره قرار گرفت در پایان جنگ تحمیلی و پذیرش مجدد قطعنامه ۵۹۸ توسط شخص صدام حسین در ۱۳۶۹/۵/۲۳، وی صریحاً^۱ به پیروزی جمهوری اسلامی ایران اقرار می کند.

با توجه به اظهارات صدام حسین که کتباً^۱ طی نامه ای رسمی به رئیس جمهور وقت ایران اعلام شد، وی مرزهای بین المللی را مطابق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به رسمیت شناخت و به عدم دستیابی خود به اهدافش از شروع جنگ اعتراف نمود در طی دفاع مقدس، حماسه ها، شجاعت ها، ایثارها و جانفشانی های ملت ایران باعث شد که دشمن مهاجم به هیچ یک از اهداف خود (تسلط بر اروند رود، تجزیه خوزستان، استرداد جزایر سه گانه، سقوط جمهوری اسلامی ایران و ...) دست پیدا نکند که این یک پیروزی مطلق برای جمهوری اسلامی که نیروی مدافع در این حماسه بود به شمار می رود.

دستاوردهای دفاع مقدس از منظر روابط بین الملل:

۱- حفظ تمامیت ارضی کشور. پس از خاتمه جنگ حتی یک متر مربع از خاک میهن اسلامی در اشغال تجاوزگر باقی نماند.

۲- سقوط صدام و حزب بعث. به عقیده بسیاری از کارشناسان نظامی و سیاسی حمله عراق به کویت که سرآغاز درگیری صدام با غرب و سرنگونی وی گردید در نتیجه عدم دستیابی به اهداف خود (تسلط بر اروند رود و سواحل خلیج فارس، رهبری جهان عرب، ژاندامری منطقه و ...) در جنگ با ایران بود. اگر چنانچه عراق موفق می شد بر اروندرود و جزیره آبادان تسلط یابد و استان خوزستان را از ایران تجزیه نماید قطعاً^۱ حمله به کویت در آن شکل و حجم اتفاق نمی افتاد.

۳- تقویت انسجام ملی و روحیه مقاومت و ایستادگی در کشور. حضور گروهها و قشرهای مختلف مردم از کارگر، کارمند، دانش آموز و دانشجو و ... در صحنه های مختلف جنگ باعث ایجاد اعتماد به نفس و اتحاد و انسجام ملی شد.

۴- اثبات حقانیت جمهوری اسلامی. وقتی که جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ جنایات و تجاوزات صدام را به جهانیان اعلام می کرد گوش شنوایی وجود نداشت اینکه صدام جنگ را شروع نموده و به خاک ایران تجاوز نموده مورد توجه مجامع جهانی قرار نمی گرفت. پایان جنگ و پذیرش خواسته های ایران توسط صدام رسماً^۱ به خواسته های ایران حقانیت و

^۱ پیوست سوم نامه ششم صدام

رسمیت بخشید. همچنین اعلام متجاوز بودن عراق و مسئول آغاز جنگ توسط "خاویر پترزکوئیار" دبیرکل سازمان ملل در تاریخ ۱۳۶۹/۹/..... حقانیت بیش از پیش ایران در مجامع جهانی را اثبات نمود و به یکی از خواسته های ایران از ابتدای شروع جنگ، جامه عمل پوشاند.

روزنامه الیوم، چاپ عربستان پس از قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام در نامه ششم، نوشت: «ایران بدون آنکه حتی یک گلوله شلیک کند، به تمام خواسته های خود دست یافت». لذا جنگ با فشار نظامی و راه حل سیاسی پایان یافت.

۵- ایجاد و توسعه صنایع دفاعی. تحریم های جنگ باعث شد که مسئولان و متخصصان دفاعی کشور از همان ابتدای جنگ به فکر ایجاد صنایع دفاعی غیر وابسته افتادند و ضمن ایجاد این صنایع در رشته های مختلف، نسبت به توسعه آن اقدام نمودند. توان دفاعی امروز کشور، مدیون دفاع مقدس و نیازمندیهای آن دوران است.

۶- ایجاد بازگرداندگی دفاعی. حماسه مقاومت پرشور ملت ایران از جنبه های مختلف یک بازدارندگی ملی برای ایران ایجاد نمود. بازدارندگی در عرصه روانی باعث ایجاد یک چهره منسجم و متحد و مقاوم و حامی دین و کشور از مردم ایران در بین ملت ها و دولت های دیگر گردید بنحوی که امروز نیز، دشمنان انقلاب اسلامی در رصد تهدیدات خود به وضوح به روحیه دینداری و میهن پرستی ایرانیان اشاره می کنند و اظهار میدارند که هر گونه حمله خارجی، موجب اتحاد بیشتر ایرانیان می شود.

از دیگر جنبه های بازدارندگی دفاع مقدس، دستاوردها و تجربیات گرانقدر دفاعی و خودکفایی در ساخت تجهیزات پیشرفته نظامی است بنحوی که پیشرفت ایران در دانش فضا و موشک های بالستیک، موجب وحشت، استکبار گردیده است.

۷- تایید مرزهای بین المللی توسط سازمان های جهانی و شورای امنیت. قطع نامه ۵۹۸ در بند یک خود به مرزهای بین المللی اشاره می کند، که آخرین بیانیه مشترک ایران و عراق (۱۹۷۵ الجزایر) می باشد. لذا ما در پایان دفاع مقدس علاوه بر گرفتن امضاء و اقرار مجدد از شخص صدام حسین در تایید این قرارداد، آنرا به تایید شورای امنیت نیز رساندیم. در پایان جنگ قطعیت و رسمیت بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر بیش از قبل گردید.

موارد فوق از عناصر برجسته دستاوردهای دفاع مقدس بود.

۸- اعلام متجاوز بودن عراق. اگر چه این مطلب در سطور قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفت ولی از آنجا که این نکته یکی از مطالبات و خواسته های اصلی ایران در طول جنگ تحمیلی بود، با اعلام متجاوز بودن عراق در تاریخ ۱۳۶۹/۹/... توسط سازمان ملل، این خواسته ملت ایران نیز محقق شد.

از دیگر دستاوردهای دفاع مقدس در حوضه های مختلف می توان به اعتماد به نفس و خود باوریت تقویت روحیه ایمان و شهادت طلبی، رشد باورهای دینی، تولد و رشد تفکر و فرهنگ بسیجی، تقویت عزم و انسجام ملی، تجارب ارزشمند مدیریت سیاسی و اقتصادی و نظامی در عرصه های بحران، کارامدی تفکر دینی و نقش مساجد در اداره بحران، قابلیت مبارزه با نظام سلطه و قدرتهای سلطه گر، کسب اعتماد به نفس در تامین امنیت منطقه، آزمون سازمانهای بین المللی و اشاره نمود.

بخش دیگری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اعتقادی و معنوی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که حضرت امام خمینی (ره) به این دستاوردها اشاره می‌نماید.

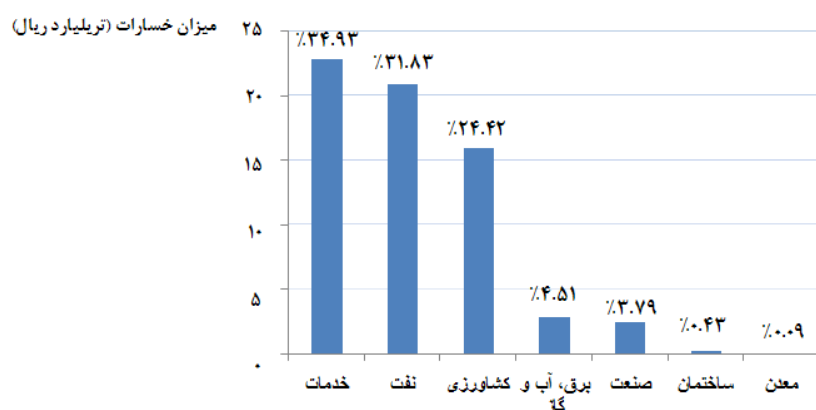
دستاوردهای دفاع مقدس از نگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی با نگاهی الهی چهره‌هایی از دستاوردهای دفاع مقدس را تصویر نمودند که امروزه شاهد تحقق بسیاری از آنها در سطح منطقه و جهان هستیم

- ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم .
 - ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
 - جنگ ما فتح افغانستان را به دنبال خواهد داشت.
 - جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت.
 - جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
 - صدای اسلام خواهی آفریقا از جنگ ۸ ساله ماست.
 - ما برای ادای تکلیف جنگیده ایم و نتیجه فرع آن بوده است.
 - جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور و ...
 - چه صلح باشد و چه جنگ ما باید آماده و مهیا باشیم.
 - چه صلح باشد و چه جنگ ما باید آماده و مهیا باشیم.
 - دفع تجاوز
 - اثبات صلابت اسلام
 - صدور انقلاب به جهان
 - ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم.
 - ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخوار کنار زدیم.
 - ما در جنگ دوستان و دشمنان را شناختیم .
 - ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم.
 - ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم .
 - ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردم مان بارور کردیم.
- و بسیاری از موارد دیگر که در بیانات و اظهارات معظم اله در طول دوران دفاع مقدس و پس از آن می توان آن را
- رسد کرد.

آسیبهای مادی جنگ

ردیف	بخش	خسارات وارده (میلیون ریال)	سهم (درصد)
۱	کشاورزی	۱۵,۹۵۷,۳۳۲	۲۴/۴۲
۲	معادن	۵۹,۲۰۰	۰/۰۹
۳	صنعت	۲,۴۷۸,۷۱۹	۳/۷۹
۴	نفت	۲۰,۷۹۹,۵۴۰	۲
۵	برق، آب و گاز	۲,۹۴۸,۶۵۷	۳
۶	ساختمان	۲۸۲,۴۳۴	۰/۴۳
۷	خدمات	۲۲,۸۲۷,۸۶۸	۳۴/۹۳
	جمع	۶۵,۳۵۳,۷۵۰	۱۰۰



میزان خسارات وارده به بخشهای مختلف اقتصادی ایران در هشت سال دفاع مقدس

شهدا ، جانبازان و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس

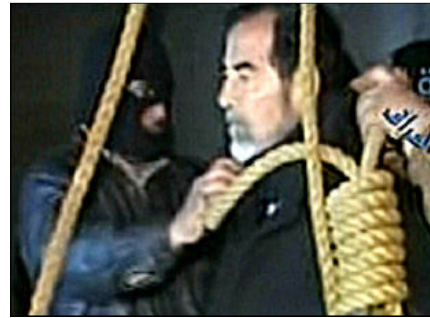
- کل شهدای انقلاب اسلامی ۲۱۷۰۰۰ نفر
- بیشترین آمار سالانه: ۴۱۰۰۰ شهید سال ۶۵ و ۳۲۰۰۰ شهید سال ۶۱
- شهید در خط مقدم دفاع مقدس : ۱۷۲۰۰۰ نفر
- شهید بمبارانهای جنگ شهرها : ۱۶۰۰۰ نفر
- شهدای شرارتهای ضد انقلاب و اشرار و قاچاقچیان و منافقین و کردستان و ترکمن صحرا : ۲۰۰۰۰ نفر
- گروه سنی ۱۶-۲۵ سال (نوجوانی و جوانی): ۱۵۵۰۰۰ شهید ۷۲٪
- شهدای ۲۰ ساله: ۳۱۰۰۰ نفر
- شهدای بسیج: ۸۵۰۰۰ نفر
- شهدای کادر رسمی سپاه: ۲۳۷۰۰ نفر
- شهدای کادر رسمی ارتش : ۹۱۰۰ نفر

- شهدای کادر وظیفه ارتش: ۴۷۲۰۰ نفر
- شهدای کادر وظیفه سپاه: ۴۱۰۰۰ نفر شهدای جهاد سازندگی : ۲۵۰۰ نفر
- شهدای کشور به نسبت کل جمعیت : از هر ۱۰۰۰ نفر ۴ نفر شهید
- آمار شهدای استان ها به ترتیب بیشترین شهید
- اصفهان : به ازای هر ۱۴۶ نفر جمعیت یک شهید ، در شهر اصفهان از هر ۷۰ نفر یک شهید
- قم: از هر ۱۴۹ نفر یک شهید
- سمنان: از هر ۱۵۶ نفر یک شهید
- سیستان و بلوچستان : از هر ۷۴۳ نفر یک شهید شهدای دانشجو حدود ۳ برابر نرم جمعیت سایر اقشار است.
- شهدای روحانی : ۳۱۱۷ نفر (۵ برابر نرم کشور "شهید و خانواده شهید")
- شهدای دانش آموز: ۳۶۸۹۸ نفر
- شهیدان خارجی عمدتاً عراقی و سایر شهدای اروپایی و غیره هستند.
- جانبازان ۲۵٪ و پایین : ۲۱۹۵۰۰ نفر
- جانبازان ۲۵٪ تا ۵۰٪ : ۱۵۲۰۰۰ نفر
- جانبازان ۵۰٪ تا ۷۰٪ : ۲۰۰۰۰ نفر
- جانبازان ۷۰٪ به بالا: ۷۵۰۰ نفر
- جانبازان قطع نخاع از گردن : ۲۲۰ نفر
- جانبازان قطع نخاع از کمر: ۱۷۰۰ نفر
- جانبازان قطع دست: ۱۲۲۵۰ نفر
- جانبازان قطع پا: ۱۸۵۰۰ نفر

مناطق تحت اشغال دشمن از آغاز تا پایان جنگ (به کیلومتر مربع)

سال وسعت	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم
اشغالی	۱۵۰۰۰	۱۳۶۰۰	۲۵۰۰	۱۹۰۰	۱۴۰۰	۱۴۰۰	۱۲۲۰	۱۰۷۰
آزاد شده	۱۴۰۰	۱۱۱۰۰	۶۰۰	۵۰۰	-	۱۸۰	-	۱۵۰

- نگاه آرمانی امام (ره) به جنگ و خونهای پاک هزاران شهید گلگون کفن دفاع مقدس موجب تحقق وعده نصرت الهی و پیروزی حق بر باطل گردید و صدام جنایتکار به دست حامیان دیروز خود (امریکا و غرب) ساقط و سپس دستگیر و در روز یکشنبه ، ۸۵/۸/۱۲ ساعت ۲۰/۱۳ دقیقه به شکل ذیلانه ای به دار آویخته شد.



این وعده نصرت الهی است :

ان تنصروا الله ینصرکم . اگر شما خدا را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری می کند(سوره محمد آیه ۷).
ان ینصرکم الله فلا غالب لکم . اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد(سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۰).

امام راحل عظیم الشان به فرزندان خود آموخت که جهاد خالصانه در راه خدا و برای خدا، یاری و نصرت قطعی خداوند را به دنبال خواهد داشت: "فرزندان انقلابیم بغض و کینه انقلابی تان را در سینه ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست."

فرزندان آن امام عزیز و ایران سربلند هرگز اجازه نخواهند داد که تاریخ پای هیچ بیگانه ای را در خاک پاک ایران ببیند. والسلام .

- ۱- روابط عمومی سپاه، کارنامه عملیات سپاهیان اسلام، ۱۳۶۸، تهران.
- ۲- درودیان محمد، سیری در جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۵، تهران.
- ۳- صیاد شیرازی علی، ناگفته های جنگ، نشر سوره، ۱۳۸۶، تهران.
- ۴- بهداروند محمد مهدی، سوداگر احمد، جنگ ار نگاه دیگر، خادم الرضا، ۱۳۸۰، تهران.
- ۵- منصوری لاریجانی اسماعیل، آشنایی با مبانی دفاع مقدس، خادم الرضا، ۱۳۸۸، تهران.
- ۶- درودیان محمد، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۰، تهران.
- ۷- بنادری عبدالحسین، سرباز سالهای ابری، فاتحان، ۱۳۸۹، تهران.
- ۸- ابوغزاله عبدالحلیم، جنگ ایران و عراق، ترجمه نادر نوروزشاد، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۰، تهران.
- ۹- درودیان محمد، از خونین شهر تا خرمشهر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۳، تهران.
- ۱۰- درودیان محمد، از خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۶۷، تهران.
- ۱۱- درودیان محمد، از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۳، تهران.
- ۱۲- درودیان محمد، از شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۶، تهران.
- ۱۳- درودیان محمد، پایان جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۹، تهران.
- ۱۴- درودیان محمد، نبرد شرق بصره، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۶، تهران.
- ۱۵- نداف مجید، گزارش سلسله عملیاتها، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۹، تهران.
- ۱۶- لطیف یحیی، من پسر صدام بودم، مترجم نجم الدین حمیدی، ۱۳۷۴، تهران.
- ۱۷- وفیق السامرای، ویرانی دروازه شرق، مترجم عدنان قارونی، انتشارات سپاه پاسداران، ۱۳۷۷، تهران.
- ۱۸- ماکس پری، کسوف، ترجمه غلامحسین صالحیار، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۳، تهران.
- ۱۹- اردستانی حسین، جنگ ایران و عراق رویارویی استراتژی ها، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۰- سردار سوداگر احمد، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۱- سردار علایی حسین، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۲- امیر مفید، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۳- امیر شمشانی علی، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۴- امیر موسوی قویدل، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۵- سردار صفوی رحیم، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۶- رضایی محسن، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۷- رحیمیان محمد حسن، سخنرانی در جلسه اساتید درس دفاع مقدس، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲۸- بیات حسن، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۷، تهران.

عناوین تحقیق درس دفاع مقدس

- ۱- نقش رزمندگان شهر، روستا، پایگاه، مسجد و... در عملیاتهای مختلف دوران دفاع مقدس
- ۲- نقش افشار مختلف (دانش آموزان، دانشجویان، فرهنگیان، زنان، نوجوانان، روحانیون و... در دفاع مقدس
- ۳- نقش فرماندهان شهید و شهدا در دفاع مقدس و عملیاتهای مختلف
- ۴- بررسی وجوه مختلف دفاع مقدس در ادامه و پایان جنگ و سرنوشت عملیاتهای مختلف (جنگ شهرها، جنگ نفتکشها، کاربرد سلاحهای شیمیایی، جهاد سازندگی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، تبلیغات، توپخانه، زرهی، پیاده، بهداری، مخابرات، مهندسی و تخریب و ...)
- ۵- بررسی مدیریت امام خمینی (ره) در دفاع مقدس و نگاه امام به جنگ
- ۶- نقش کشورها و قدرتهای اثر گذار بین المللی (غرب و شرق) و منطقه ای (اعراب و کشورهای خاور میانه) در شروع، ادامه و پایان جنگ
- ۷- علل آغاز، ادامه و پایان جنگ تحمیلی
- ۸- دستاوردهای دفاع مقدس در عرصه های مختلف (اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، عقیدتی و...)
- ۹- راهکارهای توسعه، ترویج و عمق بخشی به فرهنگ دفاع مقدس
- ۱۰- ضرورت بررسی و مطالعه دفاع مقدس توسط نسل های حاضر و آینده کشور
- ۱۱- سایر موضوعات مرتبط با دفاع مقدس و متناسب با ذائقه دانشجویان